



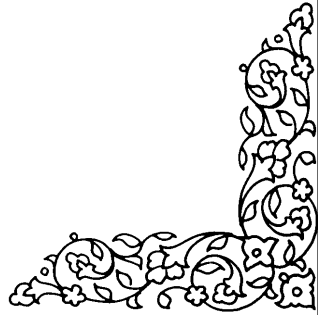
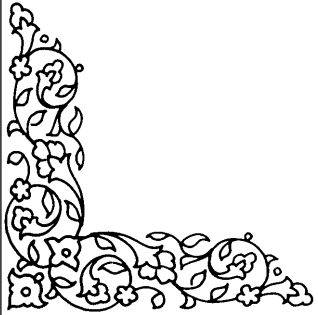
مروری بر تورات و انجیل،

نقدی بر

یهودیان و مسیحیان

نویسنده:

استاد قدرت الله بختیاری نژاد



سرشناسه :
عنوان و نام پدیدآور :
مشخصات نشر :
مشخصات ظاهری :
شابک :
وضعیت فهرست‌نویسی :
موضوع :
موضوع :
موضوع :
رده‌بندی‌کنگره :
رده‌بندی دیوبی :
شماره کتابشناسی ملی :

نام کتاب : **مروری بر تورات و انجیل، نقدی بر یهودیان و مسیحیان**
نویسنده : **استاد قدرت الله بختیاری نژاد اصفهانی**
حروفچینی : **سجاد**
ناشر : **انتشارات سرمایه سخن**
شمارگان : **۱۵۰۰ نسخه**
نوبت چاپ : **اول**
تاریخ انتشار : **۱۳۹۳**
صفحه و قطع : **۲۶۴ صفحه - وزیری**
چاپ و صحافی : **اسوه**

شابک ۰-۰۰-۰۰۰۰-۹۶۴-۹۷۸-۰۰۰-۰۰-۰۰-۰ ISBN 978-964-0000-00-0

قیمت ۰۰۰۰ تومان

ستایش و سپاس بی پایان
خداوند بزرگ مهربان را
که به لطف خود توفیق
تهیه این کتاب را مرحمت
فرمود.

به کوشش

علی بختیاری نژاد

Info@bakhtiarinejad.com

WWW.bakhtiarinejad.com

به نام خدا

فهرست مطالب

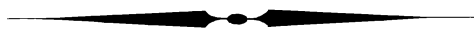
۱۱	۱- تاریخ نگارش کتاب عهد عتیق مشهور به تورات
۱۵	۲- تعالیم تورات
۲۱	۳- خشونت در تورات
۲۵	۴- حکم سنگسار در تورات
۲۹	۵- کشتار دسته جمعی در تورات
۳۱	قتل عام
۳۴	ارقام
۳۷	فریبکاری
۳۹	سنگدلی
۴۱	۶- سرکشی قوم یهود
۴۵	۷- سرزمین یهود
۴۹	۸- آمریکا در جنگ یهود

- ۹- دروغ و فریب (۱) ۵۳
 فریبکاران و فریب خوردگان یهودی ۵۳
- ۱۰- دروغ و فریب (۲) ۵۹
 فریبکاران و فریب خوردگان مسیحی ۵۹
- ۱۱- دروغ و فریب (۳) ۸۳
 چه کسانی مسیحیان را فریب داده و فریب می‌دهند؟ ۸۳
- ۱۲- دروغ و فریب (۴) ۸۹
- ۱۳- دروغ و فریب (۵) ۹۵
- ۱۴- دروغ و فریب (۶) ۱۰۱
- ۱۵- دروغ و فریب (۷) ۱۰۷
 مسیح، پیامبر عشق یا پیامبر خشونت؟ ۱۰۷
 عیسی مسیح مطابق انجیل پیغمبر عشق است یا پیغمبر خشونت؟ ۱۰۷
- انجیل متی ۱۱۰
 انجیل مرقس ۱۱۸
 انجیل لوقا ۱۱۹
 انجیل یوحنا ۱۲۲
- ۱۶- علت دشمنی یهودیان و مسیحیان با اسلام ۱۲۵
- ۱۷- حیات جاودانی و نجات ۱۲۹
 یوغ خفیف ۱۳۱
- ۱۸- مسیحیت «ایمان خالی به مسیح نیست، بلکه مسیحیت عمل به احکام است» ۱۳۵
 انجیل متی ۱۳۸

۱۴۷	انجیل مرقس
۱۴۹	انجیل لوقا
۱۵۱	انجیل یوحنا
۱۵۳	کتاب اعمال رسولان
۱۵۳	رومیان
۱۵۵	قرنتیان اوّل
۱۵۵	قرنتیان دوّم
۱۵۶	غلاطیان
۱۵۶	افسیسان
۱۵۷	فیلیپیان
۱۵۷	کولسیان
۱۵۷	تسالونیکیان اوّل
۱۵۷	تیمو تاؤس اوّل و دوّم
۱۵۸	تیطس
۱۵۸	عبرانیان
۱۵۸	رساله یعقوب
۱۵۹	رساله اوّل و دوّم پطرس
۱۵۹	رساله اوّل و دوّم و سوّم یوحنا
۱۶۱	۱۹- در مسیحیت واقعی مطابق انجیل فقط یک خدا وجود دارد.
۱۶۱	عیسی فقط مسیح است و پیغمبر خدا و فرستاده خدا
۱۶۳	خدای واحد در انجیل
۱۶۵	آیا مسیح و رسولان به خدای واحد اعتقاد داشتند یا به سه خدا؟
۱۶۵	عبادت خدا

- ۱۶۶ عیسی مسیح بنده خدا بود
- ۱۶۸ عیسی خدا نبود، پیغمبر خدا بود
- ۱۶۹ عیسی فرستاده خدا بود نه خدا
- ۱۷۱ پدر و پسر
- ۱۷۵ پدر در من
- ۱۷۸ من و پدر یک هستیم
- ۱۷۹ پسر یگانه
- ۱۸۰ عبادت عیسی
- ۱۸۱ عیسی مسیح پیرو تورات موسی بود
- ۱۸۴ عیسی مسیح انسان و پسر انسان بود
- ۱۸۶ توبه کنید
- ۱۸۹ ۲۰- مسیحیت واقعی
- ۱۸۹ سخنان طلایی
- ۱۹۰ مسیحی حقیقی
- ۱۹۲ عمل به احکام
- ۱۹۵ اراده خدا
- ۱۹۷ هدف احکام
- ۲۰۰ هدف مسیح
- ۲۰۱ گناهان
- ۲۰۸ رسالات
- ۲۱۳ مسیحی واقعی
- ۲۱۴ حساب اعمال
- ۲۱۶ جزای اعمال

۲۱۷	دروغ گویان
۲۲۱	شمشیر
۲۲۳	محبت
۲۲۶	مال قیصر
۲۲۹	یک تن
۲۳۰	پدر و فرزند
۲۳۳	غلام گناه
۲۳۴	حیات جاودانی
۲۳۶	ملکوت خدا
۲۳۸	جهنم
۲۴۳	خادم
۲۴۶	با قدرت
۲۴۸	زن
۲۵۰	زن و شوهر
۲۵۳	وظیفه زنان
۲۵۵	یک خدا
۲۵۸	پدر در من
۲۶۴	کلمه
۲۶۸	نبی مثل من
۲۶۹	نتیجه



۱

تاریخ نگارش کتاب عهد عتیق مشهور به تورات

کتاب عهد عتیق مشهور به تورات کم و بیش در حدود هزار سال

بعد از موسی علیه السلام نوشته شده

چون مطابق شماره ۱ باب ۶ کتاب اول پادشاهان، سلیمان ۴۷۶ سال بعد از خروج موسی از مصر پادشاه شد. و چون معبد سلیمان در سال ۴۸۰ یعنی چهار سال بعد از سلطنت سلیمان ساخته شد.

مطابق شماره ۴۲، باب ۱۱ کتاب اول پادشاهان سلیمان ۴۰ سال سلطنت کرد.

مطابق شماره ۲۱، باب ۱۴ کتاب اول پادشاهان رَحْبَعَام ۱۷ سال سلطنت کرد.

مطابق شماره ۲، باب ۱۵ کتاب اول پادشاهان اَبِیَام ۳ سال سلطنت کرد.

مطابق شماره ۱۰، باب ۱۵ کتاب اول پادشاهان آسا ۴۱ سال سلطنت کرد.

مطابق شماره ۴۲، باب ۲۲ کتاب اول پادشاهان یهوشافاط ۲۵ سال سلطنت کرد.

مطابق شماره ۱۷، باب ۸ کتاب دوم پادشاهان یهورام ۸ سال سلطنت کرد.

مطابق شماره ۲۶، باب ۸ کتاب دوم پادشاهان اخزیا ۱ سال سلطنت کرد.

مطابق شماره ۳، باب ۱۱ کتاب دوم پادشاهان عتلیا ۶ سال سلطنت کرد.

- مطابق شماره ۱، باب ۱۲ کتاب دوم پادشاهان یهوآش ۴۰ سال سلطنت کرد.
- مطابق شماره ۱ و ۲، باب ۱۴ کتاب دوم پادشاهان امصیا ۲۹ سال سلطنت کرد.
- مطابق شماره ۲، باب ۱۵ کتاب دوم پادشاهان عزریا ۵۲ سال سلطنت کرد.
- مطابق شماره ۳۳، باب ۱۵ کتاب دوم پادشاهان یوتام ۱۶ سال سلطنت کرد.
- مطابق شماره ۱ و ۲، باب ۱۶ کتاب دوم پادشاهان آحاز ۱۶ سال سلطنت کرد.
- مطابق شماره ۱ و ۲، باب ۱۸ کتاب دوم پادشاهان جزقیا ۲۹ سال سلطنت کرد.
- مطابق شماره ۱، باب ۲۱ کتاب دوم پادشاهان منسی ۵۵ سال سلطنت کرد.
- مطابق شماره ۱۹، باب ۲۱ کتاب دوم پادشاهان آمون ۲ سال سلطنت کرد.
- مطابق شماره ۱، باب ۲۲ کتاب دوم پادشاهان یوشیا ۳۱ سال سلطنت کرد.
- مطابق شماره ۳۱، باب ۲۳ کتاب دوم پادشاهان یهو آحاز ۳ ماه سلطنت کرد.
- مطابق شماره ۳۶، باب ۲۳ کتاب دوم پادشاهان الیاقیم ۱۱ سال سلطنت کرد.
- مطابق شماره ۸، باب ۲۴ کتاب دوم پادشاهان یهو یاکین ۳ سال سلطنت کرد.
- مطابق شماره ۱۸، باب ۲۴ کتاب دوم پادشاهان صدقیا ۱۱ سال سلطنت کرد.
- جمع کل از خروج بنی اسرائیل از مصر تا نابودی یهودا ۹۱۲ سال**

مطابق شماره ۹ تا ۲۱ : ۳۶ : کتاب دوم تواریخ ایام در زمان سلطنت نبوکد نصر پادشاه بابل : «خانه خدا (معبد سلیمان) را سوزاندند و حصار اورشلیم را منهدم ساختند و همه قصرهایش را با آتش سوزاندند و جمیع آلات نفیسه آنها را ضایع کردند و بقیه السیف را به بابل به اسیری بردند که ایشان تا زمان سلطنت پادشاهان فارس او را و پسرانش را بنده بودند.»

و مطابق باب اول کتاب عزرا : «... کورش ... فرمانی نافذ کرد» که یهودیان می توانند به اورشلیم بروند و خانه یهوه را بنا نمایند. ولی مطابق شماره ۴ : ۴ عزرا

«اهل زمین دستهای یهودا را سست کردند و ایشان را در بنا نمودن به تنگ آوردند.»
و مطابق شماره ۴:۵ عَزْرَا: «تا سلطنت داریوش، پادشاه فارس، قصد ایشان را باطل نمودند.» تا سال دوم سلطنت داریوش. و مطابق شماره ۶:۱۵ عَزْرَا: «ساختمان خانه در روز سوم در سال ششم داریوش پادشاه تمام شد.»

و مطابق شماره ۷:۱۱ عَزْرَا: «این است صورت مکتوبی (نامه ای) که ارتحشستا پادشاه به عَزْرَا ی کاهن و کاتب داد که کاتب کلمات و صایای خداوند و فرائض او بر اسرائیل بود.»

مطابق شماره ۳۶:۲۱ کتاب دوم تواریخ ایام اورشلیم «در تمامی ایامی که ویران ماند آرامی یافت تا هفتاد سال سپری شد.»

لذا کتاب عهد عتیق در حدود هزار سال بعد از خروج بنی اسرائیل از مصر بدست عَزْرَا ی کاهن نوشته شد.



۲

تعالیم تورات

چهار چیز را در تعالیم تورات می‌بینیم. اول دروغگویی برای رسیدن به هدف. چون ابراهیم پدر یهودیان برای رسیدن به هدف خود بسادگی دروغ می‌گفت. شماره ۱۱ تا ۱۹ باب ۱۲ سفر (کتاب) پیدایش می‌نویسد: «... چون نزدیک به ورود مصر شد (ابراهیم) به زن خود سارای گفت اینک می‌دانم که تو زن نیکو منظر هستی. همانا چون اهل مصر تو را ببینند گویند این زوجه اوست پس مرا بکشند و تو را زنده نگاه دارند. پس بگو تو خواهر من هستی تا به خاطر تو برای من خیریت شود و جانم به سبب تو زنده ماند... و امرای فرعون او را دیدند و او را در حضور فرعون ستودند پس وی را به خانه فرعون در آوردند... خداوند فرعون و اهل خانه او را به سبب سارای زوجه ابرام (ابراهیم) بیلایای سخت مبتلا ساخت و فرعون ابرام را خوانده گفت این چیست که بمن کردی چرا مرا خبر ندادی که او زوجه تو است... الان اینک زوجه تو، او را برداشته روانه شو.» و شماره ۲ تا ۱۲ باب ۲۰ پیدایش می‌گوید: «ابراهیم در خصوص زن خود ساره گفت که او خواهر من است و ابی ملک، ملک (پادشاه) جرار فرستاده ساره را گرفت و خدا در رؤیای شب بر



ابی ملک ظاهر شده بوی گفت اینک تو مرده ای بسبب این زن که گرفتی زیرا که زوجه دیگری می باشد... پس الآن زوجه این مرد را رد کن زیرا که او نبی است... پس ابی ملک ابراهیم را خوانده بدو گفت به ما چه کردی... ابراهیم گفت... او خواهر من است دختر پدرم اما نه دختر مادرم و زوجه من شد» ساره در آن زمان بیشتر از نود سال داشت. مطابق شماره ۱۷ باب ۱۷ پیدایش.

یعقوب لقب اسرائیل است. (مطابق شماره ۲۸ باب ۳۲ پیدایش) و بنی اسرائیل یعنی فرزندان اسرائیل فرزندان او بودند که شامل ده نسل یعقوب بودند که دولت یهود را تشکیل داده بودند. آنها مطابق شماره ۱۸ تا ۲۳ باب ۱۷ کتاب دوم پادشاهان، کتاب یازدهم عهد عتیق که ما به آن تورات می گوئیم توسط آشوریان در شهرهای آشور پراکنده شدند و از بین رفتند و «جز سبط یهودا فقط باقی نماند.» (شماره ۱۸ باب ۱۷ کتاب دوم پادشاهان) یعقوب به پدر پیر کورش دروغ گفت چون شماره اول تا ۲۴ باب ۲۷ پیدایش می گوید: «چون اسحاق پیر شد و چشمانش از دیدن تار گشته بود پسر بزرگ خود عیسو را طلبید، بوی گفت ای پسر من (عیسو) گفت لبیک اسحاق گفت اینک پیر شده ام و وقت اجل خود را نمی دانم. پس اکنون سلاح خود یعنی ترکش و کمان خویش را گرفته به صحرا برو و نخجیر (شکاری) برای من بگیر و خورشی برای من چنانکه دوست می دارم ساخته نزد من حاضر کن تا بخورم و جانم قبل از مردنم تو را برکت دهد. چون اسحاق به پسر خود عیسو سخن می گفت رَفَقَه (زن اسحاق و مادر عیسو و یعقوب) بشنید... رَفَقَه پسر خود یعقوب را خوانده گفت... بسوی گله بشتاب و دو بزغاله خوب از بزها نزد من بیاور تا از آنها غذایی برای پدرت آنطور که دوست می دارد بسازم و آن را نزد پدرت ببر تا بخورد و تو را قبل از وفاتش برکت دهد. یعقوب به مادر خود رَفَقَه گفت اینک برادرم عیسو مردی موی دار است و من مردی بيموی هستم شاید پدرم مرا لمس

نماید و در نظرش مسخره شوم و لعنت بعوض برکت بر خود آورم... پس یعقوب رفت و گرفته نزد مادر خود آورد و مادرش خورش ساخت بطوری که پدرش دوست می‌داشت و رفقه جامه فاخر پسر بزرگ خود عیسو را که نزد او در خانه بود گرفته به پسر کهنتر خود یعقوب پوشانید و پوست بزغاله‌ها را بر دست‌ها و گردن او بست... پس (یعقوب) نزد پدر خود آمده گفت ای پدر من (اسحاق). گفت لیبک تو کیستی ای پسر من. یعقوب به پدر خود گفت من نخست زاده تو عیسو هستم. آنچه بمن فرمودی کردم. الان برخیز بنشین و از شکار من بخور تا جانت مرا برکت دهد. اسحاق به پسر خود گفت ای پسر من چگونه بدین زودی یافتی؟ (یعقوب) گفت یهوه خدای تو بمن رسانید. اسحاق به یعقوب گفت ای پسر من نزدیک بیا تا تو را لمس کنم که آیا تو پسر من عیسو هستی یا نه. پس یعقوب نزد پدر خود اسحاق آمد و او را لمس کرده گفت آواز آواز یعقوب است لیکن دست‌ها دستهای عیسو است... پس او را برکت داد و گفت آیا تو همان پسر من عیسو هستی (یعقوب) گفت من هستم.» می‌بینیم که عزرا نویسنده یا گوینده عهد عتیق می‌گوید هم ابراهیم هم یعقوب برای رسیدن به هدف خود دروغ می‌گفتند. از کجا که خود عزرا در بسیاری از جاهای عهد عتیق دروغ نگفته باشد تا برحق بودن یهودیان را ثابت کند؟ چون خداوند در شماره ۱۵ باب ۲۱ تثنیه به موسی می‌گوید: «اگر مردی را دو زن باشد یکی محبوبه و یکی مکروهه و محبوبه و مکروهه هر دو برایش بزنند و پسر مکروهه نخست زاده باشد پس در روزی که اموال خود را به پسران خویش تقسیم نماید نمی‌تواند پسر محبوبه را بر پسر مکروهه که نخست زاده است حق نخست زادگی دهد بلکه حصه مضاعف از جمیع اموال خود را به پسر مکروهه داده او را نخست زاده خویش اقرار نماید.»

نخست زاده ابراهیم، اسماعیل بود. چون شماره ۱۵ باب ۱۶ پیدایش می‌گوید:



«هاجر از ابرام پسری زایید و ابرام (ابراهیم) پسر خود را که از هاجر زایید اسماعیل نام نهاد و ابرام هشتاد و شش ساله بود چون هاجر اسماعیل را برای او بزاد.» و شماره ۵ باب ۲۱ پیدایش می‌گوید: «ابراهیم در هنگام ولادت پسرش اسحاق صد ساله بود.» یعنی اسماعیل ۱۴ سال بزرگتر از اسحاق و نخست زاده ابراهیم بود. شماره ۱۷ باب ۱۷ پیدایش می‌گوید: «... ابراهیم... در دل خود گفت آیا برای مردی صد ساله پسری متولد شود و ساره در نود سالگی بزاید.» در صورتیکه ساره نازا و عقیم بود.

تعلیم دروغ‌گویی عهد عتیق درس بزرگی است که عزرا به یهودیان داده است. چون در آن زمان یهودیان اورشلیم تابع ایران بودند و اورشلیم و تمام فلسطین و ترکیه جزو ایران بودند. این درس را یهودیان در قرن ۲۱ بخوبی فرا گرفته‌اند و بسادگی می‌گویند ایران امروزه می‌خواهد بمب اتمی بسازد و آمریکا و اروپا هم حرف اسرائیل را تکرار می‌کنند. چون ترومن رئیس جمهوری آمریکا برای گرفتن پشتیبانی یهودیان آمریکا برای خود در اولین پارلمان اسرائیل به اسرائیل قول داد که در همه حال پشتیبان اسرائیل باشد. اگر بخاطر داشته باشید هم مک کین هم او باما هم خانم کلینتون هم به لابی آیک، لابی یهودیان صهیونیست، هم به دولت اسرائیل قول می‌دادند که پشتیبان اسرائیل باشند و آقای کارتر رئیس جمهور سابق آمریکا چند روز قبل از انتخابات اخیر آمریکا گفت: «هیچکس بدون تصویب یهودیان نمی‌تواند در آمریکا نماینده مجلس یا رئیس جمهور شود.» چون او باما مقداری با اسرائیل مخالفت می‌کرد لابی صهیونیست‌ها، آی‌پک، او را تهدید کرد و بلافاصله خانم کلینتون وزیر امور خارجه آمریکا در تاریخ ۱۷/۳/۱۹۱۰ گفت: «ما تعهد مطلق به حفظ اسرائیل داریم و پیوندی ناگسستنی بین آمریکا و اسرائیل وجود دارد.» مطابق آمار جهانی در سال گذشته تعداد یهودیان در جهان ۱۴ میلیون می‌باشد که ۷

میلیون آن در آمریکا هستند. با این وجود با تیزهوشی کامل با در دست گرفتن بانک‌ها و رادیوها و تلویزیون‌ها و روزنامه‌ها و فیلم‌پرداری‌ها، نبض افکار مردم آمریکا و اروپا و در نتیجه نبض افکار مردم جهان را در اختیار دارند. مرداک یک یهودی استرالیایی به تنهایی در بیشتر کشورهای آمریکا و اروپا صدها روزنامه و مجله و رادیو و تلویزیون و استودیوی فیلم‌پرداری دارد. امروزه قدرت در دست کسانی است که وسائل ارتباط جمعی را در دست دارند.

من سیاسی نیستم و جزو هیچ دار و دسته و حزبی نیستم ولی مسلمانم و لذا وظیفه دارم حقایق دین و اجتماع را بگویم، آنهم نه برای امروز بلکه برای مردم آینده.



۳

خشونت در تورات

آنطور که تورات (کتاب عهد عتیق) می‌گوید: موسی بنی اسرائیل را از مصر بیرون آورد. آنها سرزمینی نداشتند. شماره ۵۱ تا ۵۳ باب ۳۳ اعداد کتاب چهارم عهد عتیق می‌گوید: «خدا به موسی خطاب کرده گفت: «بنی اسرائیل را خطاب کرده به ایشان بگو چون از اردن به زمین کنعان عبور کنید جمیع ساکنان زمین را از پیش روی خود اخراج نمایید و تمامی صورت‌های ایشان را خراب کنید و تمامی بت‌های ریخته شده ایشان را بشکنید و همه مکان‌های بلند ایشان را منهدم سازید و زمین را به تصرف در آورده و در آن ساکن شوید زیرا که آن زمین را به شما دادم تا مالک آن باشید.» شماره ۲ و ۳ باب ۲۱ اعداد می‌گوید: «اسرائیل برای خدا نذر کرده گفت اگر این قوم را بدست من تسلیم نمایی شهرهای ایشان را بالکل هلاک خواهم ساخت. پس خداوند دعای اسرائیل را مستجاب فرموده کنعانیان را تسلیم کرد و ایشان شهرهای ایشان را بالکل هلاک ساختند و آن مکان حُرْمه نامیده شد.» شماره ۷ تا ۱۸ باب ۳۱ اعداد می‌گوید: «با مدیان بطوری که خداوند موسی را امر فرموده بود جنگ کرده همه ذکوران را کشتند. در میان کشتگان ملوک مدیان یعنی آوی و راقم و صور و حور و رابع پنج پادشاه مدیان را کشتند... زنان مدیان و اطفال ایشان



را به اسیری بردند و جمیع بهایم و جمیع مواشی (حیوانات) ایشان و همه املاک ایشان را غارت کرده و تمامی شهرها و مساکن و قلعه‌های ایشان را با آتش سوزانیدند... موسی غضبناک شد و به ایشان گفت... الآن هر ذکوری از اطفال (بچه‌ها) را بکشید و هر زنی را که مرد را شناخته با او هم بستر شده باشد بکشید و از زنان هر دختری را که مرد را شناخته و با او هم بستر نشده برای خود زنده نگاه دارید.» در صورتیکه فرعون دستور داده بود پسران تازه متولد شده را بکشید. (شماره ۱۶ باب اول خروج، کتاب دوم عهد عتیق) شماره ۱ و ۲ باب ۷ تثنیه، کتاب پنجم عهد عتیق می‌گوید: «چون یهوه خدایت تو را به زمینی که برای تصرفش به آنجا می‌روی درآورد و امت‌های بسیاری را که حَتیان و جرجاشیان و آموریان و کنعانیان و فرزیان و حوئیان و یبوسیان هفت امت بزرگتر و عظیم‌تر از تو باشند اخراج نماید و چون یهوه خدایت ایشان را بدست تو تسلیم نماید و تو ایشان را مغلوب سازی آنگاه ایشان را بالکل (تمامی) هلاک کن و با ایشان عهد مبند و بر ایشان ترحم منما.» شماره ۱۳ تا ۱۶ باب ۲۰ تثنیه می‌گوید: «چون یهوه خدایت آن را به دست تو بسپارد جمیع ذکوراتش را به دم شمشیر بکش، لیکن زنان و اطفال و بهایم و آنچه در شهر باشد یعنی تمام غنیمتش را برای خود به تاراج ببر و غنایم دشمنان خود را که یهوه خدایت به تو دهد بخور... هیچ ذی نفس (موجود زنده) را زنده مگذار.» اینها در باره موسی است.

همانطور که می‌بینیم در کتاب عهد عتیق (سلام بر او: موسی) وجود ندارد ولی

آیه ۱۲۰ صافات سوره ۳۷ می‌فرماید: «سلام بر موسی و هارون.»

یوشع جانشین موسی عليه السلام در بین بنی اسرائیل بود و فتوحات بعد از موسی عليه السلام را انجام داد. شماره ۲۱ باب ۶ صحیفه یوشع، کتاب ششم عهد عتیق، در باره آریحا می‌گوید: «هر آنچه در شهر بود از مرد و زن و جوان و پیر حتی گاو و گوسفند و الاغ را به دم شمشیر هلاک کردند.» شماره ۲۳ و ۲۴ باب ۸ آن می‌گوید: «ملیک عای را

زنده گرفته او را نزد یوشع آوردند و واقع شد که چون اسرائیل از کشتن همه ساکنان عای که در صحرا و بیابانی که ایشان را در آن تعاقب می نمودند فارغ شدند و همه آنها از دم شمشیر افتاده هلاک گشتند تمامی اسرائیل به عای برگشته آنها را به دم شمشیر کشتند. همه کسانی که در آن روز از زن و مرد افتادند دوازده هزار نفر بودند یعنی تمام مردمان عای». شماره ۲۸ باب ۱۰ آن می گوید: «در آن روز یوشع مَقید را گرفت و آن و مَلِکش را به دم شمشیر زده ایشان و همه نفوسی را که در آن بودند هلاک کرد و کسی را باقی نگذاشت.» و شماره ۳۰ آن در باره لِبْنَه می گوید: «خداوند آن را نیز با مَلِکش به دست اسرائیل تسلیم نمود.

پس آن و همه کسانی را که در آن بودند به دم شمشیر کشت و کسی را باقی نگذاشت.» و شماره ۳۲ آن می گوید: «خداوند لَاحِیش را به دست اسرائیل تسلیم نمود که آن را در روز دوم تسخیر نمود و آن و همه کسانی را که در آن بودند به دم شمشیر کشت.» و در باره عَجَلون در شماره ۳۵ آن می گوید: «در همان روز آن را گرفته به دم شمشیر زدند و همه کسانی را که در آن بودند در آن روز هلاک کرد.» و در شماره ۳۷ آن در باره حَبْرُون می گوید: «آن را گرفته آن را با مَلِکش و همه شهرهایش و همه کسانی که در آن بودند به دم شمشیر زدند و موافق هر آنچه با عَجَلون کرده بود کسی را باقی نگذاشت.» و در شماره ۳۹ آن در باره دَبیر می گوید: «آن را با ملکش و همه شهرهایش گرفت و ایشان را به دم شمشیر زدند و همه کسانی را که در آن بودند هلاک ساختند و او کسی را باقی نگذاشت.»

شماره یک تا ۱۵ باب ۱۱ صحیفه یوشع می گوید: «و واقع شد که چون پایین مَلِک حاصوراین را شنید نزد یوباب مَلِک (پادشاه) مادون و نزد ملک شمرون و نزد ملک آخشاف فرستاد و نزد ملوکی که به طرف شمال در کوهستان و در عَرَبَه جنوب کنروت و در هامون و در نافوت دور بطرف مغرب بودند نزد کنعانیان بطرف مشرق و مغرب و آموریان و حَتیان و فَرزبان و یَبوسیان در کوهستان و حَوَیان زیر حَرمون



در زمین مصفّه (فرستاد) و آنها با تمامی لشکرهای خود که قوم بسیاری بودند و عدد ایشان مثل ریگ کناره دریا بود با اسبان و عرابه‌های بسیار بیرون آمدند... پس یوشع با تمامی مردان جنگی به مقابله ایشان نزد آب‌های میروم ناگهان آمده بر ایشان حمله کرد و خداوند ایشان را به دست اسرائیل تسلیم نمود که ایشان را زدند و تا صیدون بزرگ و مسرفوت مایم و تا وادی مصفّه بطرف شرقی تعاقب کرده کشتند به حدی که کسی را از ایشان باقی نگذاشتند... و همه کسانی را که در آن بودند به دم شمشیر کشته ایشان بالکل (تمامی) هلاک کرد و هیچ ذی حیات (موجود زنده) باقی نماند... و یوشع تمامی شهرهای آن ملوک و جمیع ملوک آنها را گرفت و ایشان را به دم شمشیر کشته بالکل هلاک کرد. بطوری که موسی بنده خداوند امر فرموده بود.» باب دوازدهم پس از اینکه شهرهایی را که قتل عام و تصرف کردند می‌شمارد در شماره ۲۴ آن می‌گوید: «... جمیع ملوک سی و یک نفر بودند.»

نیز پس از اینکه موسی با دو لوح ده فرمان از کوه پائین آمد و دید قوم گوساله پرست شده‌اند. «لوح‌ها را از دست افکنده آنها را زیر کوه شکست.» (شماره ۱۹ باب ۳۲ خروج) شماره ۲۶ تا ۲۸ باب ۳۲ خروج کتاب دوم عهد عتیق می‌گوید: «آنگاه موسی به دروازه اردو ایستاده گفت هر که بطرف خداوند باشد نزد من آید. پس جمیع قوم لاوی (قوم موسی که نواده لاوی فرزند سوم یعقوب از ۱۲ نسل یعقوب بودند) نزد وی جمع شدند. او بدیشان گفت یهوه خدای اسرائیل چنین می‌گوید هر کس شمشیر خود را بر ران خویش بگذارد و از دروازه تا دروازه اردو آمد و رفت کند و هر کس برادر خود و دوست خویش و همسایه خود را بکشد و بنی لاوی موافق سخن موسی کردند و در آن روز قریب به سه هزار نفر از قوم افتادند.»

می‌بینیم که تورات در داستانهایش به قوم یهود درس خشونت و بیرحمی می‌دهد. رفتار دولت اسرائیل با اعراب در غزه این آموزش را نشان می‌دهد.



۴

حکم سنگسار در تورات

در شماره ۳ تا ۱۷ باب ۲۰ خروج، کتاب دوم عهد عتیق و شماره ۷ تا ۲۱ باب ۵ تثنیه، کتاب پنجم عهد عتیق ۱۰ فرمان خدا به موسی آمده که عبارت است از: «۱- تو را خدایان غیر از من نباشد. ۲- صورتی تراشیده و هیچ تمثالی... برای خود مساز. نزد آنان سجده مکن و آنها را عبادت منما... ۳- نام یهوه خدای خود را به باطل مبر... ۴- روز سَبْت (شنبه) را یاد کن... اما روز هفتمین سبت یهوه خدای تو است در آن هیچ کار مکن... ۵- پدر و مادر خود را احترام نما... ۶- قتل مکن... ۷- زنا مکن... ۸- دزدی مکن. ۹- بر همسایه خود شهادت دروغ مده. ۱۰- بخانه همسایه خود... و به هیچ چیزی که از آن (مال) همسایه تو باشد طمع مکن.» شماره ۶ تا ۱۰ باب ۱۳ تثنیه می‌گوید: «اگر برادرت که پسر مادرت باشد یا پسر یا دختر تو یا زن هم آغوش تو یا رفیقت که مثل جان تو باشد تو را در خفا اغوا کند (وسوسه کند) و گوید برویم و خدایان غیر را که تو و پدران تو نشناختید عبادت نماییم... او را قبول مکن و او را گوش مده و چشم تو بر وی رحم نکند و بر او شفقت منما و او را پنهان مکن. البته او را بقتل رسان... و او را سنگسار نما تا بمیرد چون که می‌خواست تو را



از یهوه خدایت ... منحرف سازد.» شماره ۱۶ باب ۲۴ لاویان، کتاب سوم عهد عتیق می‌گوید: «هر که اسم یهوه (خدا) را کفر گوید هر آینه کشته شود. تمامی جماعت او را البته سنگسار کنند خواه غریب خواه متوطن چون اسم را کفر گفته است کشته شود.» شماره ۱۳ تا ۱۶ باب ۱۳ تثئیه می‌گوید: «اگر در باره یکی از شهرهایی که یهوه خدایت برای سکونت میدهد خبر یابی که بعضی پسران بلّیعان از میان تو رفته ساکنان شهر خود را منحرف ساخته‌اند برویم و خدایان غیر را که نشناخته‌اید عبادت نماییم... اگر این امر صحیح و یقین باشد... البته ساکنان آن شهر را به دم شمشیر بکش و آنها را با هر چه در آن است و بهایمش (چهارپایانش) را به دم شمشیر هلاک نما... و شهر را با غنیمتش برای یهوه خدایت با آتش بالکل بسوزان.» شماره ۳۲ تا ۳۶ باب ۱۵ اعداد کتاب چهارم عهد عتیق می‌گوید: «چون بنی اسرائیل در صحرا بودند کسی را یافتند که در روز سبت (شنبه) هیزم جمع می‌کرد... خداوند به موسی گفت این شخص البته کشته شود. تمامی جماعت او را بیرون از لشکرگاه با سنگ‌ها سنگسار کنند. پس تمامی جماعت او را بیرون از لشکرگاه آورده او را سنگسار کردند و بمرد.»

شماره ۱۸ تا ۲۱ باب ۲۱ تثئیه می‌گوید: «هر کسی را پسری سرکش و فتنه انگیز باشد که سخن پدر و سخن مادر خود را گوش ندهد و هر چه او را تأدیب نمایند ایشان را نشنود پدر و مادرش او را گرفته نزد مشایخ شهرش به دروازه محله‌اش بیاورند و به مشایخ شهرش گویند این پسر ما سرکش و فتنه انگیز است، سخن ما را نمی‌شنود و مسرف و میگسار است. پس جمیع اهل شهرش او را با سنگ سنگسار کنند تا بمیرد.» شماره ۱۳ تا ۲۹ باب ۲۲ تثئیه می‌گوید: «اگر کسی برای خود زنی گیرد و چون بدو در آید او را مکروه دارد... و گوید این زن را گرفتم و چون به او نزدیکی نمودم او را با کره نیافتم.»

آنگاه پدر و مادر دختر علامت بکارت دختر را برداشته نزد مشایخ شهر نزد دروازه بیاورند و پدر دختر به مشایخ بگوید دختر خود را به این مرد به زنی داده‌ام و از او کراهت دارد و اینک اسباب حرف بدو نسبت داده می‌گوید دختر تو را باکره نیافتم و علامت بکارت دختر من این است. پس جامه را پیش مشایخ شهر بگسترانند پس مشایخ آن شهر آن مرد را گرفته تنبیه کنند و او را صد مثقال نقره جریمه نموده به پدر دختر بدهند چونکه بر باکره اسرائیل بدنامی آورده است و او زن او خواهد بود و در تمامی عمرش نمی‌تواند او را رها کند. لیکن اگر این سخن راست باشد و علامت بکارت آن دختر پیدا نشود آنگاه دختر را نزد در خانه پدرش بیرون آورند و اهل شهرش او را با سنگ سنگسار نمایند تا بمیرد... اگر مردی یافت شود که با زن شوهرداری هم بستر شده باشد پس هر دو یعنی مردی که با زن خوابیده است و زن کشته شوند... اگر دختر باکره ای بمردی نامزد شود و دیگری او را در شهر یافته با او هم بستر شود پس هر دوی ایشان را نزد دروازه شهر بیرون آورده ایشان را با سنگ‌ها سنگسار کنند تا بمیرند... اما اگر آنمرد دختری نامزد را در صحرا یابد و آن مرد به او زور آورده با او بخوابد پس آن مرد که با او خوابیده تنها کشته شود... اگر مردی دختر باکره ای را که نامزد نباشد بیابد و او را گرفته با او هم بستر شود و گرفتار شوند آنگاه آن مرد که با او خوابیده است پنجاه مثقال نقره به پدر دختر بدهد و آن دختر زن او باشد چونکه او را ذلیل ساخته است و در تمامی عمرش نمی‌تواند او را رها کند.»

می‌بینیم که سنگسار زنا در تورات آمده است و در قرآن حکم سنگسار در مورد زنا و هیچ جرم دیگری وجود ندارد. ولی این افراد فریبکار با استفاده از بی‌اطلاعی مدعیان مسلمانی که از کتاب الهی خود اطلاعی نداشتند چنین نسبتی به قرآن دادند و نامسلمانان مدعی مسلمانی هم حرف آنها را قبول کردند.



اما مجازات زنا در انجیل . شماره ۳ باب هشتم انجیل یوحنا، کتاب چهارم عهد جدید (مشهور به انجیل) می‌گوید: «ناگاه کاتبان و فریسیان (دو دسته از یهودیان) زنی را که در زنا گرفته شده بود پیش او (عیسی ع) آوردند و او را در میان بر پا داشته بدو گفتند ای استاد این زن در عین عمل زنا گرفته شد و موسی در تورات به ما حکم کرده است که چنین زنان سنگسار شوند اما تو چه می‌گویی؟ و این را از روی امتحان بدو گفتند تا ادعایی بر او پیدا کنند. اما عیسی سر بزیر افکنده به انگشت خود بر زمین می‌نوشت و چون در سؤال کردن الحاح می‌نمودند راست شده بدیشان گفت هر که از شما گناه ندارد اول بر او سنگ اندازد و باز سر بزیر افکنده بر زمین می‌نوشت. پس چون شنیدند از ضمیر خود ملزم شده از مشایخ شروع کرده تا به آخر یک یک بیرون رفتند و عیسی باقی ماند با آن زن که در میان ایستاده بود... عیسی گفت من هم بر تو فتوی نمی‌دهم برو دیگر گناه مکن.» و از آنها پرسید که مردی که با او زنا می‌کرد و آنها را در عین زنا دیده‌اید کجا است؟ چون هر دو باید سنگسار شوند. آن هم بشرط اینکه دختر باید باکره و نامزد شخصی باشد. آیا این شرط وجود داشته یا نه؟ چون شوهر او از او شکایت نکرده و حالت اول نبوده و اینکار در صحرا هم صورت نگرفته و مشایخ شهر هم به او نگفتند شرط اینکه کسی که گناه نکرده اول بر او سنگ اندازد در تورات وجود ندارد.

نویسندگان تورات و انجیل هر چه خواسته‌اند نوشته‌اند و هر داستانی که خواسته‌اند سر هم کرده‌اند و دیده‌اند مردم فکرشان متوجه داستان می‌شود و متوجه نقاط ضعف آن نیستند.

در قرآن حکم سنگسار وجود ندارد چه در مورد زنا چه در باره هیچ جرم دیگری. فریبکاران این حکم را از تورات گرفته‌اند.



۵

کشتار دسته جمعی در تورات

۲۳ و ۲۴:۲۳ خروج: «فرشته من پیش روی تو می‌رود و تو را به اموریان و حِتیان و فرزیان و کنعانیان و حویان و یبوسیان خواهد رسانید و ایشان را هلاک خواهم ساخت. خدایان ایشان را سجده منما و آنها را عبادت مکن و موافق کارهای ایشان مکن. البته آنها را منهدم ساز و بتهای ایشان را بشکن.»

۱ تا ۱۸: ۳۱ اعداد: «خداوند موسی را خطاب کرده و گفت: انتقام بنی اسرائیل را از مدیان بگیر... پس موسی قوم را مخاطب ساخته گفت از میان خود مردان برای جنگ مهیا سازید تا به مقابله مدیان برآیند و انتقام خداوند را از مدیان بکشند... پس از هزاره‌های اسرائیل از هر سبط یک هزار یعنی دوازده هزار نفر مهیا شده برای جنگ منتخب شدند... و با مدیان بطوری که خداوند موسی را امر فرموده بود جنگ کرده همه ذکور را کشتند... و بنی اسرائیل زنان مدیان و اطفال ایشان را به اسیری بردند و جمیع بهایم و جمیع مواشی ایشان را و همه ایشان را غارت کردند و تمامی شهرها و مساکن و قلعه‌های ایشان را به آتش سوزانیدند... و اسیران و غارت و غنیمت را نزد موسی و العازار کاهن... آوردند... و موسی به ایشان گفت آیا همه



زنان را زنده نگاه داشتید؟!... پس الان هر ذکوری از اطفال را بکشید و هر زنی را که مرد را شناخته با او همبستر شده باشد بکشید و از زنان هر دختری را که مرد را شناخته و با او همبستر نشده برای خود زنده نگاه دارید...»

۱ تا ۷:۳ تثنیه: «چون یهوه خدایت تو را به زمینی که برای تصرفش به آنجا میروی در آورد و امتّهای بسیار را که حَتّیان و جرجاشیان و اموریان و کنعانیان و فرزیان و حویان و یبوسیان هفت امت بزرگتر و عظیمتر از تو باشند از پیش تو اخراج نماید. و چون یهوه خدایت ایشان را بدست تو تسلیم نماید و تو ایشان را مغلوب سازی آنگاه ایشان را بالکل هلاک کن و با ایشان عهد مبند و بر ایشان ترحم منما و با ایشان مصاهرت منما دختر خود را به پسر ایشان مده و دختر ایشان را برای پسر خود مگیر...»

۱۳ تا ۱۷:۲۰ تثنیه: «چون یهوه خدایت آن را بدست تو بسپارد جمیع ذکورانش را به دم شمشیر بکش. لیکن زنان و اطفال و بهایم و آنچه در شهر باشد یعنی تمامی غنیمتش را برای خود بتاراج ببر و غنایم دشمنان خود را که یهوه خدایت بتو میدهد بخور. به همه شهرهایی که از تو بسیار دوراند که از شهرهای این امتها نباشند چنین رفتار نما. اما از شهرهای این امتهایی که یهوه خدایت تو را به ملکیت میدهد هیچ ذی نفس را زنده مگذار. بلکه ایشان را یعنی حَتّیان و اموریان و کنعانیان و فرزیان و حویان و یبوسیان را چنانکه یهوه خدایت تو را امر فرموده است بالکل هلاک ساز.»

۶:۲۱ یوشع میگوید: «هر آنچه در شهر بود از مرد و زن و جوان و پیر حتی گاو و گوسفند و الاغ را به دم شمشیر هلاک کردند.» و در باره عای در شماره ۲۴ تا ۲۸:۸ یوشع گفته شده: «و واقع شد که چون اسرائیل از کشتن همه ساکنان عای در صحرا و در بیابانی که ایشان را در آن تعاقب می نمودند فارغ شدند و همه آنها از دم

شمشیر افتاده هلاک گشتند تمامی اسرائیل به عای برگشته آن را به دم شمشیر کشتند. یعنی تمامی مردمان عای... و غنیمت آن شهر را اسرائیل برای خود بتاراج بردند... پس یوشع عای را سوزانید...» و در شماره ۱۰:۲۸ یوشع می گوید: «در آن روز یوشع مَقَّیْدَه را گرفت و آن و ملکش را به دم شمشیر زده ایشان و همه نفوسی را که در آن بودند هلاک کرد و کسی را باقی نگذاشت.» و در شماره ۲۹ و ۱۰:۳۰ می گوید: «... بالبنه جنگ کرد و خداوند آن را نیز با ملکش بدست اسرائیل تسلیم نمود پس آن و همه کسانی را که در آن بودند به دم شمشیر کشت و کسی را باقی نگذاشت...» و با لَاحِیْش و حَازَر و عَجلون و حَبْرُون و دَبِیر همین کار را کردند و هر ذی نفس را هلاک کردند و در شماره ۱۲:۲۴ می نویسد: «جمیع ملوک سی و یک نفر بودند.» که قتل عام شدند که عبارتند از ملک اریحا، عای، اورشلیم، حَبْرُون، بَرْمُوت، لَاحِیْش، عَجلون، جَازَر، دَبِیر، جَادر، حُرْمَا، عَرَاد، لَبْنَه، عَدْلَلَام، مَقَّیْدَه، بیت ایل، تَفُوح، حَافَر، عَفِیق، لَشَارُون، مَادُون، حَاصُور، شَمْرُون مَرُون اکشاف، نَعْنَاک، مَجِدُّو، قَادِش، یَعْنُعام در کرمل و دور در نافت و جلجال و پس یکی ملک تَرِصَه.

قتل عام

در عهد عتیق صحبت از قتل عام است آنهم نه یکجا و دو جا. بیان این مطلب جز اینکه قساوت قلب بوجود آورد و کشتن تعداد زیادی افراد در نظر یهودی کار ساده ای بنظر آید چه نتیجه ای می تواند داشته باشد؟ در باره مردم عراد در شماره ۳:۲۱ اعداد می نویسد: «خداوند دعای اسرائیل را مستجاب ساخت و کنعانیان را تسلیم کرد و ایشان و شهرهای ایشان را بالکل هلاک ساختند و آن مکان حرمه نامیده شد.» در باره میمون ملک اموریان در شماره ۲۴:۲۱ اعداد می نویسد:



«اسرائیل او را به دم شمشیر زده و زمینش را از ارنون تا یبوق و تا حد بنی عمون بتصرف آورد.» در باره عوج ملک باشان در شماره ۳۵: ۲۱ اعداد می نویسد: «او را با پسرانش و تمامی قومش زدند بحدی که کسی از برایش باقی نماند و زمینش را بتصرف آوردند.» و در باره مدیانیان در شماره ۷ تا ۱۱: ۳۱ اعداد می نویسد: «با مدیان بطوری که خداوند موسی را امر فرموده بود جنگ کرده همه ذکوران را کشتند و در میان کشتگان ملوک مدیان یعنی آوی و راقم و صور و حور و رابع پنج پادشاه مدیان را کشتند و بلعام بن بعور را به شمشیر کشتند و بنی اسرائیل زنان مدیان و اطفال ایشان را به اسیری بردند و جمیع بهایم و جمیع مواشی ایشان و همه املاک ایشان را غارت کردند و تمامی شهرها و مساکن و قلعه‌های ایشان را با آتش سوزانیدند و تمامی غنیمت و جمیع غارت را از انسان و بهایم گرفتند.» و موسی در شماره ۱۷ آن گفت: «الان هر ذکوری از اطفال را بکشید و هر زنی را که مرد را شناخته با او همبستر شده باشد بکشید.» و در شماره ۳۵ آن می نویسد: «از انسان از زنانی که مرد را شناخته بودند سی و دو هزار نفر بودند.» و در باره باشان در شماره ۳ تا ۵: ۳ تنبیه می نویسد: «خدای ماعوج ملک باشان را نیز و تمامی قومش را بدست ما تسلیم نموده او را بحدی شکست دادیم که احدی از برای وی باقی نماند و در آنوقت همه شهرهایش را گرفتیم و شهری نماند که از ایشان نگرفتیم یعنی شصت نهر... سوای قرای بیحصار بیشمار کثیر.» و در باره اریحا در شماره ۲۱: ۶ یوشع می نویسد: «هر آنچه در شهر بود از مرد و زن و جوان و پیر حتی گاو و گوسفند و الاغ را بدم شمشیر هلاک کردند.» و در شماره ۲۴ آن می نویسد: «شهر را با آنچه در آن بود به آتش سوزانیدند لیکن نقره و طلا و ظروف مسین و آهنین را بخزانة خداوند گذاردند.» و در باره شهر عای در شماره ۲۴ و ۲۷ و ۲۸: ۸ یوشع می نویسد: «چون اسرائیل از کشتن همه ساکنان عای در صحرا و بیابانی که ایشان را

در آن تعاقب می نمودند فارغ گشتند و همه آنها از دم شمشیر افتاده هلاک گشتند تمامی اسرائیل به عای برگشته آن را بدم شمشیر کشتند.» «لیکن بهایم و غنایم آن شهر را اسرائیل برای خود بتاراج بردند.» «پس یوشع عای را سوزانید و آن را توده ابدی و خرابه ساخت که تا امروز باقی است.» و در باره شهرهای مَقَّیده و لَبْنَه و لَاحِیش و عَجَلون و حَبْرُون و دَبیر در شماره ۲۸ و ۳۰ و ۳۲ و ۳۵ و ۳۷ و ۳۹: ۱۰ یوشع می نویسد: «در آن روز یوشع مَقَّیده را گرفت و مَلِکش را بدم شمشیر زده ایشان و همه نفوسی را که در آن بودند هلاک کرد و کسی را باقی نگذاشت.» «خداوند آن (لَبْنَه) را نیز با مَلِکش (پادشاهش) بدست اسرائیل تسلیم نمود پس آن و همه کسانی را که در آن بودند بدم شمشیر کشت و کسی را باقی نگذاشت.» و «خداوند لَاحِیش را بدست اسرائیل تسلیم نمود که آن را در روز دوم تسخیر نمود و آن و همه کسانی را که در آن بودند بدم شمشیر کشت.» و «در همان روز آن (عَجَلون) را گرفته بدم شمشیر زدند و همه کسانی را که در آن بودند در آن روز هلاک کرد.» و «آن (حَبْرُون) را گرفته با مَلِکش و همه شهرهایش و همه کسانی که در آن بودند بدم شمشیر زدند... و کسی را باقی نگذاشت بلکه آن را با همه کسانی که در آن بودند هلاک ساخت.» و «آن (دَبیر) را با مَلِکش و همه شهرهایش گرفت و ایشان را بدم شمشیر زدند و همه کسانی را که در آن بودند هلاک ساختند.» و در شماره ۴۰: ۱۰ یوشع می نویسد: «پس یوشع تمامی آن زمین یعنی کوهستان و جنوب و هامون و وادی‌ها و جمیع ملوک آنها را زده کسی را باقی نگذاشت و هر ذی نفسی را هلاک کرد.» و در شماره ۱۰ تا ۱۳: ۱۱ یوشع می نویسد: «یوشع در آن وقت برگشت و حاصور را گرفته ملکش را با شمشیر کشت زیرا حاصور قبل از آن سر جمیع ممالک بود و همه کسانی را که در آن بودند بدم شمشیر کشته ایشان را بالکل هلاک کرد و هیچ ذی حیات باقی نماند و حاصور را به آتش سوزانید. و



یوشع تمامی شهرهای آن ملوک و جمیع ملوک آنها را گرفت و ایشان را بدم شمشیر کشته بالکل هلاک کرد.» و در شماره ۱۱:۲۱ یوشع می‌نویسد: «در آن زمان یوشع آمده عناقیان را از کوهستان از حبرون و دبیر و عناب و همه کوه‌های یهودا و همه کوه‌های اسرائیل منقطع ساخت و یوشع ایشان را با شهرهای ایشان بالکل هلاک کرد. کسی از عناقیان در زمین بنی اسرائیل باقی نماندند.» و در شماره ۱۲:۲۴ صحیفه یوشع می‌نویسد: «جمیع ملوک سی و یک نفر بودند.»

آیا این نوشته‌ها به مؤمنین واقعی عهد عتیق نمی‌آموزد که بخاطر قوم یهود نسبت به غیر یهودیان بی رحم و سنگدل باشند و هیچ ترحمی به آنان نکنند؟ تعالیم تورات هم همگی در مورد یهودیان است نه غیر یهودیان. عهد عتیق در باره داود در شماره ۲۹ تا ۱۲:۳۱ سموئیل ۲ می‌نویسد: «... به ریّه رفت و با آن جنگ کرد و آن را گرفت و تاج پادشاه ایشان را از سرش گرفت که وزنش یک وزنه طلا بود و سنگهای گرانبها داشت... و خلق آنجا را بیرون آورده و ایشان را زیر اره‌ها و چومهای آهنین و تیشه‌های آهنین گذاشت و ایشان را از کوره آجرپزی گذرانید.»

ارقام

در کتاب عهد عتیق سخن از کشتارهای بزرگ با رقم‌های بزرگ است. این رقم و تعداد کشته انسان را نسبت به کشتارهای دسته جمعی عادت می‌دهد و قساوت و بیرحمی در انسان بوجود می‌آورد و کشتن انسان‌ها در مقابل این ارقام و تعداد بی اهمیت می‌شود. این تعداد را باید با کمی جمعیت آن زمان در نظر گرفت. در شماره ۱۲:۲۹ خروج می‌نویسد: «واقع شد که در نصف شب خداوند همه نخست زادگان زمین مصر را از نخست زاده فرعون که بر تخت نشسته بود تا نخست زاده اسیری که در زندان بود و همه نخست زاده‌های بهایم را زد.» اندکی فکر کنید تا تعداد کسانی

را که در آن شب کشته شدند در نظر مجسم کنید. یعنی تمام خانواده‌ها کشته دادند و نخست زاده آنها مرد. «زیرا خانه ای نبود که در آن میّتی نباشد.» ۳۰:۱۲ خروج. در واقعه گوساله سازی و گوساله پرستی بنی اسرائیل در غیاب موسی که به میقات رفته بود در بازگشت، موسی به بنی لاوی در شماره ۲۷ و ۲۸:۳۲ خروج گفت: «یهوه خدای اسرائیل چنین می‌گوید: هر کس شمشیر خود را بر ران خویش بگذارد و از دروازه تا دروازه اردو آمد و رفت کند و هر کس برادر خود و دوست خویش و همسایه خود را بکشد و بنی لاوی موافق سخن موسی کردند و در آن روز قریب به سه هزار نفر از قوم افتادند.» موسی و هارون از بنی لاوی بودند.

در واقع قورح که «زمین دهان خود را گشوده ایشان و خانه‌های ایشان و همه کسان را که تعلق به قورح داشتند با تمامی اموال ایشان بلعید.» (۳۲:۱۶ اعداد) چون به موسی و هارون اعتراض و مهمه کردند، دچار وبا شدند «عدد کسانی که از وبا مردند چهارده هزار و هفتصد بود سوای آنانیکه در حادثه قورح هلاک شدند.» ۴۹:۱۶ اعداد. در حادثه قورح «دویست و پنجاه نفر» سوختند. ۳۵:۱۶ اعداد. در شماره ۹ باب ۲۵ اعداد می‌نویسد: «آنانی که از وبا مردند بیست و چهار هزار نفر بودند.» که در اثر خشم خدا دچار وبا شدند. در مورد کشتگان شهر عای در ۲۵:۸ یوشع می‌نویسد: «همه آنانی که در آن روز از مرد و زن افتادند ۱۲ هزار نفر بودند یعنی تمامی مردمان عای.» در شماره ۴:۱ داوران می‌نویسد: «یهودا (پس از یوشع) برآمد و خداوند، کنعانیان و فرزندان را بدست ایشان تسلیم نمود و ده هزار نفر از ایشان را در بازق کشتند.» و در شماره ۲۹:۳ داوران می‌نویسد: «در آنوقت ده هزار نفر از موآبیان را یعنی هر زورآور و مرد جنگی را کشتند و کسی رهایی نیافت.» در شماره ۱۰:۸ داوران می‌نویسد: «تمامی بقیه لشکر بنی مشرق این بود (یعنی پانزده هزار نفر) زیرا صد و بیست هزار مرد جنگی افتاده بودند.» و در شماره ۶:۱۲



داوران می‌نویسد: «در آنوقت ۴۲ هزار نفر از افرایم (بدست یفتاح و قوم حلباد) کشته شدند.» در شماره ۱۵: ۲۰ داوران می‌نویسد: «از بنی بنیامین در آن روز بیست و شش هزار مرد شمشیر زن از شهرها سان دیده شد.» و در شماره ۱۷: ۲۰ داوران می‌نویسد: «از مردان اسرائیل سوای بنیامینیان چهارصد هزار مرد شمشیر زن سان دیده شد.» و در مورد نتیجه جنگ اول آنان در شماره ۲۱: ۲۰ داوران می‌نویسد: «بنی بنیامین از جبعه بیرون آمده در آن روز بیست و دو هزار نفر از اسرائیل را بر زمین هلاک کردند.» و در شماره ۲۵ آن می‌نویسد: «بنیامینیان در روز دوم به مقابله ایشان از جبعه بیرون شده بار دیگر هجده هزار نفر از بنی اسرائیل را بر زمین هلاک ساختند.» و در شماره ۳۵ آن می‌نویسد: «خداوند بنیامین را (در جنگ سوم) بحضور اسرائیل (با جبعه جنگی آنان) مغلوب ساخت و بنی اسرائیل در آن روز بیست و پنجهزار و یکصد نفر را از بنیامین هلاک ساختند.» و در ۲: ۴ کتاب اول سموئیل می‌نویسد: «در معرکه بقدر چهار هزار نفر را در میدان کشتند.» فلسطینیان از بنی اسرائیل کشتند. و در شماره ۱۰ آن می‌نویسد: «از اسرائیل سی هزار پیاده کشته شدند.» و در شماره ۱۹: ۶ آن می‌نویسد: «مردمان بیت شمس را زد زیرا به تابوت خداوند نگریستند. پس ۵۰۰۷۰ (پنجاه هزار و هفتاد) نفر از قوم را زد و قوم ماتم گرفتند.» در شماره ۲: ۸ دوم سموئیل می‌نویسد: «داود موآب را شکست داده ایشان را بزمین خوابانیده با ریسمانی پیمود و دو ریسمان برای کشتن پیمود و یک ریسمان تمام برای زنده نگاه داشتن و موآبیان بندگان داود شده هدایا آوردند.» و در شماره ۵ آن می‌نویسد: «داود بیست و دو هزار نفر از ارامیان را بکشت.» در شماره ۷: ۱۸ دوم سموئیل در باره جنگ داود با ابشالوم پسر داود می‌نویسد: «قوم اسرائیل (سپاه ابشالوم) در آنجا (یعنی در جنگل افرایم) از حضور بندگان داود شکست یافتند و در آن روز کشتار عظیمی در آنجا شد و بیست هزار نفر کشته شدند.»

البته این ارقام از رقم قتل عام‌ها است. این ارقام در خوانندگان و مؤمنان به عهد عتیق روح قساوت و بی اهمیت بودن جان انسان‌ها را می‌آموزد و تلقین می‌کند. تورات غیر از تعالیم خوب و انسانی خود در داستانهایش ۳ چیز را به یهودیان تعلیم می‌دهد: ۱- حقّه بازی و دروغ‌گویی برای رسیدن به مقصود. ۲- قساوت و بیرحمی و کشتار دسته جمعی. ۳- نژادپرستی و برتری قوم یهود بر اقوام دیگر. در این باره باید تورات (یا به زبان واقعی‌تر تاریخ قوم یهود که امروز بنام عهد عتیق مشهور است) را مطالعه و بررسی کرد.

فریبکاری

در باره ابراهیم (ابرام) و سفرش به مصر در شماره ۱۰ تا ۲۰ باب ۱۲ پیدایش آمده است که ابراهیم ساره را «خواهر» خود معرفی کرد که جان خود را حفظ کند. دو دختر لوط در شماره ۳۱ تا ۳۸ باب ۱۹ پیدایش با هم تبانی می‌کنند که با پدر خود هم‌خوابگی کنند و پدر خود را مست می‌کنند و در حال مستی با او هم‌خوابه می‌شوند.

در شماره ۱ تا ۱۴ باب ۲۰ پیدایش باز ابراهیم ساره را به ابی ملک خواهر خود معرفی می‌کند و بالاخره همانطور که از فرعون «صاحب میش‌ها و گاووان و حماران و غلامان و کنیزان و ماده الاغان و شتران شد.» (۱۶: ۱۲ پیدایش). «ابی ملک گوسفندان و گاووان و غلامان و کنیزان را به ابراهیم بخشید.» (۱۴: ۲۰ پیدایش). در شماره ۶ تا ۱۱ باب ۲۶ پیدایش نیز اسحق زوجه خود رفقه را خواهر خود معرفی می‌کند.

و در باب ۲۷ پیدایش از شماره ۱ تا ۲۹ برکت گرفتن یعقوب از پدر خود با حقّه بازی را ذکر می‌کند و با تبانی با مادر از پدر برکت می‌گیرد. نخست زادگی را هم با



قساوت از برادر می‌گیرد! و در شماره ۱۶ تا ۲۶:۲۹ پیدایش لابان به یعقوب حقه می‌زند و بر خلاف قراری که گذاشته بودند لیه را بجای راحیل به حجله می‌فرستد. و در شماره ۳۲ تا ۴۳:۳۰ پیدایش یعقوب به لابان حقه می‌زند. یعقوب «چوبهای تر و تازه از درخت کبوده و بادام و چنار برای خود گرفت و خط‌های سفید در آنها کشید و سفیدی را که در چوبها بود ظاهر کرد... در حوض‌ها و آبخورها پیش گله‌ها نهاد.» تا گله ابلق و مخطط بزایند.

در شماره ۳۳ تا ۳۵ باب ۳۱ پیدایش حقه راحیل را برای پنهان کردن بتهای پدر و دروغ گفتن او شرح می‌دهد. در شماره ۳۱ تا ۳۷:۳۵ پیدایش فریبکاری برادران یوسف را برای فریب پدر خود بیان می‌کند و در شماره ۱۳ تا ۳۰ باب ۳۸ پیدایش از حقه تamar به یهودا و زنای با او سخن می‌گوید که از این زنا صاحب دو پسر شد که نسل یهودا از این دو پسر زنازاده است.

در شماره ۷ تا ۲۰ باب ۳۹ پیدایش از دروغ‌گویی و تهمت زدن فوطیفار به یوسف سخن می‌گوید. در شماره ۱۳ تا ۲۶:۳۴ پیدایش از حیلۀ پسران یعقوب و قتل و غارت شهر شکیم سخن می‌گوید.

در شماره ۳ تا ۱۹ باب ۸ صحیفۀ یوشع از حیلۀ جنگی او سخن می‌گوید. در شماره ۱۶ تا ۲۲ باب ۳ داوران از دروغ و حقه یهود و کشتن عجلون پادشاه موآب حکایت می‌کند.

در شماره ۲ تا ۲۴ باب ۱۱ کتاب دوم سموئیل حکایت داود و بتشیع و زنای آنها و بکشتن دادن اوریا و سربازان را در بر دارد که داود بخاطر زنای خود و آبتن شدن زن اوریا و رسوا نشدن خودش عده‌ای را بکشتن می‌دهد. این مرد و زن زناکار پدر و مادر سلیمان هستند. در شماره ۱ تا ۱۴:۱۳ کتاب دوم سموئیل در بارۀ زنای امنون پسر داود با خواهرش و اینکه چگونه تمارض کرد و تamar را به اتاق خود

کشاند و با او زنا کرد گفتگو می‌کند. و در شماره ۲۳ تا ۲۹ باب ۱۳ کتاب دوم سموئیل در باره انتقام ابشالوم از امنون پسر داود و حیلۀ ابشالوم تحت عنوان دعوت به مهمانی از امنون سخن می‌گوید.

در شماره ۲۷ باب ۳ کتاب دوم سموئیل از کشته شدن ابنیر بدست یوآب به این بهانه که می‌خواهد «با او خفیه سخن گوید» صحبت می‌کند. و در شماره ۹ و ۱۰: ۲۰ سموئیل ۲ از کشته شدن عماسا بدست یوآب به بهانه بوسیدن او صحبت می‌کند.

لذا می‌بینیم که کتاب عهد عتیق توسل به فریب و حيله و نیرنگ و دروغ را به مؤمنین خود یعنی بسیاری از یهودیان متعصب می‌آموزد.

سنگدلی

درس دیگری که کتاب عهد عتیق به یهودیان می‌دهد قساوت و بیرحمی و سنگدلی است. در شماره ۲۵ تا ۳۴ باب ۲۵ پیدایش از نخست زادگی عیسو و فروختن آن به یعقوب و گرسنگی عیسو و مراجعه به یعقوب و تقاضای غذا کردن از برادرش و قساوت نسبت به برادرش و فروختن نخست زادگی به یعقوب با چنین وضعی سخن می‌گوید. (حال به این کاری نداریم که مگر نخست زادگی فروشی است؟) (البته اسحق هم نخست زاده نیست، چون نخست زاده یعقوب اسماعیل است. شماره ۱۵: ۱۶ پیدایش. و ابراهیم هنگام تولد اسماعیل ۸۶ ساله بود. شماره ۱۶: ۱۶ پیدایش. و ۱۴ سال پس از او اسحق بدنیا می‌آید چون هنگام تولد اسحق ابراهیم ۱۰۰ ساله بود. ۲۱: ۵ پیدایش. ولی اسحق را نخست زاده به عهد می‌خوانند. مطابق ۱۷: ۲۱ پیدایش. آیا از دروغگویان یهود چنین سخنی نمی‌تواند دروغ باشد؟) در باب ۳۴ پیدایش از زنای شکیم با دینه دختر یعقوب و حيله پسران



یعقوب و قتل و غارت و قساوت نسبت به مردمان شکیم سخن می گوید. در شماره ۱۸ تا ۳۷:۲۸ پیدایش در باره توطئه برادران یوسف (پسران یعقوب و از جمله یهودا) در مورد یوسف و فروختن او (پس از اینکه او را در چاه انداختند) سخن می گوید (قساوت حتی در مورد برادر) و در شماره ۱۳ تا ۴۷:۲۷ پیدایش در باره قساوت یوسف و در آوردن اموال و مواشی و زمین های مردم از دست آنان به نفع فرعون سخن می گوید.



۶

سرکشی قوم یهود

آیه ۱۸ مائده سوره ۵ می فرماید: «یهودی‌ها و مسیحی‌ها گفتند ما فرزند خدا و محبوب او هستیم. به آنها بگو پس چرا خدا شما را به علت گناهانتان عذاب می‌کند؟ اینطور نیست بلکه شما هم بشری از جمله افرادی هستید که خدا خلق کرده. هر کس را که بخواهد می‌آمزد و هر کس را که بخواهد عذاب می‌کند...» آیه ۱۱۲ آل عمران سوره ۳ می‌فرماید: «هر جا که باشند ذلت آنها را فرا گرفته مگر اینکه به رشته الهی یعنی کتاب الهی و رشته ای از مردم و اتحاد آنان متوسل شوند (امروزه شده‌اند) و دچار غضب خدا شدند و دچار فقر می‌باشند (اما امروزه در اثر زیرکی و اتحاد از فقر نجات یافته و ثروتمند هستند) اینکار بخاطر این است که منکر آیات خدا بوده و پیغمبران را بناحق می‌کشتند. اینکار بخاطر این است که سرکشی می‌کردند و متجاوز بودند.» کتاب عهد عتیق که ما به آن تورات می‌گوییم در شماره ۳ و ۵ باب ۳۳ خروج می‌گوید: «خدا گفت... شما قوم گردن کش هستید.» و شماره ۳۴ باب ۲ تثنیه می‌گوید: «تمامی شهرهای او (سیحون پادشاه حبشون) را در آنوقت گرفته مردان و زنان و اطفال هر شهر را هلاک کردیم که یکی را باقی



نگذاشتیم.» شماره ۲۴ باب ۱۲ یوشع کتاب ششم عهد عتیق می‌گوید: «جمع ملوک (که با اهالی شهرهای آن کشته شدند) ۳۱ نفر بودند.» پس از اینکه نام یکایک آن‌ها را می‌برد. می‌دانیم بنی اسرائیل وقتی از مصر بیرون آمدند سرزمینی نداشتند بلکه با کشتن اهالی شهرها، به جز دختران باکره آنها، آنها را تصرف کردند و روی چنگیز مغول را سفید کردند و باز دم از کار فرعون می‌زنند. تمام کسانی که بقدرت رسیده‌اند اینکار را کرده‌اند. البته با کم و بیش. شماره ۲ باب اول اشعیا می‌گوید: «... ایشان یعنی بنی اسرائیل بر من عصیان و سرکشی ورزیدند.» و شماره ۱۵ آن می‌گوید: «... دست‌های شما پر از خون است.» شماره ۷ باب ۲۸ آن می‌گوید: «... هم کاهن هم نبی از مسکرات گمراه شده‌اند...» و شماره ۱۳ باب ۲۹ آن می‌گوید: «... این قوم با دهان خود بمن تقرب میجویند و به لبهای خویش مرا تمجید مینمایند اما دل خود را از من دور کرده‌اند.» و شماره ۹ باب ۳۰ آن می‌گوید: «این قوم فتنه انگیز و پسران دروغگو می‌باشند.» شماره ۴ باب ۵۷ آن می‌گوید: «... آیا شما اولاد عصیان و ذریت کذب (دروغ) نیستید.»؟ شماره ۳ باب ۵۹ آن می‌گوید: «زیرا که دست‌های شما بخون و انگشت‌های شما به شرارت آلوده شده است، لب‌های شما به دروغ تکلم مینماید و زبان‌های شما به شرارت تنطق می‌کند. احدی به عدالت دعوی نمی‌کند و هیچکس به راستی داوری نمی‌نماید...» و شماره ۷ آن می‌گوید: «پای‌های ایشان برای بدی دوان و به جهت ریختن خون بیگناهان شتابان است.» شماره ۸ باب ۵۵ می‌گوید: «... هر یکی از ایشان برای زن همسایه خود شیهه می‌زند.» و شماره ۸ باب ۸ آن می‌گوید: «... به تحقیق قلم کاذب کاتبان به دروغ عمل می‌نماید.» و شماره ۱۰ می‌گوید: «... زیرا جمع ایشان چه خرد چه بزرگ پر از طمع می‌باشند و همگی ایشان چه نبی چه کاهن به فریب عمل می‌نمایند.» و شماره ۵ باب ۹ آن می‌گوید: «هر کس همسایه خود را

فریب می‌دهد» شماره ۲۷ باب ۲۲ حزقیال نبی می‌گوید: «سرورانش مانند گرگان درنده خون میریزند و جان‌ها را هلاک مینمایند تا سود ناحق ببرند.» و شماره ۲۹ آن می‌گوید: «قوم زمین بشدت ظلم نموده و مال یکدیگر را غصب کرده‌اند و بر فقیران و مسکینان جفا نموده غریبان را با بی انصافی مظلوم ساخته‌اند.» شماره ۶ باب ۲ عاموس نبی می‌گوید: «مرد عادل را به نقره و مسکین را به یک جفت نعلین فروختند.» شماره ۱۲ باب ۵ آن می‌گوید: «... عادلان را به تنگ می‌آورید و رشوه می‌گیرید و فقیران را در محکمه از حق ایشان منحرف می‌سازید.» شماره ۴ تا ۶ باب ۸ آن می‌گوید: «شما می‌خواهید فقیران را ببلعید و مسکینان زمین را هلاک کنید... و مسکینان را به نقره و فقیران را به نعلین بخریم.» شماره ۲ و ۳ باب ۳ میکاه نبی می‌گوید: «آنانی که از نیکویی نفرت دارند و بر بدی مایل می‌باشند و پوست را از تن مردم و گوشت را از استخوان‌های ایشان می‌کنند و کسانی که گوشت قوم را می‌خورند و پوست ایشان را از تن ایشان می‌کنند و استخوان‌های ایشان را خرد کرده آنها را گویا در دیگ و مثل گوشت در پاتیل میریزند.» این حرف را به یهودیان می‌زند. و در شماره ۹ تا ۱۱ آن می‌گوید: «ای رؤسای خاندان یعقوب وای داوران خاندان اسرائیل این را بشنوید شما که از انصاف نفرت دارید و تمامی راستی را منحرف می‌سازید و صهیون را به خون و اورشلیم را به ظلم بنا می‌نمایید، رؤسای ایشان برای رشوه داوری مینمایند و کاهنان ایشان برای اجرت تعلیم می‌دهند و انبیای ایشان برای نقره فال می‌گیرند...» و شماره ۲ و ۳ باب ۷ آن می‌گوید: «مرد متقی از جهان نابود شده و راست کردار از میان آدمیان معدوم گردیده است. جمیع ایشان برای خون کمین می‌گذارند و یکدیگر را با دام صید مینمایند. دست‌های ایشان برای شرارت چالاک است. رئیس طلب می‌کند و داور رشوه می‌خواهد و مرد بزرگ به هوای نفس خود تکلم مینماید.» شماره ۱ تا ۴ باب ۳ مقنیای نبی می‌گوید:



«وای بر شهر فتنه انگیز نجس ظلم کننده... سرورانش در اندرونش شیر غران و داورانش گرگان شب که چیزی تا صبح باقی نمی گذارند. انبیایش مغرور و خیانتکارند. کاهنانش قدس را نجس میسازند و با شریعت مخالفت می کنند.» عیسی مسیح در شماره ۱۹ باب ۷ انجیل یوحنا می گوید: «آیا موسی تورات را به شما نداده است و حال آنکه کسی از شما نیست که به تورات عمل نماید...» این حرف را به یهودیان می زند. چون خودش یهودی بود و در بین یهودیان زندگی می کرد. این است روحیه و عمل قوم یهود که در طول زمان دم از مظلومیت می زده و عمل فرعون و کشتن پسران را دستاویز قرار می دهند. در صورتیکه شماره ۱۵ تا ۱۹ باب اول سفر خروج می گوید: «پادشاه مصر به قابله های عبرانی که یکی را شفره و دیگری را فوعه نام بود... فرمود چون قابله گری برای زنان عبرانی بکنید... اگر پسر باشد بکشید... اما آنها از خدا ترسیدند و اینکار را نکردند. فرعون به آنها گفت چرا اینکار را کردید؟ آنها گفتند زنان عبرانی قوی هستند و قبل از رسیدن ما می زایند.» پس چنین چیزی از اصل بی اساس است. کشتن پسران بنی اسرائیل مطابق آیه ۱۲۷ اعراف، سوره ۷ پس از قیام موسی بود نه قبل از آن.



۷

سرزمین یهود

نقشه سرزمین یهود در آخر بعضی از کتاب‌های مقدس آمده است. و شرح آن در باب ۱۵ کتاب یوشع داده شده به این ترتیب: «قرعه به جهت سبط بنی یهودا به حسب قبایل ایشان بطرف جنوب به سرحد ادوم یعنی صحرای صین به اقصای تیمان رسید و حد جنوبی ایشان از آخر بحر ملح (دریای نمک، بحرالْمیت، دریای مرده) از خلیجی که متوجه به سمت جنوب است بود. و بطرف جنوب از فراز عَکْرَبِیم بیرون آمده به صین گذشت و بجنوب قادش برنیع برآمده به حصرون گذشت و به آدار برآمده بسوی قَرَقَع برگشت. و از عصمون گذشته بوادی مصر بیرون آمد و انتهای این حد تا بدریا بود. این حد جنوبی شما خواهد بود. و حد شرقی بحر الملح تا به آخر اردن بود و حد طرف شمال از خلیج دریا تا آخر اردن بود. و این حد تا بیت حُجْله برآمده بطرف شمالی بیت عربه گذشت و این حد نزد سنگ بُهْن پسر رئوبین برآمد. و این حد از وادی عَخُور نزد دبیر برآمد و بطرف شمال بسوی جلحال که مقابل فراز آدمیم است که در جنوب وادی است متوجه می‌شود و این حد نزد آبهای عین شمس گذشت و انتهایش نزد عین روجل بود. و



این حد از وادی پسر هَنُوم بجانب یبوسی بطرف جنوب که همان اورشلیم باشد برآمد. پس این حد بسوی قله کوهی که به طرف مغرب مقابل وادی هَنوم و بطرف شمال به آخر وادی رفائیم است گذشت. و این حد از قله کوه به چشمه آبهای نفتوح کشیده شد و نزد شهرهای کوه عَفرون بیرون آمد و تا بَعْلَه که قریه یعاریم باشد کشیده شد. و این حد از بَعْلَه بطرف مغرب به کوه سَعیر برگشت و بطرف شمال از جانب کوه یعاریم که کسالون باشد گذشت و نزد بیت شمس به زیر آمده از تمنه گذشت. و این حد بسوی شمال از جانب عَفرون بیرون آمد و تا شِکرون کشیده شد و از کوه بَعْلَه گذشته نزد یَبْنِئیل بیرون آمد و انتهای این حد دریا بود و حد غربی دریای بزرگ و کناره آن بود. این است حدود بنی یهودا از هر طرف بحسب قبایل ایشان.»

و در شماره ۴ باب ۱۴ کتاب یوشع می نویسد: «به لاویان هیچ قسمت در زمین ندادند غیر از شهرها به جهت سکونت و اطراف آن به جهت مواشی و اموال ایشان. چنانکه خداوند موسی را امر فرموده بود.»

لاوی فرزند سوم یعقوب و یهودا فرزند چهارم او از لیه بود (شماره ۳۴ و ۳۵ باب ۲۹ پیدایش) موسی و هارون از قوم لاویان بودند. ۱۰ نسل شمالی پس از مرگ سلیمان در اول سلطنت رَحْبَعَام پسر او از قوم یهود جدا شدند و دولت اسرائیل را در شمال تشکیل دادند و قوم یهود در جنوب تنها ماند. شماره ۱۹ و ۲۰ باب ۱۲ کتاب اول پادشاهان می گوید: «پس اسرائیل (۱۰ نسل شمالی) تا به امروز بر خاندان داود عاصی شدند. چون تمامی اسرائیل شنیدند یَرُبَعَام مراجعت کرده است ایشان او را نزد جماعت طلبیدند و او را بر تمامی اسرائیل پادشاه ساختند و غیر از سبط یهودا فقط کسی خاندان داود را پیروی نکرد.» رَحْبَعَام از سبط یهودا بود. شماره ۱۸ تا ۲۴ باب ۱۷ کتاب دوم پادشاهان می گوید: «پس از این جهت غضب خداوند بر

اسرائیل به شدت افروخته شده و ایشان را از حضور خود دور انداخت که جز سبط یهودا فقط باقی نماند... و پادشاه آشور مردمان از بابل و کوت و عوّا و حمات و سَفَر و اِیم آورده بجای بنی اسرائیل در شهرهای سامره سکونت داد و ایشان سامره را به تصرف آورده در شهرهای ساکن شدند.» یهودیان امروزه ادعا می‌کنند که «از نهر مصر تا به نهر عظیم یعنی نهر فرات» مال ما است. چون شماره ۱۸ باب ۱۵ پیدایش می‌گوید: «در آن روز خداوند با ابرام (ابراهیم) عهد بست و گفت این زمین را از نهر مصر تا به نهر عظیم یعنی نهر فرات به نسل تو بخشیده ام.» شماره ۱۴ و ۱۵ باب ۱۳ پیدایش می‌نویسد: «بعد از جدا شدن لوط از وی (از ابراهیم) خداوند به ابرام گفت اکنون تو چشمان خود را بر افراز و از مکانی که در آن هستی بسوی شمال و جنوب و مشرق و مغرب بنگر. زیرا تمام این زمین را که می‌بینی به تو و ذریّت تو تا به ابد خواهم بخشید.» چشم ابراهیم هر قدر هم دورنگر باشد فقط تا افق را خواهد دید. ثانیاً کی این زمین تا به ابد به نسل ابراهیم رسید؟ چون پس از اینکه نبوکد نصر (بخت النصر) اورشلیم را فتح کرد، شماره ۸ تا ۱۱ باب ۲۵ کتاب دوم پادشاهان می‌گوید: «در روز هفتم ماه پنجم از سال نوزدهم نبوکد نصر (بخت النصر) پادشاه، سلطان بابل نبوزرادان رئیس جلادان خادم پادشاه بابل به اورشلیم آمد و خانه خداوند و خانه پادشاه را سوزانید. و همه خانه‌های اورشلیم و هر خانه بزرگ را به آتش سوزانید و تمامی لشکر کلدانیان که همراه رئیس جلادان بودند حصارهای اورشلیم را به هر طرف منهدم ساختند و نبوزرادان رئیس جلادان بقیه قوم را که در شهر باقی مانده بود و خارجین را که بطرف پادشاه بابل شده بودند و بقیه جمعیت را به اسیری برد.» وقتی کورش بابل را فتح کرد یهودیان را آزاد کرد. من نمی‌دانم کدام تندنویسی یا تندنویسانی در آن زمان بوده‌اند که از پیدایش جهان تا رفتن یعقوب و پسرانش به مصر را نوشته باشند یا کدام ضبط صوتی بوده که



سخنان افراد را ضبط و از روی آن پیاده کنند و بنویسند؟ تاریخ، بیشتر تخیلات نویسندگان آن می باشد بخصوص که با قصد معینی آن را بنویسند.

اورشلیم دو قرن در تصرف ایرانیان بود و یک قرن در تصرف یونان بود و ۳ قرن در تصرف رومی ها بود و در حدود ۱۳ تا ۱۴ قرن در تصرف اعراب بود که از رومیان گرفتند چطور این سرزمین تا به ابد در نسل ابراهیم بوده است؟ از طرف دیگر شماره ۵ تا ۹ باب ۳۶ اعداد می گوید: «پس موسی بنی اسرائیل را بر حسب قول خداوند امر فرموده گفت سبط بنی یوسف راست گفتند. این است آنچه خداوند در باره دختران صُلُفحاد امر فرموده گفته است به هر که در نظر ایشان پس آید به زنی داده شوند لیکن در قبیله سبط پدران خود فقط به نکاح داده شوند. پس میراث بنی اسرائیل از سبط به سبط منتقل نشود بلکه هر یکی از بنی اسرائیل به میراث سبط پدران خود ملصق باشند. و هر دختری که وارث ملکی از اسباط بنی اسرائیل می شود به کسی از قبیله سبط پدر خود به زنی داده شود تا هر یکی از بنی اسرائیل وارث ملک آبای خود گردند. و ملک از یک سبط به سبط دیگر منتقل نشود. بلکه هر کس از اسباط بنی اسرائیل بمیراث خود ملصق باشند.» با وجود این مطالب که در تورات است چطور یهودی ها ادعای از نهر مصر تا نهر فرات را دارند؟!!





آمریکا در چنگ یهود

آمریکا امروزه با سیاست غلط خود که در راه منافع اسرائیل گام بر می‌دارد تخم تنفر از خود را در سراسر جهان می‌کارد. آمریکا امروزه در چنگال یهودیانی است که با برنامه هر متصل کار می‌کنند. یعنی با دراختیار گرفتن وسایل ارتباط جمعی مردم بی اطلاع را پیرو خواسته‌های خود و هدف‌های خود ساخته‌اند. چون بیشتر فیلم سازی‌ها و روزنامه‌ها و مجلات و نشر کتاب و رادیو و تلویزیون در اختیار یهودی‌ها است و اینها هستند که افکار مردم بی اطلاع را هر طور که بخواهند می‌سازند و یک نفر را در نظر مردم شیطان‌تر از شیطان یا فرشته‌تر از فرشته ای می‌سازند. در نتیجه مجلس نمایندگان و سنا در چنگ یهودیان و خدمتگزار آنها است و قوانین عملاً مطابق خواست یهودیان و در راه منافع آنان و اسرائیل وضع می‌شود. در این راه از تحریک احساسات مسیحیان استفاده می‌شود. و در صورتیکه مسیحیان سرگرم بحث خدا بودن یا پسر خدا بودن یا پسر انسان یا پیغمبری مثل پیغمبران دیگر بودن عیسی مسیح می‌باشند آنها بوسیله کنگره و وسایل ارتباط جمعی فکر و نظر خود را در امور سیاسی و اجتماعی به آنها تلقین می‌کنند در صورتیکه عیسی مسیح خود را

صریحاً پیغمبر و فرستاده خدا معرفی می‌کند. همانطور که می‌فرماید: «نبی بی حرمت (احترام) نباشد مگر در وطن و خانه خویش.» ۱۳:۵۷ متی و ۶:۴ مرقس. و «محال است نبی بیرون از اورشلیم کشته شود.» ۱۳:۳۳ لوقا در باره اشاره به محل کشته شدن خود. و به خدا می‌گوید: «حیات جاودانی این است که تو را خدای واحد حقیقی و عیسی مسیح را که فرستادی بشناسد.» ۱۷:۳ یوحنا. در انجیل، عیسی مسیح بارها خود را فرستاده خدا و خدا را فرستنده خود مینامد.

پطرس در شماره ۲۲:۳ اعمال رسولان می‌گوید: «زیرا موسی به اجداد گفت که خداوند خدای شما نبی مثل من از میان برادران شما برای شما بر خواهد انگیخت.» ۷:۳۷ اعمال رسولان را هم ببینید. چون موسی گفته بود: «یَهُوه خدایت نبی را از میان تو از برادرانت مثل من برای تو مبعوث خواهد گردانید. او را بشنوید.» ۱۵:۱۸ تثنیه (تورات). شماره ۱۸ این باب را هم ببینید. یهودیان با در دست گرفتن وسائل ارتباط جمعی بر آمریکا و اروپا مسلط شده‌اند و در نتیجه بر جهان حکمرانی می‌کنند. بزرگترین اشتباه آنان ایجاد دولت اسرائیل بود زیرا یهودیانی را که در دنیا مظلوم معرفی می‌کردند بصورت ظالم ترین افراد معرفی نمودند. اینکار هم در اثر تعصب بیجای یک عده صهیونیست صورت گرفت. چون یهودیان هیچ احتیاجی به کشور مستقلی نداشتند. چون با سیاستی که در پیش گرفته بودند بر جهان حکومت می‌کردند، همانطور که حکومت می‌کنند. آنها با در دست گرفتن وسائل ارتباط جمعی نه تنها اروپا و آمریکا را تحت تسلط خود گرفتند و در سایه آن بر جهان حکومت می‌کنند بلکه سالانه میلیاردها دلار هم از این راه بدست می‌آورند. البته بیشتر بانکها را هم در اختیار دارند.

من فکر می‌کنم که تا پایان قرن بیست و یکم مسیحیان و مسلمانان و بوداییان از خواب غفلت و بیخبری بیدار می‌شوند و وسائل ارتباط جمعی را در اختیار

می‌گیرند. یهودیانی هم که روشنفکر و واقع بین هستند به آنها خواهند پیوست، چون امروزه از ترس صهیونیست‌ها آلت دست آنها شده‌اند و با تشکیل حزب عدالت خواه اصلاح طلبی برای ساختن یک دنیای پاک همکاری خواهند کرد. دنیایی که در آن اثری از ظلم و فساد و جهل و فقر و خرد شدن شخصیت انسان‌ها نباشد. چون جهل و بی‌اطلاعی از کتاب مقدس خود و دیگران باعث تفرقه و اختلاف و دشمنی شده و گرنه با بررسی آنها متوجه می‌شوند همه یک چیز را می‌خواهند و فقط زبان‌ها فرق دارد و جنگ آنها جنگ عنب و اوزوم و انگور است «هر کس به زبانی سخن از وصف تو گوید: «بلبل به غزلخوانی و قمری به ترانه.» چون همه ادیان خواستار عدالت هستند.

اما صهیونیست‌ها به شماره ۱۸: ۱۵ پیدایش (کتاب اول عهد عتیق) تکیه می‌کنند که می‌گوید: «در آن روز خداوند با ابرام (ابراهیم) عهد بست و گفت این زمین را از نهر مصر تا به نهر عظیم یعنی نهر فرات به نسل تو بخشیدم.» در صورتیکه هیچوقت یهودیان مصر را تا نیل (نهر مصر) در اختیار نداشتند. حتی بر اسرائیل امروزی هم تسلط نداشتند جز مدت کوتاهی از ۴۸۰ سال بعد از خروج بنی اسرائیل از مصر که سلیمان ساختن معبد اورشلیم را شروع کرد (۱: ۶ کتاب اول پادشاهان: کتاب یازدهم عهد عتیق) و ساختن معبد تا اسارت بابل ۴۳۰ سال مدت سلطنت پادشاهان یهود بود و مدت کوتاهی هم مکابی‌ها حکومت کردند. البته از زمان رحبعام یعنی ۳۶ سال بعد از شروع ساختن معبد، ۱۰ نسل از دوازده نسل یعقوب دولت شمالی را بنام اسرائیل تشکیل داد و پادشاهان یهود در جنوب ۴۳۰ سال سلطنت کردند. مدت ۲۰۰ سال ایرانیان بر یهودیان حکومت می‌کردند و ۱۰۰ سال یونانی‌ها بر آنجا حکومت می‌کردند و ۳۰۰ سال رومی‌ها و در حدود ۱۳۲۰ سال مسلمانان بر آن حکومت می‌کردند. البته دولت یهود در سرزمینی بود که تقریباً



مربعی بود که از شمال بحرالحمیت (دریای مرده) به طرف دریای مدیترانه و از جنوب بحرالحمیت بطرف دریای مدیترانه تا فلسطین ادامه داشت؛ به همین کوچکی که امروزه دولت اسرائیل خیلی بیشتر از آن را در اختیار دارد. برای اطلاع از سهم یهودیان به باب پانزدهم صحیفه یوشع (کتاب ششم عهد عتیق) مراجعه کنید. این نقشه را در آخر بعضی از کتابهای مقدس که چاپ شده می بینید. مطابق شماره ۹: ۳۶ اعداد: «ملک از یک سبط (یک نسل و یک قبیله) به سبط دیگر منتقل نشود...» یهودیان با بسط دموکراسی و بیدار شدن دینداران و تشکیل حزب اصلاح طلب عدالت خواه یهودی نفوذ خود را در آینده از دست خواهند داد. چون تعداد آنها در امریکا شاید در حدود ۵ میلیون نفر باشد در صورتیکه جمعیت امریکا شاید در حدود ۱۸۵ میلیون نفر باشد. وقتی عیسویان و بودائیان و مسلمانان و یهودیان حق پرست بیدار شوند و متحد گردند اکثریت مطلق را در کنگره بدست خواهند آورد و رئیس جمهور و نمایندگان کنگره دیگر آلت دست یک عده صهیونیست افراطی نخواهند بود و رفته رفته عدالت در امریکا و اروپا و در سراسر جهان حکومت خواهد کرد.



۹

دروغ و فریب (۱)

چه کسانی به مردم دروغ گفته و می گویند؟

فریبکاران و فریب خوردگان یهودی

شماره ۲۳:۳۱ خروج - دومین کتاب عهد عتیق (تورات) - می گوید: «حدود تو را از بحر قلزم تا بحر فلسطین و از صحرا تا نهر فرات قرار دهم. زیرا ساکنان آن زمین را بدست شما خواهم سپرد و ایشان را از پیش روی خودخواهی راند.» شماره ۸:۱۷ پیدایش - کتاب اول عهد عتیق - می گوید خداوند به ابراهیم گفت: «زمین غربت تو یعنی تمام زمین کنعان را بتو و بعد از تو به ذریت تو به ملکیت ابدی دهم و خدای ایشان خواهم بود.» شماره ۳ و ۴:۲۶ پیدایش می گوید: «خداوند بر وی (یعنی بر اسحق) ظاهر شده گفت به مصر فرود نیا بلکه به زمینی که بتو می گویم ساکن شو. در این زمین توقف نما و با تو خواهم بود و تو را برکت خواهم داد. زیرا که بتو و ذریت تو تمام این زمین را می دهم و سوگندی را که با پدرت ابراهیم خوردم استوار خواهم داشت.» کتاب عهد عتیق (مشهور به تورات) را عزرای کاهن در حدود ۱۰۰۰ (هزار) سال بعد از موسی نوشت، مطابق آماری که خود کتاب عهد



عتیق می‌دهد. چون شماره ۱۰ تا ۷:۱۲ عَزْرَا - کتاب پانزدهم عهد عتیق - می‌گوید: «چونکه عَزْرَا دل خود را بطلب نمودن شریعت خداوند و بعمل آوردن آن و به تعلیم دادن فرایض و احکام به اسرائیل مهیا ساخته بود. و این است صورت مکتوبی (نامه ای) که ارتَحَشَسْتَا پادشاه (ایران) به عَزْرَا کاهن و کاتب داد که کاتب کلمات و صایای خداوند و فرایض او بر اسرائیل بود. از جانب ارتَحَشَسْتَا شاهنشاه به عَزْرَا کاهن و کاتب (نویسنده) کامل شریعت خدای آسمان.» این کتاب برای قوم شکست خورده یهود و تقویت روحیه آنان نوشته شده. چون در حدود ۲۲۰ سال بعد از نابودی دولت اسرائیل بدست آشوریان نوشته شده. چون مطابق آمار خود کتاب عهد عتیق بنی اسرائیل بعد از سلیمان به دولت اسرائیل در شمال و یهود در جنوب تقسیم شد. (باب ۱۲ کتاب اول پادشاهان را بخوانید) شماره ۲۰ آن می‌گوید: «چون تمامی اسرائیل شنیدند که یربعام مراجعت کرده است ایشان فرستاده او را نزد جماعت طلبیدند و او را بر تمام اسرائیل پادشاه ساختند و غیر از سبط یهودا فقط کسی خاندان داود را پیروی نکرد.» دولت اسرائیل مطابق آمار خود کتاب عهد عتیق ۵ / ۲۴۱ سال بعد از سلیمان حکومت داشت و ۱۵۲ سال قبل از پایان حکومت یهود نابود شد. چون شماره ۲۳ و ۱۷:۲۴ کتاب دوم پادشاهان می‌گوید: «... پس اسرائیل از زمین خود تا امروز به آشور جلای وطن شدند و پادشاه آشور مردمان از بابل و کوت و عوّا و حمات و سَفْرَوَایم آورده ایشان را بجای بنی اسرائیل در شهرهای سامره (مرکز دولت شمالی) سکونت داد...» و دولت یهود مطابق آمار خود کتاب عهد عتیق در حدود ۵/۳۹۳ سال حکومت کرد و بدست نبوکد نصر (بخت النصر) پادشاه بابل در هم شکست و بسیاری از یهودیان به اسارت به بابل برده شدند و شماره ۲۱:۳۶ کتاب دوم تواریخ ایام - کتاب چهاردهم عهد عتیق - می‌گوید: «... زیرا در تمامی ایامی که ویران ماند آرامی یافت تا هفتاد

سال سپری شد. « ۷۰ سال و ۱۵۲ سال در حدود ۲۲۰ سال می شود که این کتاب پس از نابودی دولت اسرائیل نوشته شده و ۱۰ نسل شمالی یعنی ۱۰ نسل از بنی اسرائیل اطلاعی از آن نداشتند. این کتاب که در حدود هزار سال پس از موسی نوشته شده چه طور از پیدایش جهان و صحبت خدا با ابراهیم و اسحق سخن می گوید و آمار دقیق از تعداد کشته شدگان و جمعیت مردم میدهد؟! اما کی از بحر قلزم تا بحر فلسطین و از صحرا تا نهر فرات در اختیار بنی اسرائیل بوده؟ اورشلیم مدت دو قرن جزو ایران بود و وقتی که یونانی ها ایران را تصرف کردند مدت یک قرن جزو یونان بود و وقتی رومی ها یونان را تصرف کردند اورشلیم مدت سه قرن جزو روم حساب می شد، غیر از مدت کوتاهی که مکابی ها حکومت کردند. اورشلیم برای بار دوم توسط تیتوس امپراتور روم خراب شد و یهودی ها اسیر و به اروپا برده و فروخته شدند. چون بار اول مطابق شماره ۱۶ تا ۲۰: ۳۶ کتاب دوم تواریخ ایام «... غضب خداوند بر قوم او افروخته شد... پس پادشاه کلدانیان را... بر ایشان آورد و همه را بدست او تسلیم کرد. او سایر ظروف خانه خدا را از بزرگ و کوچک و خزانه های خانه خداوند و گنجهای پادشاه و سردارانش را تماماً به بابل برد و خانه خدا را سوزانیدند و حصار اورشلیم را منهدم ساختند و همه قصرهایش را به آتش سوزانیدند و جمیع آلات نفیسه آنها را ضایع کردند و بقیه السیف را ببابل به اسیری برد که ایشان تا زمان سلطنت پادشاهان فارس او را و پسرانش را بنده بودند.»

البته نباید فراموش کرد که در کتاب عهد عتیق هدایت و نور وجود دارد. مثل ده فرمان تورات. این فرمان ها فرمانهای خوبی است و در لوحه هامورابی و قبل از آن هم وجود داشته، ولی این کتاب ۴ چیز را به قوم شکست خورده و از اسارت برگشته تعلیم میدهد: یکی تعصب نژادی بطوری که نژادپرست ترین قوم جهان را بوجود آورده. یکی اطاعت بی چون و چرا از کاهنان و برتری قوم لاوی و کهنه را به افراد



تلقین می‌کند. قوم لاوی فرزندان لاوی فرزند سوم یعقوب از زن ناخواستہ و اجباری او می‌باشد. چون شماره ۱۶ تا ۲۸:۲۹ پیدایش می‌گوید: «لابان را دو دختر بود که نام بزرگتر لیه و اسم کوچکتر راحیل بود. چشمان لیه ضعیف بود. اما راحیل خوب صورت و خوش منظر بود. یعقوب عاشق راحیل بود و گفت برای دختر کوچکت راحیل هفت سال تو را خدمت می‌کنم. لابیان گفت او را به تو بدهم بهتر است از آنکه به دیگری بدهم. نزد من بمان. یعقوب برای راحیل هفت سال خدمت کرد و بسبب محبتی که بوی داشت در نظرش روزی چند نمود. یعقوب به لابیان (دایی خود) گفت زوجه‌ام را بمن بسیار که روزهایم (هفت سال) سپری شد تا به وی درآیم. پس لابیان همه مردمان آنجا را دعوت کرده ضیافتی برپا نمود... و هنگام شام دختر خود لیه را برداشته او را نزد وی آورد او (یعقوب) به وی در آمد... صبحگاهان دید که اینک لیه است. پس به لابیان گفت این چیست که به من کردی مگر برای راحیل نزد تو خدمت نکردم؟ چرا مرا فریب دادی؟ لابیان گفت در ولایت ما چنین نمی‌کنند که کوچکتر را قبل از بزرگتر بدهند. هفته این را تمام کن و او را نیز به تو می‌دهم برای هفت سال دیگر که خدمت بکنی. پس یعقوب چنین کرد و هفته را تمام کرد و دختر خود راحیل را به زنی به او داد...» و یعقوب به او نگفت که لااقل به من می‌گفتی که صبر کنم که لیه شوهر کند و من برای راحیل کار کرده بودم نه برای لیه. لیه برای یعقوب در ابتدا ۴ پسر زاید. رثوین، شمعون، لاوی و یهودا (شماره ۳۲ تا ۳۵:۲۹ پیدایش را نگاه کنید).

یهودیان می‌گویند خدا وعده «بحر قلزم تا بحر فلسطین و از صحرا تا فرات» را به موسی داده در صورتیکه دیدیم آنها چندین سال اسیر بابل بودند و دو قرن جزو ایران و یک قرن جزو یونان و سه قرن جزو روم بودند و ۱۳ قرن جزو سرزمین‌های اعراب اسلامی بودند. البته مدتی از آن را جزو سرزمین مغول‌ها بودند. اما نقشه

دولت یهود و سهم یهودیان در بعضی از کتاب‌های مقدس (عهد عتیق و عهد جدید) چاپ شده و شرح آن در باب پانزدهم صحیفه یوشع - کتاب ششم عهد عتیق - آمده است. باب ۲۷ سفر (کتاب) اعداد می‌گوید: «دختران صَلْحَفَاد... نزدیک آمدند... گفتند پدر ما در بیابان مُرد و پسری نداشت. پس چرا نام پدر ما از این جهت که پسری ندارد از میان قبیله‌اش محو شد؟... خداوند موسی را خطاب کرده گفت: دختران صَلْحَفَاد راست می‌گویند. البته در میان برادران پدر ایشان ملک موروثی به ایشان بده...» شماره ۶ و ۷:۳۶ سفر اعداد می‌گوید: موسی گفت: «این است آنچه خداوند در باره دختران صَلْحَفَاد امر فرموده، گفته است به هر که در نظر ایشان پسند آید به زنی داده شوند، لیکن در قبیله سبط پدران خود فقط به نکاح داده شوند. پس میراث بنی اسرائیل از سبط به سبط منتقل نشود بلکه هر یکی از بنی اسرائیل به میراث سبط پدران خود ملصق باشند.» چطور یهودیان امروزی ساکن اسرائیل سرزمینی از بحر قلزم تا بحر فلسطین و از صحرا تا فرات را می‌خواهند؟ بزرگترین اشتباه یهودیان صهیونیست تشکیل دولت اسرائیل بود. چون در اروپا و آمریکا با در دست داشتن بانک‌ها و وسائل ارتباط جمعی از قبیل روزنامه و کتاب و فیلم و رادیو و تلویزیون بر افکار اروپائیان و آمریکائیان و در نتیجه بر افکار مردم در سراسر جهان حکومت می‌کردند. ولی امروزه هم باعث نفرت مردم از یهود شده‌اند و هم باعث نفرت مردم از آمریکا.



۱۰

دروغ و فریب (۲)

چه کسانی به مردم دروغ گفته و می‌گویند؟

فریبکاران و فریب خوردگان مسیحی

کشیش Max Lucado در حدود یک ماه و نیم پس از واقعه سپتامبر در یکی از کلیساهای شهر San Antonio ضمن سخنرانی خود گفت: «۱- چرا ساکنین فعلی (اعراب) سرزمینی که بستر کتاب مقدس (Bible) بوده و سرشار و غنی از تاریخ مسیحیت است (به جای احترام و تواضع) ما را دشمن خویش می‌شمارند؟ ۲- چرا آنها از واژه‌های معنوی همچون: جنگ مقدس، شهادت و بهشت استفاده می‌کنند و ما را کافر می‌شناسند؟ ۳- چرا جان خود را در عملیات انتحاری فدا می‌کنند و میلیونر مسلمانی (بن لادن) علیه ما و کودکان شما توطئه می‌کند؟...»

و می‌گوید: ما با یک مذهب بدون مسیح و بدون صلیب مواجه هستیم. آنها هرگز خدای عشق را نشناخته‌اند. آنها هرگز طعم شیرین نجات را نچشیده‌اند. تنها امید نجات آنها کارهای نیک و شهادت در راه خدا است... مسیح صلیب را که بر آن



جان داده به عنوان معیاری برای ما باقی گذاشته است تا وسیله بخشش گناهان و نجاتمان باشد...

این سخنان پر از ریاکاری و فریب است، همان چیزی که عیسی مسیح به کاتبان و فریسیان گفت: «وای بر شما ای کاتبان و فریسیان ریاکار که در ملکوت آسمان را به روی مردم می‌بندید زیرا خود داخل آن نمی‌شوید و داخل شونندگان را از دخول مانع می‌شوید... وای بر شما ای کاتبان و فریسیان ریاکار زیرا که برّ و بحر را میگردید تا مریدی پیدا کنید و چون پیدا شد او را دو مرتبه پست‌تر از خود پسر جهنم میسازید... وای بر شما ای کاتبان و فریسیان ریاکار که نعناع و ثبت و زیره را عشر می‌دهید و اعظم احکام شریعت یعنی عدالت و رحمت و ایمان را ترک کرده اید... ای رهنمایان کور که پشه را صافی می‌کنید و شتر را فرو می‌برید... وای بر شما ای کاتبان و فریسیان ریاکار که چون قبور سفید شده میباشید که از بیرون نیکو مینماید لیکن درون آنها از استخوانهای مردگان و سایر نجاسات پر است. همچنین شما نیز ظاهراً (خود را) به مردم عادل می‌نمایید لیکن باطناً از ریاکاری و شرارت مملو هستید...» ۱۳ تا ۲۸: ۲۳ انجیل متی. «ای مازان و افعی زادگان چگونه از عذاب جهنم فرار خواهید کرد؟» ۲۳: ۳۳ متی. آیا شما برای ایمان به مسیح و انجیل کار می‌کنید یا برای پول؟ آیا برای بیان تعالیم مسیح و انجیل صحبت می‌کنید یا برای دکانی که بنام کلیسا باز کرده اید؟ آیا کارهایی که در بسیاری از کلیساها صورت می‌گیرد از کارهایی است که مسیح می‌کرد؟ آیا شما انجیل را تعلیم می‌دهید یا تعالیم مردم را؟ مسیح در باره شما مثل آنچه در باره کاتبان و فریسیان گفت، می‌گوید: «با تقلید خود حکم خدا را باطل نموده اید. ای ریاکاران اشعیا در باره شما نیکو نبوت نموده است که گفت: این قوم به زبانهای خود به من تقرب میجویند و با لبهای خویش مرا تمجید مینمایند لیکن دلشان از من دور است. پس عبادت مرا عبث

می‌کنند، زیرا احکام مردم را به منزله فرایض تعلیم می‌دهند... هر نهالی که پدر آسمانی من نکاشته باشد باید کنده شود.» ۷ تا ۱۳: ۱۵ متی. آیا آنچه در کلیساها گفته می‌شود انجیل است یا تعالیم دیگران. آیا این دستور انجیل و عیسی مسیح را انجام داده‌اید یا می‌دهید؟ ای ریاکاران فریبکار فریب بس است. بالاخره روزی مردم بیدار خواهند شد و انجیل را خواهند خواند و آنچه را در آن وجود دارد خواهند شناخت و آنچه را در آن نیست دور خواهند انداخت، همانطور که روزی مسلمانان قرآن را خواهند خواند و از تعالیم آن اطلاع خواهند یافت و حرفهایی را که بر خلاف آن است بدور خواهند انداخت.

آیا شما انجیل و تعالیم مسیح را بیان می‌کنید یا حرفهای دیگران را؟ اگر تعالیم انجیل را نمی‌دانید که واقعاً خجالت آور است و اگر می‌دانید و حرفهای خلاف آن را که دیگران بنام مسیح و انجیل زده‌اند می‌زنید این جز ریاکاری و فریبکاری چیزی نیست. مسیح می‌گوید: «تا عدالت شما بر عدالت کاتبان و فریسیان افزون نشود بملکوت آسمان هرگز داخل نخواهید شد.» ۲۰: ۵ متی. آیا این سخن مسیح را به مردم تعلیم می‌دهید یا می‌گویید: «مسیح صلیب را که بر آن جان داده به عنوان معیاری برای ما باقی گذاشته تا وسیله بخشش گناهان و نجاتمان شود.»؟ مسیح در کجای انجیل چنین حرفی زده؟ مسیح در انجیل می‌گوید: «نه هر که مرا خداوند خداوند گوید داخل ملکوت آسمان گردد بلکه آنکه اراده پدر مرا که در آسمان است بجا آورد. بسا در آن روز (روز حساب) مرا خواهند گفت خداوند خداوند آیا بنام تو نبوت نمودیم، و به اسم تو دیوها را اخراج نکردیم (مریض‌ها را شفا ندادیم) و بنام تو معجزات بسیار ظاهر نساختیم؟ آنگاه به ایشان صریحاً خواهم گفت که هرگز شما را نشناختم. ای بدکاران از من دور شوید. پس هر که این سخنان مرا بشنود و آنها را بجا آورد او را به مردی دانا تشبیه می‌کنم که خانه خود را بر سنگ بنا کرد و



باران بارید و سیلاب‌ها روان گردید و بادهای وزیده بدان خانه زور آور شد و خراب نگردید، زیرا بر سنگ بنا شده بود. و هر که این سخنان مرا شنیده به آنها عمل نکرد به مردی نادان ماند که خانه خود را بر ریگ بنا نهاد و باران باریده سیلاب‌ها جاری شد و بادهای وزیده به آن خانه زور آورد و خراب گردید و خرابی آن عظیم بود.» ۲۱ تا ۲۷:۷ متی. آیا شما این تعالیم را به مردم می‌گویید یا می‌گویید: «مسیح صلیب را که بر آن جان داده به عنوان معیاری برای ما باقی گذاشته تا وسیله بخشش گناهان و نجاتمان شود.»؟ مسیح می‌گوید: «چه گمان دارید؟ شخصی را دو پسر بود نزد نخستین آمده گفت ای فرزند امروز بتاکستان من رفته بکار مشغول شو. (او) در جواب گفت نخواهم رفت اما بعد پیشیمان گشته برفت، و به دومین نیز همچین گفت او در جواب گفت ای آقا من میروم ولی نرفت. کدام یک از این دو خواهش پدر را بجا آورد؟ گفتند اولی.» ۲۸ تا ۳۱:۲۱ متی. مطابق این بیان صریح مسیح آیا یهودیانی که مسیح را قبول ندارند و احکام او را انجام می‌دهند حکم خداوند (پدر آسمانی مسیح) را انجام داده‌اند یا نه؟ و به ملکوت آسمان داخل خواهند شد یا نه؟ و مسلمانانی که مسیح را پیغمبر خدا (نبی مثل موسی ۲۲:۳ اعمال رسولان و ۱۵ تا ۱۸:۱۸ تثنیه) میدانند و او را نه خدا میدانند نه پسر خدا ولی احکام مسیح و انجیل را انجام می‌دهند آیا وارد ملکوت آسمان خواهند شد یا نه؟ زرتشتیان چطور؟ بوداییان چطور؟ مسیح می‌گوید: «چون است که مرا خداوندا خداوندا می‌گویید و آنچه می‌گویم بعمل نمی‌آورید؟ هر که نزد من آید و سخنان مرا شنود و آنها را بجا آورد شما را نشان می‌دهم که به چه کس مشابهت دارد. مثل شخصی است که خانه ای میساخت و زمین را کنده گود نمود و بنیادش را بر سنگ نهاد. پس چون سیلاب آمده سیل بر آن خانه زور آورد نتوانست آن را جنبش دهد زیرا بر سنگ بنا شده بود، لیکن هر که شنید و عمل نیاورد مانند شخصی است که خانه بر روی زمین بی بنیاد

بنا کرد که چون سیل بر آن صدمه زد فوراً افتاد و خرابی آن خانه عظیم بود.» ۴۶ تا ۴۹: ۶ لوقا. آیا شما تعلیم مسیح را به مردم می‌گویید یا به دروغ می‌گویید «مسیح صلیب را که بر آن جان داده به عنوان معیاری برای ما باقی گذاشته تا وسیله بخشش گناهان و نجاتمان شود.» آیا مسیح دروغ گفته یا شما دروغ می‌گویید و مردم بی اطلاع را فریب می‌دهید؟ مسیح به کسانی که به او گفتند: «مادر تو و برادرانت بیرون ایستاده می‌خواهند با تو سخن گویند.» ۴۷: ۱۲ متی. می‌گوید: «هر که اراده پدر مرا که در آسمان است بجا آورد همان برادر و خواهر و مادر من است.» ۵۰: ۱۲ متی. آیا کسی که اراده خدا (پدر آسمانی مسیح) را بجا آورد برادر و خواهر و مادر مسیح است یا کسی که مسیح را خداوند خداوند می‌گوید ولی آنچه را او می‌گوید بعمل نمی‌آورد؟ چرا مردم را فریب می‌دهید؟ بین شما و کاتبان و فریسیان و دکان‌داران دینی چه فرقی است؟ من این حقایق را می‌گویم که راه گشای نسل‌های آینده باشد اگرچه به قیمت جانم تمام شود. چون باید مردم روزی حقیقت را بشنوند و متوجه آن شوند و فریب فریبکاران را نخورند و دین واقعی شناخته و اجرا شود.

یعقوب می‌گوید: «هر که تمام شریعت را نگاه دارد و در یک جزء بلغزد ملزم همه می‌باشد، زیرا او که گفت زنا مکن نیز گفت قتل مکن. پس هر چند زنا نکنی اگر قتل کردی از شریعت تجاوز نمودی... ای برادران من چه سود دارد اگر کسی گوید ایمان دارم وقتی که عمل ندارد؟ آیا ایمان می‌تواند او را نجات بخشد؟... ایمان نیز اگر اعمال ندارد در خود مرده است. بلکه کسی خواهد گفت تو ایمان داری و من اعمال دارم. ایمان خود را بدون اعمال بمن بنما و من ایمان خود را از اعمال خود بتو خواهم نمود. تو ایمان داری که خدا واحد است، نیکو می‌کنی. شیاطین نیز ایمان دارند و میلرزند. ولیکن ای مرد باطل آیا می‌خواهی دانستی که ایمان بدون اعمال باطل است؟» ۱۰ تا ۲۰: ۲ رساله یعقوب. مسیح می‌گوید: «نه تندرستان بلکه



مریضان احتیاج به طبیب دارند. لکن رفته این را دریافت کنید که رحمت می‌خواهم نه قربانی (اشاره به ۱۱:۱ اشعیاء و ۶:۶ هوشع کتاب عهد عتیق) زیرا نیامده‌ام تا عادلان بلکه گناهکاران را به توبه دعوت نمایم. «۱۲ و ۹:۱۳ متی و ۲:۱۷ مرقس و ۳۱ و ۵:۳۲ لوقا. آیا مسیح آمده تا گناهکاران توبه کنند یا صلیب باعث بخشش گناهان باشد؟ ایمان بی عمل چه فایده دارد؟ ایمان بی عمل باطل است. ایمان بی عمل در خود مرده است. تا عدالت شما بر عدالت کاتبان و فریسیان افزون نشود بملکوت آسمان هرگز داخل نخواهید شد. هرگز شما را نشناختم. ای بدکاران از من دور شوید. آیا مسلمانان این تعالیم انجیل را قبول دارند یا کشیشانی امثال شما؟ ای ریاکارانی که بزّ و بحر را میگردید تا مریدی پیدا کنید چگونه از عذاب جهنم فرار خواهید کرد؟ هر نهالی که پدر آسمانی مسیح نکاشته باید کنده شود.

گفته‌اید و نوشته‌اید: «چرا... ما را دشمن خویش می‌شمارند؟» مسلمانان فریب خورده مثل مسیحیان فریب خورده فریب فریبکاری روحانی نماهایی مثل شما را خورده‌اند که مسیحیان واقعی را دشمن خود می‌شناسند. اما فریب خوردگان مسیحی دشمن مسلمانان واقعی و اسمی هستند. قرآن در آیه ۵:۸۲ سوره مائده می‌فرماید: **لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الْيَهُودَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا وَلَتَجِدَنَّ أَقْرَبَهُمْ مَوَدَّةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصَارَى...** «دشمن ترین افراد مردم را نسبت به مسلمانان یهودیان و مشرکین می‌یابی و با محبت ترین افراد را نسبت به مسلمانان مسیحیان می‌یابی...» این نظر قرآن است. اعمال مسلمانان پس از فتح سوریه و ترکیه و مصر نسبت به مسیحیان این حقیقت را نشان داد که مسلمانان مسیحیان را دشمن نمی‌دانستند و آنها را قتل عام نمی‌کردند و آنها را در دینشان آزاد گذاشتند. چون آن را دین الهی میدانستند. ولی مسیحیانی که از مسیح جز اسمی چیزی نداشتند و چیزی نمی‌دانستند در جنگهای دویست ساله با مسلمانان چه

کردند؟ نگویند معذرت می‌خواهیم آنها بر خلاف تعالیم مسیح عمل کردند. با قوم اینکا و آزتک چه کردند؟ نگویند معذرت می‌خواهیم آنها بر خلاف تعالیم مسیح عمل کردند. با سرخ پوستان بومی آمریکا چه کردند؟ نگویند معذرت می‌خواهیم. چگونه مسیحیت را در اروپا رواج دادند؟ نگویند معذرت می‌خواهیم. کاتولیک‌ها با پروتستانها در کشتار سن بارتلمی چه کردند؟ نگویند معذرت می‌خواهیم. پروتستانها با کاتولیک‌ها در سوئد چه کردند؟ نگویند معذرت می‌خواهیم. جنگهای اول و دوم بین المللی اروپا که مسیحیان یکدیگر را می‌کشتند و جنگهای قبل از آن که بین کشورهای مسیحی صورت گرفت چطور؟ نگویند معذرت می‌خواهیم. امروزه مسیحیان عالم با هم چه می‌کنند؟ با غیر مسیحیان چه می‌کنند؟ نگویند معذرت می‌خواهیم. شما ایمان ندارید و بیخود نام مسیح و مسیحیت را آلوده ساخته‌اید.

مسیح می‌گوید: «هر که به رخساره راست تو طپانچه زند دیگری را نیز بسوی او بگردان و اگر کسی خواهد با تو دعوی کند و قبای تو را بگیرد عباى خود را نیز بدو واگذار. و هرگاه کسی تو را برای یک میل مجبور سازد دو میل همراه او برو.» ۳۹ تا ۴۱: ۵ متی. و می‌گوید: «دشمنان خود را محبت نمایند و برای لعن کنندگان خود برکت بطلبید و به آنانی که از شما نفرت کنند احسان کنید و به هر که به شما فحش دهد و جفا رساند دعای خیر کنید، تا پدر خود را که در آسمان است پسران شوید، زیرا آفتاب خود را بر بدان و نیکان طالع می‌سازد و باران بر عادلان و ظالمان می‌باراند.» ۴۴ و ۴۵: ۵ متی. آیا شما دین دارید؟ آیا شما مسیحی هستید؟ امروزه مسیحیان با ملت‌های ضعیف در عالم چه می‌کنند؟ آیا ملت‌های ضعیف را غارت نمی‌کنند؟ یعقوب می‌نویسد: «آیا دولتمندان بر شما ستم نمی‌کنند و شما را در محکمه‌ها نمی‌کشند؟» ۲: ۶ رساله یعقوب. مسیح می‌گوید: «جمیع شما برادرانید.» ۲۳: ۸ متی. عیسی می‌گوید: «به شما حکمی تازه می‌دهم که یکدیگر را محبت



نمایید، چنانکه من شما را محبت نمودم تا شما نیز یکدیگر را محبت نمایید. به همین همه خواهند فهمید که شاگرد من هستید اگر محبت یکدیگر را داشته باشید.»

۳۴ و ۱۳:۳۵ یوحنا. آیا شما مسیحی هستید؟ آیا کافر به تعالیم مسیح و انجیل نیستید؟ کافر کسی است که منکر حقیقت است و حقیقت را قبول ندارد و آن را پنهان می‌کند. مسیح به خدا می‌گوید: «من جلالی را که بمن دادی به ایشان دادم تا یک باشند چنانکه ما یک هستیم.» ۱۷:۲۲ یوحنا. آیا شما مدعیان مسیحیت یکی و متحد هستید یا در حدود دویست فرقه ای که هر یک ادعای مسیحیت می‌کند و دیگران را قبول ندارد در آمریکا وجود دارد؟ آیا خجالت نمی‌کشید که با اینهمه تفرقه ادعای پیروی از مسیح می‌کنید ولی از مسیح فقط اسمی می‌شناسید و عیسی عیسی و لرد لرد می‌گویید؟ آیا بنام حقوق بشر تمام تعالیم مسیح زیر پا گذاشته نشده؟ آیا بنام آزادی عقیده و آزادی بیان و آزادی قلم تمام تعالیم مسیح به بازی گرفته نشده؟ اغلب شما کافرید یعنی انجیل را قبول ندارید، همانطور که اکثر یهودیان کافرند و تعالیم تورات را قبول ندارند، همانطور که بیشتر مسلمانان کافرند و تعالیم قرآن را قبول ندارند. مسیح می‌گوید: «من به شما می‌گویم هر کس به غیر علت زنا زن خود را از خود جدا کند باعث زنا کردن او می‌باشد و هر که زن مطلقه را نکاح کند زنا کرده باشد.» ۵:۳۲ متی. آیا این حکم مسیح در دادگاه‌های کشور مسیحی آمریکا مورد قبول است؟ آیا از اینکه با دین شما بازی شده و می‌شود خجالت نمی‌کشید؟ آیا بنام آزادی قلم و آزادی بیان و آزادی عقیده بمن اجازه می‌دهند این مطالب را چاپ کنم؟ برآستی شما کافرید همانطور که بیشتر یهودیان و مسلمانان و زرتشتیان و دیگران کافرند و تعالیم کتاب الهی خود را قبول ندارند؟ آیا فراموش کرده‌اید که «مسیح در هیکل فروشندگان گاو و گوسفند و کبوتر و صرافان را نشسته یافت. پس تازیانه ای از ریسمان ساخته همه را از هیکل بیرون نمود هم

گوسفندان و گاوان را و نقود صرافان را ریخت و تخت‌های ایشان را واژگون ساخت.» ۱۴ و ۱۵: ۲ یوحنا. شما چه کرده‌اید و چه می‌کنید؟ شما برآستی کافرید. اگر اندکی فکر کنید و منصفانه و وجداناً قضاوت کنید متوجه می‌شوید که کافرید آنهم بسیار زیاد.

قرآن در آیه ۷۲ و ۷۳: ۵ سوره مائده می‌فرماید: لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ وَ قَالَ الْمَسِيحُ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اعْبُدُوا اللَّهَ رَبِّي وَ رَبَّكُمْ إِنَّهُ مَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ وَ مَا وَاهُ النَّارُ وَ مَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ * لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ ثَالِثُ ثَلَاثَةٍ وَ مَا مِنْ إِلَهٍ إِلَّا إِلَهٌ وَاحِدٌ وَ إِنْ لَمْ يَنْتَهُوا عَمَّا يَقُولُونَ لَيَمَسَّنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ. «کسانی که گفتند مسیح خود خدا است کافر شدند در صورتیکه مسیح گفت ای بنی اسرائیل خدا را که ارباب (آقا و صاحب اختیار) من و ارباب شما است بندگی (اطاعت محض کنید) هر کس برای خدای شریکی بسازد خدا بهشت را بر او حرام کرده و جای او جهنم است و ستمکاران یاوری ندارند. کسانی هم که گفتند خدا یکی از ۳ خدا است کافر شدند در صورتیکه معبودی (وجودی که انسان بنده او شود و دستورهایش را بدون چون و چرا اجرا کند و خود را در مقابلش کوچک بیند و کوچک سازد) غیر از خدای یگانه وجود ندارد. اگر از آنچه می‌گویند دست بر ندارند به کافرین آنها عذاب دردناکی میرسد.» آیا این حرف درست نیست؟ و آیا شما واقعاً کافر نیستید؟ آیا بعضی از شما نمی‌گویند مسیح خود خدا است؟ و آیا بعضی از شما نمی‌گویند خدا سه تا است «آب و این و روح القدس» پدر (خدا) پسر (مسیح) و روح القدس. آیا این کفر یعنی قبول نداشتن انجیل و تعالیم مسیح که تعالیم خدا است که مسیح آن را بازگو می‌کند نیست؟ بیشتر شما کافرید همانطور که بیشتر مسلمانان کافرند. چون معتقدان واقعی تورات و انجیل و قرآن یک در هزار هم نیستند. چون همه آنها بجای

اینکه تعالیم کتاب الهی خود را بیان کنند، «تعالیم (احکام) مردم را بمنزله فرایض تعلیم می دهند.» ۱۵:۹ متی. این را به روشنی می بینیم. یهودیان بجای پیروی از تورات از تلمود پیروی می کنند، مسیحیان بجای پیروی از انجیل از فلسفه یونان (فلسفه افلاطون که توسط سنت اگوستین و فلسفه ارسطو که توسط سنت اکویناس بنام مسیح تعلیم داده می شد) پیروی می کنند و می گویند ۲۰ قرن کلیسا داریم. در صورتیکه مسیح می گوید: «هر نهالی (هر حکمی) که پدر آسمانی من نکاشته (در تورات بیان نکرده) باشد کنده شود.» ۱۳:۱۵ متی. باید دور انداخته شود. و موسی می گوید: «اگر آواز یهوه خدای خود را بدقت بشنوی تا هوشیار شده تمامی اوامر او را که من امروز بتو امر می فرمایم (آری تمام اوامری که من امروز بتو امر می فرمایم) بجای آوری آنگاه یهوه خدایت ترا بر جمیع امت های جهان بلند خواهد گردانید... اما اگر آواز یهوه خدای خود را نشنوی تا هوشیار شده همه اوامر و فرایض او را که من امروز (آری امروز) بتو امر می فرمایم بجای آوری آنگاه جمیع این لعنت ها بتو خواهد رسید و تو را خواهد دریافت...» ۱ تا ۱۵:۲۸ تثنیه. بقیه مطالب این باب و نیز شماره ۳ تا ۳۹:۲۶ لاویان را هم ببینید. قرآن هم در آیه ۳:۷ سوره اعراف می فرماید: *اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ إِلَيْكُم مِّن رَّبِّكُمْ وَلَا تَتَّبِعُوا مِن دُونِهِ أَوْلِيَاءَ...* «از آنچه از اربابتان (آقا و صاحب اختیاران) بشما نازل شده (یعنی از قرآن) پیروی کنید و از اولیایی غیر از آن پیروی نکنید...» و در آیه ۴۴ و ۴۵ و ۴۷ و ۴۹:۵ سوره مائده می فرماید: *... مَن لَّمْ يَخُكْهُمِ اللَّهُ فَاُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ... فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ... فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ... وَأَنِ احْكُم بَيْنَهُم بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ وَاحْذَرْهُمْ أَن يَفْتِنُوكَ عَن بَعْضِ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكَ...* «کسانی که مطابق آنچه خدا نازل کرده حکم نکنند کافرنند... ظالمند... فاسقند... و بین آنها مطابق آنچه خدا نازل کرده حکم کن و از دلخواه آنان پیروی نکن و مواظب باش که تو را

از بعضی از چیزهایی که خدا به تو نازل کرده منحرف نکنند...» در صورتی که مسلمانان از احادیثی که در حدود ۱۳۰ سال بعد از پیغمبر ﷺ (احادیث اهل سنت) و ۳۰۰ سال بعد از پیغمبر ﷺ (احادیث شیعه) نوشته شده پیروی می‌کنند.

اما شما مسیحیان کافرید چون در انجیل صحبتی از تثلیث (۳ خدایی) وجود ندارد. فقط مسیح در شماره ۱۹ و ۲۸:۲۰ متی می‌گوید: «پس رفته همه امت‌ها را شاگرد سازید و ایشان را به اسم اب و ابن و روح القدس تعمیم دهید و ایشان را تعلیم دهید که همه اموری را که به شما حکم کرده‌ام حفظ کنند...» صحبتی از اینکه مسیح و روح القدس خدا هستند در تمام انجیل وجود ندارد بلکه صحبت از خدای واحد است. شماره ۴:۱۰ متی و ۱۲:۲۹ مرقس و ۴:۸ لوقا و ۳:۱۷ و ۱۷:۳ یوحنا و ۳:۳۰ و ۱۶:۲۶ رومیان و ۴ و ۸:۶ قرنتیان اول و ۴:۶ افسسیان و ۱:۱۷ و ۲:۵ و ۱۵:۶ تیموتاؤس اول و ۲:۱۹ یعقوب و ۲۵ یهودا را ببینید. عیسی مسیح می‌گوید: «... اول همه احکام این است که بشنوای اسرائیل، خداوند خدای ما خداوند واحد است.» ۱۲:۲۹ مرقس. و در دعای خود به خدا می‌گوید: «حیات جاودانی این است که تو را خدای واحد حقیقی و عیسی مسیح را که فرستادی بشناسند.» ۳:۱۷ یوحنا. و پولس می‌نویسد: «خدای دیگری جز یکی نیست.» و «ما را یک خدا است.» ۴ و ۸:۶ قرنتیان اول. و یعقوب می‌نویسد: «تو ایمان داری خدا واحد است نیکو می‌کنی...» ۲:۱۹ یعقوب. می‌بینیم که عیسی مسیح و مسیحیان اولیه معتقد به یک خدا بودند و خدا بودن مسیح و تثلیث کفر یعنی خلاف انجیل است.

قرآن یک واقعیت و حقیقت تلخ را بیان کرده و آن این که اکثریت مسیحیان آن زمان و این زمان کافرند، همانطور که اکثریت مسلمانان گذشته و حال کافر بودند و هستند. چون قرآن در آیه ۵:۴۴ سوره مائده می‌فرماید: «... مَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ...» (آنچه خدا نازل کرده)



حکم نکنند کافر هستند.» و یهودیان و مسیحیان و مسلمانان مطابق کتاب الهی خود (آنچه خدا نازل کرده) حکم نمی‌کنند بلکه از آنچه دیگران گفته‌اند پیروی می‌کنند و مطابق نظر آنها حکم می‌کنند. دیدیم که عیسی مسیح می‌گوید: «هر نهالی که پدر آسمانی من نکاشته باید کنده شود.» ۱۳:۱۵ متی. یعنی هر حکم و نظری که در تورات نیست باید دور انداخته شود و بنام دین گفته نشود حتی اگر شستن دستها قبل از غذا خوردن باشد. (شماره‌های ۱ و ۱۵:۲۰ متی را ببینید.)

اگر سابقه تاریخی ملاک مالکیت باشد امریکا متعلق به سرخ پوستان است و استرالیا و زلاندنو متعلق به بومیان آنجا است.

اگر ملاک مالکیت بقول آقای Max Lucado کتاب عهد عتیق باشد یهودیان مالک سرزمینی هستند که محدود است از طرف شرق به دریای مرده (بحرالمیّت) و از طرف شمال خطی به موازات خط استوا از شمال دریای مرده بطرف مدیترانه تا فلسطین و از جنوب نیز خطی موازی خط شمالی از جنوب دریای مرده تا فلسطین و از طرف غرب خطی از شمال به جنوب مرز فلسطین. این مربع کوچک سهم یهودیان بوده که از شمال به سرزمین بنیامین و دان محدود می‌شده و از جنوب به سرزمین شمعون. مطابق ۶ تا ۹:۳۶ اعداد آمده است که «این است آنچه در باره دختران صلفحاد امر فرموده گفته است به هر که در نظر ایشان پسند آید به زنی داده شوند، لیکن در قبیله سبط پدران خود فقط به نکاح داده شوند. پس میراث بنی اسرائیل از سبط به سبط منتقل نشود بلکه هر یکی از بنی اسرائیل به میراث سبط پدران خود ملصق باشند، و هر دختری که وارث ملکی از اسباط بنی اسرائیل بشود به کسی از قبیله سبط پدر خود بزنی داده شود، تا هر یکی از بنی اسرائیل وارث ملک آبای خود گردند، و ملک از یک سبط به سبط دیگر منتقل نشود، بلکه هر کس از اسباط بنی اسرائیل به میراث خود ملصق باشند.» آیا ملک بقیه اسباط بنی اسرائیل

مطابق کتاب عهد عتیق به یهودیان منتقل می‌شود؟ چرا مغالطه می‌کنید و دروغ می‌گویید و از بی‌اطلاعی مردم سوء استفاده می‌کنید؟ لابد کتاب عهد عتیق را خوانده‌اید. لابد خوانده‌اید که کتاب عهد عتیق می‌گوید: پس از مرگ سلیمان بنی اسرائیل دو دسته شدند. دسته شمالی که به دولت اسرائیل موسوم شد شامل ۱۰ سبط بود و دولت جنوبی که یهودا نامیده شد، همانطور که اشعیاء به آنان در ۱: ۴۸ کتاب خود می‌گوید: «از آب یهودا صادر شده‌اید.» آنها فقط سبط یهودا بودند و دولت جنوبی از فرزندان یهودا تشکیل شد همانطور که عهد عتیق در شماره ۲۰ کتاب اول پادشاهان می‌گوید: «غیر از سبط یهودا فقط کسی خاندان داود را (یعنی از رحبعام) پیروی نکرد.» می‌دانید که سبط لاوی در بین ۱۱ نسل دیگر پراکنده بودند، چون «لاویان کهنه و تمام سبط لاوی را حصه و نصیبی با اسرائیل نباشد. هدایای آتشین خداوند و نصیب او را بخورند. پس ایشان در میان برادران خود نصیب نخواهند داشت. خداوند نصیب ایشان است چنانکه به ایشان گفته است. و حق کاهنان از قوم یعنی از آنانی که قربانی خواه از گاو و خواه از گوسفند می‌گذرانند این است که دوش و دو بناگوش و شکنبه را بکاهن بدهند و نوبر غله و شیره و روغن خود و اول چین پشم گوسفند خود را به او بده، زیرا یهوه خدایت او را از همه اسباب برگزیده است تا او و پسرانش همیشه بایستند و بنام خداوند خدمت نمایند.» ۱ تا ۵: ۱۸ تثنیه. و یوشع از سرزمین‌هایی که تصرف کرد سهمی به بنی لاوی نداد همانطور که عهد عتیق می‌گوید: «لیکن به سبط لاوی هیچ ملکیت نداد، زیرا هدایای آتشین یهوه خدای اسرائیل ملکیت وی است چنانکه به او گفته بود.» ۱۳: ۱۴ یوشع. و «به لاویان هیچ قسمت در زمین ندادند غیر از شهرها به جهت سکونت و اطراف آنها به جهت مواشی و اموال آنها، چنانکه خداوند موسی را امر فرموده بود...» ۴ و ۵: ۱۴ یوشع. چون کهنات با سبط لاوی بود. می‌دانید که ۱۰



سبط شمالی توسط دولت آشور به سرزمین‌های دیگر برده شد و پخش گردید. چون «پادشاه آشور مردمان از بابل و کوت و عوا و حمات و سفروایم آورده ایشان را بجای بنی اسرائیل (۱۰ نسل شمالی) در شهرهای سامره (پایتخت دولت شمالی) سکونت داد و ایشان سامره را به تصرف آورده در شهرهایش ساکن شدند.» عهد عتیق، کتاب دوم پادشاهان، باب ۱۷، شماره ۲۴. این واقعه در حدود ۱۵۰ سال قبل از سقوط دولت یهودا توسط شلمناسر پادشاه آشور صورت گرفت و کتاب عهد عتیق سالها بعد توسط عزرا در زمان سلطنت خشایارشا (ارتخشستا) نوشته شد و عهد عتیقی در بین آن ۱۰ نسل وجود نداشت. عزرا یکی از کاهنین بود که عهد عتیق را در حدود هزار سال بعد از موسی نوشت. معلوم است که مطالب آن تا چه حد می‌تواند دقیق باشد. بسیاری از یهودیان تحصیل کرده امروزی عهد عتیق را قبول ندارند و فقط از ترس افراد بی اطلاع یهودی عقیده خود را ابراز نمی‌کنند. البته اسپنسر و فروید و اینشتین قبلاً این مطلب را اظهار داشته بودند. عهد عتیق می‌گوید: «در آن روز خداوند با ابرام عهد بست و گفت این زمین را از نهر مصر تا به نهر عظیم یعنی فرات به نسل تو بخشیده ام.» ۱۸:۱۵ پیدایش. اما نسل ابراهیم شامل اسمعیل و اسحق و فرزندان ابراهیم از قطوره می‌باشد. چون «ابراهیم (پس از ساره) دیگر بار زنی گرفت که قطوره نام داشت و اوزمران و یقشان و مدان و مدیان و یشباق و شوحا را برای او زایید.» ۱ و ۲:۲۵ پیدایش. و «ابراهیم تمام مایملک خود را به اسحق بخشید.» ۵:۲۵ پیدایش. یعنی تمام چیزهایی که در آن زمان مالک بود نه زمین‌هایی که مطابق عهد عتیق خدا به او وعده داده بود. می‌دانیم که فرزندان اسماعیل یعنی اعراب در حدود ۱۳۵۰ سال بر سرزمین‌هایی بیشتر از اینها حکومت می‌کردند و تا بعد از جنگ بین المللی دوم این زمین‌ها در دست اعراب بود و یهودیان توسط انگلیس بر سرزمین اسرائیل دست یافتند. چون یهودیان با فهم

درست و سائل ارتباط جمعی را در اختیار گرفتند و هر کس بخواهد نماینده مجلس یا رئیس جمهور شود به تبلیغات و وسائل ارتباط جمعی نیاز دارد لذا باید از یهودیان تملق بگوید و از خواست آنان اطاعت کند. عهد عتیق در باب ۲۳ پیدایش می گوید: ابراهیم برای قبر ساره که ساره را در آن دفن کند مغاره مکفیله را خواست که عفرون به او بفروشد ولی عفرون خواست زمین مکفیله را باضافه مغاره را که در آن است به او ببخشد ولی ابراهیم آن را به قیمت ۴۰۰ مثقال نقره از او خرید و ساره را در آن دفن کرد. شاید این داستان برای این ساخته شده باشد که املاک حتیان را که بنی اسرائیل تصرف کردند ملک قانونی آنها معرفی کند. اما زمین مکفیله کجا و سرزمین حتیان و دیگران کجا.

اجازه بدهید که در باره مطالب دیگری هم که آلت دست فریبکاری فریبکاران شده حقیقت را بررسی کنیم. آن حکم سنگسار است. در قرآن حکم سنگسار برای هیچ جرم و گناهی وجود ندارد. نه برای زنا نه برای هیچ جرم و گناه دیگری. حکم سنگسار حکم تورات و انجیل است و اگر ننگی دارد شامل حال یهودیان و عیسویان می شود. در قرآن حکم زنا صد تازیانه است. چون آیه ۲:۲۴ سوره نور می فرماید: **الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ وَلَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ...** «به هر یک از زن و مرد زناکار صد تازیانه بزنید، و در دین خدا دچار رأفت (ترحم) نشوید...» و در مورد کنیزان در آیه ۴:۲۵ سوره نساء می فرماید: **إِذَا أُحْصِنَ فَإِنَّ أَتَيْنَ بِفَاحِشَةٍ فَعَلَيْهِنَّ نِصْفُ مَا عَلَى الْمُحْصَنَاتِ مِنَ الْعَذَابِ...** «وقتی کنیزان شوهر کردند اگر مرتکب زنا شدند نصف مجازاتی که زنان شوهردار دارند برای آنها مقرر شده...» اگر مجازات زنای زنان شوهردار سنگسار باشد نصف آن چه می شود؟ لذا معلوم می شود که مجازات زنان شوهردار ۱۰۰ تازیانه است (مطابق آیه ۲ نور) که نصف آن ۵۰ تازیانه می شود.



اما مجازات زنا در کتاب عهد عتیق: اگر مردی ادعا کرد که دختری را که عقد کرده باکره نبوده است: «اگر این سخن راست باشد و علامت بکارت آن دختر پیدا نشود، آنگاه دختر را نزد در خانه پدرش بیرون آورند و اهل شهرش او را با سنگ سنگسار کنند تا بمیرد... اگر مردی یافت شود که با زن شوهرداری هم بستر شده باشد پس هر دو یعنی مردی که با زن خوابیده است و زن کشته شوند... اگر دختر باکره ای به مردی نامزد شود و دیگری او را در شهر یافته با او همبستر شود هر دوی ایشان را نزد دروازه شهر بیرون آورده ایشان را با سنگ سنگسار کنند تا بمیرند... اما اگر آن مرد دختری نامزد را در صحرا یابد و آن مرد به او زور آورده با او بخوابد پس آن مرد که با او خوابیده تنها کشته شود...» ۲۰ تا ۲۵:۲۲ تثنیه. می بینیم که در دو حالت مجازات زناکار سنگسار است و در دو حالت کشته شدن بطرز دیگری.

اما در کتاب عهد عتیق مجازات سنگسار فقط در مورد زنا نیست بلکه شامل جرم‌های دیگری هم می‌شود، چون در عهد عتیق گفته شده «هر گاه گاوی با شاخ خود مردی یا زنی را بزند که او بمیرد گاو را البته سنگسار کنند و گوشتش را نخورند و صاحب گاو بی‌گناه باشد. ولیکن اگر گاو قبل از آن شاخ زن میبود و صاحبش آگاه بود و آن را نگاه نداشت و او مردی یا زنی را کشت گاو را سنگسار کنند و صاحبش را نیز بقتل رسانند.» ۲۸ و ۲۹:۲۱ خروج. «اگر گاو غلامی یا کنیزی را بزند سی مثقال نقره به صاحب او داده شود و گاو سنگسار شود.» ۳۲:۲۱ خروج. «خداوند موسی را خطاب کرده و گفت: بنی اسرائیل را بگو هر کسی از بنی اسرائیل یا غریبانی که در اسرائیل مأواگزینند که از ذریت خود به مولک بدهد البته کشته شود. قوم زمین او را با سنگ سنگسار کنند.» ۱ و ۲: ۲۰ لاویان. «مرد و زنی که صاحب اجنه یا جادوگر باشد البته کشته شوند ایشان را با سنگ سنگسار کنید...» ۲۷:۲۰ لاویان. «آنکس که اسم (یهوه را کفر گفت) و لعنت کرده است بیرون لشکرگاه ببر و

همه آنانی که شنیدند دستهای خود را بر سر وی نهند و تمامی جماعت او را سنگسار کنند.» ۱۴: ۲۴ لاویان. «هر که اسم یهوه را کفر گوید هر آینه کشته شود تمامی جماعت او را البته سنگسار کنند...» ۱۶: ۲۴ لاویان. «خداوند به موسی گفت: این شخص (شخصی که روز شنبه هیزم جمع می‌کرده) البته کشته شود تمامی جماعت او را بیرون از لشکرگاه با سنگها سنگسار کنند.» ۳۵: ۱۵ اعداد. «اگر برادرت که پسر مادرت باشد یا پسر یا دختر تو یا زن هم آغوش تو یا رفیقت که مثل جان تو باشد تو را در خفا اغوا کند و گوید که برویم و خدایان غیر را که تو و پدران تو نشناختید عبادت نماییم... او را با سنگ سنگسار نما تا بمیرد...» ۶ و ۱۰: ۱۳ تثنیه. «اگر در میان تو در یکی از دروازه‌های که یهوه خدایت بتو می‌دهد مرد یا زنی پیدا شود که در نظر یهوه خدایت کار ناشایسته نموده از عهد او تجاوز کند و رفته خدایان غیر را عبادت کرده سجده نماید خواه آفتاب یا ماه یا هر یک از جنود آسمان که من امر نفرموده‌ام... آن مرد یا زن را با سنگها سنگسار کن تا بمیرند.» ۲ تا ۵: ۱۷ تثنیه. «اگر کسی را پسری سرکش و فتنه‌انگیز باشد که سخن پدر و سخن مادر خود را گوش ندهد و هر چند او را تأدیب نمایند ایشان را نشنود پدر و مادرش او را گرفته نزد مشایخ شهرش بدروازه محله‌اش بیاورند و به مشایخ شهرش گویند این پسر ما سرکش و فتنه‌انگیز است و سخن ما را نمی‌شنود و مسرف و میگسار است پس جمیع اهل شهرش او را با سنگ سنگسار کنند تا بمیرد.» ۱۸ تا ۲۱: ۲۱ تثنیه.

اما انجیل: «ناگاه کاتبان و فریسیان زنی را که در زنا گرفته شده بود پیش او (عیسی) آوردند و او را در میان بر پا داشته بدو گفتند ای استاد این زن در عین عمل زنا گرفته شد، و موسی در تورات بما حکم کرده است که چنین زنان سنگسار شوند، اما تو چه می‌گویی؟ و این را از روی امتحان بدو گفتند تا ادعایی بر او پیدا کنند اما عیسی سر بزیر افکنده با انگشت خود بر روی زمین می‌نوشت. و چون در سؤال



کردن الحاح می نمودند راست شده بدیشان گفت هر که از شما گناه ندارد اول بر او سنگ اندازد و باز سر بزیر افکنده بر زمین می نوشت. پس چون شنیدند از ضمیر خود ملزم شده از مشایخ شروع کرده تا به آخر یک یک بیرون رفتند. و عیسی تنها باقی ماند با آن زن که در میان ایستاده بود. پس عیسی چون راست شد و غیر از زن کسی را ندید بدو گفت ای زن آن مدعیان تو کجا شدند؟ آیا هیچکس بر تو فتوی نداد؟ گفت هیچکس ای آقا. عیسی گفت من هم بر تو فتوی نمی دهم. برو دیگر گناه مکن. «۲ تا ۱۱:۸ یوحنا.

در این قضیه می گویند: «این زن در عین عمل زنا گرفته شد.» چطور مردی که مشغول زنا بود گرفته نشد. مگر حکم این نیست که مرد و زن هر دو کشته شوند. می بینیم که عیسی مسیح می گوید: «هر که از شما گناه ندارد اول بر او سنگ اندازد.» در صورتیکه چنین شرطی در تورات نیست بلکه می گوید: «اهل شهرش او را سنگسار کنند.» می بینیم که اینکار توطئه ای علیه عیسی مسیح بود. چون انجیل می گوید: «این را از روی امتحان بدو گفتند تا ادعایی بر او پیدا کنند.» چون اگر می گفت او را سنگسار کنید به والی میگفتند او بر علیه روم قیام کرده چون بر خلاف قانون روم حکم داده است. و اگر می گفت او را سنگسار نکنید میگفتند قانون تورات را شکسته است. چون عیسی بر علیه احکام مشایخ یهود قیام کرده بود. چون همانطور که دیدیم آنها را ریاکار و دکاندارانی معرفی می کرد که «بزر و بحر را میگردند تا مریدی پیدا کنند.» «۱۵:۲۳ متی را ببینید. مثل دکانداران امروزی دینها که دین را دکان کسب مخارج زندگی خود ساخته اند «خود را ظاهراً به مردم عادل مینمایند لیکن باطناً از ریاکاری و شرارت مملو هستند.» «۲۸:۲۳ متی را ببینید.

بعضی از فریبکاران می گویند اسلام دینی است تعصب آمیز و می گوید هیچ دینی غیر از اسلام پذیرفته نیست. استناد آنها به آیه ۸۵:۳ سوره آل عمران است که

می‌گوید: مَنْ يَتَّبِعْ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ. «هر کس دینی غیر از اسلام بجوید هرگز از او پذیرفته نمی‌شود و در آخرت از افرادی است که ضرر کرده‌اند.» این فریبکاری مثل این است که کسی بگوید اسلام معتقد به خدا نیست چون بارها می‌گوید لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ «معبودی وجود ندارد.» راست می‌گویند این جمله در قرآن زیاد تکرار شده ولی دنباله آن إِلَّا اللَّهُ «غیر از الله» یا إِلَّا هُوَ «غیر از او» که خدا باشد وجود دارد.

اسلام در قرآن به معنی «تسلیم خدا بودن» است و تمام پیغمبران میگفتند «تسلیم خدا باشید» من پیغمبر هستم و پیام خدا را به شما میرسانم. شماره اول تمام باب‌های لاویان را ببینید که می‌گوید: «خداوند موسی را... خطاب کرده گفت» بنی اسرائیل را خطاب کن و به ایشان بگو. البته بعضی از بابها دنباله باب‌های قبلی است. و عیسی مسیح می‌گوید: «نه هر که مرا خداوند خداوند گوید داخل ملکوت آسمان گردد بلکه آنکه اراده پدر مرا که در آسمان است بجا آورد.» ۷:۲۱ متی. و «من از خود نگفتم لکن پدری که مرا فرستاد بمن فرمان داد که چه بگویم و به چه چیز تکلم کنم، و می‌دانم که فرمان او حیات جاودانی است. پس آنچه من می‌گویم چنانکه پدر بمن گفته است تکلم می‌کنم.» ۴۹ و ۱۲:۵۰ یوحنا. اسلام دین همه پیغمبران است. قرآن می‌گوید: مَا كَانَ إِبْرَاهِيمَ يَهُودِيًّا وَلَا نَصْرَانِيًّا وَلَكِنْ كَانَ حَنِيفًا مُسْلِمًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ. «ابراهیم نه یهودی (پیرو موسی و تورات بود) نه عیسوی (پیروی عیسی و انجیل) او یکتاپرست و مسلمان (تسلیم حکم و نظر خدا) بود و از مشرکین نبود.» آیه ۳:۶۷ سوره آل عمران. وَوَصَّي بِهَا إِبْرَاهِيمَ بَنِيهِ وَيَعْقُوبَ يَا بَنِيَّ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَى لَكُمُ الدِّينَ فَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُمْ مُسْلِمُونَ. «ابراهیم و یعقوب به بچه‌های خود سفارش (وصیت) کردند که خدا برای شما دین را برگزیده، جز در حال مسلمانی «تسلیم خدا بودن» از دنیا نروید.» ۲:۱۳۲ سوره بقره. و قال

موسی: يَا قَوْمِ اِنْ كُنْتُمْ اٰمِنْتُمْ بِاللّٰهِ فَعَلَيْهِ تَوَكَّلُوا اِنْ كُنْتُمْ مُسْلِمِيْنَ . «موسی گفت: ای قوم من اگر به خدا ایمان دارید و اگر مسلمان (تسلیم حکم و نظر خدا) هستید بر او توکل کنید.» ۸۴: ۱۰ سوره یونس. و نوح بقوم خود گفت: فَاِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَمَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ اَجْرٍ اِنْ اَجْرِيْ اِلَّا عَلٰى اللّٰهِ وَ اَمِرْتُ اَنْ اَكُوْنَ مِنَ الْمُسْلِمِيْنَ . «اگر شما قبول نکردید (روگردان شدید) من از شما مزدی نخواسته ام. مزد من فقط بر عهده خداست، و بمن دستور داده شده که مسلمان (تسلیم خدا) باشم.» ۷۲: ۱۰ سوره یونس. همچنین قرآن در مورد حواریون می‌گوید: فَلَمَّا اَحْسَسَ عِيسٰى مِنْهُمْ الْكُفْرَ، قَالَ مَنْ اَنْصَارِيْ اِلٰى اللّٰهِ؟ قَالَ الْحَوَارِيُّوْنَ نَحْنُ اَنْصَارُ اللّٰهِ اٰمَنَّا بِاللّٰهِ وَ اَشْهَدُ بِاَنَّا مُسْلِمُوْنَ . «چون عیسی احساس کرد که یهودیان ایمان نمی‌آورند گفت یاران من در راه خدا چه کسانی هستند؟ حواریون (شاگردان عیسی) گفتند ما یاران خدا هستیم، به خدا ایمان آوردیم و شاهد باش که ما مسلمان (تسلیم خدا) هستیم.» ۵۲: ۳ سوره آل عمران. بنابراین اگر نمی‌دانید که نظر اسلام چیست و آیه مورد بحث چه می‌گوید و اسلام چه معنی دارد که خجالت آور است که ندانسته و بدون تحقیق حرفی بزنید. و اگر معنی کلمه اسلام (تسلیم حکم و نظر خدا بودن) را می‌دانید و چنین مغالطه ای می‌کنید که بیشتر خجالت آور است چون فریبکاری است و این کار، کارانسان‌های شریف نیست.

اسلام نه تعصب دینی دارد نه تعصب ملی و نژادی. این قرآن است که می‌گوید: اِنَّ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَ الَّذِيْنَ هَادُوْا وَ النَّصَارٰى وَ الصّٰبِئِيْنَ مَنْ اٰمَنَ بِاللّٰهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ عَمِلَ صٰلِحًا فَلَهُمْ اَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُوْنَ . «مسلمانان (افرادی که به رسالت پیغمبر ص ایمان دارند) و یهودیان و مسیحیان و صائبین (پیروان یحیی ع) بطور کلی کسانی که به خدا و روز آخرت ایمان داشته باشند) چه این چهار دسته چه دیگران) و کار درست و صحیح بکنند پاداششان پیش

خداوندشان محفوظ است نه ترسی دارند نه غصه ای. «۲:۶۲ سوره بقره و با اندکی تفاوت ۵:۶۹ سوره مائده. می بینیم که تعصّب مذهبی در اسلام امروزی (دینی که محمد ﷺ پیام آور آن بود) وجود ندارد. و آیه ۱۳:۴۹ سوره حجرات می گوید: یا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ. «ای مردم ما شما را از یک مرد و یک زن آفریدیم (همه یک خانواده هستند) و شما را بصورت ملت ها و قبیله ها در آوردیم برای اینکه یکدیگر را بشناسید. گرامی ترین شما پیش خدا پرهیزگارترین شما است. خداوند دانا و آگاه است.»

می بینیم که تعصّب ملی و نژادی در اسلام وجود ندارد. اما تعصّب نژادی در آیین یهود و مسیحی. «خداوند به موسی گفت نزد فرعون برو و به وی بگو یهوه خدای عبرانیان چنین می گوید: قوم مرا رها کن تا مرا عبادت کنند.» ۹:۱ خروج. می بینیم که یهوه خدای عبرانیان (قوم یهود) است نه خدای دیگران و فقط یهودیان قوم یهوه (خدا) هستند نه دیگران چون خدا می گوید «قوم مرا» رها کن. تورات پر از این مطلب است. اما مسیح. وقتی شاگردان مسیح پیش او آمدند و در باره زن کنعانیه که از مسیح شفای دختر خود را می خواست با او صحبت کردند. «او (عیسی مسیح) در جواب گفت فرستاده نشده ام مگر به جهت گوسفندان گمشده خاندان اسرائیل. پس آن زن او را پرستش کرده گفت خداوند مرا یاری کن. در جواب گفت که نان فرزندان را گرفتن و نزد سگان انداختن جایز نیست.» ۲۴ تا ۲۶:۱۵ متی. فرزندان یعنی فرزندان اسرائیل و سگان یعنی افراد غیر خاندان اسرائیل. و به شاگردان خود «وصیت کرده گفت از راه امتهای مروید و در بلدی (شهری) از سامریان داخل شوید بلکه نزد گوسفندان گمشده اسرائیل بروید.» ۶:۱۰ متی.

فریبکاران مسیحی گفته اند و فریب خوردگان مسیحی می گویند فقط ایمان به

مسیح باعث رستگاری است. چون مسیح گفت: «هیچکس نزد پدر جز بوسیله من نمی آید.» ۱۴:۶ یوحنا. و «بیایید نزد من ای تمام زحمتکشان و گران باران و من شما را آرامی خواهم بخشید. یوغ مرا بر خود گیرید و از من تعلیم یابید زیرا که حلیم و افتاده دل می باشم و در نفوس خود آرامی خواهید یافت. زیرا یوغ من خفیف است و بار من سبک.» ۲۸ تا ۳۰:۱۱ متی. اما آیا می گفت از راه دیگری به حیات جاودانی نخواهید رسید؟ مسلماً عیسی چنین حرفی را نمی زد. چون می گفت: «گمان مبرید که آمده ام تا تورات یا صحف انبیاء را باطل سازم نیامده ام تا باطل بلکه تا تمام کنم (اجرا کنم).» ۱۷:۵ متی. و احکام تورات را سخت کرده است. همانطور که می گوید: «شنیده اید که باولین (تورات) گفته شده است قتل مکن و هر که قتل کند سزاوار حکم شود. لیکن من بشما می گویم هر که به برادر خود بی سبب خشم گیرد مستوجب حکم باشد و هر که برادر خود را راقا گوید مستوجب قصاص باشد و هر که احمق گوید مستحق آتش جهنم بود... شنیده اید که باولین گفته شده است زنا مکن. لیکن من به شما می گویم هر کس بزنی نظر شهوت اندازد همان دم در دل خود با او زنا کرده است... و گفته شده است هر که از زن خود مفارقت جوید طلاق نامه ای بدو بدهد لیکن من به شما می گویم هر کس به غیر از علت زنا زن خود را از خود جدا کند باعث زنا کردن او می باشد و هر که زن مطلقه را نکاح کند زنا کرده باشد... باز شنیده اید که باولین گفته است که قسم دروغ مخور بلکه قسم های خود را بخدا وفا کن. لیکن من بشما می گویم هرگز قسم مخورید... شنیده اید که گفته شده است همسایه خود را محبت نما و با دشمن خود عداوت کن. اما من به شما می گویم که دشمنان خود را محبت نمایید و برای لعن کنندگان خود برکت بطلبید...» ۲۱ تا ۴۴:۵ متی.

اما عیسی مسیح احکام مشایخ یهود را رد می کرد و می گفت: «هر نهالی که پدر

آسمانی من نکاشته باشد کنده شود.» ۱۳:۱۵ متی. «شما با تقلید (از مشایخ) از حکم خدا چرا تجاوز می کنید؟» ۳:۱۵ متی. و «با تقلید خود حکم خدا را باطل نموده اید. ای ریاکاران اشعیاء در باره شما نیکو نبوت نموده است که گفت: این قوم به زبانهای خود به من تقرب میجویند و به لبهای خویش مرا تمجید مینمایند لیکن دلشان از من دور است. پس عبادت مرا عبث می کنند زیرا احکام مردم را به منزله فرایض (احکام کتاب الهی) تعلیم می دهند.» ۷ تا ۹:۱۵ متی. و کاتبان و فریسیان «بارهای گران و دشوار را می بندند و بر دوش مردم می نهند و خود نمی خواهند آنها را با یک انگشت حرکت دهند.» ۴:۲۳ متی. «وای بر شما ای کاتبان و فریسیان ریاکار، زیرا بر بحر را میگردید تا مریدی پیدا کنید.» ۱۵:۲۳ متی. و همین کاتبان و فریسیان بودند که علیه او توطئه می کردند و بالاخره مطابق گفته انجیل او را بکشتن دادند.

می بینیم که مسیح می گوید کاتبان و فریسیان ریاکار هستند و احکام و تعالیم مردم (مشایخ یهود) را بجای فرایض (احکام الهی) تعلیم می دهند. اگر از آنها پیروی کنید شما را گمراه می کنند. فقط پیروی از تعالیم الهی (فرایض) درست است و می گفت «نه هر که مرا خداوند خداوند گوید داخل ملکوت آسمان گردد بلکه آنکه اراده پدر مرا که در آسمان است بجا آورد.» ۲۱:۷ متی. او نیز «تنها امید نجات را در کارهای نیک میدانست و بس. و مردم را به توبه دعوت می کرد تا از گناه دست بردارند و درستکار شوند. فریب و فریبکاری و سوء استفاده از بی اطلاعی افراد بس است.

حساب بن لادن و یا هیچ دینداری یا مدعی دینداری را نباید پای دین گذاشت همانطور که کارهای هیتلر و دیگران مثل پیزارو را نباید پای دین مسیح و تعالیم مسیح گذاشت. دین را از اعمال دینداران یا مدعیان دینداری نمی شناسند، بلکه دینداران را از روی تعالیم دین باید شناخت.

۱۱

دروغ و فریب (۳)

چه کسانی به مردم دروغ گفته و می‌گویند؟

چه کسانی مسیحیان را فریب داده و فریب می‌دهند؟

چه کسی به مسیحیان گفته ایمان به مسیح باعث رستگاری است؟ در صورتیکه عیسی مسیح در ۱۲:۳۶ انجیل متی می‌گوید: «... هر سخن باطل که مردم گویند حساب آن را در روز داوری خواهند داد.» و در ۱۶:۲۷ متی می‌گوید: «... پسر انسان خواهد آمد در جلال پدر خویش به اتفاق ملائکه خود و در آنوقت هر کسی را موافق اعمالش جزا خواهد داد.» مطابق اعمالش جزا خواهد داد یا مطابق ادعایش؟ و در ۲۱ تا ۲۷:۷ متی می‌گوید: «نه هر که مرا خداوند خداوند گوید داخل ملکوت آسمان گردد، بلکه آنکه اراده پدر مرا که در آسمان است بجا آورد. بسا در آن روز مرا خواهند گفت خداوندا خداوندا آیا به نام تو نبوت نمودیم؟ و به اسم تو دیوها را اخراج نکردیم؟ (بیماران را شفا ندادیم؟) و به نام تو معجزات بسیار ظاهر نساختمیم؟ آنگاه به ایشان صریحاً خواهیم گفت که هرگز شما را نشناختم. ای بدکاران



از من دور شوید. پس هر که این سخنان را بشنود و آنها را بجا آورد او را به مردی تشبیه می‌کنم که خانه خود را بر سنگ بنا کرد، و باران باریده سیلاب‌ها روان گردید و بادهای وزیده به آن خانه زورآورد شد و خراب نگردید. زیرا بر سنگ بنا شده بود. و هر که این سخنان را شنیده به آنها عمل نکرد به مردی نادان ماند که خانه خود را بر ریگ بنا نهاد و باران باریده و سیلاب‌ها جاری شد و بادهای وزیده به آن خانه زور آورد و خراب گردید و خرابی آن عظیم بود.» ۱۳:۲۷ و ۴۶ تا ۶:۴۹ لوقا را هم ببینید. آیا کسانی که اراده خدا را بجا آورند داخل ملکوت آسمان می‌شوند یا کسانی که مسیح را خداوند خداوند گویند؟ آیا کسانی که به نام مسیح نبوت می‌کنند و دیوها را اخراج می‌کنند (مریضان را شفا می‌دهند) و معجزات بسیار ظاهر می‌سازند ولی بدکار هستند، مسیحی واقعی هستند یا کسانی که سخنان مسیح را می‌شنوند و آن را بجا می‌آورند یعنی به آن عمل می‌کنند مسیحی هستند و داخل ملکوت آسمان می‌شوند؟ عیسی مسیح در ۵:۲۰ می‌گوید: «... تا عدالت شما بر عدالت کاتبان و فریسیان افزون نشود به ملکوت آسمان هرگز داخل نخواهید شد.» آیا ایمان به مسیح باعث رستگاری و داخل ملکوت آسمان شدن است یا عادل بودن و رعایت حقوق دیگران را کردن؟ یعقوب در ۱۴ تا ۲:۲۴ رساله خود می‌نویسد: «ای برادران من چه سود دارد اگر کسی گوید ایمان دارم وقتی که عمل ندارد. آیا ایمان می‌تواند او را نجات بخشد؟ پس اگر برادری یا خواهری برهنه و محتاج خوراک روزانه باشد و کسی از شما به ایشان گوید به سلامتی بروید و گرم و سیر شوید لیکن مایحتاج بدن را به ایشان ندهد چه نفع دارد؟ همچنین ایمان نیز اگر اعمال ندارد در خود مرده است. بلکه کسی خواهد گفت تو ایمان داری و من اعمال دارم. ایمان خود را بدون اعمال به من بنما و من ایمان خود را از اعمال خود به تو خواهم نمود (نشان خواهم داد). تو ایمان داری که خدا واحد است نیکو می‌کنی. شیاطین نیز ایمان دارند و

میلزرنند. ولیکن ای مرد باطل آیا می‌خواهی دانست که ایمان بدون اعمال باطل است؟ آیا پدر ما ابراهیم به اعمال عادل شمرده نشد وقتی که پسر خود اسحاق را به قربانگاه گذرانید؟ می‌بینی که ایمان با اعمال او عمل کرد و ایمان از اعمال کامل گردید و آن نوشته تمام گشت که می‌گوید ابراهیم به خدا ایمان آورد و برای او به عدالت محسوب گردید و دوست خدا نامیده شد. پس می‌بینید که انسان از اعمال عادل شمرده می‌شود نه از ایمان تنها.» کمی فکر کنید. چه کسی مسیحیان را فریب داده و گفته ایمان به مسیح باعث نجات و رستگاری است؟! آیا ایمان وقتی عمل ندارد باعث نجات است؟ آیا ایمان بدون اعمال باطل نیست؟ آیا ایمان با اعمال کامل نمی‌گردد؟ چه کسی به مسیحیان دروغ گفته و چه کسانی به آنها دروغ می‌گویند؟ مسیح در ۴۶: ۶ لوقا می‌گوید: «چون است که مرا خداوندا خداوندا می‌گویند و آنچه می‌گویم بعمل نمی‌آورید؟» ایمان به مسیح و او را آقا و لرد خواندن نشانه مسیحیت نیست بلکه عمل به گفته‌ها و دستورهای مسیح باعث رستگاری است. «روحانی نماها به مردم دروغ گفته‌اند.»

عیسی مسیح در ۱۲ و ۱۳: ۹ متی می‌گوید: «... نه تندرستان بلکه مریضان احتیاج به طبیب دارند. لکن رفته این را دریافت کنید که رحمت می‌خواهم نه قربانی زیرا نیامده‌ام تا عادلان را بلکه گناهکاران را به توبه دعوت نمایم.» چون ۱: ۱۱ کتاب اشعیاء می‌گوید: «خداوند می‌گوید از کثرت قربانی‌های شما مرا چه فایده است. از قربانیهای سوختنی قوچ‌ها و پیه پرواری‌ها سیر شده‌ام و به خون گاوان و بره‌ها و بزها رغبت ندارم.» و ۶ و ۷: ۶ هوشع می‌گوید: «... رحمت را پسند کردم، نه قربانی را و معرفت خدا را بیشتر از قربانیهای سوختنی. اما ایشان مثل آدم از عهد تجاوز نمودند و در آنجا به من خیانت ورزیدند.»

آیا عیسی مسیح برای توبه کردن گناهکاران آمده یا نه؟ آیا آمده است که



گناهکاران توبه کنند و دست از گناهکاری بردارند و عادل شوند یا آمده تا قربانی گناه مردم شود و مردم هر چه گناه کنند بخاطر قربانی شدن عیسی مسیح بخشوده شوند و مردم در گناهکاری آزاد باشند؟ چه کسانی به مردم دروغ گفته‌اند و دروغ می‌گویند؟

عیسی مسیح در ۳ و ۷ و ۱۱:۱۸ انجیل متی می‌گوید: «... تا بازگشت (توبه) نکنید و مثل طفل کوچک نشوید هرگز داخل ملکوت آسمان نخواهید شد.» «... لابد است از وقوع لغزش‌ها. لیکن وای بر کسی که سبب لغزش باشد.» «زیرا که پسر انسان آمده است تا گم شده را نجات دهد.» آمده تا گناهکاران توبه کنند و دست از گناه بردارند.

عیسی مسیح آمده تا مردم را از دست روحانی نماهای یهودی (مشایخ) آزاد کند و آنها را به بازگشت به احکام تورات دعوت کند. چون در ۱۷ تا ۲۰:۵ متی می‌گوید: «گمان مبرید که آمده‌ام تا تورات یا صحف انبیاء را باطل سازم. نیامده‌ام تا باطل نمایم، بلکه تا تمام کنم. زیرا هر آینه به شما می‌گویم تا آسمان و زمین زایل نشود همزه ای یا نقطه ای از تورات هرگز زایل نخواهد شد تا همه واقع شود. پس هر که یکی از این احکام کوچکترین (احکام تورات) را بشکند و به مردم چنین تعلیم دهد در ملکوت آسمان کمترین شمرده شود. اما هر که به عمل آورد و تعلیم نماید او در ملکوت آسمان بزرگ خوانده خواهد شد. زیرا به شما می‌گویم تا عدالت شما بر عدالت کاتبان و فریسیان (دو دسته از یهودیان) افزون نشود به ملکوت آسمان هرگز داخل نخواهید شد.» آمده تا تورات را باطل کند یا آن را کامل و اجرا کند؟ آیا آمده تا گناهان مردم را با مصلوب شدن خود بردارد یا آمده تا عدالت کاتبان و فریسیان بیشتر شود؟ چه کسی به مردم دروغ گفته و چه کسانی به مردم دروغ می‌گویند؟ عیسی مسیح در شماره ۲۸ تا ۳۱:۲۱ انجیل متی می‌گوید: «... چه

گمان دارید شخصی را دو پسر بود نزد نخستین آمده گفت ای فرزند امروز به تاکستان من رفته به کار مشغول شو. در جواب گفت نخواهم رفت اما بعد پشیمان گشته برفت و به دومین گفت. او در جواب گفت ای آقا من میروم، ولی نرفت. کدام یک از این دو خواهش پدر را بجا آورد؟ گفتند اولی...» کسی که مسیح را خدا یا پسر خدا یا نبی مخصوص یا نبی (پیغمبر) نمی شناسد ولی دستورهای او را انجام میدهد از مسیح پیروی کرده یا کسی که مسیح مسیح می کند و او را خداوند خداوند می خواند ولی اراده پدر او را بجا نمی آورد؟ کدامیک از این دو دستورهای او را که دستورهای پدر او می باشد بجا آورده؟ چون عیسی مسیح در ۲۴: ۱۴ یوحنا می گوید: «... کلامی که می شنوید از من نیست بلکه از پدری است که مرا فرستاد.» چه کسی به مردم دروغ گفته و می گوید؟ مسیح آمده بود که مردم را از تقلید روحانی نماهای یهودی نجات دهد و آنها را به عمل کردن به احکام تورات برگرداند. چون در ۶ تا ۹: ۱۵ انجیل متی می گوید: «... با تقلید خود (از مشایخ) حکم خدا را باطل نموده اید. ای ریاکاران اشعیاء در باره شما نیکو نبوت نموده است که گفت این قوم به زبانهای خود به من تقرب میجویند و به لبهای خود مرا تمجید مینمایند لیکن دلشان از من دور است. پس عبادت مرا عبث (بیهوده) می کنند. زیرا احکام مردم (نظر مشایخ) را به منزله فرایض تعلیم می دهند.» و در ۴ و ۱۵: ۲۳ انجیل متی می گوید: «... بارهای گران و دشوار را می بندند و بر دوش مردم می نهند و خود نمی خواهند آنها را با یک انگشت حرکت دهند.» «وای بر شما ای کاتبان و فریسیان ریاکار زیرا بزّ و بحر را میگردید تا مریدی پیدا کنید و چون پیدا شد او را دو مرتبه پست تر از خود پسر جهنم میسازید.» به روایت انجیل همین کاهنین یهودی بودند که با تهمت او را بکشتن دادند.

۱۲

دروغ و فریب (۴)

چه کسانی به مردم دروغ گفته و می‌گویند؟

شماره ۲۹: ۱ انجیل یوحنا می‌گوید: «در فردای آن روز یحیی عیسی را دید که بجانب او می‌آید. پس گفت اینک بره خدا که گناه جهان را بر می‌دارد.» شماره ۱۶: ۳ انجیل یوحنا می‌گوید: «خدا جهان را اینقدر محبت نمود که پسر یگانه خود را داد تا هر که به او ایمان آورد هلاک نگردد بلکه حیات جاودانی یابد.» شماره ۱۲ و شماره ۱۸ و ۱۹: ۵ رساله پولس رسول به رومیان می‌گوید: «... به وساطت یک آدم گناه داخل جهان گردید و با گناه موت.» مرگ داخل جهان گشت. و «همچنانکه به یک خطا حکم شد بر جمیع مردمان برای قصاص، همچنان بیک عمل صالح بخشش شد بر جمیع مردمان برای عدالت حیات. زیرا به همین قسمی که از نافرمانی یک شخص بسیاری گناهکار شدند همچنین نیز با اطاعت یک شخص بسیاری عادل خواهند گردید.» در سه انجیل دیگر اثری از این حرفها وجود ندارد و مسیح چنین حرفی نزده. در انجیل یوحنا بیشتر از هفتاد مطلب وجود دارد که در سه انجیل دیگر کوچکترین اشاره‌ای به آن نشده. در صورتیکه مسیحیان بیشتر به



انجیل یوحنا و نامه‌های پولس استناد می‌کنند. در صورتیکه پطرس در رساله دوم خود در شماره ۱۵ و ۱۶:۳ می‌نویسد: «تحمل خداوند ما را نجات بدانید. چنانکه برادر حبیب، پولس نیز بر حسب حکمتی که بوی داده شد به شما نوشت. همچنین در سایر رساله‌های خود این چیزها را بیان مینماید که در آنها بعضی چیزها است که فهمیدن آنها مشکل است و مردمان بی علم و ناپایدار آنها را مثل سایر کتب تحریف می‌کنند تا به هلاکت خود برسند.» عیسی مسیح در باره پطرس در شماره ۱۸:۱۶ انجیل متی می‌گوید: «من نیز ترا می‌گویم که تویی پطرس (یعنی صخره ولی اسم او شمعون بود) و بر این صخره کلیسای خود را بنا می‌کنم و ابواب جهنم بر آن استیلا نخواهد یافت.»

همین پولس در شماره ۲:۶ رساله خود به رومیان می‌نویسد: خدا «به هر کس بر حسب اعمالش جزا خواهد داد.» به حرفهای او در شماره ۲۱ تا ۲۴:۲ و شماره ۲۵ تا ۳۲:۱ رساله پولس رسول به رومیان نگاه کنید. شماره ۲۷ و ۲۸:۲۶ انجیل متی می‌گوید: عیسی «پیاله را گرفته شکر نمود و به ایشان (به حواریون) داده گفت همه شما از این بنوشید. زیرا این است خون من در عهد جدید که در راه بسیاری به جهت آمرزش گناهان ریخته می‌شود.» شماره ۲۳ و ۲۴:۱۴ مرقس می‌گوید: عیسی: «پیاله ای گرفته شکر نمود و به ایشان داد و همه از آن آشامیدند و به ایشان گفت این است خون من از عهد جدید که در راه بسیاری ریخته می‌شود.» شماره ۲۰:۲۲ لوقا می‌گوید: عیسی «بعد از شام پیاله را گرفت و گفت این پیاله عهد جدید است در خون من که برای شما ریخته می‌شود.» این ریخته شدن خون عیسی مسیح برای حواریون یا بسیاری از مردم چه بود؟ این ریخته شدن خون عیسی مسیح در راه مبارزه با افکار غلطی بود که در اثر فریبکاری مشایخ (روحانیون) یهود در جامعه وجود داشت. چون عیسی مسیح از زبان اشعیاء (یکی از پیغمبران یهود) در شماره

۹:۱۵ متی می‌گوید: «عبادت مرا عبث می‌کنند زیرا احکام مردم (مشاخ یهود) را به منزله فرایض (احکام تورات) تعلیم می‌دهند.» مثل اکثر فریب به اتفاق مسیحیان و مسلمانان امروزی. در صورتیکه عیسی مسیح در شماره ۱۳:۱۵ انجیل متی می‌گوید: «هر نهالی که پدر آسمانی من نکاشته باشد کنده شود.» یعنی هر دستور و حکم و نظری که در کتاب الهی نیست باید دور انداخته شود. چون عیسی مسیح در باره اینکار آنان در شماره ۴:۲۳ انجیل متی می‌گوید: «بارهای گران و دشوار را بندگان و بر دوش مردم می‌نهند و خود نمی‌خواهند آنها را با یک انگشت حرکت دهند.» و در باره کار آنان در شماره ۱۳ تا ۱۵ و شماره ۲۳ تا ۲۸:۲۳ انجیل متی می‌گوید: «وای بر شما ای کاتبان و فریسیان ریاکار که در ملکوت آسمان را به روی مردم می‌بندید زیرا خود داخل نمی‌شوید و داخل شوندگان را از دخول مانع می‌شوید. وای بر شما ای کاتبان و فریسیان ریاکار زیرا خانه‌های بیوه زنان را می‌بلعید و از روی ریا نماز را طویل می‌کنید از آنرو عذاب شدیدتر خواهید یافت. وای بر شما ای کاتبان و فریسیان ریاکار زیرا برّ و بحر را می‌گردید تا مریدی پیدا کنید و چون پیدا شد او را دو مرتبه (دوبار) پست‌تر از خود پسر جهنم می‌سازید.» «وای بر شما ای کاتبان و فریسیان ریاکار که نعنا و ثبت و زیره را عشر (زکات: ده یک) می‌دهید و اعظم احکام شریعت یعنی عدالت و رحمت و ایمان را ترک کرده اید. می‌بایست آنها را بجا آورده اینها را نیز ترک نکرده باشید. ای رهنمایان کور که پشه را صافی می‌کنید و شتر را فرو می‌برید. وای بر شما ای کاتبان و فریسیان ریاکار از آنرو که بیرون پیاله و بشقاب را پاک می‌نمایید و درون آنها مملو از جبر و ظلم است. ای فریسی کور اول درون پیاله و بشقاب را ظاهر ساز تا بیرونش نیز ظاهر شود. وای بر شما ای کاتبان و فریسیان ریاکار که چون قبور سفید شده میباشید که از بیرون نیکو مینماید لیکن درون آنها از استخوان‌های مردگان و سایر نجاسات پر است. همچنین شما نیز به



مردم ظاهراً عادل می‌نمایند لیکن باطناً از ریاکاری و شرارت مملو هستید.» عیسی مسیح میدانست که این مبارزه با کاهنان و کاتبان و فریسیان به قیمت جاننش تمام می‌شود لذا می‌گفت: «این خون من در عهد جدید است که در راه بسیاری به جهت آمرزش گناهان ریخته می‌شود.» (۲۸: ۲۶ متی). این آمرزش گناهان به چه صورت است؟ و «به همین قسمی که از نافرمانی یک شخص بسیاری گناهکار شدند همچنین با اطاعت یک شخص بسیاری عادل خواهند گردید.» (۱۹: ۵ رساله پولس رسول به رومیان). به چه صورت است؟ آیا دیگر در جهان گناهی صورت نخواهد گرفت؟ فکر نمی‌کنم هیچ شخص عاقل مسیحی چنین فکری کند. آیا با دادن پسر یگانه خود، خدا از کلیه گناهانی که افراد مرتکب می‌شوند خواهد گذشت؟ فکر نمی‌کنم که هیچ مسیحی عاقلی چنین حرفی بزند. پس معنی قربانی شدن مسیح، این بره خدا که گناه جهان را بر می‌دارد چیست؟ چگونه گناه جهان برداشته می‌شود؟ بنظر من این برداشتن گناه جهان مطابق آنچه انجیل می‌گوید توبه کردن افراد گناهکار است نه آنچه به مردم گفته‌اند. چون عیسی مسیح در شماره ۱۲ و ۱۳: ۹ متی می‌گوید: «... نه تندرستان بلکه مریضان احتیاج به طیب دارند. لکن رفته این را دریافت کنید که رحمت می‌خواهم نه قربانی (۶: ۶ هوشع) زیرا نیامده‌ام تا عادلان را بلکه گناهکاران را به توبه دعوت نمایم.» آمده‌ام تا گناهکاران دست از گناه بردارند و عادل شوند. عیسی مسیح در شماره ۳۶: ۱۲ انجیل متی می‌گوید: «هر سخن باطل که مردم گویند حساب آن را در روز داوری خواهند داد.» وای بر کشیشانی که با سخنان باطل خود مردم را گمراه کرده و می‌کنند شماره ۲۷: ۱۶ انجیل متی می‌گوید: «... پسرانسان خواهد آمد... در آنوقت هر کسی را موافق اعمالش جزا خواهد داد.» و در شماره ۱۶ تا ۱۹: ۱۹ انجیل متی آمده که «ناگاه شخصی آمده وی را (به عیسی) گفت ای استاد نیکو چه عمل نیکو کنم تا حیات جاودانی یابم؟

وی را گفت از چه سبب مرا نیکو گفتی؟ و حال آنکه کسی نیکو نیست جز خدا فقط. لیکن اگر بخواهی داخل حیات شوی احکام را نگهدار. بدو گفت کدام احکام؟ عیسی گفت قتل مکن. زنا مکن. دزدی مکن. شهادت دروغ مده. پدر و مادر خود را حرمت بدار (۵ فرمان از ده فرمان باب ۲۰ خروج و باب ۵ تثبیه) و همسایه خود را مثل نفس خود دوست دار. (شماره ۱۸: ۱۹ لایوان) ۱۷ تا ۱۹: ۱۰ انجیل مرقس و ۱۸ تا ۲۰: ۱۸ لوقا را هم ببینید. عیسی مسیح در شماره ۲۱ تا ۲۳: ۷ انجیل متی می‌گوید: «نه هر که مرا خداوند خداوند گوید داخل ملکوت آسمان گردد بلکه آنکه اراده پدر مرا که در آسمان است بجا آورد. بسا در آن روز (روز حساب) مرا خواهند گفت خداوندا خداوندا آیا بنام تو نبوت نمودیم؟ و به اسم تو دیوها را اخراج نکردیم؟ (مریض‌ها را شفا ندادیم؟) و بنام تو معجزات بسیار ظاهر ساختیم؟ آنگاه به ایشان صریحاً خواهم گفت که هرگز شما را نشناختم. ای بدکاران از من دور شوید.» شماره ۲۷: ۱۳ لوقا را هم ببینید. می‌بینیم که کسانی که بنام مسیح نبوت می‌کنند، مریضان را شفا می‌دهند، معجزات بسیار ظاهر می‌سازند در صورتیکه بدکار باشند عیسی مسیح ایشان را قبول ندارد و آنها را از خود میراند. پولس که در شماره ۲۵ تا ۳۲: ۱ و ۲۱ تا ۲۴: ۲ رساله به رومیان چنان حرفی می‌زند. در شماره ۶ و ۱۳: ۲ رومیان می‌نویسد: خدا «به هر کس بر حسب اعمالش جزا خواهد داد.» و «شنوندگان شریعت در حضور خدا عادل نیستند بلکه کنندگان شریعت عادل شمرده خواهند شد.» باب ۱ و ۲ رساله پولس به رومیان را بخوانید.



۱۳

دروغ و فریب (۵)

چه کسانی به مسیحیان دروغ گفته و می گویند؟

شماره ۳۸ تا ۴۱: ۵: انجیل متی می گوید: «شنیده اید که (در تورات) گفته شده است چشمی به چشمی و دندانی به دندانی (۲۴: ۲۱ خروج) لیکن من به شما می گویم با شریر مقاومت نکنید بلکه هر که بر رخساره راست تو طپانچه (کشیده: سیلی) زند دیگری را نیز به سوی او بگردان. و اگر کسی خواهد با تو دعوا کند و قبای تو را بگیرد عبای خود را نیز بدو واگذار. و هرگاه کسی تو را برای یک میل مجبور سازد دو میل همراه او برو.» بدون اینکه علت آن را بیان کنند. در صورتیکه شماره ۱۷ تا ۱۹: ۵: متی - همین باب - می گوید: «گمان مبرید که آمده ام تا تورات یا صحف انبیاء (کتاب های پیغمبران بنی اسرائیل) را باطل سازم. نیامده ام تا باطل نمایم بلکه تا تمام کنم. زیرا هر آینه به شما می گویم تا آسمان و زمین زایل نشود همزه ای یا نقطه ای از تورات هرگز زایل نخواهد شد تا همه واقع شود. پس هر که یکی از این احکام کوچکترین (کوچکترین حکم تورات) را بشکند و به مردم چنین



تعلیم دهد در ملکوت آسمان کمترین شمرده شود. اما هر که بعمل آورد و تعلیم نماید، او در ملکوت آسمان بزرگ خوانده خواهد شد.» لذا همین عیسی مسیح را می‌بینیم که شماره ۱۲ و ۱۳:۲۱ متی در باره او می‌گوید: «پس عیسی داخل هیکل خدا (معبد سلیمان) گشته جمیع کسانی را که در هیکل خرید و فروش می‌کردند بیرون نمود و تخت‌های صرافان و کرسی‌های کبوتر فروشان را واژگون ساخت و ایشان را گفت مکتوب است که خانه من خانه دعا نامیده می‌شود. لیکن شما مغاره دزدانش ساخته اید.» ۷:۱۱ کتاب ارمیا و شماره ۴۵ و ۴۶:۱۹ لوقا را هم ببینید. شماره ۱۳ تا ۱۶:۲ انجیل یوحنا می‌گوید: «... عیسی به اورشلیم رفت و در هیکل فروشندگان گاو و گوسفند و کبوتر و صرافان را نشسته یافت. پس تازیانه ای از ریسمان ساخته همه را از هیکل بیرون نمود هم گوسفندان و گاوان را و نقود (پول های) صرافان را ریخت و تخت‌های ایشان را واژگون ساخت و به کبوتر فروشان گفت اینها را از اینجا بیرون برید و خانه پدر مرا خانه تجارت نسازید.» شماره ۱۶:۱۱ انجیل مرقس می‌گوید: «و نگذاشت که کسی با ظرفی از میان هیکل بگذرد.» می‌بینیم وقتی کمی قدرت یافت بدون اینکه فروشندگان گاو و گوسفند و کبوتر و صرافان کاری به او کرده باشند با ایشان چه کرد. اما چرا عیسی مسیح گفت: «با شریر مقاومت نکنید. بلکه هر که به رخساره راست تو طپانچه زند دیگری را نیز بسوی او بگردان...» (۵:۳۹ متی) این سخن او بخاطر موقعیت اجتماعی روز او و ضعف او بود. چون در آن زمان رومیان بر اورشلیم حکومت می‌کردند و قدرت در دست کاهنان و کاتبان و فریسیان بود و عیسی می‌خواست مردم را به عمل به تورات برگرداند و آنها را از پیروی عقائد و دستورهای کاهنان و کاتبان و فریسیان باز دارد و آنها هم برای حفظ موقعیت خود در صدد نابود ساختن عیسی بودند و برای کشته شدن او توطئه می‌کردند و به روایت انجیل بالاخره با تهمت و دروغ او را به کشتن

دادند (مطابق هر ۴ انجیل) البته انجیل های دیگری بود که منکر کشته شدن عیسی بودند و میگفتند امر بر آنها مشتبه شد و یهودای اسخر یوطی را بجای او کشتند. انجیل متی در شماره ۱۴: ۱۲ در باره توطئه آنان می گوید: «اما فریسیان بیرون رفته بر او شوری نمودند که چه طور او را هلاک کنند.» شماره ۱۵ تا ۲۲: ۲۲ انجیل متی می گوید: «پس فریسیان رفته شوری نمودند که چه طور او را در گفتگو گرفتار سازند و شاگردان خود را با هیرودیان نزد وی فرستاده گفتند استاد ما دانیم که صادق هستی و طریق خدا را به راستی تعلیم مینمایی و از کسی باک نداری زیرا به ظاهر خلق نمی نگری (برای غافل ساختن او چنین میگفتند.) پس به ما بگو رأی تو چیست؟ آیا جزیه دادن به قیصر روا است یا نه؟ عیسی شرارت ایشان را درک کرده و گفت ای ریاکاران چرا مرا تجربه می کنید؟ سکه جزیه را به من بنمایید ایشان دیناری نزد وی آوردند. به ایشان گفت این صورت و رقم از آن کیست؟ بدو گفتند از آن قیصر (چون یهودیان تحت سلطه روم بودند و پول رومی در بین آنها رایج بود.) به ایشان گفت مال قیصر را به قیصر ادا کنید و مال خدا را به خدا. چون ایشان شنیدند متعجب شدند و او را واگذارده برفتند.» چون اگر می گفت به قیصر جزیه بدهید به یهودیان میگفتند بر خلاف تورات حکم می کند و اگر می گفت به قیصر جزیه ندهید به حکومت رومی میگفتند او مردم را علیه روم تحریک می کند و آشوب به پا می کند. شماره ۳ تا ۱۱: ۸ انجیل یوحنا می گوید: وقتی عیسی در هیکل مشغول تعلیم دادن بود «ناگاه کاتبان و فریسیان زنی را که در زنا گرفته شده بود پیش او آوردند و او را در میان برپا داشته به او (به عیسی) گفتند ای استاد این زن در عین عمل زنا گرفته شده و موسی در تورات به ما حکم کرده است که چنین زنان سنگسار شوند (مطابق شماره ۲۳ و ۲۴: ۲۲ تنبیه هم مرد هم زن سنگسار شوند) اما تو چه می گویی؟ و این را از روی امتحان به او گفتند تا ادعایی بر او پیدا کند. اما



عیسی سر به زیر افکنده به انگشت خود بر روی زمین می نوشت. چون در سوال کردن الحاح می نمودند راست شده به ایشان گفت هر که از شما گناه ندارد اول بر او سنگ اندازد. و باز سر به زیر افکنده به زمین می نوشت. پس چون شنیدند از ضمیر خود ملزم شده از مشایخ شروع کرده تا به آخر یک یک بیرون رفتند و عیسی تنها باقی ماند با آن زن که در میان ایستاده بود. پس عیسی چون راست شد و غیر از زن کسی را ندید به او گفت ای زن آن مدعیان تو کجا شدند؟ آیا هیچکس بر تو فتوی نداد؟ گفت هیچکس ای آقا. عیسی گفت من هم بر تو فتوی نمی دهم برو دیگر گناه نکن.» می بینیم که می خواستند «ادعایی بر او پیدا کنند.» چون اگر می گفت او را سنگسار کنید به حاکم رومی می گفتند او بر خلاف قانون روم دستور می دهد و اگر می گفت او را مطابق قانون روم مجازات کنید به یهودیان می گفتند او بر خلاف تورات حکم می کند. عیسی حتی به آنان نگفت اگر در عین عمل زنا دستگیر شده پس مرد زناکار کجا است؟ چون مطابق شماره ۲۴:۲۲ تثنیه کتاب عهد عتیق (تورات) تنها موقعی که حکم سنگسار در مورد زناکاران اجرا می شود این حالت است که می گوید: «پس هر دوی ایشان (یعنی مرد و دختر باکره نامزد کسی) را نزد دروازه شهر بیرون آورده ایشان را با سنگها سنگسار کنند تا بمیرند...» حکم سنگسار دیگری که در تورات در باره زنا وجود دارد در شماره ۱۳ تا ۲۱:۲۲ تثنیه در مورد زنی است که معلوم شود در موقع عروسی (زفاف) باکره نبوده و مرد ادعا کند که او را باکره نیافته. و شرط نداشتن گناه برای سنگسار کنندگان وجود ندارد بلکه اهل شهر او را سنگسار می کنند. در قرآن حکم سنگسار وجود ندارد؛ نه در باره زنا و نه در باره هیچ جرم دیگری. باید توجه داشت که در آن موقع اورشلیم در تصرف رومی ها بود و جزو روم محسوب می شد و قانون روم در آن اجرا می شد. شماره ۴۷ تا ۵۳:۱۱ انجیل یوحنا می گوید: «... روسای کهنه (کاهن ها: روحانیون

یهودی) و فریسیان شوری نموده گفتند چه کنیم؟ زیرا این مرد معجزات بسیار مینماید. اگر او را چنین واگذاریم همه به او ایمان خواهند آورد و رومیان آمده جا و قوم ما را خواهند گرفت. یکی از ایشان - قیافانام - که در آن سال رئیس کهنه بود به ایشان گفت شما هیچ نمی‌دانید و فکر نمی‌کنید که به جهت ما مفید است که یک شخص در راه قوم بمیرد و تمامی طایفه هلاک نگردند. و این را از خود نگفت بلکه چون در آن سال رئیس کهنه بود نبوت کرد که می‌بایست عیسی در راه آن طائفه بمیرد. نه در راه آن طائفه تنها بلکه تا فرزندان خدا را که متفرقند در یکی جمع کند. و از همان روز شوری کردند که او را بکشند.»

و مطابق ۴ انجیل با دروغ و تهمت او را به کشتن دادند. چون شماره ۱۲: ۱۹ انجیل یوحنا می‌گوید: «... پیلاتس (حاکم رومی) خواست او را (عیسی را) آزاد نماید لیکن یهودیان فریاد برآورده میگفتند اگر این شخص را رها کنی دوست قیصر نیستی. هر که خود را پادشاه سازد برخلاف قیصر سخن گوید.» در صورتیکه عیسی هرگز چنین ادعایی نکرده بود. شماره ۱ و ۲: ۲۳ لوقا می‌گوید: «پس تمام جماعت ایشان برخاسته او را نزد پیلاتس بردند و شکایت بر او آغاز نموده گفتند این شخص را یافته‌ایم که قوم را گمراه می‌کند و از جزیه دادن به قیصر منع مینماید و می‌گوید که خود مسیح و پادشاه است.» در صورتیکه دیدیم که عیسی گفت: «مال قیصر را به قیصر بدهید و مال خدا را به خدا.»



۱۴

دروغ و فریب (۶)

چه کسانی به مسیحیان دروغ گفته و می گویند؟

شماره ۶: ۱۴ انجیل یوحنا می گوید: «هیچکس نزد پدر جز بوسیله من نمی آید.» باید توجه داشت که هیچکدام از سه انجیل دیگر چنین حرفی نمی زنند. باید توجه داشت که در حدود ۷۰ مطلب در انجیل یوحنا وجود دارد که سه انجیل دیگر کوچکترین اشاره ای به آن ندارند، و مسیحیان بیشتر به این مطالب استناد می کنند.

شماره ۲۸ تا ۳۰: ۱۱ انجیل متی می گوید: «بیایید نزد من ای تمام زحمت کشان و گران باران، و من شما را آرامی خواهم بخشید. یوغ مرا بر خود گیرید و از من تعلیم یابید، زیرا من حلیم و افتاده دل می باشم، و در نفوس خود آرامی خواهید یافت. زیرا یوغ من خفیف است و بار من سبک.» در صورتیکه عیسی در شماره ۱۷ تا آخر باب ۵ انجیل متی بار افراد را سنگین تر کرده است. پس این سبک سازی بار یهودیان چه بوده؟ این سبک سازی بار یهودیان برگرداندن آنان به تورات بوده و آزادسازی آنان از بار سنگینی که مشایخ یهود (علماء دینی یهود) به عهده آنان گذاشته بودند. (همان کاری که دانشمندان فریبکار دکاندار دینی ادیان کرده بودند و



می‌کنند.) چون شماره ۱۷ تا آخر باب ۵ انجیل متی می‌گوید: عیسی گفت: «گمان مبرید که آمده‌ام تا تورات یا صحف انبیاء را باطل سازم، نیامده‌ام تا باطل نمایم بلکه تا تمام کنم... پس هر که یکی از این احکام کوچکترین (کوچکترین حکم تورات) را بشکند و به مردم چنین تعلیم دهد در ملکوت آسمان کمترین شمرده شود. اما هر که به عمل آورد و تعلیم نماید او در ملکوت آسمان بزرگ خوانده خواهد شد. زیرا به شما می‌گویم تا عدالت شما بر عدالت کاتبان و فریسیان (دو دسته از یهودیان) افزون نشود به ملکوت آسمان هرگز داخل نخواهید شد. شنیده‌اید که به اولین (یعنی در تورات) گفته شده است قتل مکن و هر که قتل کند سزاوار حکم شود. لیکن من به شما می‌گویم هر که به برادر خود بی سبب خشم گیرد مستوجب حکم باشد. و هر که برادر خود را قاتل مستوجب قصاص باشد و هر که احمق گوید مستحق آتش جهنم بود... شنیده‌اید که به اولین گفته شده است زنا مکن. لیکن من به شما می‌گویم هر کس به زنی نظر شهوت اندازد، هماندم (همان دم) در دل خود با او زنا کرده است. پس اگر چشم راستت ترا بلغزند قلعهش کن (از کاسه در آر) و از خود دور انداز. زیرا ترا بهتر آن است که عضوی از اعضایت تباه گردد از آنکه تمام بدنت در جهنم افکنده شود... و گفته شده است هر که از زن خود مفارقت جوید طلاق نامه ای به او بدهد. (مطابق شماره اول باب ۲۴ سفر تثنیه) لیکن من به شما می‌گویم هر که به غیر علت زنا زن خود را از خود جدا کند باعث زنا کردن او می‌باشد. و هر که زن مطلقه را نکاح کند زنا کرده باشد... باز شنیده‌اید که به اولین گفته شده است که قسم دروغ نخورید... لیکن من به شما می‌گویم هرگز قسم نخورید... شنیده‌اید که گفته شده است چشمی به چشمی و دندانی به دندانی. لیکن من به شما می‌گویم با شریر مقاومت نکنید... شنیده‌اید که گفته شده است همسایه خود را محبت نما (مطابق شماره ۱۸: ۱۹ لاویان) و با دشمن خود عداوت

کن. اما من بشما می‌گویم که دشمنان خود را محبت نمایید و برای لعن کنندگان خود برکت بطلبید و به آنانی که از شما نفرت کنند احسان کنید و به هر که به شما فحش دهد و جفا رساند دعای خیر کنید...» آیا عیسی مسیح احکام تورات را سخت‌تر کرده یا آسان‌تر؟ مسیحیان مدعی مسیحیت چقدر این احکام را انجام می‌دهند و داده‌اند؟ اما سبک کردن بار یهودیان. شماره ۱ تا ۲۸:۲۳ متی می‌گوید: «آنگاه عیسی آن جماعت و شاگردان خود را خطاب کرده گفت: کاتبان و فریسیان بر کرسی موسی نشسته‌اند. پس آنچه به شما گویند نگاه دارید و بجا آورید، لیکن شما اعمال ایشان مکنید. زیرا می‌گویند و نمی‌کنند. زیرا بارهای گران و دشوار را می‌بندند و بر دوش مردم می‌نهند و خود نمی‌خواهند آنها را به یک انگشت حرکت دهند. همه کارهای خود را می‌کنند تا مردم ایشان را ببینند (ریاکاری می‌کنند)... بالا نشستن در ضیافت‌ها (مهمانی‌ها) و کرسیهای صدر (صندلی‌های بالای مجلس) را در کنیسه‌ها (معابد یهودیان) دوست میدارند و تعظیم در کوچه‌ها را و اینکه ایشان را آقا آقا بخوانند. (البته این حرفها را در باره علماء یهود می‌زند نه در باره کشیش‌ها و دیگر روحانیون ولی می‌بینیم که آنها هم همینطور هستند. چون انسان‌ها همه انسان هستند و غرائزشان یکی است.) لیکن شما آقا خوانده شوید زیرا استاد شما یکی است یعنی مسیح و جمیع شما برادرانید. هیچکس را بر زمین پدر خود نخوانید زیرا پدر شما یکی است که در آسمان است (در صورتیکه مسیحیان کشیشان خود را پدر می‌خوانند) و پیشوا خوانده شوید زیرا پیشوای شما یکی است یعنی مسیح. هر که از شما بزرگتر باشد خادم شما بود. هر که خود را بلند کند پست گردد. هر که خود را فروتن سازد سرافراز گردد. وای بر شما ای کاتبان و فریسیان ریاکار که در ملکوت آسمان را به روی مردم می‌بندید زیرا خود داخل آن نمی‌شوید و داخل شوندگان را از دخول مانع می‌شوید. وای بر شما ای کاتبان و فریسیان ریاکار زیرا خانه بیوه زنان



را می‌بلعید و از روی ریا نماز را طویل می‌کنید، از آن رو عذاب شدیدتر خواهید یافت. وای بر شما ای کاتبان و فریسیان ریاکار زیرا بزّ و بحر را میگردید تا مریدی پیدا کنید و چون پیدا شد او را دو مرتبه پست‌تر از خود پسر جهنم میسازید. (این را به علماء یهود می‌گوید نه به علماء مسیحیت و اسلام)... وای بر شما ای کاتبان و فریسیان ریاکار که نعناع و ثبت و زیره را عشر (زکات: ده یک) می‌دهید و اعظم احکام شریعت یعنی عدالت و رحمت و ایمان را ترک کرده‌اید... ای رهنمایان کور که پشه را صافی می‌کنید و شتر را فرو می‌برید. وای بر شما ای کاتبان و فریسیان ریاکار از آنرو که بیرون پیاله و بشقاب را پاک می‌نمایید و درون آنها مملو از جبر و ظلم است... وای بر شما ای کاتبان و فریسیان ریاکار که چون قبور سفید شده میباشید که از بیرون نیکو مینماید لیکن درون آنها از استخوان‌های مردگان و سایر نجاسات پر است. همچنین شما نیز به مردم ظاهراً عادل می‌نمایید لیکن باطناً از ریاکاری و شرارت مملو هستید...» چه می‌شود کرد؟ غرائز انسان‌ها تغییر نمی‌کند و تربیت صحیح هم وجود ندارد و دین دکانی برای دکانداران دینی شده. شماره ۱ تا ۲۰: ۱۵ انجیل متی می‌گوید: «آنگاه کاتبان و فریسیان اورشلم نزد عیسی آمده گفتند چون است که شاگردان تو از تقلید مشایخ تجاوز مینمایند زیرا هرگاه نان می‌خورند دست خود را نمی‌شویند. او در جواب گفت شما نیز با تقلید خویش از حکم خدا چرا تجاوز می‌کنید؟ زیرا خدا حکم داده است که پدر و مادر خود را حرمت دار و هر که پدر یا مادر را دشنام دهد البته هلاک گردد. (مطابق شماره ۱۸ تا ۲۱: ۲۱ تثنیه باید سنگسار شود.) لیکن شما می‌گویید هر که پدر یا مادر خود را گوید آنچه از من به تو نفع رسد هدیه ای است، و پدر یا مادر خود را بعد از آن احترام نمی‌نماید. پس با تقلید خود حکم خدا را باطل نموده‌اید. ای ریاکاران اشعیاء (یکی از پیغمبران یهود) در باره شما نیکو نبوت نموده است که گفت این قوم با زبان‌های خود به من

تقرب میجویند و بالبهای خویش مرا تمجید مینمایند لیکن دلشان از من دور است. (شماره ۱۳: ۲۹ کتاب اشعیاء نبی) پس عبادت مرا عبث (بیهوده) می کنند زیرا احکام مردم را به منزله فرایض (واجبات الهی) تعلیم می دهند. (همانطور که علماء مسیحی و مسلمان می کنند...) هر نهالی که پدر آسمانی من نکاشته (هر حکمی که در کتاب الهی نیست) باید کنده شود. ایشان را واگذارید. کوران راه نمایان کورانند. هرگاه کورکور را راهنما شود هر دو در چاه افتند... آنچه از دهان فرو میرود داخل شکم میگردد و در مبرز افکنده می شود. لیکن آنچه از دهان برآید از دل صادر میگردد. و این چیزها است که انسان را نجس می سازد. زیرا که از دل بر می آید خیالات بد و قتلها و زناها و شهادت دروغ و کفرها. اینها است که انسان را نجس می سازد لیکن خوردن با دستهای نشسته انسان را نجس نمیگرداند...»

شماره ۲۸ تا ۳۱: ۲۱ انجیل متی می گوید: عیسی گفت: «چه گمان دارید؟ شخصی را دو پسر بود نزد نخستین آمد و گفت ای فرزند امروز به تاکستان من رفته به کار مشغول شو. در جواب گفت نخواهم رفت. اما بعد پشیمان گشته برفت. و به دومین نیز همچنین گفت. او در جواب گفت ای آقا من میروم ولی نرفت. کدام یک از این دو خواهش پدر را بجا آورد؟ گفتند اولی.»

وقتی مسیح گفت «هیچکس نزد پدر جز بوسیله من نمی آید.» (متی ۶: ۱۴) این عبارت «بوسیله من» یعنی بازگشت به تورات نه به وسیله مشایخ و کاتبان و فریسیان ریاکار و نه زیر بار سنگینی که آنان به مردم تحمیل کرده اند.



۱۵

دروغ و فریب (۷)

چه کسانی به مردم دروغ گفته و می گویند؟

مسیح، پیامبر عشق یا پیامبر خشونت؟

عیسی مسیح مطابق انجیل پیغمبر عشق است یا پیغمبر خشونت؟

«چون عید فصح یهود نزدیک بود عیسی به اورشلیم رفت، و در هیکل فروشندگان گاو و گوسفند و کبوتر و صرافان را نشسته یافت، پس تازیانه ای از ریسمان ساخته همه را از هیکل بیرون نمود. هم گوسفندان و گاووان را و نقود صرافان را ریخت و تخت های ایشان را واژگون ساخت و به کبوترفروشان گفت اینها را از اینجا بیرون برید و خانه پدر مرا خانه تجارت مسازید. آنگاه شاگردان او را یاد آمد که مکتوب است غیرت خانه تو مرا خورده است.» ۱۳ تا ۱۷: ۲ یوحنا. «پس عیسی داخل هیکل خدا (معبد سلیمان) گشته جمیع کسانی را که در هیکل خرید و فروش می کردند بیرون نمود و تخت های صرافان و کرسی های کبوتر فروشان را واژگون ساخت و ایشان را گفت مکتوب است که خانه من خانه دعا نامیده می شود لیکن شما مغاره دزدانش ساخته اید.» ۱۲ و ۱۳: ۲۱ متی «پس (عیسی و شاگردانش) وارد اورشلیم شدند. چون عیسی داخل هیکل گشت به بیرون کردن آنانی که در



هیكل خرید و فروش می‌کردند شروع نمود. تخت صرافان و کرسی‌های کبوترفروشان را واژگون ساخت و نگذاشت کسی با ظرفی از میان هیكل بگذرد و تعلیم داده گفت: آیا مکتوب نیست که خانه من خانه عبادت تمامی امت‌ها نامیده خواهد شد. اما شما آن را مغاره دزدان ساخته اید.» ۱۵ تا ۱۷: ۱۱ مرقس. «چون داخل هیكل شد کسانی را که در آنجا خرید و فروش می‌کردند به بیرون نمودن آغاز کرد. و به ایشان گفت مکتوب است که خانه من خانه عبادت است لیکن شما آن را مغاره دزدان ساخته اید.» ۴۵ و ۴۶: ۱۹ لوقا. چون ۷: ۱۱ کتاب ارمیاء می‌نویسد: «آیا این خانه که به اسم من مسمی است در نظر شما مغاره دزدان شده است؟» می‌بینیم هر ۴ انجیل این مطلب را بیان می‌کنند.

عیسی مسیح می‌فرماید: «گمان مبرید که آمده‌ام تا سلامتی بر زمین بگذارم نیامده‌ام تا سلامتی بگذارم بلکه شمشیر را. زیرا آمده‌ام تا مرد را از پدر خود و دختر را از مادر خویش و عروس را از مادر شوهرش جدا سازم. و دشمنانِ شخص، اهل خانه او خواهند بود.» ۳۴ تا ۳۶: ۱۰ متی. «من آمدم تا آتشی در زمین افروزم. پس چه می‌خواهم اگر الان در گرفته است... آیا گمان می‌برید که من آمده‌ام تا سلامتی بر زمین بخشم. نی. بلکه به شما می‌گویم تفریق (جدایی) را. زیرا بعد از این، پنج نفر که در یک خانه باشند، دو از سه و سه از دو جدا خواهند شد. پدر از پسر و پسر از پدر و مادر از دختر و دختر از مادر و خارسو (مادر شوهر) از عروس و عروس از خارسو مفارقت خواهند نمود.» ۴۹ تا ۵۳: ۱۲ لوقا. «آنگاه برادر برادر را و پدر فرزند را به هلاکت خواهند سپرد. و فرزندان بر والدین خود برخاسته ایشان را به قتل خواهند رسانید. تمام خلق به جهت اسم من شما را دشمن خواهند داشت. اما هر که تا به آخر صبر کند همان نجات یابد.» ۱۲ و ۱۳: ۱۳ مرقس. «پس (عیسی) به ایشان (به شاگردانش) گفت لیکن الان هر که کیسه دارد آن را بردارد و همچنین

توشه دان را و کسی که شمشیر ندارد جامه خود را فروخته آن را بخرد. زیرا به شما می‌گویم که این نوشته در من میباید به انجام رسید، یعنی با گناهکاران محسوب شد زیرا هر چه در خصوص من است انقضاء دارد. گفتند ای خداوند اینک دو شمشیر. به ایشان گفت کافی است.» ۳۶ تا ۳۸: ۲۲ لوقا. در موقعی که برای دستگیری عیسی آمده بودند «ناگاه یکی از همراهان عیسی دست آورده شمشیر خود را از غلاف کشیده بر غلام رئیس کهنه زد و گوشش را از تن جدا کرد. آنگاه عیسی وی را گفت شمشیر خود را غلاف کن زیرا هر که شمشیر گیرد به شمشیر هلاک گردد.» ۵۱ و ۵۲: ۲۶ متی. «یکی از حاضرین شمشیر خود را کشیده بر یکی از غلامان رئیس کهنه زده گوشش را برید.» ۴۷: ۱۴ مرقس. «یکی از ایشان غلام رئیس کهنه را زده گوش راست او را از تن جدا کرد. عیسی متوجه شده گفت تا به این بگذارید و گوش او را لمس نموده شفا داد.» ۵۰ و ۵۱: ۲۲ لوقا. «آنگاه شمعون پطرس شمشیری که داشت کشیده به غلام رئیس کهنه که ملوک نام داشت زده گوش راستش را برید. عیسی به پطرس گفت شمشیر خود را غلاف کن آیا جامی را که پدر بمن داده است ننوشتی؟» ۱۰ و ۱۱: ۱۸ یوحنا. معلوم نیست که کدامیک از انجیل‌ها درست می‌گوید: آیا عیسی گفت شمشیر بخرید یا گفت «هر که شمشیر گیرد به شمشیر هلاک گردد؟» ولی معلوم می‌شود یکی یا دو نفر از حواریون شمشیر داشتند.

بیاید با هم نگاهی به انجیل‌ها بیندازیم

تا گفتار و رفتار عیسی مسیح را درک کنیم.

تا ببینیم او پیغمبر عشق و محبت است

یا پیغمبر خشونت؟

انجیل متی

عیسی مسیح در شماره ۱۷ تا ۱۹:۵ متی می‌فرماید: «گمان مبرید که آمده‌ام تا تورات یا صحف انبیاء را باطل سازم. نیامده‌ام تا باطل نمایم بلکه تا تمام کنم. زیرا هر آینه به شما می‌گویم تا آسمان و زمین زایل نشود همزه ای یا نقطه ای از تورات هرگز زایل نخواهد شد، تا همه واقع شود. پس هر که یکی از این احکام کوچکترین را بشکند و به مردم چنین تعلیم دهد در ملکوت آسمان کمترین شمرده شود. اما هر که به عمل آورد و تعلیم نماید، او در ملکوت آسمان بزرگ خوانده خواهد شد.» بعد در شماره ۲۰ تا ۴۶:۵ متی احکام تورات را سخت‌تر می‌کند نه آسان‌تر. چون می‌فرماید: «تا عدالت شما بر عدالت کاتبان و فریسیان افزون نشود به ملکوت آسمان هرگز داخل نخواهید شد. (حکم تورات را سخت‌تر کرده یا آسان‌تر؟) شنیده‌اید که به اولین (یعنی تورات) گفته شده است قتل مکن. و هر که قتل کند سزاوار حکم شود. (مطابق شماره ۳۰ و ۳۱:۳۵ اعداد) «قاتل به گواهی شاهدان کشته شود و یک شاهد برای کشته شدن کسی شهادت ندهد. و هیچ فدیة بعوض جان قاتلی که مستوجب قتل است مگیرید، بلکه او البته کشته شود.» (لیکن من به شما می‌گویم هر که به برادر خود بی سبب خشم گیرد مستوجب حکم باشد و هر که برادر خود را راقا گوید مستوجب قصاص باشد و هر که احمق گوید مستحق آتش جهنم بود.» ۲۰ تا ۲۲:۵ متی. (آیا حکم تورات را سخت‌تر کرده یا آسان‌تر؟) ... «شنیده‌اید که به اولین (یعنی در تورات) گفته شده است زنا مکن (شماره ۱۵: ۲۰ خروج و شماره ۱۸:۵ تثنیه) لیکن من به شما می‌گویم هر کس به زنی نظر شهوت اندازد همانندم در خود با او زنا کرده است. پس اگر چشم راست تو را بلغزانند قلعه کن و از خود دور انداز زیرا تو را بهتر آن است که عضوی از اعضایت تباہ گردد از آنکه تمام بدنت در جهنم افکنده شود. و اگر دست راست تو را بلغزانند

قطعش کن و از خود دور انداز زیرا تو را مفیدتر آن است که عضوی از اعضای تو نابود شود از آنکه کل جسدت در دوزخ افکنده شود.» ۲۷ تا ۳۰:۵ متی. (حکم تورات را سخت تر کرده یا آسان تر؟) «و (در تورات شماره ۱ و ۲:۲۴ تثنیه) گفته شده است، هر که از زن خود مفارقت (جدایی) جوید طلاق نامه ای بدو بدهد. لیکن من به شما می گویم هر کس به غیر علت زنا زن خود را از خود جدا کند باعث زنا کردن او می باشد. (چون طلاقش درست نبوده) و هر که زن مطلقه را نکاح کند زنا کرده باشد.» شماره ۳۱ و ۳۲:۵ متی. چون با زن شوهردار ازدواج کرده زیرا طلاق او درست نبوده. حالا مسیحیان چه می کنند؟... «شنیده اید چشمی به چشمی و دندانی به دندانی (شماره ۲۳ تا ۲۵:۲۱ خروج و ۲۴:۲۰ لاویان) لیکن من به شما می گویم با شریر مقاومت نکنید. بلکه هر که به رخساره راست تو طپانچه (کشیده. سیلی. مشت) زند دیگری را نیز به سوی او بگردان. و اگر کسی خواهد با تو دعوی کند و قبای تو را بگیرد عبای خود را نیز بدو واگذار و هر که تو را برای یک میل مجبور سازد، دو میل همراه او برو.» ۳۸ تا ۴۱:۵ متی... «شنیده اید که گفته شده است همسایه خود را محبت نما و با دشمن خود عداوت کن. اما من به شما می گویم که دشمنان خود را محبت نمایید و برای لعن کنندگان خود برکت بطلبید و به آنانی که از شما نفرت کنند احسان کنید و به هر که به شما فحش دهد و جفا رساند دعای خیر کنید. تا پدر خود را که در آسمان است پسران شوید زیرا آفتاب خود را بر بدان و نیکان طالع می سازد و باران بر عادلان و ظالمان میباراند...» ۴۳ تا ۴۵:۵ متی. اما مسیحیانی که دم از این دستور می زنند در دنیا چه کرده اند و چه می کنند؟ آیا هنوز در جهان مستعمراتی ندارند که به زور تصاحب کرده اند؟ آیا کشورهای زیادی را با ابراز خشونت و زور آلت دست خود نکرده اند؟ آیا اموال آنها را غارت نمی کنند و نمی گویند هدف سازمان ملل کمک به افراد فقیر است تا وضع



آنها بهبود پیدا کند؟ آیا آنها از این حکم پیروی می کنند یا از اینکه من نیامده ام تا نقطه ای یا همزه ای از تورات را باطل کنم؟ آیا تورات دستور قتل عام مردم را صادر نمی کند؟ آیا شماره ۱ و ۲۴:۱۲ یوشع نمی نویسد: «اینانند ملوک آن زمین که بنی اسرائیل کشتند و زمین ایشان را به آنطرف اردن... متصرف شدند.» «و جمیع ملوک سی و یک نفر بودند.»؟ آیا شماره ۲ و ۳:۲۱ و ۱۷ و ۱۸:۳۱ اعداد و شماره ۱ تا ۵:۷ و شماره ۱۳:۲۰ تثنیه نمیگوید همه مردان و زنان و پسران آنها را بکش و فقط دخترانی که مرد را ندیده اند باقی بگذار. البته شماره ۱۴:۲۰ تثنیه زنان را هم از کشتن معاف می دارد. ولی شماره ۲۱:۶ یوشع می گوید: «هر آنچه در شهر بود از مرد و زن و جوان و پیر حتی گاو و گوسفند و الاغ را به دم شمشیر هلاک کردند.» شماره ۲۴ تا ۲۶:۸ و شماره ۲۸ و ۳۰ و ۳۲ و ۳۵ و ۳۷ و ۳۹:۱۰ و شماره ۸ و ۱۲ و ۲۰:۱۱ یوشع می نویسد «همه کسانی که در آن بودند به دم شمشیر زدند و... (یوشع) کسی را باقی نگذاشت...» و هر ذی نفسی را هلاک کرد. و موسی مطابق شماره ۲۳ تا ۳۵:۲۱ تثنیه با سیحون ملک حشبون و عوج ملک باشان اینکار را کرد بحدی که کسی از برایش باقی نماند.

حکم مجازات تخلف از ۷ فرمان از ۱۰ فرمان سنگسار یا حداقل قتل و اعدام است. شماره ۶ تا ۱۳:۱۷ و شماره ۲ تا ۵:۱۷ و شماره ۱۸ تا ۲۱:۲۱ و شماره ۱۳ تا ۲۷:۲۲ تثنیه و شماره ۳۲ تا ۳۶:۱۵ و شماره ۱۴ تا ۲۱ و ۳۱:۳۵ اعداد و شماره ۱۴:۲۱ خروج را ببینید.

شماره ۱۷:۱۶ لوقا می گوید عیسی مسیح گفت: «آسان تر است که آسمان و زمین زایل شود از آنکه نقطه ای از تورات ساقط گردد» فراموش نباید کرد که تورات زمانی توسط عزرای کاهن نوشته شد که قوم یهود پس از شکست و اسارت بدست نبوکد نصر (بخت النصر) پادشاه بابل و بُرده شدن به بابل پس از فتح بابل توسط

کورش به آنها اجازه داده شد که به اورشلیم برگردند و آن را بازسازی کنند. چون اورشلیم و فلسطین و ترکیه و جاهای دیگر ضمیمه ایران شده بود و در زمان ارتحشستا (خشیارشا) این کتاب (عهد عتیق - تورات -) نوشته شد. لذا عزرا با داستان‌های خود در کتاب عهد عتیق اولاً می‌خواست روحیه قوم یهود، قوم شکست خورده و از اسارت بازگشته را تقویت کند. ثانیاً مردم را به اطاعت بی چون و چرا از کاهنان یعنی فرزندان هارون بکشاند. و باید توجه داشت که عیسی مسیح در زمانی زندگی می‌کرد که رومیان بر اورشلیم حکومت می‌کردند. همانطور که شماره ۱ و ۲:۳ لوقا می‌گوید: «در سال پانزدهم از سلطنت طیباریوس قیصر دروقتی که پنطیوس پیلاطس والی یهودیه بود و هیرودیس تیتراک جلیل و برادرش فیلیپس تیتراک ایطوریه و دیار تراخونیتس، و لیسانیوس تیتراک آبلیه و حنّا و قیفا روسای کهنه بودند، کلام خدا به یحیی بن زکریا در بیابان نازل شده» و کاهنان یهودی در صدد نابودی عیسی مسیح بودند. همانطور که بارها توطئه کردند که او را از سر راه خود بردارند. همانطور که در شماره ۱۵ تا ۲۲:۲۲ متی در باره جزیه دادن به قیصر و در شماره ۲ تا ۸:۱۱ یوحنا در باره مجازات زن زناکار از او سوال کردند. چون عیسی مسیح آنها را به اطاعت از تورات و خودداری از پیروی مشایخ یهود دعوت می‌کرد همانطور که باب ۱۵ متی می‌گوید. باب ۲۳ متی را هم ببینید. فراموش نکنید که انجیل‌ها در حدود ۳۵ تا ۷۵ سال بعد از عیسی مسیح نوشته شده است و اورشلیم در سال ۷۰ میلادی توسط تیتوس امپراتور روم به آتش کشیده و خراب شد و یهودیان به اروپا برده و فروخته شدند.

اما وقتی عیسی مسیح اندکی قدرت یافت همانطور که دیدیم تخت صرافان را واژگون ساخت و آنها را از هیکل بیرون کرد.

عیسی یهودی و از نسل یهودا بود. مطابق هر دو نسب نامه او که مسلماً یکی از

آن دو غلط است. چون هر دو نسب نامه از آدم تا داود یکی است ولی بر حسب آنچه انجیل متی می نویسد او از نسل سلیمان می باشد و مطابق انجیل لوقا او از نسل ناتان پسر دیگر داود بود. به باب اول متی و آخر باب سوم لوقا نگاه کنید. چون در حدود ۱۵۰ سال قبل از اینکه یهودی ها توسط نبوکد نصر (بخت النصر) در هم شکسته و به بابل برده شوند دولت اسرائیل توسط آشوری ها در هم شکسته و به شهرهای مختلف آشوری ها تبعید و پراکنده شدند. به شماره ۲۰:۱۲ کتاب اول پادشاهان و تمام آن باب نگاه کنید. نیز شماره ۱۷:۱۸ کتاب دوم پادشاهان و تمام آن باب را نگاه کنید تا تشکیل دولت اسرائیل و یهود و نابود شدن ۱۰ نسل اسرائیل را در طول تاریخ ببینید.

عیسی مسیح در شماره ۷:۱۵ متی می فرماید: «از انبیای کذب (دروغگو) احتراز کنید که به لباس میش ها نزد شما آیند ولی در باطن گرگان درنده می باشند.» پطرس جانشین عیسی در شماره ۱:۲ نامه دوم خود می نویسد: «در میان قوم انبیای کذب و (دروغگو) نیز بودند. چنانکه در میان شما هم معلمان کذب (دروغگو) خواهند بود که بدعت های مهلک را خُفیه (مخفیانه) خواهند آورد...» این انبیاء و معلمان دروغگو آئین مسیح را با بدعت و ارونه کردند. بدعت حکم و نظر نوظهور ساختگی است که بعداً بنام دین ساخته شده و اثری از آن در کتاب الهی پیدا نمی کنید. تمام ادیان دچار این بدعت ها شده اند. عیسی مسیح در شماره ۳۴:۱۰ متی همانطور که دیدیم می فرماید: «گمان مبرید که آمده ام تا سلامتی بر زمین بگذارم. نیامده ام تا سلامتی بگذارم بلکه شمشیر را.» و در شماره ۲۸ تا ۳۰:۱۱ متی می فرماید: «بیایید نزد من ای تمام زحمت کشان و گران باران. من شما را آرامی خواهم بخشید. یوغ مرا بر خود گیرید و از من تعلیم یابید. زیرا حلیم و افتاده دل می باشم و در نفوس خود آرامی خواهید یافت. زیرا یوغ من خفیف است و بار من سبک.» چون در

شماره ۴: ۲۳ متی می فرماید: کاتبان و فریسیان «بارهای گران و دشوار را می بندد و بر دوش مردم مینهند و خود نمی خواهند آنها را به یک انگشت حرکت دهند.» چون مبارزه عیسی مسیح با کاهنان (روحانی نماهای) یهود و کاتبان و فریسیان بود و میدانست در این راه کشته می شود. چون آنها اجازه نمی دادند کسی دکانشان را بهم بزند. همانطور که امروزه هم همین کار را می کنند. شماره ۱۰ و ۱۱: ۱۲ متی می گوید: «ناگاه شخص دست خشکی حاضر بود. پس از وی (از عیسی) پرسیده گفتند: آیا در روز سبت شفا دادن جایز است یا نه؟ تا ادعایی بر او وارد آورند. وی به ایشان گفت کیست از شما که یک گوسفند داشته باشد و هرگاه آن در روز سبت (شنبه) بحفره افتد او را نخواهد گرفت و بیرون آورد؟» شماره ۱۴: ۱۲ متی می گوید: «اما فریسیان بیرون رفته بر او شوری نمودند که چه طور او را هلاک کنند.» می بینیم که در صدد هلاکت او بودند. هر که علیه فریبکاری دکانداران دینی قیام کند و بخواهد مردم را بیدار و آگاه کند با او همین کار را خواهند کرد. عیسی مسیح در شماره ۶: ۱۵ متی می فرماید: «... با تقلید خود (از مشایخ) حکم خدا را باطل نموده اید.» و در شماره ۸ و ۹ و ۱۳: ۱۵ متی از قول اشعیاء می فرماید: «این قوم با زبان های خود بمن تقرب می جویند و بالب های خویش مرا تمجید مینمایند، لیکن دلشان از من دور است. پس عبادت مرا عبث (بیهوده) می کنند، زیرا احکام مردم را به منزله فرایض (احکام خدا) تعلیم می دهند.» «هر نهالی که پدر آسمانی من نکاشته باید کنده شود.» معلوم نیست امروزه چه کسی به مسیحیان باید بگوید «هر دستور و عقیده ای که بر خلاف انجیل و دستور و عقیده ای که خدا در آن گفته است باشد باید کنده شود.» شماره ۲۲ تا ۲۷: ۱۵ متی می فرماید: «ناگاه زن کنعانیه از آن حدود بیرون آمده فریاد کنان وی را (مسیح را) گفت خداوندا پسر داودا بر من رحم کن. زیرا دختر من سخت دیوانه است. لیکن (مسیح) هیچ جوابش نداد تا شاگردان او



پیش آمده خواهش نمودند که او را مرخص فرمای زیرا در عقب ما شورش می کند. او (عیسی مسیح) در جواب گفت فرستاده نشده ام مگر به جهت گوسفندان گمشده خاندان اسرائیل. پس آن زن آمده او را پرستش کرده گفت خداوندا مرا یاری کن. در جواب گفت که نان فرزندان گرفتن و نزد سگان انداختن جایز نیست. (آن زن) عرض کرد بلی خداوندا زیرا سگان نیز از پاره های افتاده سفره آقایان خویش می خورند...» در شماره ۷:۲۶ مرقس می گوید: «او زن یونانی از اهل فنیقیه صوریه بود...» شماره ۱ و ۲ و ۱۶:۴ متی می نویسد: «آنگاه فریسیان و صدوقیان نزد او آمده از روی امتحان از وی خواستند که آیتی آسمانی برای ایشان ظاهر سازد.» «ایشان را جواب داد که... فرقه شریر زناکار آیتی میطلبند و آیتی به ایشان عطا نخواهد شد جز آیت یونس نبی.» شماره ۱۶:۲۳ متی می نویسد: «اما او (عیسی مسیح) برگشته پطرس را گفت دور شو از من ای شیطان زیرا که باعث لغزش من میباشی زیرا نه امور الهی را بلکه امور انسانی را تفکر می کنی.» چون پطرس به او که می گفت بدست مشایخ و رؤسای کهنه و کاتبان کشته خواهد شد گفته بود حاشا از تو ای خداوند که این بر تو هرگز واقع نخواهد شد. شماره ۱۵ تا ۲۲:۲۲ متی می نویسد: «فریسیان رفته شوری نمودند که چطور او را در گفتگو گرفتار سازند. و شاگردان خود را با هیردویان نزد وی فرستاده گفتند استاد ما دانیم که صادق (راستگو) هستی و طریق خدا را براستی تعلیم مینمایی و از کسی باک نداری. زیرا که بظاهر خلق نمی نگری. پس بما بگو رأی تو چیست؟ آیا جزیه دادن به قیصر روا است یا نه؟ عیسی شرارت ایشان را درک کرده گفت ای ریاکاران چرا مرا تجربه می کنید؟ سکه جزیه را به من بنمایید. ایشان دیناری نزد وی آوردند. به ایشان گفت این صورت و رقم از آن کیست؟ به او گفتند از آن قیصر. به ایشان گفت مال قیصر را به قیصر ادا کنید و مال خدا را به خدا. چون ایشان شنیدند متعجب شدند و او را

واگذارده برفتند.» می بینیم که پول رایج آن زمان پول رومی بوده و نقش قیصر را داشته یعنی در آن زمان رومیان بر یهودیه حکومت می کردند. در شماره ۱۳ تا ۲۳:۳۳ متی عیسی مسیح به کاتبان و فریسیان می فرماید: «وای بر شما ای کاتبان و فریسیان ریاکار که در ملکوت آسمان را به روی مردم می بندید زیرا خود داخل آن نمی شوید و داخل شونندگان را از دخول مانع می شوید. وای بر شما ای کاتبان و فریسیان ریاکار زیرا خانه های بیوه زنان را می بلعید و از روی ریا نماز را طویل می کنید از آنرو عذاب شدیدتر خواهید یافت. وای بر شما ای کاتبان و فریسیان ریاکار زیرا بزّ و بحر را می گردید تا مریدی پیدا کنید و چون پیدا شد او را دو مرتبه پست تر از خود پسر جهنم می سازید. وای بر شما ای راهنمایان کور که می گوید هر که به هیكل قسم خورد باکی نیست لیکن هر که به طلای هیكل قسم خورد باید وفا کند. ای نادانان و نابینایان آیا کدام افضل است طلا یا هیكلی که طلا را مقدس می سازد؟... ای جُهّال و کوران... وای بر شما ای کاتبان و فریسیان ریاکار که نعنا و ثبت و زیره را عشر می دهید و اعظم احکام شریعت یعنی عدالت و رحمت و ایمان را ترک کرده اید... ای رهنمایان کور که پشه را صافی می کنید و شتر را فرو می برید. وای بر شما ای کاتبان و فریسیان ریاکار از آنرو که بیرون پیاله و بشقاب را پاک می نمایید و درون آنها مملو از جبر و ظلم است... وای بر شما ای کاتبان و فریسیان ریاکار که چون قبور سفید شده میباشید که از بیرون نیکو مینمایند لیکن درون آنها از استخوان های مردگان و سایر نجاسات پر است. همچنین شما نیز ظاهراً به مردم عادل می نمایید لیکن باطناً از ریاکاری و شرارت مملو هستید. وای بر شما ای کاتبان و فریسیان ریاکار... ای ماران و افعی زادگان چگونه از عذاب جهنم فرار خواهید کرد؟»

انجیل مرقس

شماره ۲۲:۱ مرقس می‌گوید: «... ایشان را مقتدرانه تعلیم می‌داد.» شماره ۳۸:۸ مرقس می‌گوید: «هر که در این فرقه زناکار و خطاکار از من و سخنان من شرم‌منده شود پسرانسان نیز وقتی که با فرشتگان مقدس در جلال پدر خویش آید از او شرم‌منده خواهد گردید.» شماره ۱۳ و ۱۴:۱۰ مرقس می‌گوید: «بچه‌های کوچک را نزد او آوردند تا ایشان را لمس نماید. اما شاگردان آورندگان را منع کردند. چون عیسی این را بدید خشم نموده به ایشان گفت بگذارید که بچه‌های کوچک نزد من آیند و ایشان را مانع مشوید. زیرا ملکوت خدا از امثال این‌ها است.» شماره ۱۵ تا ۱۶:۱۱ مرقس می‌گوید: «پس وارد اورشلیم شدند. چون عیسی داخل هیکل گشت به بیرون کردن آنانی که در هیکل (معبد سلیمان) خرید و فروش می‌کردند شروع نمود و تخت‌های صرافان و کرسی‌های کبوتر فروشان را واژگون ساخت. و نگذاشت که کسی با ظرفی از میان هیکل بگذرد.» شماره ۱۳:۱۲ مرقس می‌گوید: «چند نفر از فریسیان و هیرودیان را نزد وی فرستادند تا او را بسختی بدام آورند.» و در باره جزیه دادن به قیصر (امپراتور روم) از او سؤال کنند که آیا جزیه دادن به قیصر جایز است؟ تا اگر گفت بدهید به یهودیان بگویند او بر خلاف تورات نظر می‌دهد و اگر بگوید ندهید به رومیان بگویند او مردم را علیه روم تحریک می‌کند. همانطور که با همین تهمت او را مطابق هر ۴ انجیل به کشتن دادند و او را از سر راه خود برداشتند. ولی او گفت مال قیصر را به قیصر بدهید و مال خدا را به خدا چون متوجه نقشه آنها شده بود. چون «ریاکاری ایشان را درک کرد» ۱۵:۱۲ مرقس. ولی مطابق شماره ۱ و ۲:۲۳ لوقا آنها به او تهمت زدند که می‌گوید جزیه به قیصر ندهید. چون لوقا می‌گوید: «پس تمامی جماعت ایشان برخاسته او را نزد پیلاتس بردند و شکایت بر او نموده گفتند این شخص را یافته‌ایم که قوم را گمراه می‌کند و از جزیه

دادن به قیصر منع مینماید و می‌گوید که خود مسیح و پادشاه است.» در صورتیکه عیسی مسیح هیچوقت چنین ادعایی نکرد. می‌بینیم که دکانداران فریبکار دینی به هر تهمتی متوسل می‌شوند تا کسی را که حقیقت را می‌گوید از سر راه خود بردارند. شماره ۱۲ و ۱۵:۱۹ یوحنا می‌گوید: «از آنوقت پیلاطس خواست او را آزاد نماید لیکن یهودیان فریاد برآورده میگفتند که اگر این شخص را رها کنی دوست قیصر نیستی. هر که خود را پادشاه سازد بر خلاف قیصر سخن گوید.» «... پیلاطیس به ایشان گفت آیا پادشاه شما را مصلوب کنم؟ روسای کهنه جواب دادند که غیر از قیصر پادشاهی نیست.» در صورتیکه دروغ میگفتند و قیصر را پادشاه خود نمی‌دانستند. البته انجیل‌های دیگری وجود داشت که می‌گفت امر به ایشان مشتبه شد و کس دیگری را اشتباهاً بجای او به دار زدند. می‌بینیم که در آن زمان رومی‌ها بر یهودیان حکومت می‌کردند و آنها بدست رومیان عیسی را مصلوب کردند (بنا بگفته انجیل‌ها) امروزه هم کارهای خود را بدست دیگران انجام می‌دهند. و با دروغگویی‌های خود افراد را از پیش پای خود بر میدارند. شماره ۱:۱۴ مرقس می‌گوید: «بعد از دو روز عید فصح و فطیر بود که رؤسای کهنه و کاتبان مترصد بودند که به چه حيله او را دستگیر و بقتل رسانند.» شماره ۵۵:۱۴ مرقس می‌گوید: «رؤسای کهنه و جمیع اهل شوری در جستجوی شهادت بر عیسی بودند تا او را بکشند و هیچ نیافتند.»

انجیل لوقا

شماره ۲۸ و ۲۹:۴ لوقا می‌گوید: «تمام اهل کنیسه (معبد یهودیان) چون این سخنان را شنیدند پر از خشم گشته و برخاسته او را از شهر بیرون کردند و بر قله کوهی که قریه ایشان بر آن بنا شده بود بردند تا او را به زیر افکنند ولی از میان ایشان

گذشته برفت.»

شماره ۳۲:۴ لوقا می گوید: «از تعلیم او در حیرت افتادند. زیرا کلام او با قدرت

می بود.»

شماره ۳۸ تا ۴۰:۱۱ لوقا می گوید: «فریسی چون دید که (عیسی) پیش از چاشت دست نشست تعجب نمود. خداوند وی را گفت همانا شما ای فریسیان بیرون پیاله و بشقاب را ظاهر میسازید ولی درون شما پر از حرص و خیانت است. ای احمقان آیا او که بیرون را آفرید اندرون را نیز نیافرید؟»

شماره ۴۲ تا ۴۶ و ۵۲:۱۱ لوقا می گوید: «وای بر شما ای فریسیان که ده یک نعناع و سداب و هر قسم سبزی را می دهید و از دادرسی و محبت خدا تجاوز می نمایید. اینها را باید بجا آورید و آنها را نیز ترک نکنید. وای بر شما ای فریسیان که صدر کنایس (بالای معبد) و سلام در بازارها را دوست میدارید. وای بر شما ای کاتبان و فریسیان ریاکار زیرا مانند قبرهای پنهان شده هستید که مردم بر آنها راه میروند و نمی دانند... وای بر شما نیز ای فقهاء زیرا بارهای گران را بر مردم می نهید و خود بر آن بارها یک انگشت خود را نمی گذارید.» «وای بر شما ای فقهاء زیرا کلید معرفت را برداشته اید که خود داخل نمی شوید و داخل شوندگان را هم مانع می شوید.» اگر کمی دقت کنید تمام روحانی نماهای دین فروش دنیا اینطور هستند. در شماره ۵۳ و ۵۴:۱۱ در دنباله آن می گوید: «چون او (عیسی مسیح) این سخنان را به ایشان گفت کاتبان و فریسیان با او بشدت در آویختند و در مطالب بسیار سوالها از او می کردند و در کمین او میبودند تا نکته ای از زبان او گرفته مدعی او شوند.» در چنین جامعه ای بود که عیسی مسیح میفرمود: «این است خون من در عهد جدید که در راه بسیاری به جهت آمرزش گناهان ریخته می شود.» ۲۸:۲۶ متی. شماره ۲۴:۱۴ مرقس و ۲۰:۲۲ لوقا را هم ببینید.

البته این آمرزش گناهان با توبه گناهکاران حاصل می‌شود، همانطور که عیسی مسیح در شماره ۱۲ و ۹:۱۳ متی می‌فرماید: «... گفت نه تندرستان بلکه مریضان احتیاج به طبیب دارند. لکن رفته این را دریافت کنید که رحمت می‌خواهم نه قربانی. زیرا نیامده‌ام تا عادلان را بلکه گناهکاران را به توبه دعوت نمایم.» عیسی مسیح در شماره ۲۱ تا ۷:۲۳ متی می‌فرماید: «نه هر که مرا خداوند خداوند گوید داخل ملکوت آسمان گردد بلکه آنکه اراده پدر مرا که در آسمان است بجا آورد. بسا در آن روز مرا خواهند گفت خداوندا خداوندا آیا بنام تو نبوت نمودیم؟ و به اسم تو دیوها را اخراج نکردیم؟ (مریض‌ها را شفا ندادیم؟) و بنام تو معجزات بسیار ظاهر نساختیم؟ آنگاه به ایشان صریحاً خواهم گفت که هرگز شما را نشناختم. ای بدکاران از من دور شوید.» و در شماره ۵:۲۰ متی می‌فرماید: «... تا عدالت شما بر عدالت کاتبان و فریسیان افزون نشود به ملکوت آسمان هرگز داخل نخواهید شد.» عیسی مسیح آمده بود که مردم را از «بارهای سنگینی که کاتبان و فریسیان بر دوش آنان گذاشته بودند» (۴:۲۳ متی) نجات دهد و آنها را به تورات و احکام آن برگرداند. شماره ۱۷ تا ۵:۱۹ متی را ببینید. عیسی مسیح در شماره ۲۸ تا ۳۱:۲۱ متی مثلی زد و گفت: «چه گمان دارید شخصی را دو پسر بود. نزد نخستین آمده گفت ای فرزند امروز به تاکستان من رفته بکار مشغول شو. (پسر) در جواب گفت نخواهم رفت اما بعد پشیمان گشته برفت. و به دومین همچنین گفت. او در جواب گفت ای آقا من میروم ولی نرفت. کدام یک از این دو خواهش پدر را بجا آورد. گفتند اولی...» یعنی اگر کسی به عیسی مسیح ایمان نداشته باشد و بگوید به او ایمان ندارم ولی به دستورش عمل کند از او پیروی کرده. ولی اگر کسی بگوید من به عیسی مسیح ایمان دارم، ولی به دستورش عمل نکند از او پیروی نکرده. بدکار اگر به نام عیسی مسیح نبوت کند، دیوها را اخراج کند (شفا دهد) و معجزات



بسیار ظاهر نماید مسیحی نیست ولی اگر پاک باشد، آدم نکشد، زنا نکند، دزدی نکند، شهادت دروغ ندهد، احترام پدر و مادر را نگاه دارد، همسایه خود را مثل نفس خود دوست بدارد مسیحی واقعی است و حیات جاودانی دارد. ۱۶ تا ۱۹:۱۹ متی .

انجیل یوحنا

شماره ۱۳ تا ۱۷:۲ یوحنا می گوید: «چون عید فصح یهود نزدیک بود عیسی به اورشلیم رفت و در هیکل فروشندگان گاو و گوسفند و کبوتر و صرافان را نشسته یافت. پس تازیانه از ریسمان ساخته همه را از هیکل بیرون نمود. هم گوسفندان و گاو را و نقود صرافان را ریخت و تخت های ایشان را واژگون ساخت. و به کبوتر فروشان گفت اینها را از اینجا بیرون برید و خانه پدر مرا خانه تجارت مسازید. آنگاه شاگردان او را یاد آمد که مکتوب است غیرت خانه تو مرا خورده است.» عیسی مسیح در شماره ۴۴:۸ یوحنا می فرماید: «شما (یهودیان) از پدر خود ابلیس میبایستید و خواهش های پدر خود را می خواهید بعمل آورید. او از اول قاتل بود، و در راستی ثابت نمی باشد. از آن جهت که در او راستی نیست. هرگاه به دروغ سخن می گوید از ذات خود می گوید. زیرا دروغگو و پدر دروغگویان است.» شماره ۵۹:۸ یوحنا می گوید: «آنگاه سنگ ها برداشتند تا او را سنگسار کنند، اما عیسی خود را مخفی ساخت و از میان گذشته از هیکل بیرون شد و همچنین برفت.» شماره ۵۳:۱۱ یوحنا می گوید: «از همانروز شوری کردند که او را بکشند.»

دیدیم که عیسی با قدرت کامل و خشونت کامل سخن می گفت فقط چون رومیان در آن زمان بر یهودیه حکومت می کردند و مسیحیان در بین یهودیان هم قدرت نداشتند عیسی مسیح به ایشان فرمود: «... با شریر مقاومت مکنید بلکه هر

که به رخساره راست تو طپانچه زند دیگری را نیز بسوی او بگردان.» ۵:۳۹ متی. ولی دیدیم که شماره ۱۷ تا ۱۹:۵ متی می‌فرماید: «گمان مبرید که آمده‌ام تا تورات یا صحف انبیاء را باطل سازم نیامده‌ام تا باطل نمایم بلکه تا تمام کنم. زیرا هر آینه به شما می‌گویم تا آسمان و زمین زایل نشود همزه ای یا نقطه ای از تورات هرگز زایل نخواهد شد تا همه واقع شود. پس هر که یکی از این احکام کوچکترین را بشکند و به مردم چنین تعلیم دهد در ملکوت آسمان کمترین شمرده شود. اما هر که بعمل آورد و تعلیم نماید او در ملکوت آسمان بزرگ خوانده خواهد شد.» خشونت احکام تورات را دیدیم و هر کس که با تورات اندک آشنایی داشته باشد از خشونت شدید و شدت عمل آن اطلاع دارد. آنچه خواندید متن انجیل است. اگر شک دارید به آیه‌هایی که گفته شده در انجیل مراجعه کنید تا کوچکترین شکی برای شما باقی نماند. با دیده تحقیق انجیل را بخوانید و حرفهایی را که دیگران زده‌اند بنام انجیل و تعالیم عیسی مسیح قبول نکنید.



۱۶

علت دشمنی یهودیان و مسیحیان با اسلام

این بحث ربطی به تعالیم اسلام برای ساختن یک دنیای پاک ندارد. ولی علت دشمنی یهودیان و مسیحیان با اسلام را بیان می‌کند.

یهودیان مطابق شماره ۱۰ باب ۳ سفر خروج خود را «قوم خدا میدانند» موسی در اول باب ۵ سفر خروج به فرعون می‌گوید: «یَهُوَه خدای اسرائیل چنین می‌گوید: قوم مرا رها کن...» و خود را نخست زاده خدا میدانند در صورتیکه شماره ۱۶ باب ۱۶ سفر پیدایش (کتاب اول عهد عتیق که ما به آن تورات می‌گوییم) می‌گوید: «آبرام (ابراهیم) هشتاد و شش ساله بود چون هاجر اسمعیل را برای ابرام بزاد» و شماره ۵ باب ۲۱ سفر پیدایش می‌گوید: «ابراهیم در هنگام ولادت پسرش اسحاق صد ساله بود.» یعنی اسماعیل نخست زاده ابراهیم و ۱۴ سال بزرگتر از اسحاق بود. لذا اسحاق نخست زاده ابراهیم نبود.

شماره ۲۵ و ۲۶ باب ۲۵ سفر پیدایش می‌گوید: موقع وضع حمل رفقه زن اسحاق «نخستین (یعنی فرزند نخستین اسحاق که از مادر بیرون آمد) سرخ فام بیرون آمد و تمام بدنش مثل پوستین پشمین بود و او را عیسو نام نهادند و بعد از آن

برادر بیرون آمد و پاشنه عیسو را بدست خود گرفت و او را یعقوب نام نهادند...»
یعنی عیسو نخست زاده اسحاق بود نه یعقوب. یعقوب مطابق شماره ۲۸ باب ۳۲
پیدایش لقب اسرائیل گرفت. بنی اسرائیل فرزندان یعقوب بودند. اما عزرا نویسنده
یا گوینده عهد عتیق در شماره ۲۹ تا ۳۳ باب ۲۵ سفر پیدایش می‌گوید: «روزی
یعقوب آش می‌پخت و عیسو وامانده از صحرا آمد و عیسو به یعقوب گفت از این
آش اَدوم (یعنی سرخ) مرا بخوران زیرا که وامانده ام. از این سبب او را ادم
نامیدند. یعقوب گفت امروز نخست زادگی خود را به من بفروش. عیسو گفت
اینک من بحالت موت رسیده‌ام پس مرا از نخست زادگی چه فایده؟ یعقوب گفت:
امروز برای من قسم بخور. پس برای او قسم خورد و نخست زادگی خود را به
یعقوب فروخت.» آیا نخست زادگی قابل خرید و فروش است یا یک امر طبیعی
است؟ ثانیاً عیسو در اثر گرسنگی آن را فروخت آیا خدا هم چنین معامله ای را که از
روی ناچاری است قبول می‌کند؟ ثالثاً این داستان به یهودیان می‌آموزد وقتی افراد
ناچار هستند جنس آنها را به ارزان ترین قیمت از آنها بخرید. رابعاً می‌آموزد وقتی
دیگران ناچارند تا آنجا که می‌توانید آنها را بدوشید. می‌بینیم که کتاب عهد عتیق به
یهودیان درس بیرحمی می‌دهد. نباید فراموش کنیم که تورات به یهودیان درس
دروغگویی برای رسیدن به هدف می‌دهد چون ابراهیم پدر بزرگ یهودیان را آدم
دروغگویی معرفی می‌کند. چون در شماره ۱۱ تا ۱۳ باب ۱۲ پیدایش گفته شده
«چون (ابراهیم) نزدیک بورود مصر شد به زن خود سارای گفت اینک می‌دانم که تو
زن نیکو منظر هستی. همانا چون اهل مصر تو را ببینند گویند این زوجه او است
پس مرا بکشند و تو را زنده نگاه دارند. پس بگو که تو خواهر من هستی تا بخاطر تو
برای من خیریت شود و جانم بسبب تو زنده ماند.»
و مطابق شماره ۲ باب ۲۰ پیدایش ابراهیم به ابی مَلِک مَلِک (پادشاه) جرار گفت:

«او (یعنی ساره) خواهر من است.»

مطابق شماره ۱۹ باب ۲۷ پیدایش «یعقوب به پدر خود (اسحق کور) گفت من نخست زاده تو عیسو (برادر بزرگ یعقوب) هستم.» یعنی یعقوب هم برای رسیدن به هدف خود به پدر پیرش دروغ گفت. آیا وقتی ابراهیم و یعقوب که یهودیان به آنها افتخار می‌کنند دروغ بگویند عزرا نویسنده عهد عتیق از دروغگویی خودداری می‌کند و آیا یهودیان از دروغگویی خودداری می‌کنند؟ مثلاً یهودیان می‌گویند از نیل تا فرات مال ما است چون شماره ۱۸ باب ۱۵ سفر پیدایش می‌گوید: «در آن روز خداوند با ابرام (ابراهیم) عهد بست و گفت این زمین را از مصر تا به نهر عظیم یعنی نهر فرات به نسل تو بخشیده‌ام» ولی نمی‌گویند شماره ۶ و ۷ باب ۳۶ سفر اعداد می‌گوید: «این است آنچه خداوند در باره دختران صلفحاد امر فرموده گفته است بهر که در نظر ایشان پسند آید به زنی داده شوند لیکن در قبیله سبط پدران خود فقط به نکاح داده شوند پس میراث بنی اسرائیل از سبط به سبط منتقل نشود بلکه هر یکی از بنی اسرائیل به میراث سبط پدران خود ملصق باشند.» چون صلفحاد پسر نداشت.

یوشع زمین‌هایی را که با قتل عام مردم آنها تصرف کرده بود بین ۱۱ قبیله بنی اسرائیل تقسیم کرد و مطابق شماره ۱۴ باب ۱۳ صحیفه یوشع «لیکن به سبط لاوی هیچ ملکیت نداد زیرا هدایای آتشین یهوه خدای اسرائیل ملکیت وی است...» البته به دختران آنها چیزی داده نشد چون دختران سهمی از زمین نمی‌بردند. مثل قبلاً که فقهای اسلامی می‌گفتند زن از شوهر خود از اعیان ارث می‌برد و از عرصه (یعنی از زمین) ارث نمی‌برد. در صورتیکه آیه ۱۲ نساء سوره ۴ قرآن می‌فرماید: از ماترک (یعنی آنچه شوهر بجا گذاشته) ارث می‌برد همانطور که شوهر از ماترک زن ارث می‌برد.



از آنجا که یهودیان خود را نخست زاده خدا و قوم خود را قوم خدا می‌دانند و مسیحیان نیز عیسی مسیح را پسر یگانه خدا و او را در کنار خدا و روح القدس خود خدا یا یکی از سه خدا می‌دانند و اسلام این عقاید را نمی‌پذیرد و آن را به شدت رد می‌کند بنابراین یهودیان و مسیحیان به طور اصولی با اسلام مخالفت و دشمنی می‌کنند.



۱۷

حیات جاودانی و نجات

شماره ۱۴ تا ۱۷:۳ یوحنا می‌گوید: «همچنان که موسی ما را دریابان بلند نمود همچنین پسر انسان نیز باید بلند کرده شود. تا هر که به او ایمان آرد هلاک نگردد بلکه حیات جاودانی یابد. زیرا خدا جهان را اینقدر محبت نمود که پسر یگانه خود را داد تا هر که بر او ایمان آورد هلاک نگردد، بلکه حیات جاودانی یابد. زیرا خدا پسر خود را در جهان نفرستاد تا بر جهان داوری کند بلکه بوسیله او جهان نجات یابد.» آیا این حیات جاودانی و نجات یافتن فقط با ایمان به عیسی مسیح حاصل می‌شود یا احتیاج به عمل به احکام او دارد؟ یعقوب در شماره ۱۴ تا ۲۴:۲ رساله خود می‌نویسد: «ای برادران من چه سود دارد اگر کسی گوید ایمان دارم وقتی که عمل ندارد؟ آیا ایمان می‌تواند او را نجات بخشد؟ پس اگر برادری یا خواهری برهنه و محتاج خوراک روزینه باشد و کسی از شما بدیشان گوید بسلامتی بروید و گرم و سیر شوید لیکن مایحتاج بدن را بدیشان ندهد چه نفع دارد؟ همچنین ایمان نیز اگر اعمالی ندارد در خود مرده است. بلکه کسی خواهد گفت تو ایمان داری و من اعمال دارم. ایمان خود را بدون اعمال به من بنما و من ایمان خود را از اعمال



خود بتو خواهم نمود. تو ایمان داری که خداوند واحد است، نیکو می‌کنی. شیاطین نیز ایمان دارند و می‌لرزند. ولیکن ای مرد باطل آیا می‌خواهی دانستی که ایمان بدون اعمال باطل است. آیا پدر ما ابراهیم به اعمال عادل شمرده نشده؟ وقتی که پسر خود اسحاق را به قربانگاه بگذرانید. می‌بینی که ایمان با اعمال او عمل کرد و ایمان از اعمال کامل گردید. و آن نوشته تمام گشت که می‌گوید ابراهیم بخدا ایمان آورد و برای او به عدالت محسوب گردید و دوست خدا نامیده شد. پس می‌بینید که انسان از اعمال عادل شمرده می‌شود نه از ایمان تنها.»

عیسی مسیح در شماره ۱۲ و ۱۳: ۹ متی می‌فرماید: «نه تندرستان بلکه مریشان احتیاج به طبیب دارند. لیکن رفته این را دریافت کنید که رحمت می‌خواهم نه قربانی (۶: ۶ هوشع) زیرا نیامده‌ام تا عادلان را بلکه گناهکاران را به توبه دعوت نمایم.» و در شماره ۲۱ تا ۲۳: ۷ متی می‌فرماید: «نه هر که مرا خداوند خداوند گوید داخل ملکوت آسمان گردد بلکه آنکه اراده پدر مرا که در آسمان است بجا آورد. بسا در آن روز مرا خواهند گفت خداوند خداوند آیا بنام تو نبوت نمودیم و به اسم تو دیوها را اخراج نکردیم و به نام تو معجزات بسیار ظاهر نساختمیم؟ آنگاه به ایشان صریحاً خواهم گفت که هرگز شما را نشناختم. ای بدکاران از من دور شوید.» می‌بینیم اگر شخص نبوت کند یا شفا دهد یا معجزه نماید اگر بدکار باشد مسیحی نیست و ایمان تنها فایده‌ای ندارد و باطل است. مسیح آمده که گناهکاران دست از گناه بردارند تا نجات یابند. آمده تا مردم از دستورهای خدا اطاعت کنند تا نجات یابند. عادلان احتیاجی به عیسی مسیح نداشته‌اند. در شماره ۱۷ تا ۱۹: ۱۹ متی آمده است که «ناگاه شخصی آمده وی را (عیسی مسیح را) گفت: ای استاد نیکو چه عمل نیکو کنم تا حیات جاودانی یابم. (عیسی) وی را گفت از چه سبب مرا نیکو گفتی و حال آنکه کسی نیکو نیست جز خدا فقط. لیکن اگر بخواهی داخل حیات شوی

احکام را نگاه دار. بدو گفت کدام احکام؟ عیسی گفت قتل مکن. زنا مکن. دزدی مکن. شهادت دروغ مده، پدر و مادر خود را حرمت دار و همسایه خود را مثل نفس خود دوست دار.» اینها همان دستورهایی ده فرمان موسی در شماره ۱۲ تا ۱۷: ۲۰ خروج به اضافه ۱۸: ۱۹ لایوان است. شماره ۲۰: ۵ متی می گوید: «تا عدالت شما بر عدالت کاتبان و فریسیان (دو فرقه از فرقه های یهودی) افزون نشود به ملکوت آسمان هرگز داخل نخواهید شد.» و در شماره ۲۸ تا ۳۱: ۲۱ متی می گوید: «شخصی را دو پسر بود نزد نخستین آمده گفت ای فرزند امروز به تاکستان من رفته بکار مشغول شو. در جواب گفت نخواهم رفت. اما بعد پیشیمان گشته برفت. و به دومین نیز همچین گفت. او در جواب گفت ای آقا من میروم ولی نرفت. کدامیک از این دو خواهش پدر را بجا آورد گفتند اولی.» یعنی کسی که بگوید من عیسی را قبول ندارم ولی دستور او را که «بجا آوردن اراده خدا» (۲۱: ۷ متی) است انجام دهد داخل ملکوت آسمان می شود، نه کسی که عیسی عیسی بگوید ولی دستورهایی او را انجام ندهد. در صورتیکه مسلمانان واقعی عیسی مسیح را قبول دارند و او را پیغمبر خدا و یکی از پیغمبران برجسته خدا میدانند. ولی یهودیان او را قبول ندارند. عیسی مسیح در شماره ۴۶: ۶ لوقا می گوید: «چون است که مرا خداوندا خداوندا می گویند و آنچه می گویم بعمل نمی آورید؟»

یوغ خفیف

عیسی مسیح در شماره ۲۸ تا ۳۰: ۱۱ متی می گوید: «بیاوید نزد من ای تمام زحمت کشان و گران باران و من شما را آرامی خواهم بخشید. یوغ مرا بر خود گیرید و از من تعلیم یابید زیرا حلیم و افتاده دل می باشم و در نفوس خود آرامی خواهید یافت. زیرا یوغ من خفیف است و بار من سبک.»



این بار سنگین که به دوش «زحمت کشان و گران باران» گذاشته شده باری است که مشایخ یهود و کاتبان و فریسیان به دوش مردم نهاده‌اند همانطور که عیسی مسیح در شماره ۲ تا ۷:۲۳ متی می‌گوید: کاتبان و فریسیان «بارهای گران و دشوار را می‌بندند و بر دوش مردم می‌نهند و خود نمی‌خواهند آنها را به یک انگشت حرکت دهند. همه کارهای خود را می‌کنند تا مردم ایشان را ببینند (به اینکار ریا می‌گویند) حمایت‌های خود را عریض و دامن‌های قبای خود را پهن می‌سازند. بالا نشستن در ضیافت‌ها و کرسی‌های صدر (صندلی‌های بالا) در کنایس (معبد یهودیان) را دوست می‌دارند و تعظیم در کوچه‌ها را و اینکه ایشان را آقا آقا بخوانند.» می‌بینیم این ریاکاران «بارهای گران و دشوار را می‌بندند و بر دوش مردم نهند.» و بار مردم را سنگین می‌کنند. در تمام ادیان این سنگین کردن بار افراد بصورت مسئله تراشی وجود داشته و دارد. چون فراموش می‌کنند که دین برای ساختن یک دنیای پاک آمده است نه فرو رفتن در مسائل جزئی بی ارزش.

عیسی مسیح در شماره ۷ تا ۹:۱۵ متی می‌گوید: «... با تقلید خود حکم خدا را باطل نموده‌اید. ای ریاکاران اشعیاء در باره شما نیکو نبوت نموده است که گفت: این قوم بازبان‌های خود بمن تقرب می‌جویند و بالبهای خویش مرا تمجید مینمایند لیکن دلشان از من دور است (۲۹:۱۳ اشعیاء) پس عبادت مرا عبث (بی‌هوده) می‌کنند زیرا احکام مردم را بجای فرایض تعلیم می‌دهند.» عیسی مسیح با اینکار کاهنان و کاتبان و فریسیان مبارزه می‌کرد به همین خاطر مطابق هر چهار انجیل با توطئه و دروغ و تهمت او را به کشتن دادند. وگرنه عیسی مسیح احکام اصلی تورات را سخت‌تر کرد. همانطور که در شماره ۲۱ تا آخر باب ۵ متی می‌گوید: «شنیده‌اید که به اولین (در تورات) گفته شده است قتل مکن (۱۴:۲۰ خروج) و هر که قتل کند سزاوار حکم باشد. (مطابق ۳۱:۳۵ اعداد کشته شود) لیکن من به شما

می‌گویم هر که به برادر خود خشم گیرد مستوجب حکم باشد و هر که برادر خود را راقا گوید مستوجب قصاص باشد و هر که احمق گوید مستحق آتش جهنم بود... شنیده‌اید که به اولین گفته شده زنا مکن (۱۴: ۲۰ خروج) لیکن من به شما می‌گویم هر کس به زنی نظر شهوت اندازد هماندم در دل خود با او زنا کرده است. پس اگر چشم راستت ترا بلغزاند قلعه کن (از کاسه چشم در آر) و از خود دور انداز زیرا تو را بهتر آن است که عضوی از اعضایت تباه گردد از آنکه کل جسدت در جهنم افکنده شود... گفته شده است هر که از زن خود مفارقت جوید طلاق نامه ای بدو بدهد (۱: ۲۴ تثنیه) لیکن من به شما می‌گویم هر کس به غیر علت زنا زن خود را از خود جدا کند باعث زنا کردن او می‌باشد. و هر که زن مطلقه (طلاق داده شده) را نکاح کند زنا کرده باشد... شنیده‌اید که گفته شده چشمی به چشمی و دندانی به دندانی (۲۴: ۲۱ خروج) لیکن من به شما می‌گویم با شریر مقاومت نکنید بلکه اگر به رخساره راست تو طیانچه (سیلی) زد دیگری را به سوی او بگردان. و اگر کسی خواهد با تو دعوی کند و قبای تو را بگیرد عباي خود را نیز بدو واگذار و هرگاه کسی تو را برای یک میل مجبور سازد دو میل همراه او برو... شنیده‌اید که گفته شده همسایه خود را محبت نما و با دشمن خود عداوت کن. اما من به شما می‌گویم که دشمنان خود را محبت نمایید و برای لعن کنندگان خود برکت بطلبید و به آنانی که از شما نفرت کنند احسان کنید و به هر که به شما فحش دهد و جفا رساند دعای خیر کنید تا پدر خود را که در آسمان است پسران شوید. زیرا آفتاب خود را بر بدان و نیکان طالع می‌سازد و باران بر عادلان و ظالمان میباراند...» می‌بینیم که دستورهای تورات را سخت‌تر کرده ولی باری را که کاهنان و کاتبان و فریسیان بر دوش مردم نهاده‌اند از دوش آنان برداشته.



۱۸

**مسیحیت «ایمان خالی به مسیح نیست،
بلکه مسیحیت عمل به احکام و نظرهایی است
که مسیح می گوید.»**

یعقوب در رساله خود می نویسد، «ایمان بدون اعمال باطل است.» ۲:۲۰ رساله یعقوب. «همچنین ایمان نیز اگر اعمال ندارد در خود مرده است.» ۲:۱۷ یعقوب. «اگر کسی گوید ایمان دارم وقتی که عمل ندارد آیا ایمان می تواند او را نجات بخشد؟!» ۲:۱۴ یعقوب. «آیا پدر ما ابراهیم به اعمال عادل شمرده نشد؟ وقتی که پسر خود اسحاق را به قربانگاه بگذرانید؟ می بینی که ایمان با اعمال او عمل کرد و ایمان از اعمال کامل گردید. و آن نوشته تمام گشت که می گوید ابراهیم بخدا ایمان آورد و برای او به عدالت محسوب گردید و دوست خدا نامیده شد. پس می بینید که انسان از اعمال عادل شمرده می شود نه از ایمان تنها.» ۲۱ تا ۲:۲۴ یعقوب. شما از این سخنان چه می فهمید؟ آیا ایمان بدون عمل نجات بخش است؟ اما پل در شماره ۲۸:۳ رومیان می نویسد: «زیرا یقین می دانیم که انسان بدون اعمال شریعت، محض ایمان عادل شمرده می شود.» اگر اینطور است پس اینهمه حرفی که در رساله به



رومیان می‌نویسد چیست؟ پطرس کسی است که عیسی مسیح در باره او و به او می‌گوید: «من نیز تو را می‌گویم که تویی پطرس (یعنی صخره) و بر این صخره کلیسای خود را بنا می‌کنم.» ۱۸: ۱۶ متی. و «هنگامی که تو بازگشت کنی برادران خود را استوار نما.» ۲۲: ۳۲ لوقا. و «عیسی به شمعون پطرس (صخره) گفت ای شمعون پسر یونا آیا مرا بیشتر از اینها محبت می‌نمایی؟ (شمعون) بدو گفت بلی خداوندا تو میدانی که تو را دوست می‌دارم. (عیسی) بدو گفت بره‌های مرا خوراک بده. باز در ثانی به او گفت ای شمعون پسر یونا آیا مرا محبت می‌نمایی؟ (شمعون) باو گفت بلی خداوندا تو می‌دانی که تو را دوست می‌دارم. (عیسی) بدو گفت گوسفندان مرا شبانی کن. (عیسی) مرتبه سیم بدو گفت ای شمعون پسر یونا مرا دوست میداری؟ پطرس محزون گشت زیرا مرتبه سیم بدو گفت مرا دوست میداری. پس به او گفت خداوندا تو بر همه چیز واقف هستی. تو می‌دانی که تو را دوست می‌دارم. عیسی به او گفت گوسفندان مرا خوراک ده.» ۱۵ تا ۱۷: ۲۱ یوحنا. می‌بینیم که عیسی پطرس را جانشین خود معرفی می‌کند و می‌گوید: «کلیسای خود را بر این صخره (یعنی بر پطرس) بنا می‌کنم.»

این پطرس در باره پل در رساله دوم خود می‌نویسد: «برادر حبیب ما پولس نیز بر حسب حکمتی که بوی داده شد بشما نوشت. همچنین در سایر رساله‌های خود این چیزها را بیان مینماید که در آنها بعضی چیزها است که فهمیدن آنها مشکل است و مردمان بی‌علم و ناپایدار آنها را مثل سایر کتب تحریف می‌کنند تا به هلاکت خود برسند.» ۱۵ و ۱۶: ۳ دوم پطرس.

عیسی مسیح می‌گوید: «نه هر که مرا خداوند خداوند گوید داخل ملکوت آسمان گردد، بلکه آنکه اراده پدر مرا که در آسمان است بجا آورد و بسا در آن روز مرا خواهند گفت خداوندا خداوندا آیا به نام تو نبوت نمودیم؟ و به اسم تو دیوها را

اخراج نکردیم؟ (مریض‌ها را شفا ندادیم؟) و به نام تو معجزات بسیار ظاهر
 نساختمیم؟ آنگاه به ایشان صریحاً خواهم گفت که هرگز شما را نشناختم. ای بدکاران
 از من دور شوید. پس هر که این سخنان مرا بشنود و آنها را بجا آورد او را به مردی
 دانا تشبیه می‌کنم که خانه خود را بر سنگ بنا کرد و باران باریده سیلاب‌ها روان
 گردید و بادهای وزیده بدانخانه زورآورد شد و خراب نگردید، زیرا که بر سنگ بنا شده
 بود. و هر که این سخنان مرا شنیده به آنها عمل نکرد به مردی نادان ماند که خانه
 خود را بر ریگ بنا نهاد و باران باریده سیلاب‌ها جاری شد و بادهای وزیده بدانخانه
 زورآورد و خراب گردید و خرابی آن عظیم بود. «۲۱ تا ۲۷:۷ متی. می‌بینیم که
 عیسی مسیح کسی را که به او خداوند خداوند گوید مسیحی و رستگار نمی‌شناسد.
 بلکه کسی را مسیحی واقعی می‌داند که اراده پدر او را که در آسمان است به جا
 آورد. عیسی مسیح می‌گوید: «کلامی که می‌شنوید از من نیست بلکه از پدری است
 که مرا فرستاد.» ۱۴:۲۴ یوحنا. پس آنچه عیسی مسیح می‌گوید سخن خداوند
 است نه سخنان او و کسی که سخنان مسیح را که خداوند به او گفته اجرا کند مسیحی
 است. می‌بینیم که نبوت کردن، شفا دادن (دیوها را اخراج کردن)، معجزات بسیار
 ظاهر ساختن دلیل و نشانه مسیحی بودن نیست بلکه درستکار بودن و اراده خدا را
 بجا آوردن نشانه مسیحی بودن است. چون عیسی مسیح افرادی را که اینکارها را به
 نام مسیح می‌کنند مسیحی نمی‌شناسد و صریحاً به آنها می‌گوید: «هرگز شما را
 نشناختم. ای بدکاران از من دور شوید.» ۷:۲۳ متی. مسیحیت ایمان به مسیح
 نیست بلکه عمل به کلام و دستورها و نظرهای عیسی مسیح است. عیسی مسیح
 می‌گوید: «چون است که مرا خداوند خداوند می‌گویند و آنچه می‌گویم بعمل
 نمی‌آورید؟! هر که نزد من آید و سخنان مرا بشنود و آنها را بجا آورد شما را نشان
 می‌دهم که به چه کسی مشابعت دارد. مثل شخصی است که خانه ای می‌ساخت و



زمین را کنده گود نمود و بنیادش را بر سنگ نهاد پس چون سیلاب آمده سیل بر آن خانه زور آورد نتوانست آن را جنبش دهد زیرا که بر سنگ بنا شده بود. لیکن هر کس که شنید و عمل نیاورد مانند شخصی است که خانه بر روی زمین بی بنیاد بنا کرد که چون سیل بر آن صدمه زد فوراً افتاد و خرابی آن خانه عظیم بود.» ۴۲ تا ۴۹: ۶ لوقا. شما چه فکر می‌کنید؟ آیا مطابق آنچه عیسی مسیح در این سخنان می‌گوید «ایمان تنها» و «بدون عمل» باعث رستگاری است یا عمل به آنچه مسیح می‌گوید لازم است؟ مسیحی واقعی کسی است که به آنچه خداوند توسط مسیح به او می‌گوید عمل کند.

انجیل متی

به سخنان مسیح در انجیل متی نگاه کنیم.

عیسی مسیح در شماره ۴: ۱۰ متی به شیطان گفت: «دور شو ای شیطان زیرا مکتوب است که خداوند خدای خود را سجده کن و فقط او را عبادت نما.» آیا باید غیر خدا را عبادت کرد؟ و در شماره ۳ تا ۵: ۵ متی به گروهی که بر فراز کوه گرد آمده بودند گفت: «خوشا بحال مسکینان در روح زیرا ملکوت آسمان از آن ایشان است * خوشا بحال ماتمیان زیرا ایشان تسلی خواهند یافت * خوشا بحال حلیمان زیرا ایشان وارث زمین خواهند شد.» کسانی که اینطور نباشند چطور؟ و در شماره ۵: ۶ متی گفت: «خوشا بحال گرسنگان و تشنگان عدالت زیرا ایشان سیر خواهند شد.» کسانی که اینطور نباشند چطور؟ و در شماره ۷ و ۵: ۸ متی به ایشان گفت: «خوشا بحال رحم‌کنندگان زیرا بر ایشان رحم خواهد شد * خوشا بحال پاک‌دلان زیرا ایشان خدا را خواهند دید.» کسانی که اینطور نباشند چطور؟ و در شماره ۹ و ۵: ۱۰ متی به ایشان گفت: «خوشا بحال صلح‌کنندگان زیرا ایشان پسران خدا خوانده

خواهند شد * خوشا بحال زحمت کشان برای عدالت زیرا ملکوت آسمان از آن ایشان است. « کسانی که اینطور نباشند چطور؟ و در شماره ۱۷: ۵ متی به ایشان گفت: « گمان مبرید که آمده‌ام تا تورات یا صحف انبیاء (کتاب‌های پیغمبران) را باطل سازم. نیامده‌ام تا باطل نمایم بلکه تا تمام کنم. « کسانی که چنین گمانی کنند آیا اشتباه نمی‌کنند؟ در شماره ۱۸ و ۱۹: ۵ متی به ایشان گفت: « زیرا هر آینه به شما می‌گویم تا آسمان و زمین زایل نشود همزه ای یا نقطه ای از تورات هرگز زایل نخواهد شد تا همه واقع شود * پس هر که یکی از این احکام کوچکترین را بشکند و به مردم چنین تعلیم دهد در ملکوت آسمان کمترین شمرده شود، اما هر که بعمل آورد و تعلیم نماید او در ملکوت آسمان بزرگ خوانده خواهد شد. « چه کسی در ملکوت آسمان کوچک یا بزرگ خواهد بود؟ آیا عمل لازم است یا ایمان تنها کافی است؟ آیا کسانی که خلاف آن فکر کنند فریب نخورده‌اند؟ در شماره ۲۰: ۵ متی به ایشان گفت: « بشما می‌گویم تا عدالت شما بر عدالت کاتبان و فریسیان افزون نشود به ملکوت آسمان هرگز داخل نخواهید شد. « آیا عمل لازم دارد یا ایمان تنها کافی است؟ شما چه فکر می‌کنید؟ آیا کسانی که غیر از این فکر می‌کنند فریب نخورده‌اند؟ بعد احکام تورات را سخت‌تر مینماید. زیرا در شماره ۲۱ تا ۲۴: ۵ متی به آنان گفت: « شنیده‌اید که به اولین (یعنی تورات) گفته شده است قتل مکن و هر که قتل کند سزاوار حکم شود * لیکن من به شما می‌گویم هر که به برادر خود بی سبب خشم گیرد مستوجب حکم باشد و هر که برادر خود را راقا گوید مستوجب قصاص باشد و هر که احمق گوید: مستوجب آتش جهنم بود * پس هرگاه هدیه خود را به قربانگاه ببری و آنجا بخاطرت آید که برادرت بر تو حقی دارد * هدیه خود را پیش قربانگاه واگذار و رفته اول با برادر خویش صلح نما و بعد آمده هدیه خود را بگذران. « آیا ایمان کافی است یا عمل لازم دارد؟ شما چه فکر می‌کنید؟ در شماره



۲۵ و ۲۶ آن می‌گوید: «با مدعی خود مادامی که با وی در راه هستی صلح کن مبادا مدعی ترا به قاضی سپارد و قاضی ترا به داروغه تسلیم کند و در زندان افکنده شوی. * هر آینه به تو می‌گویم که تا فلس آخر را ادا نکنی هرگز از آنجا بیرون نخواهی آمد.» آیا این سفارش‌ها برای عمل کردن است یا خواندن؟

عیسی مسیح در شماره ۲۸ تا ۳۰:۵ متی آن می‌گوید: «شنیده‌اید که به اولین گفته شده است زنا مکن * لیکن من به شما می‌گویم هر کس به زنی نظر شهوت اندازد هماندم در دل خود با او زنا کرده است * پس اگر چشم راستت ترا بلغزند قلعش کن و از خود دور انداز زیرا ترا بهتر آن است که عضوی از اعضایت تباه گردد از آنکه تمام بدنت در جهنم افکنده شود * و اگر دست راستت ترا بلغزند قطعش کن و از خود دور انداز زیرا ترا مفیدتر آن است که عضوی از اعضای تو نابود شود از آنکه کل جسدت در دوزخ افکنده شود.» این اظهار نظرها و این دستورها برای خواندن است یا عمل کردن؟ در شماره ۳۱ و ۳۲ آن می‌گوید: «گفته شده است هر که از زن خود مفارقت جوید طلاق نامه ای بدو بدهد * لیکن من بشما می‌گویم هر کس بغیر علت زنا زن خود را از خود جدا کند باعث زنا کردن او می‌باشد و هر که زن مطلقه را نکاح کند زنا کرده باشد.» آیا ایمان به این دستورها یا به مسیح کافی است یا عمل لازم دارد؟ در شماره ۳۳ تا ۳۷ آن می‌گوید: «باز شنیده‌اید که به اولین گفته شده است که قسم دروغ مخور بلکه قسم‌های خود را به خداوند وفا کن * لیکن من به شما می‌گویم هرگز قسم مخورید نه به آسمان زیرا که عرش خدا است * و نه به زمین زیرا که پای انداز او است، نه به اورشلیم زیرا که شهر پادشاه عظیم است * و نه بسر خود قسم یاد کن، زیرا که مویی را سفید یا سیاه نمی‌توانی کرد * بلکه سخن شما بلی بلی و نی نی باشد زیرا که زیاده بر این از شریر است.» آیا باید به این دستورها عمل کرد یا فقط به مسیح ایمان داشت؟ در شماره ۳۸ تا ۴۱ آن می‌گوید: «شنیده‌اید

که گفته شده است چشمی به چشمی و دندان‌ی به دندان‌ی * لیکن من به شما می‌گویم با شریر مقاوت مکنید بلکه هر که به رخساره راست تو طپانچه زند دیگری را نیز به سوی او برگردان * و اگر کسی خواهد با تو دعوی کند و قبای تو را بگیرد عبای خود را نیز بدو واگذار * هر گاه کسی تو را برای یک میل مجبور سازد دو میل همراه او برو» آیا این دستورها برای عمل کردن است یا عمل نکردن به آن‌ها؟ در شماره ۴۲: ۵ آن می‌گوید: «هر کس از تو سؤال کند بدو ببخش و از کسی که قرض از تو خواهد روی خود را مگردان» آیا این دستور برای عمل کردن به آن است یا نه؟

و مسیح در شماره ۴۳ تا آخر باب ۵ متی می‌گوید: «شنیده‌اید که گفته شده است: همسایه خود را محبت نما و با دشمن خود عداوت کن * اما من به شما می‌گویم که دشمنان خود را محبت نمایید و برای لعن کنندگان خود برکت بطلبید و به آنانی که از شما نفرت کنند احسان کنید و به هر که به شما فحش دهد و جفا رساند دعای خیر کنید * تا پدر خود را که در آسمان است پسران شوید زیرا آفتاب خود را بر بدان و نیکان طالع می‌سازد و باران بر عادلان و ظالمان میباراند * زیرا هرگاه آنانی را محبت نمایید که شما را محبت مینمایند چه اجر دارید؟ آیا باج گیران چنین نمی‌کنند؟ * پس شما کامل باشید چنانکه پدر شما که در آسمان است کامل است.» آیا این دستورها برای عمل کردن است یا برای شعار دادن؟ پسر خدا چه کسی است؟ آیا کسی است که به این دستورها عمل کند یا عمل نکند؟ هر که به دستوره‌های خداوند عمل کند پسر خدا است چه عیسی مسیح بگوید، چه نگوید.

چون عیسی مسیح در شماره ۲۸ تا ۳۱: ۲۱ متی می‌گوید: «چه گمان دارید؟ شخصی را دو پسر بود نزد نخستین آمده گفت ای فرزند امروز به تاکستان من رفته بکار مشغول شو * در جواب گفت نخواهم رفت. اما بعد پشیمان گشته برفت * و به دومین نیز همچین گفت. او در جواب گفت: ای آقا من میروم ولی نرفت *



کدامیک از این دو خواهش پدر را بجا آورد؟ گفتند اولی.» و در شماره ۱ باب ۶ می‌فرماید: «زنهار عدالت خود را پیش مردم بجا می‌آورید (نیاورید) تا شما را ببندد و الا نزد پدر خود که در آسمان است اجری ندارید.» آیا عمل لازم دارد یا نه؟

و در شماره ۲ تا ۴:۶ آن می‌فرماید: «پس چون صدقه دهی پیش خود کرنا منواز چنانکه ریاکاران در کنایس و بازارها می‌کنند تا نزد مردم اکرام یا بند هر آینه بشما می‌گویم اجر خود را یافته‌اند * بلکه تو چون صدقه دهی دست چپ تو از آنچه دست راستت می‌کند مطلع نشود * تا صدقه تو در نهان باشد و پدر نهان بین تو ترا آشکارا اجر دهد.» آیا ایمان به آن کافی است یا عمل لازم دارد؟

و در شماره ۵ تا ۸:۶ آن می‌فرماید: «چون عبادت کنی مانند ریاکاران مباش زیرا خوش دارند که در کنایس و گوشه‌های کوچه‌ها ایستاده نماز بگذارند تا مردم ایشان را ببینند. هر آینه بشما می‌گویم اجر خود را تحصیل نموده‌اند * لیکن تو چون عبادت کنی به حجره خود داخل شو و در را بسته پدر خود را که در نهان است عبادت نما و پدر نهان بین تو ترا آشکارا جزا خواهد داد * و چون عبادت کنی مانند امت‌ها تکرار باطل نکنید زیرا ایشان گمان می‌کنند که به سبب زیاد گفتن مستجاب می‌شوند * پس مثل ایشان مباشید زیرا که پدر شما حاجات شما را می‌داند پیش از اینکه از او سوال کنید.» آیا ایمان به آن کافی است یا عمل لازم دارد؟

و در شماره ۹ تا ۱۵:۶ آن می‌فرماید: «شما اینطور... اگر تقصیرهای مردم را نیامرزد پدر شما هم تقصیرهای شما را نخواهد آمرزد.» آیا ایمان تنها کافی است یا عمل لازم دارد؟

و در شماره ۱۶ تا ۱۸:۶ آن می‌فرماید: «چون روزه دارید... آشکارا جزا خواهد داد.» آیا عمل لازم دارد یا نه؟ و در شماره ۱۹ تا ۲۱:۶ آن می‌فرماید: «گنج‌ها... خواهد بود.» آیا عمل لازم دارد یا نه؟ و در شماره ۲۲ و ۲۳:۶ آن می‌فرماید: «چراغ

بدن ... عظیمی است.» آیا عمل لازم دارد یا نه؟ و در شماره ۲۴ تا ۳۴:۶ آن می فرماید: «هیچکس ... کافی است.» آیا عمل لازم دارد یا نه؟ و در شماره ۱ و ۲:۷ متی می فرماید: «حکم ... پیمود.» آیا عمل لازم دارد یا نه؟ و در شماره ۳ تا ۵:۷ متی می فرماید: «چون است که ... بیرون کنی.» آیا عمل لازم دارد یا نه؟ و در شماره ۶:۷ متی می فرماید: «آنچه مقدس ... بدرند.» آیا عمل لازم ندارد؟ و در شماره ۷:۷ متی می فرماید: «سوال کنید ... خواهد شد.» این دستور چطور؟ و در شماره ۱۲:۷ متی می فرماید: «لهذا آنچه خواهید که مردم به شما کنند شما نیز بدیشان همچنان کنید. زیرا این است تورات و صحف انبیاء.» این دستور چطور؟ و در شماره ۱۳:۷ متی می فرماید: «از در ... بسیارند.» این یکی چطور؟ و در شماره ۱۵:۷ متی می فرماید: «اما از انبیای ... می باشند.» این دستور چطور؟ و در شماره ۲۱ تا ۲۸:۷ متی می فرماید: «نه هر که ... عظیم بود.» آیا بجا آوردن اراده پدر لازم نیست؟ اراده پدر یعنی تمام احکام و نظرهای عیسی مسیح چون در شماره ۲۴:۱۴ یوحنا می فرماید: «کلامی که شنوید از من نیست بلکه از پدری است که مرا فرستاد.» و در شماره ۱۲ و ۱۳:۹ متی می فرماید: «نه تندرستان ... به توبه دعوت نمایم.» آیا توبه لازم نیست؟ توبه یعنی از گناه دست کشیدن و به اطاعت و اجرای احکام و نظرهای خدا بازگشتن. و در شماره ۵ تا ۲۰:۱۰ متی به شاگردان خود می فرماید: «از راه امت ها ... چه باید گفت؟» آیا شاگردانش به این دستورها عمل کردند؟

و در شماره ۲۶ تا ۳۱:۱۰ متی به آنها می فرماید: «لهذا از ایشان ... افضل هستید.» آیا به این دستور عمل نکردند؟ و در شماره ۳۷ تا ۴۲:۱۰ متی می فرماید: «هر که پدر ... نخواهد ساخت.» آیا نباید به این نظرها عمل کرد؟ در شماره ۲۱ تا ۲۴:۱۱ آن صحبت از توبه و روز جزا و جهنم می کند. آیا توبه در باره کارهای خطا نیست و جهنم جای خطاکاران نیست؟ و آیا روز جزا برای پاداش و جزای اعمال



نیست؟ و در شماره ۳۴ تا ۱۲:۳۶ متی در باره سخن نیکو سخن می‌گوید و در شماره ۳۶:۱۲ آن می‌فرماید: «هر سخن باطل که مردم گویند حساب آن را در روز داوری خواهند داد.» آیا کسی که خود را مسیحی می‌داند نباید این سخن مسیح را قبول داشته باشد و بداند روز داوری و جزا در باره اعمال انسان و حتی سخنان شخص در پیش است؟ و در شماره ۵۰:۱۲ آن می‌فرماید: «هر که اراده پدر مرا که در آسمان است بجا آورد همان برادر و خواهر و مادر من است.» آیا فرد مسیحی نباید اراده خدا را بجا آورد؟

عیسی مسیح در شماره ۱۳:۱۳ متی می‌فرماید: «نگرانند و نمی‌بینند و شنوا هستند و نمی‌شنوند و نمی‌فهمند.» آیا مسیحی نباید حقیقت را ببیند و بشنود و بفهمد؟ آیا این‌هایی که مسیح می‌گوید حقیقت نیست؟ و آیا ایمان تنها به مسیح کافی است؟ آیا فرد مسیحی نباید ببیند و بشنود تا مطابق آیه ۱۶:۱۳ متی خوش بحال او باشد؟ و آیا در شماره ۳۹:۱۳ آن نمی‌فرماید: «موسم حصاد عاقبت این عالم» است؟ و آیا در شماره ۴۱ و ۴۲:۱۳ آن نمی‌فرماید: «همه لغزش دهندگان و بدکاران را جمع خواهند کرد و ایشان را به تنور آتش خواهند انداخت.» آیا بدکاران جزای کارها و سخنان بد خود را نخواهند دید؟ آیا ایمان تنها به این حرفها کافی است؟ و در شماره ۴۳:۱۳ متی می‌فرماید: «آنگاه عادلان در ملکوت پدر خود مثل آفتاب درخشان خواهند شد.» آیا این پاداش عدالت آنها نخواهد بود؟ و در شماره ۴۹ و ۵۰:۱۳ آن می‌فرماید: «بدینطور... می‌باشد.» آیا مسیح دروغ می‌گوید و طالحین (بدکاران) به تنور آتش نخواهند افتاد؟ در شماره ۲۳:۱۴ متی آمده است که مسیح «برای عبادت بر فراز کوه برآمد.» آیا فرد مسیحی نباید عبادت خدا را بکند؟ و در شماره ۳ تا ۶:۱۵ متی می‌فرماید: «شما نیز با تقلید خویش... باطل نموده اید.» آیا شما با تقلید خویش از فریبکاران دینی که بر خلاف عیسی و انجیل

صحبت می کنند حکم خدا را باطل نکرده اید؟ و در شماره ۸ و ۹:۱۵ متی از زبان اشعیاء می گوید: «این قوم... تعلیم می دهند.» آیا شما اینکار را نمی کنید؟ و در شماره ۱۳:۱۵ آن می فرماید: «هر نهالی که پدر آسمانی من نکاشته باشد کنده شود» آیا فرد مسیحی نباید حرفها و عقایدی را که در انجیل نیست بدور اندازد؟

و در شماره ۱۹:۱۵ آن می فرماید: «زیرا... کفرها.» آیا فرد مسیحی نباید از این کارها خودداری کند یا فقط ایمان تنها باعث رستگاری است؟ در شماره ۶ تا ۱۲:۱۶ آن می فرماید: «از خمیرمایه فریسیان... فرموده است.» آیا نباید به این دستور عمل کرد؟ شماره ۱۸ و ۱۹:۱۶ متی می فرماید: «من نیز... گشاده شود.» آیا فرد مسیحی نباید به سخنان پطرس گوش دهد؟ و آیا پطرس در شماره ۲۶:۳ اعمال رسولان نمیگوید: «برای شما... گناهانش.» آیا فرد مسیحی نباید از گناهان خود توبه کند و دیگر کار خلاف دستور خدا نکند؟ پطرس و یوحنا در شماره ۱۹:۴ اعمال به حنای رئیس کهنه و قیافا و... گفتند: «اگر نزد... حکم کنید.» و پطرس و رسولان در شماره ۲۹ و ۳۱:۵ اعمال در جواب رئیس کهنه گفتند: «خدا را میباید بیشتر از انسان اطاعت نمود... توبه و آمرزش گناهان بدهد.» آیا پطرس دروغ می گوید؟ آیا ایمان تنها به این سخنان بدون عمل به آن می تواند باعث رستگاری شود؟ عیسی در شماره ۲۷:۱۶ متی می فرماید: «زیرا... هر کسی را موافق اعمالش جزا خواهد داد.» آیا مطابق اعمال جزا خواهد داد یا مطابق ادعای ایمان تنها به مسیح؟ شماره ۵:۱۷ متی می گوید: «آوازی از ابر... او را بشنوید.» آیا باید حرف عیسی را شنید و عمل کرد یا فقط ایمان تنها کفایت می کند؟ عیسی در شماره ۴:۱۸ متی می فرماید: «هر که... بزرگتر است.» باید مثل بچه فروتن بود یا ایمان بدون عمل باعث رستگاری است؟ و در شماره ۷:۱۸ متی می فرماید: «وای بر کسی که سبب لغزش باشد.» آیا وای بر کسانی که سبب لغزش شده اند نیست؟ و در شماره ۱۵ تا ۱۷:۱۸



متی می‌فرماید: «اگر برادرت بتو... باشد.» آیا اینکار را باید کرد یا فقط ایمان به مسیح کافی است؟ و در شماره ۲۱ و ۲۲:۷ آن می‌فرماید: «آنگاه... هفتاد و هفت مرتبه.» و در مورد بخشیدن گناه برادران در شماره ۱۸:۳۵ متی می‌فرماید: «بهمین طور... نبخشند.» آیا عمل لازم دارد یا ایمان به مسیح کافی است؟ و در مورد همسر در شماره ۱۹:۶ متی می‌فرماید: «آنچه... جدا نسازد.» آیا نباید به این حکم عمل کرد؟ و در شماره ۱۹:۹ آن می‌فرماید: «هر که زن خود را به غیر علت زنا طلاق دهد و دیگری را نکاح کند زانی است و هر که زن مطلقه را نکاح کند زنا کرده.» آیا نباید مطابق این حکم عمل کرد یا باید با علت یا بدون علت زن و شوهر از هم جدا شوند و با دیگری ازدواج کنند؟ و شماره ۱۶ تا ۱۹:۱۹ متی می‌گوید: «ناگاه شخصی آمده... دوست دار.» آیا باید به این دستورها عمل کرد یا فقط ایمان به مسیح کافی است؟ «ایمان بدون اعمال باطل است.» ۲:۲۰ یعقوب (جیمز). عیسی در شماره ۲۰:۲۶ متی می‌فرماید: «هر که... باشد.» و در شماره ۲۸ تا ۳۱:۲۱ آن می‌فرماید: «چه گمان دارید... میگردند.» شماره ۳۵ تا ۴۰:۲۲ متی می‌گوید: «یکی از... متعلق است.» و در شماره ۱ تا ۲۳:۳۳ آن در باره رفتار کاتبان و فریسیان صحبت می‌کند که چه کسانی دارای این صفات یا بعضی از آنها هستند؟ در شماره ۸ تا ۱۱:۲۳ متی می‌فرماید: «آقا خوانده شوید... جمیع شما برادرانید... هیچکس را بر زمین پدر خود مخوانید زیرا پدر شما یکی است که در آسمان است و پیشوا خوانده شوید... هر که از شما بزرگتر باشد خادم شما بود.» آیا باید به این دستورها عمل کرد یا ایمان به مسیح کافی است؟ آیا به دستورهایی که در این فصل آمده نباید عمل کرد؟ آیا نباید از کارهایی که از آن مذمت کرده خودداری کرد؟ و مسیح در شماره ۴:۲۴ متی می‌فرماید: «زنهار کسی شما را گمراه نکند.» آیا نباید به این دستور عمل کرد؟ آیا نباید متوجه و مواظب بود که کسی انسان را گمراه نکند؟

آیا برای جلوگیری از این فریب خوردن نباید اناجیل را با دقت خواند و فهمید و به آن عمل کرد؟

می دانیم که مطابق شماره ۷:۱۵ متی عیسی می فرماید: «از انبیای کذب (دروغگو) احتراز کنید که به لباس میش ها نزد شما می آیند و در باطن گرگان درنده اند.» و پطرس در شماره اول باب دوم رساله دوم خود (رساله پطرس) می نویسد: «در میان قوم... خواهند کشید.» و عیسی در شماره ۱۱:۲۴ متی می فرماید: «بسا... کنند.» و در شماره ۲۴:۲۴ متی می فرماید: «زیرا که مسیحیان کاذب و انبیاء کذب ظاهر شده علامات و معجزات عظیمه چنان خواهند نمود که اگر ممکن بودی برگزیدگان را نیز گمراه کردند.» و در شماره ۲۵:۴۶ آن گوید: «ایشان (اصحاب طرف چپ ملعون) در عذاب جاودانی خواهند رفت اما عادلان در حیات جاودانی.» آیا عادلان در حیات جاودانی میروند یا کسانی که ظالم هستند و حقوق دیگران را رعایت نمی کنند؟

انجیل مرقس

شماره ۱:۴ مرقس می گوید: «یحیی... می نمود.» و عیسی در شماره ۱:۱۵ «می گفت... توبه کنید... بیاورید.» و در شماره ۲:۱۷ می فرماید: «تندرستان احتیاج به طبیب ندارند بلکه مریضان. و من نیامده ام تا عادلان را بلکه تا گناهکاران را به توبه دعوت کنم.» آیا نباید توبه کرد و از گناه دست کشید و عادل شد و حقوق دیگران را مراعات کرد؟ و در شماره ۳:۲۴ می فرماید: «اگر مملکتی بر خلاف خود منقسم شود آن مملکت نتواند پایدار بماند.» آیا باید مسیحیان متحد باشند تا بتوانند تعلیمات مسیح را در جامعه اجرا کنند یا نه؟ و در شماره ۳:۳۵ می فرماید: «هر که اراده خدا را بجا آرد همان برادر و خواهر من باشد.» عمل کند یا ایمان داشته باشد؟



در شماره ۱۲:۴ می فرماید: «تا نگران... شود.» آیا باید دید و شنید و فهمید و عمل کرد یا نه؟ و از قول اشعیا در شماره ۷ تا ۱۳:۷ می فرماید: «پس مرا عبث... بجا می آورید.» آیا باید حکم خدا را بجا آورد یا تقلید از انسان را؟ و در شماره ۲۰ تا ۲۳:۷ می فرماید: «آنچه... میگرداند.» آیا برای پاک بودن نباید اینکارها را نکرد؟ و در شماره ۱۵:۸ می فرماید: «از خمیرمایه... کنید.» آیا نباید به این دستور عمل کرد؟ و در شماره ۳۵:۹ می فرماید: «هر که می خواهد... بُود.» آیا نباید مطابق این نظر عمل کرد؟ و در شماره ۴۰:۹ می فرماید: «هر که ضد ما نیست با ما است.» آیا نباید این نظر را قبول داشت و به آن عمل کرد؟ و در شماره ۵۰:۹ می فرماید: «با یکدیگر صلح نمایید.» آیا باید با هم صلح کرد و سعی کرد دستورهای مسیح اجرا شود یا باید هزاران فرقه شد و از انسانها تقلید کرد؟ و در شماره ۱۱ و ۱۲:۱۰ می فرماید: «هر که... شود.» آیا باید این نظر را قبول داشت و به آن عمل کرد یا نه؟ آیا باید مطابق آنچه رایج است از نظر انسانها تقلید کرد و زن و شوهر از هم جدا شوند؟ و در شماره ۱۹:۱۰ در باره وارث حیات جاودانی شدن می فرماید: «زنا مکن... حرمت دار.» آیا باید این دستورها را بکار بست یا نه؟ و در شماره ۴۳ و ۴۴:۱۰ می فرماید: «هر که... همه باشد.» و در شماره ۲۵:۱۱ می فرماید: «وقتی که... معاف دارد.» آیا باید خطای آنها را بخشید یا نه؟ و در شماره ۲۹ تا ۳۱:۱۲ می فرماید: «خداوند... حکمی نیست.» و در شماره ۳۸ و ۴۰:۱۲ می فرماید: «از کاتبان... یافت.» آیا باید اینکارها را کرد یا نکرد؟ و در شماره ۵ و ۶:۱۳ می فرماید: «زنهار... خواهند نمود.» آیا باید مواظب بود یا نه؟ شماره ۲۲:۱۳ را هم ببینید. و در شماره ۱۵:۱۶ می فرماید: «در تمام... کنید.» آیا باید به انجیل موعظه کرد یا احکام و نظر انسانها؟

انجیل لوقا

یحیی مطابق شماره ۳:۳ لوقا «به تمامی ... به تعمید توبه ... موعظه می کرد.» و در شماره ۳:۸ می گوید: «ثمرات ... برانگیزاند.» عیسی در شماره ۴:۴ می فرماید: «انسان ... به هر کلمه خدا.» و در شماره ۴:۸ می فرماید: «مکتوب است خداوند خدای خود را پرستش کن و غیر او را عبادت منما.» آیا مسیحی واقعی باید فقط خدا را عبادت کند یا کس دیگری را هم عبادت کند؟ و در شماره ۵:۳۲ می فرماید: «نیامده ام ... بخوانم.» و در شماره ۲۷ تا ۳۱:۶ می فرماید: «شما را می گویم ... سلوک نمایید.» و در شماره ۶:۳۵ می فرماید: «دشمنان خود را محبت نمایید ... مهربان است.» و در شماره ۳۶ تا ۳۸:۶ می فرماید: «پس رحیم باشید ... خواهد شد.» آیا این دستورها باید عمل شود یا ایمان به آنها کافی است؟ و در شماره ۴۱ و ۴۲:۶ می فرماید: «چرا ... برآوری.» آیا به این دستور باید عمل کرد یا نه؟ و در شماره ۴۶ تا ۴۹:۶ می فرماید: «چون است که ... عظیم بود.» آیا آنچه می گوید بعمل آورد یا نه؟ و در شماره ۷:۲۳ می فرماید: «خوشا بحال کسی که در من لغزش نخورد.» آیا برای لغزش نخوردن باید انجیل را خواند و از دستورهای آن اطاعت کرد؟ یا باید از احکام و نظرهای دیگران اطاعت و پیروی کرد؟ و در شماره ۸:۲۱ می فرماید: «مادر و برادران من اینانند که کلام خدا شنیده آن را بجا می آورند.» آیا باید شنید و بجا آورد یا ایمان تنها کافی است؟ و در شماره ۹:۵۰ می فرماید: «هر که ضد شما نیست با شما است.» و در شماره ۲۵ تا ۲۸:۱۰ آمده است: «ناگاه یکی از فقها ... مثل نفس خود.» و در شماره ۲ تا ۴:۱۱ می فرماید: «هرگاه دعا ... میاور.» آیا اینها را باید گفت یا عمل هم باید کرد؟ و در شماره ۹:۱۱ می فرماید: «سوال کنید ... خواهد شد.» و در شماره ۱۷:۱۱ می فرماید: «هر مملکتی ... منهدم گردد.» آیا باید برای عملی ساختن دستورهایی مسیح و ساختن یک دنیای پاک متحد بود یا



تفرقه داشت و بر ضد هم منقسم شد؟ و در شماره ۱۱:۲۳ می فرماید: «کسی که با من نیست بر خلاف من است.» آیا باید با مسیح و مسیحی واقعی و پیرو دستورهای مسیح بود یا نه؟

عیسی مسیح در شماره ۱۱:۲۸ لوقا می فرماید: «خوشا به حال آنانی که کلام خدا را می شنوند و آن را حفظ می کنند.» و در شماره ۳۹ تا ۴۴:۱۱ می فرماید: «همانا شما... و نمی دانند» آیا باید تمام دستورهای خداوند را انجام داد یا نه؟ باید ریاکار بود یا نه؟ و در شماره ۱۱:۵۲ می فرماید: «وای بر شما... مانع می شوید.» و در شماره ۱:۱۲ می فرماید: «از خمیرمایه فریسیان که ریاکاری است احتیاط کنید.» و در شماره ۴ و ۵:۱۲ می فرماید: «از قاتلان جسم... از او بترسید.» و در شماره ۱۲:۳۱ می فرماید: «ملکوت خدا... افزوده خواهد شد.» بر خوراک و پوشاک شما. و در شماره ۱۲:۵۷ می فرماید: «چرا... حکم نمی کنید؟» و در شماره ۳ و ۵:۱۳ می فرماید: «اگر توبه نکنید... خواهید شد.» و در شماره ۲۷:۱۳ می فرماید: صاحب خانه خواهد گفت: «شما را نمی شناسم از کجا هستید. ای همه بدکاران از من دور شوید.» آیا بدکاری و نیکوکاری عمل است یا ایمان خشک و خالی؟ و در شماره ۱۴:۱۰ می فرماید: «چون مهمان کسی باشی... خواهد بود.» آیا باید به آن عمل کرد یا نه؟ و در شماره ۱۳ و ۱۴:۱۴ می فرماید: «چون ضیافت کنی... خواهد شد.» آیا باید به این دستور عمل کرد یا نه؟ و در شماره ۷:۱۵ می فرماید: «به شما می گویم... ندارند.» و در شماره ۱۰:۱۵ می فرماید: «همچنین... توبه کند.» آیا توبه بازگشت و دست برداشتن از گناه نیست؟ آیا نباید از گناه دست برداشت؟ و در شماره ۱۳:۱۶ می فرماید: هیچ خادم... خدمت نماید.» این خادم پول بودن فرق دارد با اینکه انسان سعی کند پول هر چه بیشتری بدست آورد تا در راه بسط دین خدا و اجرای حکم و نظر خدا بیشتر خرج کند تا بتواند از فیلم و تئاتر و مطبوعات و

رادیو و تلویزیون و آدیو و ویدئو و اینترنت در این راه استفاده کند و پیام مسیح را به همه برساند. همانطور که در ۱۳:۱۰ مرقس می‌فرماید: «لازم است که انجیل اول بر تمامی امت‌ها موعظه شود.» مسیح در شماره ۱۷ تا ۱۸:۱۶ لوقا می‌فرماید: «آسان‌تر است ... زنا کرده باشد.» آیا این نظرها برای عمل کردن است یا خواندن؟ و در شماره ۱۷:۱ به شاگردان می‌فرماید: «لابد است ... باعث آنها شود.» و در شماره ۱۸ تا ۱۸:۲۰ می‌فرماید: «یکی از رؤساء ... محترم دار.» آیا باید به این دستورها عمل کرد یا نه؟ و در شماره ۱۹:۱۰ می‌فرماید: «پسر انسان آمده تا گمشده را بجوید و نجات بخشد.» و در شماره ۴۶ و ۲۰:۴۷ می‌فرماید: «بپرهیزید ... یافت.» آیا باید از این افراد پرهیز کرد یا نه؟ آیا چنین افرادی را دیده‌اید یا نه؟ و در شماره ۲۶:۲۲ می‌فرماید: «بزرگتر از ... خادم.» و در شماره ۲۴:۴۷ می‌فرماید: سزاوار بود «از اورشلیم شروع کرده موعظه به توبه و آمرزش گناهان در همه امت‌ها بنام او کرده شود.»

انجیل یوحنا

عیسی در شماره ۱۹ و ۳:۲۰ یوحنا می‌فرماید: «مردم ظلمت را ... توبیخ شود.» آیا بدکاران دشمن روشنی نیستند؟ یحیی در شماره ۳:۳۴ می‌فرماید: «آنکسی را که خدا فرستاد به کلام خدا تکلم مینماید.» یعنی تعلیمات عیسی از خودش نیست بلکه کلام خدا است. شماره ۴:۳۴ را هم ببینید. در شماره ۵:۱۳ به کسی که شفا داده بود فرمود: «دیگر خطا مکن.» باید از این دستور اطاعت کرد یا نه؟ و در شماره ۵:۲۸ می‌فرماید: «هر که اعمال نیکو کرد برای قیامت حیات و هر که اعمال بد کرد به جهت قیامت داوری.» از قبور بیرون خواهند آمد. آیا مطابق اعمال خوب و بد جزا نخواهند دید؟ و در شماره ۷:۷ می‌فرماید: «جهان ... اعمالش بد است.» آیا



دشمن مسیح کسی نیست که اعمالش بد است. و در شماره ۷:۱۶ می فرماید: «تعلیم من از من نیست بلکه از فرستنده من است.» پس هر کس تعلیمات مسیح را انجام دهد اراده پدر آسمانی او را که او را فرستاده انجام میدهد. و در شماره ۷:۱۹ به یهودیان می فرماید: «کسی از شما نیست که به تورات عمل کند.» آیا عمل لازم است یا ایمان تنها؟ و در شماره ۸:۱۱ به زن زناکار می فرماید: «برو دیگر گناه مکن.» آیا به این دستور باید عمل کرد یا نه؟ و در ۸:۲۶ می فرماید: «آنکه مرا فرستاد حق است و من آنچه از او شنیده‌ام به جهان می گویم.» شماره ۱۲:۴۹ را هم ببینید. اراده پدری که در ۷:۲۱ متی گفته همین تعلیماتی است که خداوند به مسیح گفته است. و در شماره ۸:۵۱ می فرماید: «اگر کسی کلام مرا حفظ کند موت را تا به ابد نخواهد دید.» آیا باید مطابق دستورهای مسیح عمل کرد یا نه؟ و در شماره ۱۰:۲۷ می فرماید: «گوسفندان من ... مرا متابعت می کنند.» آیا باید از تعالیم مسیح متابعت کرد یا نه؟

عیسی مسیح در شماره ۱۳:۳۴ می فرماید: «به شما ... یکدیگر را محبت نمایید.» آیا باید بهم محبت کرد یا مثل قتل عام سن بار تلمی یکدیگر را کشت؟ و در شماره ۱۳:۳۵ می فرماید: «شاگرد من هستید اگر محبت یکدیگر را داشته باشید.» و در شماره ۱۴:۱۰ می فرماید: «سخن هایی که ... می کند.» و در شماره ۱۴:۱۵ می فرماید: «اگر مرا دوست دارید احکام مرا نگاه دارید.» و در شماره ۱۴:۲۱ می فرماید: «هر که احکام ... مرا محبت مینماید.» و در شماره ۱۴:۲۳ می فرماید: «اگر کسی ... نگاه خواهد داشت.» و در ۱۴:۲۴ می فرماید: «آنکه مرا محبت ننماید کلام مرا حفظ نمی کند و کلامی که می شنوید از من نیست بلکه از پدری است که مرا فرستاد.» آیا باید کلام خدا را حفظ و اجرا کرد یا نه؟ و در شماره ۱۵:۷ می فرماید: «اگر در من بمانید و کلام من در شما بماند.» و در شماره ۹ و

۱۵:۱۰ می فرماید: «در محبت من بمانید. اگر احکام مرا نگاه دارید در محبت من خواهید ماند چنانکه من احکام پدر خود را نگاه داشته‌ام و در محبت او میمانم.» و در شماره ۱۴:۱۵ می فرماید: «شما... بجا آرید.» آیا حفظ کلام و حکم عیسی بجا آوردن و عمل کردن به آن نیست؟ و در شماره ۱۵:۱۵ می فرماید: «هر چه از پدر شنیده‌ام به شما بیان کردم.» و در شماره ۱۶:۱ می فرماید: «این را به شما گفتم تا لغزش نخورید.» و در شماره ۱۷:۳ به خداوند می گوید: «حیات جاودانی این است که تو را خدای واحد حقیقی و عیسی مسیح را که فرستادی بشناسند.» می دانید که انجیل یوحنا با سه انجیل دیگر فرق دارد و در آن سخنانی است که در سه انجیل دیگر وجود ندارد و تنها حکمی که در آن است این است که «یکدیگر را محبت نمایید.» ۱۳:۳۴ یوحنا را ببینید.

کتاب اعمال رسولان

پطرس در شماره ۳:۳۶ اعمال رسولان می گوید: «برای شما اولاً خدا بنده خود عیسی را برخیزانیده فرستاد تا شما را برکت دهد با برگرداندن هر یکی از شما از گناهانش.» آیا باید توبه کرد و از گناه دست برداشت تا برکت و نجات یافت یا نه؟ و در شماره ۵:۳۱ می گوید: «او را (مسیح را) خدا بر دست راست خود بالا برده سرور و نجات دهنده ساخت تا اسرائیل را توبه و آمرزش گناهان بدهد.» آیا با توبه و دست برداشتن از گناه است که نجات پیدا می کنیم یا نه؟

رومیان

پولس در شماره ۱:۱۸ رومیان می نویسد: «غضب خدا... باز میدارند.» آیا بی دینان و ناراستان مورد غضب خدا قرار نمی گیرند؟ و در شماره ۲۴ تا ۳۲:۱



می نویسد: «لهمذا خدا... خوش میدارند.» آیا باید از این کارها خودداری کرد یا نه؟ و در شماره ۶ تا ۹:۲ می نویسد: خدا «به هر کس بر حسب اعمالش جزا خواهد داد... یونانی.» و در شماره ۱۱:۲ می نویسد: «نزد خدا طرفداری نیست.» و در شماره ۱۳:۲ می نویسد: «از آن جهت که شنوندگان شریعت در حضور خدا عادل نیستند بلکه کنندگان شریعت عادل شمرده خواهند شد.» و در شماره ۱ و ۲:۶ می نویسد: «پس... کنیم.» و در شماره ۶:۶ می نویسد: «زیرا این را می دانیم که انسانیت کهنه ما با او مصلوب شد تا جسد گناه معدوم گشته دیگر گناه را بندگی نکنیم.» و در شماره ۱۲ و ۱۳:۶ می نویسد: «پس گناه در جسم فانی شما حکمرانی نکند تا هوس های آن را اطاعت نمایید. و اعضای خود را... باشند.» و در شماره ۱۵ و ۱۶:۶ می نویسد: «پس چه گوئیم آیا گناه بکنیم... برای عدالت.» و در شماره ۱۸:۶ می نویسد: «از گناه آزاد... گشته اید» و در شماره ۲۳:۶ می نویسد: «مزد گناه موت است.» آیا باید گناه کرد یا گناه نکرد؟ و در شماره ۱۲:۷ می نویسد: «خلاصه شریعت مقدس است و حکم مقدس و عادل و نیکو.» و در شماره ۱۴ و ۱۵:۷ می نویسد: «می دانیم... بجا می آورم.» و در شماره ۲۵:۷ می نویسد: «خلاصه اینکه من به ذهن خود شریعت خدا را بندگی می کنم و اما به جسم خود شریعت گناه را.» و در شماره ۹ و ۱۰:۸ می نویسد: «لکن شما... عدالت حیات است.» و در شماره ۱۴:۸ می نویسد: «زیرا همه... پسران خدایند.» و در شماره ۹:۱۲ می نویسد: «از بدی نفرت کنید و به نیکویی به پیوندید.» آیا باید این نظرها را قبول داشت و به این دستور عمل کرد یا نه؟ و در شماره ۲۱:۱۲ می نویسد: «مغلوب بدی مشو بلکه بدی را به نیکویی مغلوب ساز.» باید این دستور را عمل کرد یا نه؟ و در شماره ۸ تا ۱۰:۱۳ می نویسد: «مدیون... است.» و در ماره ۱۳:۱۳ می نویسد: «با شایستگی... و حسد.» آیا باید به این دستورها عمل کرد یا نه؟ و در شماره ۱۲:۱۴

می نویسد: «هر یکی از ما حساب خود را به خدا خواهد داد.» آیا منظور حساب کارها و سخنان هر یک از افراد نیست؟

قرن‌تیاں اوّل

پولس در شماره ۱۶ و ۳:۱۷ قرن‌تیاں اوّل می نویسد: «آیا نمی دانید... هستید.» و در شماره ۱ و ۵:۲ می نویسد: «فی الحقیقه... بیرون شود» آیا این دستور تورات نیست که باید اجرا شود؟ شماره ۸:۱۸ و ۲۰:۱۱ لایوان، کتاب سوم عهد عتیق (تورات)، را ببینید. و در شماره ۹ تا ۵:۱۱ قرن‌تیاں اوّل می نویسد: «در آن رساله... غذا هم مخورید.» و در شماره ۷ تا ۶:۱۰ می نویسد: «بلکه الان شما را... نخواهند شد.» آیا نباید از اینکارها خودداری کرد؟ و در شماره ۱۰ تا ۷:۱۴ می نویسد: «منکوحان را... مقدسند.» آیا این دستورها نباید اجرا شود؟ و در شماره ۵ و ۶:۱۱ می نویسد: «هر زنی که... باید بپوشد.» آیا نباید این دستور عمل شود؟ و در شماره ۱ تا ۸:۱۳ می نویسد: «اگر به زبانهای... خواهد گردید.» آیا نباید به این نظر اعتقاد داشت و عمل کرد؟ و در شماره ۳۴ و ۱۴:۳۵ می نویسد: «زنان شما... قبیح است.» و در شماره ۳۳ و ۱۵:۳۴ می نویسد: «فریفته مشوید... بیدار شده گناه مکنید.» آیا باید گناه کرد یا باید از گناه دوری کرد؟ آیا باید با بدان معاشرت داشت یا نه؟

قرن‌تیاں دوّم

پولس در شماره ۱۰:۵ قرن‌تیاں دوّم می نویسد: «زیرا لازم است... چه نیک چه بد.» و در شماره ۱۴ تا ۶:۱۸ می نویسد: «زیر یوغ... خداوند قادر مطلق می گوید.» و در شماره ۹ و ۷:۱۰ می نویسد: «غم شما به توبه انجامید.» و «غمی که برای خدا است منشاء توبه می باشد به جهت نجات.» آیا باید توبه کرد و از گناه دست کشید تا



نجات یافت یا نه؟ و در شماره ۱۵: ۱۱ می نویسد: «عاقبت ایشان بر حسب اعمالشان خواهد بود.» آیا عاقبت افراد مطابق اعمال آنها نیست؟ و در شماره ۲۰ و ۲۱: ۱۲ می نویسد: «زیرا میترسم... توبه نمودند.» آیا باید به خاطر این کارها توبه کرد یا نه؟ و آیا باید از اینکارها خودداری کرد یا نه؟

غلاطیان

پولس در شماره ۱۹ تا ۵: ۲۱ غلاطیان می نویسد: «اعمال جسم... وارث ملکوت خدا نمی شوند.» آیا باید از اینکارها خودداری کرد یا فقط ایمان تنها کافی است؟ و در شماره ۲۲ تا ۵: ۲۶ می نویسد: «لیکن ثمره... حسد بیریم.» آیا اجرای این نظرها لازم است یا نه؟ و در شماره ۵ تا ۶: ۱۱ می نویسد: «هر کس حامل... بشما نوشتم.» آیا این نظرها نشان دهنده احتیاج به عمل نیست؟

افسیسان

پولس در شماره ۲: ۴ افسیسان می نویسد: «با کمال فروتنی و تواضع و حلم و متحمل یکدیگر در محبت باشید.» آیا احتیاج به عمل ندارد؟ و در شماره ۲۵ تا ۴: ۳۲ می نویسد: «لهذا دروغ... آمرزیده است.» آیا این دستورها احتیاج به عمل ندارد؟ و در شماره ۳ تا ۵: ۱۲ می نویسد: «اما زنا... قبیح است.» آیا نباید از ناپاکی ها خودداری کرد؟ و در شماره ۱۸: ۵ می نویسد: «مست شراب نشوید.» و در شماره ۲۲ تا ۲۵ می نویسد: «ای زنان... برای آن داد.» آیا نباید به اینها عمل شود؟ و در شماره ۱ تا ۶: ۱۸ می نویسد: «ای فرزندان... بیدار باشید.» آیا احتیاج به عمل ندارد؟

فیلیپیان

پولس در شماره ۸ و ۹:۴ فیلیپیان می نویسد: «خلاصه... خواهد بود.» آیا نباید به اینها عمل کرد؟

کولسیان

پولس در شماره ۵ تا ۹:۳ کولسیان می نویسد: «پس اعضای خود را... بیرون کرده اید.» آیا نباید از اینکارها خودداری کرد؟ و در شماره ۱۸ تا ۲۵:۳ می نویسد: «ای زنان... ظاهربینی نیست.» آیا این دستورها برای عمل است یا نه؟ و در شماره ۱ و ۲:۴ می نویسد: «ای آقایان... بیدار باشید.»

تسالونیکیان اوّل

پولس در شماره ۳ تا ۱۲:۴ تسالونیکیان می نویسد: «زیرا... محتاج نباشید.» آیا عمل لازم ندارد؟ و در شماره ۱۴ تا ۲۲:۵ می نویسد: «از شما استدعا... احتراز نمایید.» آیا احتیاج به عمل ندارد؟

تیمو تاؤس اوّل و دوّم

پولس در شماره ۹ و ۱۰:۱ رساله اول خود به تیموتاؤس می نویسد: «این بدانند که... باشد.» و در شماره ۹ تا ۱۲:۲ می نویسد: «زنان... در سکوت بمانند.» و در شماره ۲ تا ۱۲:۳ می نویسد: «اُسْقُف باید... تدبیر نمایند.» و در شماره ۱ تا ۳:۴ می نویسد: «لیکن روح... بخورند.» و در شماره ۷:۴ می نویسد: «از افسانه‌های حرام عجزها احتراز نما.» و در شماره ۶:۵ می نویسد: «زن عیاش در حال حیات مرده است.» و در شماره ۱۴:۵ می نویسد: «رأی من... ندهند.» و در شماره ۲۱:۵



می نویسد: «هیچ کاری از روی طرفداری مکن.» و در شماره ۱ تا ۶:۲ می نویسد: «آنانی که... نصیحت فرما.» و در شماره ۲۲ تا ۲:۲۶ رساله دوم خود به تیموتاؤس می نویسد: «از شهوات جوانی... صید او شده اند.» آیا به این دستورها نباید عمل شود؟ و در شماره ۱ تا ۳:۶ می نویسد: «اما این را... ربوده می شوند.» و در شماره ۳:۱۶ می نویسد: «تمامی کتب... مفید است.» آیا این دستورها و راهنمایی ها برای اجرا نیست؟

تیطس

پولس در شماره ۷ تا ۱:۱۱ به تیطس می نویسد: «اسقف میباید... تعالیم ناشایسته می دهند.» و در شماره ۱ تا ۲:۱۲ می نویسد: «اما تو... زیست کنیم.»

عبرانیان

پولس در شماره ۴:۱۳ عبرانیان می نویسد: «نکاح... فرمود.» آیا به این دستورها نباید عمل کرد؟

رساله یعقوب

یعقوب در شماره ۲۲ تا ۱:۲۷ رساله خود می نویسد: «کنندگان کلام باشید... نگاه دارند.» و در شماره ۱۰ تا ۲:۲۴ می نویسد: «زیرا هر که... نه از ایمان تنها.» و در شماره ۱۴ تا ۳:۱۸ می نویسد: «لکن اگر... بعمل می آورند.» و در شماره ۱۹ و ۲۰:۵ می نویسد: «ای برادران من... پوشانیده است.» آیا عمل لازم نیست؟

رساله اوّل و دوّم پطرس

پطرس در شماره ۱۴ تا ۱۷:۱ رساله اوّل خود می نویسد: «چون ابنای ... صرف نمایید.» و در شماره ۱ و ۲:۲ می نویسد: «لهذا... نموکنید.» و در شماره ۱۱ و ۱۲:۲ می نویسد:

«ای محبوبان ... تمجید نمایند.» و در شماره ۱۷:۲ می نویسد: «همه مردمان را احترام نمایید.» و در شماره ۱ تا ۷:۳ می نویسد: «ای زنان ... بازداشته نشود.» و در شماره ۳:۴ می نویسد: «زیرا عمر گذشته ... رفتار نمودن.» و در شماره ۱۱:۴ می نویسد: «اگر کسی ... آمین.» و در شماره ۵:۵ می نویسد: «ای جوانان مطیع پیران باشید.» آیا نباید به این دستورها عمل کرد؟ و در شماره ۱۶:۱ رساله دوم خود می نویسد: «در پی افسانه‌های جعلی نرفتیم.» آیا نباید دنبال افسانه‌های جعلی نرفت؟ و در شماره ۱ تا ۳:۲ می نویسد: «لیکن در میان ... خوابیده نیست.» و در شماره ۱۲ تا ۱۴:۲ می نویسد: «لکن اینها ... ریاضت داده‌اند.» و در شماره ۱۸ تا ۲۲:۲ می نویسد: «سخنان تکبرآمیز و باطل می گویند... و خنزیر شسته شده به غلطیدن در گل.» آیا نباید متوجه معلمان دروغگو بود و فریب آنها را نخورد؟ و در شماره ۹:۳ می نویسد: خدا «نمی خواهد که کسی هلاک گردد بلکه همه به توبه گرایند.» آیا نباید توبه کرد و از گناه دست برداشت؟ و در باره پولس در شماره ۱۵ و ۱۶:۳ می نویسد: «تحمل خداوند ما را... برسند.» آیا نباید از تحریف این مردمان بی علم بر حذر بود؟

رساله اوّل و دوّم و سوّم یوحنا

یوحنا در شماره ۱ تا ۶:۲ نامه اول خود می نویسد: «ای فرزندان... باید سلوک کند.» و در شماره ۲۹:۲ می نویسد: «اگر فهمیده‌اید که او عادل است پس می دانید



که هر که عدالت را بجا آورد از وی تولد یافته است.» و در شماره ۴ تا ۱۰:۳ می نویسد: «هر که گناه را... محبت نمی نماید.» و در شماره ۱۷ و ۱۸:۳ می نویسد: «کسی که... و راستی.» و در شماره ۲۲:۳ می نویسد: «هر چه سوال کنیم... امر فرمود.» و در شماره ۲۰:۴ می نویسد: «اگر کسی... محبت نماید؟» و در شماره ۲:۵ می نویسد: «از این می دانیم... احکام او را به جا می آوریم.» و در شماره ۱۸:۵ می نویسد: «می دانیم... نمی کند.» و در شماره ۶ تا ۸:۱ نامه دوم خود می نویسد: «این است... کامل بیابید.» و در شماره ۱۰ نامه سوم خود می نویسد: «بیدی اقتداء منما بلکه به نیکویی زیرا نیکو کردار از خدا است.»



۱۹

در مسیحیت واقعی مطابق انجیل فقط یک خدا وجود دارد.

عیسی فقط مسیح است و پیغمبر خدا و فرستاده خدا

عیسی مسیح گفت: «هر نهالی که پدر آسمانی من نکاشته باشد کنده شود.»

۱۳:۱۵ متی

عیسی مسیح به خداوند گفت: «حیات جاودانی این است که ترا خدای واحد

حقیقی و عیسی مسیح را که فرستادی بشناسند.» ۱۷:۳ یوحنا

پولس نوشت: «خدایی دیگر جز یکی نیست.» ۸:۴ قرنتیان اول

پولس نوشت: «ما را یک خدا است یعنی پدر.» ۸:۶ قرنتیان اول

آریوس درست می‌گفت که می‌گفت یک خدا وجود دارد.

و عیسی مسیح فقط پیغمبر و فرستاده خدا است.

امروزه هر کسی می‌داند که وسائل تحقیقاتی خیلی بیشتر از سابق است و هر

کس براحتی می‌تواند بوسیله اینترنت و سی دی در باره هر مطلبی تحقیق کند.

پطرس گفت: «موسی به اجداد ما گفت که خداوند خدای شما نبی مثل من از



میان برادران شما برای شما بر خواهد انگیخت. کلام او را در هر چه به شما تکلم کند بشنوید.» ۳:۲۲ اعمال رسولان.

یَهُوه به موسی گفت به قوم بگو: «یهوه خدایت نبی را از میان تو از برادرانت مثل من برای تو مبعوث خواهد گردانید او را بشنوید.» ۱۸:۱۵ تثنیه (سفر پنجم کتاب عهد عتیق که به تورات مشهور است).

موسی به قوم گفت: یهوه به من گفت: «نبی را برای ایشان از میان برادران ایشان مثل تو مبعوث خواهم کرد و کلام خود را به دهانش خواهم گذاشت و هر آنچه به او امر فرمایم به ایشان خواهد گفت * و هر کسی که سخنان مرا که او به اسم من گوید نشنود من از او مطالبه خواهم کرد.» ۱۸ و ۱۹:۱۸ تثنیه

عیسی گفت: «آنکه مرا محبت نماید کلام مرا حفظ نمی کند. و کلامی که می شنوید از من نیست بلکه از پدری است که مرا فرستاد.» ۱۴:۲۴ یوحنا. شماره ۷:۱۶ یوحنا را هم ببینید.

آیا در انجیل یک خدا وجود دارد یا چند خدا؟

آیا عیسی نبی مثل موسی است یا خدا؟

بیایید با هم کتاب عهد جدید (مشهور به انجیل) را بررسی کنیم.

«در ابتدا خدا آسمانها و زمین را آفرید * و زمین تهی و بائر بود.» ۱ و ۲:۱

پیدایش (سفر اول کتاب عهد عتیق مشهور به تورات). آیا مسیح آسمانها و زمین را آفرید در حالی که زمین تهی و بائر بود یا خدا؟

«و هیچ نهال صحرا هنوز در زمین نبود و هیچ علف صحرا هنوز نرویده بود.

زیرا خداوند خدا باران بر زمین نبارانیده بود و آدمی نبود که کار زمین را بکند.» ۲:۵

پیدایش.

«خداوند خدا پس آدم را از خاک زمین بسرشت و در بینی وی روح حیات دمید و آدم نفس زنده شد.» ۲:۷ پیدایش. آیا مسیح چنین کاری کرد یا خودش توسط مریم زاییده شد. چون جبرائیل فرشته به مریم گفت: «اینک حامله شده پسری خواهی زایید و او را عیسی خواهی نامید.» (۱:۳۱ لوقا. فرشته خدا به یوسف گفت: زن تو مریم «پسری خواهد زایید و نام او را عیسی خواهی نهاد.» ۱:۲۱ متی. عیسی از شاگردان خود پرسید: «مردم مرا که پسر انسانم چه شخصی می‌گویند؟» ۱۳:۱۶ متی. عیسی پسر انسان بود یا خدای آفریننده آسمان‌ها و زمین؟ شماره ۲۷:۱۶ و ۲۲:۱۷ و ۱۱:۱۸ و ۲۸:۱۹ و ۱۸ و ۲۸:۲۰ و ۳۰ و ۳۷ و ۳۹:۲۴ و ۳۱:۲۵ و ۲۴ و ۴۵ و ۶۴:۲۶ متی را ببینید. و شماره ۱۰ و ۲:۲۸ و ۸:۳۸ و ۳۳ و ۴۵:۱۰ و ۱۴:۲۱ مرقس را ببینید. و شماره ۲۲ و ۹:۲۶ و ۲۲ و ۲۴ و ۲۶ و ۱۷:۳۰ و ۱۸:۸ و ۱۹:۱۰ و ۲۷ و ۳۶:۲۱ و ۲۲ و ۴۸ و ۶۹:۲۲ لوقا را ببینید. و شماره ۱۳ و ۱۴:۳ و ۲۶:۵ یوحنا را ببینید.

خدای واحد در انجیل

عیسی به خداوند می‌گوید: «حیات جاودانی این است که تو را خدای واحد حقیقی و عیسی مسیح را که فرستادی بشناسند.» ۱۷:۳ یوحنا. و می‌گوید: «شما چگونه می‌توانید ایمان آورید و حال آنکه جلال از یکدیگر میطلبید و جلالی را که از خدای واحد است طالب نیستند.» ۵:۴۳ یوحنا. و در جواب یکی از کاتبان که از او پرسید که اول همه احکام کدام است جواب داد که «اول همه احکام این است که بشنوای اسرائیل، خداوند خدای ما خداوند واحد است. و خداوند خدای خود را به تمامی دل و تمامی جان و تمامی خاطر و تمامی قوت خود محبت نما.» ۲۸ تا



۱۲:۳۰ مرقس ۴ و ۵:۶ تثنیه را ببینید.

پولس به رومیان می‌نویسد: «واحد است خدایی که اهل ختنه (یهودیان) را از ایمان و نامختونان را به ایمان عادل خواهد شمرد. پس آیا شریعت را به ایمان باطل میسازیم؟ حاشا. بلکه شریعت را استوار میسازیم.» ۳۰ و ۳:۳۱ رومیان. و «خدای حکیم و حید را بوسیله عیسی مسیح تا ابد الابد جلال باد، آمین.» ۱۶:۲۶ رومیان. و به قرن‌تیان می‌نویسد: «خدایی دیگر جز یکی نیست.» ۸:۴ قرن‌تیان اول. و «ما را یک خدا است یعنی پدر که همه چیز از اوست و ما برای او هستیم.» ۸:۶ قرن‌تیان اول. و به افسسیان می‌نویسد: «یک خداوند، یک ایمان، یک تعمید، یک خدا و پدر همه که فوق همه و در میان همه و در همه شما است.» ۵ و ۴:۶ افسسیان. و به تیموتاؤس می‌نویسد: «باری پادشاه سرمدی و باقی و نادیده را، خدای حکیم و حید را اکرام و جلال تا ابد الابد باد. آمین.» ۱:۱۷ تیموتاؤس اول. و «زیرا خدا واحد است و در میان خدا و انسان یک متوسطی است یعنی انسانی که مسیح عیسی باشد.» ۲:۵ تیموتاؤس اول.

یعقوب می‌نویسد: «تو ایمان داری که خدا واحد است. نیکو می‌کنی شیاطین نیز ایمان دارند و می‌لرزند. ولیکن ای مرد باطل آیا می‌خواهی دانست که ایمان بدون اعمال باطل است.» ۱۹ و ۲:۲۰ یعقوب.

یهودا می‌نویسد: «الان او را که قادر است که شما را از لغزش محفوظ دارد و در حضور جلال خود شما را بی‌عیب به فرحی عظیم قایم فرماید، یعنی خدای واحد نجات دهنده ما را جلال و عظمت و توانایی و قدرت باد. الان و تا ابد الابد. آمین.» ۲۵ یهودا.

آیا مسیح و رسولان به خدای واحد اعتقاد داشتند یا به سه خدا؟

عبادت خدا

متی می نویسد: «ابلیس او (عیسی) را به کوهی بسیار بلند برد و همه ممالک جهان و جلال آنها را بدو نشان داد. بوی گفت: اگر افتاده مرا سجده کنی همانا این همه را بتو بخشم. آنگاه عیسی وی را گفت: دور شو ای شیطان زیرا مکتوب است که خداوند خدای خود را سجده کن و او را فقط عبادت نما.» ۸ تا ۱۰:۴ متی. شماره ۵:۹ تثنیه را ببینید.

لوقا می نویسد: «ابلیس او را به کوهی بلند برده تمامی ممالک جهان را در لحظه ای بدو نشان داد و ابلیس بدو گفت: جمیع این قدرت و حشمت آنها را بتو می دهم زیرا که به من سپرده شده است و به هر که می خواهم می بخشم. پس اگر تو پیش من سجده کنی همه از آن تو خواهد شد. عیسی در جواب گفت: ای شیطان مکتوب است خداوند خدای خود را پرستش کن و غیر او را عبادت منما.» ۵ تا ۸:۴ لوقا. شماره ۵:۹ تثنیه را ببینید. «خدا تکلم فرمود و همه این کلمات را بگفت.»، «صورتی تراشیده و هیچ تمثالی از آنچه بالا در آسمان است و از آنچه پائین در زمین است و از آنچه در آب در زیر زمین است برای خود مساز. نزد آنها سجده مکن و آنها را عبادت منما.» ۱ و ۴ و ۵:۲۰ خروج (سفر دوم کتاب عهد عتیق مشهور به تورات) و پولس می نویسد: «ایشان حق خدا را به دروغ مبدل کردند و عبادت و خدمت نمودند مخلوق را بعوض خالق که تا ابد الابد متبارک است.» ۱:۲۵ رومیان. و «ای عزیزان من از بت پرستی بگریزید.» ۱۴:۱۰ قرنتیان اول. و «خدایم خدا هستیم.» ۴:۶ قرنتیان دوم.



عیسی مسیح بنده خدا بود

پطرس (صخره ای که عیسی کلیسای خود را بر او بنا کرد) گفت: «خدای ابراهیم و اسحق و یعقوب، خدای اجداد ما، بنده خود عیسی را جلال داد که شما تسلیم نموده او را در حضور پیلاتس انکار کردید هنگامی که او حکم به رهاشدنش داد.» ۱۳: ۳ اعمال رسولان. چون «والی (پیلاتس)، آب طلبیده پیش مردم دست خود را شسته گفت: من بری هستم از خون این شخص عادل شما ببینید.» ۲۴: ۲۷ متی.

و پطرس گفت: «شما هستید اولاد پیغمبران و آن عهدی که خدا با اجداد ما بست وقتی که به ابراهیم گفت: از ذریّت تو جمیع قبایل زمین برکت خواهند یافت. برای شما اولاً خدا بنده خود عیسی را برخیزانیده فرستاد تا شما را برکت دهد به برگردانیدن هر یکی از شما از گناهانش.» ۲۵ و ۲۶: ۳ اعمال رسولان. و «فی الواقع بر بنده قدوس تو عیسی که او را مسح کردی هیردویس و پنطیوس پیلاتس با امت‌ها و قوم‌های اسرائیل با هم جمع شدند تا آنچه را که دست و رأی تو از قبل مقدر فرموده بود بجا آورند. و الآن ای خداوند به تهدیدات ایشان نظر کن و غلامان خود را عطا فرما تا به دلیری تمام به کلام تو سخن گویند. به دراز کردن دست خود به جهت شفا دادن و جاری کردن آیات و معجزات بنام بنده قدوس خود عیسی.» ۲۷ تا ۳۰: ۴ اعمال رسولان.

می‌بینیم که پطرس ۴ بار در باب سوم و چهارم اعمال رسولان در باره عیسی مسیح می‌گوید «بنده قدوس» ولی قبلاً آن را «پسر قدوس» ترجمه می‌کردند. از این دو ترجمه شما چه می‌فهمید؟ آیا نمی‌فهمید که ممکن است پسر در انجیل همان بنده و غلام باشد که از دستور آقای خود بدون چون و چرا اطاعت می‌کند؟ و آیا نمی‌فهمید که عیسی مسیح بنده خدا است نه خود خدای آفریننده آسمان‌ها و زمین؟ چون پطرس و مسیحیان دیگر گفتند: «خداوندا تو آن خدا هستی که آسمان و زمین

و دریا و آنچه در آنها هست آفریدی.» ۴:۲۴ اعمال رسولان. می‌بینیم همانطور که باب اول پیدایش می‌گوید: خدا آفریننده آسمانها و زمین و آنچه در آن است می‌باشد. و مسیحیان اولیه نیز چنین خدایی را قبول داشتند. آیا مسیح آفریننده آسمانها و زمین بوده یا خودش مثل دیگران آفریده خدایی است که مطابق اراده خدا توسط مریم زاییده شده. همانطور که «فرشته خداوند در خواب بر وی (یوسف) ظاهر شده گفت: ای یوسف پسر داود از گرفتن زن خویش مریم مترس زیرا که آنچه در وی (مریم) قرار گرفته از روح القدس است. و او پسری خواهد زایید و نام او را عیسی خواهی نهاد. زیرا که او امت خویش را از گناهانشان خواهد رهانید.» ۲۰ و ۲۱:۱ متی. و دیدیم این رهایی از گناه بوسیله توبه (یعنی برگشت از گناه) صورت می‌گیرد. ۳:۲۶ اعمال رسولان. شماره ۹:۱۳ متی را هم ببینید که عیسی می‌گوید: «رفته این را دریافت کنید که رحمت می‌خواهم نه قربانی زیرا نیامده‌ام تا عادلان را بلکه گناهکاران را به توبه (برگشت از گناه) دعوت نمایم.» چون حتی نبوت و اخراج دیوها (شفا دادن بیماران) و معجزه هم دلیل مسیحی بودن و نجات نیست همانطور که عیسی می‌گوید: «بسا در آن روز مرا خواهند گفت: خداوندا خداوندا آیا بنام نبوت ننمودیم و به اسم تو دیوها را اخراج نکردیم و به نام تو معجزات بسیار ظاهر نساختمیم؟ آنگاه به ایشان صریحاً خواهم گفت که هرگز شما را نساختم، ای بدکاران از من دور شوید.» ۲۲ و ۲۳:۷ متی.

نجات توسط توبه (برگشت از گناه) و عادل بودن و کار صحیح کردن صورت می‌گیرد نه بی عمل همانطور که عیسی می‌گوید: «اگر بخواهی داخل حیات شوی احکام را نگاه دار... قتل مکن، زنا مکن. دزدی مکن، شهادت دروغ مده و پدر و مادر خود را حرمت دار و همسایه خود را مثل نفس خود دوست دار.» ۱۷ تا ۱۹:۱۹ متی. شماره ۱۸ تا ۱۸:۲۰ لوقا و ۱۷ تا ۱۹:۱۰ مرقس را هم ببینید. خداوند



از زبان اشعیاء می گوید: «اینک بنده من که او را برگزیدم و حبیب من که خاطر من از او خرسند است.» ۱۸: ۱۲ متی. بنده یا خدا؟

عیسی خدا نبود، پیغمبر خدا بود

پطرس (صخره ای که کلیسا بر آن بنا شده، ۱۸: ۱۶ متی) می گوید: «موسی به اجداد (یعنی به بنی اسرائیل) گفت که خداوند خدای شما نبی مثل من از میان برادران شما برای شما بر خواهد انگیخت. کلام او را در هر چه به شما تکلم کند بشنوید.» ۲۲: ۳ اعمال رسولان. ۳۷: ۷ اعمال را هم ببینید. چون موسی گفت: «یهوه خدایت نبی را از میان تو از برادرانت مثل من برای تو مبعوث خواهد گردانید. او را بشنوید.» ۱۵: ۱۸ تثنیه. و «خداوند بمن گفت: نبی را برای ایشان از میان برادران ایشان مثل تو مبعوث خواهم کرد و کلام خود را به دهانش خواهم گذاشت و هر آنچه به او امر فرمایم به ایشان خواهد گفت. و هر کسی که سخنان مرا که او به اسم من گوید نشنود من از او مطالبه خواهم کرد.» ۱۸: ۱۹ و ۱۸ تثنیه. و عیسی گفت: «آنکه مرا محبت ننماید کلام مرا حفظ نمی کند و کلامی که می شنوید از من نیست بلکه از پدری است که مرا فرستاد.» ۲۴: ۱۴ یوحنا. و «هر چه از پدر شنیده ام بشما بیان کردم.» ۱۵: ۱۵ یوحنا. ۲۶ و ۴۰: ۸ یوحنا را هم ببینید. و می گوید: «نبی بی حرمت نباشد مگر در وطن و خانه خویش.» ۵۷: ۱۳ متی. ۴: ۶ مرقس و ۲۴: ۴ لوقا. ۴۴: ۴ یوحنا را ببینید. مردم هم او را نبی (پیغمبر) میدانستند. همانطور که «عیسی از شاگردان خود پرسیده گفت: مردم مرا که پسر انسانم چه شخص می گویند؟ گفتند بعضی یحیی تعمید دهنده و بعضی الیاس و بعضی ارمیا یا یکی از انبیاء.» ۱۳ و ۱۴: ۱۶ متی. و «آن گروه گفتند: این است عیسی نبی از ناصره جلیل.» ۱۱: ۲۱ متی. و «چون خواستند او را (عیسی را) گرفتار کنند از مردم

ترسیدند. زیرا که او را نبی می دانستند. « ۲۱:۴۶ متی. ۱۵:۶ مرقس، ۱۶ و ۷:۳۹ و ۱۹:۲۴ لوقا، و ۶:۱۴ و ۷:۴۰ و ۹:۱۷ یوحنا را هم ببینید.

عیسی گفت: «لیکن میباید امروز و فردا و پس فردا راه روم زیرا که محال است نبی بیرون از اورشلیم کشته شود.» ۱۳:۳۳ لوقا. در باره کشته شدن خودش و نبی بودن خودش سخن می گفت. زنی که به عیسی آب داد «بدو (به عیسی) گفت: ای آقا می بینم که تو نبی هستی.» ۴:۱۹ یوحنا. آخر باب ۵ یوحنا را هم ببینید. شماره ۱۹:۲۴ لوقا را هم ببینید.

عیسی فرستاده خدا بوده خدا

عیسی گفت: «هر که شما را قبول کند مرا قبول کرده و کسی که مرا قبول کند فرستنده مرا قبول کرده باشد.» ۱۰:۴۰ متی. و «هر که یکی از این کودکان را به اسم من قبول کند مرا قبول کرده است و هر که مرا پذیرفت نه مرا بلکه فرستنده مرا پذیرفته باشد.» ۹:۳۷ مرقس. و «به ایشان گفت: مرا لازم است که به شهرهای دیگر نیز به ملکوت خدا بشارت دهم زیرا که برای همین کار فرستاده شده ام.» ۴:۴۳ لوقا. «و به ایشان گفت: هر که این طفل را بنام من قبول کند مرا قبول کرده باشد و هر که مرا پذیرد فرستنده مرا پذیرفته باشد زیرا هر که از جمیع شما کوچکتر باشد همان بزرگ خواهد بود.» ۹:۴۸ لوقا. «آنکه شما را شنود مرا شنیده و کسی که شما را حقیر شمارد مرا حقیر شمرده و هر که مرا حقیر شمارد فرستنده مرا حقیر شمرده باشد.» ۱۰:۱۶ لوقا. یحیی در شماره ۱:۳۳ یوحنا می گوید: «من او را (عیسی را) شناختم لیکن او که مرا فرستاد تا به آب تعمید دهم همان به من گفت بر هر کس که بینی که روح نازل شده بر او قرار گرفت همان است که به روح القدس تعمید می دهد.» همانطور که یحیی فرستاده و رسول (نبی) خدا بود و خدا نبود عیسی هم



فرستاده خدا بود نه خدا.

«عیسی بدیشان (به شاگردان) گفت: خوراک من آن است که خواهش فرستنده خود را بعمل آورم و کار او را به انجام رسانم.» ۴:۳۴ یوحنا. و «من از خود هیچ نمی‌توانم کرد بلکه چنانکه شنیده‌ام داوری می‌کنم. و داوری من عادل است زیرا اراده خود را طالب نیستم بلکه اراده پدری که مرا فرستاده است.» ۵:۲۹ یوحنا. و «تعلیم من از من نیست بلکه از فرستنده من.» ۷:۱۶ یوحنا. و «هر که از خود سخن گوید جلال خود را طالب بود و اما هر که طالب جلال فرستنده خود باشد او صادق است و در او ناراستی نیست.» ۷:۱۸ یوحنا. و «آنکه مرا فرستاد حق است و من آنچه از او شنیده‌ام به جهان می‌گویم.» ۸:۲۶ یوحنا. و «او که مرا فرستاد با من است و پدر مرا تنها نگذاشته است زیرا که من همیشه کارهای پسندیده او را بجای آورم.» ۸:۲۹ یوحنا. و «از آنرو که من از خود نگفتم لکن پدری که مرا فرستاد بمن فرمان داد که چه بگویم و به چه چیز تکلم کنم. و می‌دانم که فرمان او حیات جاودانی است پس آنچه من می‌گویم چنانکه پدر به من گفته است تکلم می‌کنم.» ۴۹ و ۵۰:۱۲ یوحنا. و «آنکه مرا محبت ننماید کلام مرا حفظ نمی‌کند. و کلامی که می‌شنوید از من نیست. بلکه از پدری است که مرا فرستاد.» ۱۴:۲۴ یوحنا. و به خدا می‌گوید: «حیات جاودانی این است که تو را خدای واحد حقیقی و عیسی مسیح را که فرستادی بشناسند.» ۱۷:۳ یوحنا. و «اینها (شاگردان) شناخته‌اند که تو مرا فرستادی.» ۱۷:۲۵ یوحنا. در انجیل یوحنا در حدود ۳۰ بار صحبت از فرستادن مسیح است. فرستاده همان رسول خدا است که آنچه خدا به او می‌گوید او نیز همان را بدون کم و زیاد به مردم می‌گوید. همانطور که در این آیات دیدیم.

پدر و پسر

دیدیم که از شماره ۱۳ و ۳:۲۶ و شماره ۲۷ و ۴:۳۰ اعمال رسولان در ترجمه‌های قدیم و جدید انجیل دو ترجمه وجود دارد: یکی «بنده قدوس» و یکی «پسر قدوس» و آنچه قدیمی‌تر است «پسر» بوده و آنچه جدیدتر و تحقیقی‌است «بنده قدوس» می‌باشد. و دیدیم که خداوند به زبان اشعیاء می‌گوید: «اینک بنده من که او را برگزیدم و حبیب من که خاطر من از او خرسند است» ۱۸:۱۲ متی. ظاهراً این پسر همان بنده است و پدر به معنی آقا و صاحب اختیار. چون از انجیل چنین بر می‌آید. شاید پدر کلمه‌ای بوده که هم معنی پدر می‌داده هم معنی آقا و مالک و پسر کلمه‌ای بوده که هم معنی پسر می‌داده، هم معنی بنده و غلام. بیایید با هم این مطلب را در انجیل بررسی کنیم.

عیسی می‌گوید: «شما آقا خوانده مشوید زیرا استاد شما یکی است یعنی مسیح و جمیع شما برادرانید. و هیچکس را بر زمین پدر خود مخوانید زیرا پدر شما یکی است که در آسمان است. و پیشوا خوانده مشوید زیرا پیشوای شما یکی است یعنی مسیح.» ۸ تا ۱۰:۲۳ متی. آیا «هیچکس را بر زمین پدر خود مخوانید.» این معنی را می‌دهد که به پدر خود هم پدر نگویند؟ مسلماً چنین حرفی نمی‌خواهد بزند بلکه به نظر میرسد که می‌خواهد بگوید هیچکس را ارباب و مالک و سرور خود مخوانید. در صورتیکه امروز می‌بینیم بر خلاف دستور صریح عیسی بیشتر عیسویان به تقلید گذشتگان به کشیشان خود «پدر» می‌گویند.

«پس عیسی به یهودیانی که به او ایمان آوردند گفت: اگر شما در کلام من بمانید فی الحقیقه شاگرد من خواهید شد. و حق را خواهید شناخت و حق شما را آزاد خواهد کرد. بدو جواب دادند که اولاد ابراهیم می‌باشیم و هرگز هیچکس را غلام نبوده ایم... عیسی در جواب ایشان گفت آمین آمین بشما می‌گویم هر که گناه



می‌کند غلام گناه است... گفتند که پدر ما ابراهیم است. عیسی بدیشان گفت اگر اولاد ابراهیم میبودید اعمال ابراهیم را بجا می‌آوردید... شما اعمال پدر خود را بجا می‌آوردید. بدو گفتند که ما از زنا زاییده نشده ایم. یک پدر داریم که خدا باشد. عیسی گفت... شما از پدر خود ابلیس میباشید و خواهش‌های پدر خود را می‌خواهید بعمل آرید... زیرا دروغگو و پدر دروغگویان است.» ۳۱ تا ۴۴:۸ یوحنا. آیا معنی فرزند ابلیس بودن این است که از نطفه ابلیس بوجود آمده‌اند یا معنی آن این است که مطیع و بنده ابلیس هستند؟ می‌بینید که می‌گوید: «هر گه گناه می‌کند غلام گناه است.» می‌بینیم که می‌گوید «اگر اولاد ابراهیم بودید اعمال ابراهیم را بجا می‌آوردید.» فرزند بودن در این جملات معنی بنده و مطیع بودن میدهد. چون فرزند مطیع پدر است و از دستور پدر اطاعت می‌کند.

عیسی می‌گوید: «اما من به شما می‌گویم که دشمنان خود را محبت نمایید و برای لعن‌کنندگان خود برکت بطلبید و به آنانی که از شما نفرت کنند احسان کنید و به هر که به شما فحش دهد و جفا رساند دعای خیر کنید. تا پدر خود را که در آسمان است پسران شوید زیرا آفتاب خود را بر بدان و نیکان طالع می‌سازد و باران را بر عادلان و ظالمان میباراند.» ۴۴ تا ۴۵:۵ متی. می‌بینیم که پسر خدا بودن یعنی اطاعت و پیروی از روش خدا کردن. پولس می‌نویسد: «همه کسانی که از روح خدا هدایت می‌شوند ایشان پسران خداوند.» ۸:۱۴ رومیان. یوحنا می‌نویسد: «از این می‌دانیم که فرزندان خدا را محبت می‌نماییم چون خدا را محبت می‌نماییم و احکام او را بجا می‌آوریم.» ۵:۲ رساله اول یوحنا. و «ای فرزندان کسی شما را گمراه نکند. کسی که عدالت را بجا آورد عادل است چنانکه او عادل است و کسی که گناه می‌کند از ابلیس است زیرا که ابلیس از ابتدا گناهکار بوده است. و از این جهت پسر خدا ظاهر شد تا اعمال ابلیس را باطل سازد. هر که از خدا مولود شده است گناه

نمی‌کند زیرا تخم او در وی می‌ماند و او نمی‌تواند گناهکار بوده باشد. زیرا که از خدا تولد یافته است. فرزندان خدا و فرزندان ابلیس از این ظاهر میگردند. هر که عدالت را بجا نمی‌آورد از خدا نیست و همچنین هر که برادر خود را محبت نمی‌نماید.» ۷ تا ۱۰: ۳ رساله اول یوحنا. آیا اطاعت از عیسی باعث دوست داشتن مسیحیان معتقد به انجیل نمی‌شود؟ و آیا اطاعت و پیروی از نظر افراد باعث پیدا شدن اختلاف و تفرقه و نفرت بین مسیحیان نشده؟

چون می‌بینیم هر دسته از فرقه‌های مسیحی از نظر یک نفر پیروی کرده‌اند و می‌کنند به جای اینکه از متن صریح انجیل که سخنان خداوند است که به مسیح گفته شده تا به مردم بگوید پیروی کنند. راه اجرای دستورهای مسیح و مسیحی واقعی بودن بازگشت به انجیل و اطاعت از دستورها و نظرهای آن است. پولس می‌نویسد: «زنا و هر ناپاکی و طمع در میان شما هرگز مذکور هم نشود چنانکه مقدسین را می‌شاید. و نه قباح و بیهوده‌گویی و چرب‌زبانی که اینها شایسته نیست بلکه شکرگزاری. زیرا این را یقین بدانید که هیچ زانی یا ناپاک یا طماع که بت پرست باشد میراثی در ملکوت مسیح و خدا ندارد. هیچکس شما را به سخنان باطل فریب ندهد. زیرا که بسبب اینها غضب خدا بر ابنای معصیت نازل می‌شود. پس با ایشان شریک مباشید. زیرا که پیشتر ظلمت بودید لیکن الحال در خداوند نور میباشید. پس چون فرزندان نور رفتار کنید. زیرا که میوه نور در کمال نکویی و عدالت و راستی است و تحقیق نمایید که پسندیده خداوند چیست. و در اعمال بی‌ثمر ظلمت شریک مباشید بلکه آنها را مذمت کنید.» ۳ تا ۱۰: ۵ افسسیان.

پطرس می‌نویسد: «چون ابنای اطاعت هستید مشابه مشوید بدان شهواتی که در ایام جهالت می‌داشتید. بلکه مثل آن قدوس که شما را خوانده است خود شما نیز در هر سیرت مقدس باشید. زیرا مکتوب است مقدس باشید زیرا که من قدوسم. و



چون او را پدر می خوانید که بدون ظاهربینی بر حسب اعمال هر کس داوری مینماید پس هنگام غربت خود را با ترس صرف نمایید.» ۱۴ تا ۱۷: ۱ رسال اول پطرس. و یوحنا می نویسد: «اگر فهمیده اید که او عادل است پس می دانید که هر که عدالت را بجا آورد از وی تولد یافته است.» ۲: ۲۹ رساله اول یوحنا.

عیسی می گوید: «دشمنان خود را محبت نمایید و احسان کنید و بدون امید عوض قرض دهید زیرا که اجر شما عظیم خواهد بود و پسران حضرت اعلی خواهد بود. چون که او با ناسپاسان و بدکاران مهربان است.» ۳۵: ۶ لوقا. پولس می نویسد: «شما را که در خطایا مرده بودید زنده گردانید که در آنها قبل رفتار می کردید بر حسب دوره این جهان بر وفق رئیس قدرت هوی یعنی آن روحی که الحال در فرزندان معصیت عمل می کند که در میان ایشان همه ما نیز در شهوات جسمانی خود قبل از این زندگی می کردیم و هوس های جسمانی و افکار خود را بعمل می آوردیم و طبعاً فرزندان غضب بودیم چون دیگران.» ۱ تا ۳: ۲ افسسیان. آیا معنی «فرزندان معصیت» و «فرزندان غضب» غیر از «بندگان معصیت و بندگان غضب» است؟ و می نویسد: «زیرا که پیشتر ظلمت بودید لیکن الحال در خداوند نور می باشید پس چون فرزندان نور رفتار کنید. زیرا که میوه نور در کمال نیکویی و عدالت و راستی است و تحقیق نمایید که پسندیده خداوند چیست.» ۸ تا ۱۰: ۵ افسسیان. آیا «فرزندان نور» جز «بندگان و پیروان نور» معنی دیگری دارد؟ عیسی می گوید: «مادامی که نور با شما است به نور ایمان آورید تا پسران نور شوید.» ۳۵: ۱۳ یوحنا. آیا «پسران نور» معنی دیگری غیر از «پیروان نور» دارد؟ و «آقایان ناظر خائن را آفرین گفت زیرا عاقلانه کار کرد، زیرا ابنای این جهان در طبقه خویش از ابنای نور عاقل تر هستند.» ۸: ۱۶ لوقا. آیا معنی «ابنای این جهان» و «ابنای نور» غیر از «بندگان و پیروان این جهان» و «پیروان نور» است؟ پولس می نویسد:

«اعضای خود را که بر زمین است مقتول سازید. زنا و ناپاکی و هوی و هوس و شهوت قبیح و طمع که بت پرستی است که به سبب این‌ها غضب خدا بر ابنای معصیت وارد می‌آید.» ۵ و ۳:۶ کولسیان. آیا معنی «ابنای معصیت» چیزی غیر از «بندگان و پیروان شهوت و معصیت» است؟ و «هر کاری را بدون همهمه و مجادله بکنید تا بی عیب و ساده دل و فرزندان خدا بی ملامت باشید در میان قومی کج رو و گردنکش که در آن میان چون نیّرها در جهان میدرخشید.» ۱۴ و ۲:۱۵ فیلیپیان. آیا معنی «فرزندان خدا» چیزی غیر از «بندگان و مطیعان و پیروان خدا» است؟ و «دیگر گناه را بندگی نکنیم.» ۶:۶ رومیان. «آیا نمی‌دانید که اگر خویشتن را به بندگی کسی تسلیم کرده او را اطاعت نمایید شما آنکس را که او را اطاعت می‌کنید بنده هستید. خواه گناه را برای مرگ خواه اطاعت را برای عدالت. اما شکر خدا را که هر چند غلامان گناه می‌بودید لیکن الان از دل مطیع آنصورت تعلیم کرده‌اید که به آن سپرده شده‌اید و از گناه آزاد شده غلامان عدالت گشته‌اید.» ۱۶ تا ۱۸:۶ رومیان. «الحال چونکه از گناه آزاده شده و غلامان خدا گشته‌اید ثمر خود را برای قدوسیّت می‌آورید که عاقبت آن حیات جاودانی است.» ۶:۲۲ رومیان. و پطرس می‌نویسد: «ایشان را به آزادی وعده می‌دهند و حال آنکه خود غلام فساد هستند. زیرا هر چیزی که بر کسی غلبه یافته باشد او نیز غلام آن است.» ۲:۱۹ رساله دوّم پطرس.

پدر در من

عیسی می‌گوید: «تا بدانید و یقین کنید که پدر در من است و من در او.» ۱۰:۳۸ یوحنا. و «آیا باور نمی‌کنی که من در پدر هستم و پدر در من است؟ سخن‌هایی که من بشما می‌گویم از خود نمی‌گویم. لکن پدری که در من ساکن است او این اعمال را می‌کند. مرا تصدیق کنید که من در پدر هستم و پدر در من است و الا مرا به سبب



آن اعمال تصدیق کنید.» ۱۰ و ۱۴:۱۱ یوحنا. «در آن روز شما خواهید دانست که من در پدر هستم و شما در من و من در شما.» ۱۴:۲۰ یوحنا. البته می‌دانید که سه انجیل دیگر چنین حرفهایی ندارند و این حرفها فقط در انجیل یوحنا است. اما خود انجیل یوحنا نشان میدهد منظور از اینکه «پدر در من است و من در او» چیست. چون همانطور که در ۱۴:۲۰ یوحنا می‌بینیم مسیح می‌گوید: «خواهید دانست من در پدر هستم و شما در من و من در شما.» آیا منظور این است که مسیح در هر یک از مسیحیان است و هر یک از آنان شخص جسمی مسیح هستند؟ مسلماً هیچ فرد مسیحی چنین اعتقادی ندارد و «نه برای ایشان فقط سوال می‌کنم بلکه برای آنها نیز که به وسیله کلام ایشان به من ایمان خواهند آورد تا همه یک گردند چنانکه تو ای پدر در من هستی و من در تو. تا ایشان نیز در ما یک باشند تا جهان ایمان آورد که تو مرا فرستادی.» ۲۰ و ۱۷:۲۱ یوحنا. و «من در ایشان و تو در من تا در یکی کامل گردند.» ۱۷:۲۳ یوحنا. و «اسم ترا به ایشان شناسانیدم و خواهم شناسانید تا آن محبتی که بمن نموده ای در ایشان باشد و من نیز در ایشان باشم.» ۱۷:۲۶ یوحنا. و «اگر کسی مرا محبت نماید کلام مرا نگاه خواهد داشت و پدرم او را محبت خواهد نمود و به سوی او آمده نزد وی مسکن خواهیم گرفت.» ۱۴:۲۳ یوحنا. و «من تاک حقیقی هستم و پدر من باغبان است. هر شاخه در من که میوه نیاورد آن را دور می‌سازد و هر چه میوه آرد آن را پاک می‌کند تا بیشتر میوه آورد. الحال شما به سبب کلامی که به شما گفته‌ام پاک هستید. در من بمانید و من در شما. همچنانکه شاخه از خود نمی‌تواند میوه آورد اگر در تاک نماند. همچنین شما نیز اگر در من نمانید. من تاک هستم و شما شاخه‌ها. آنکه در من می‌ماند و من در او میوه بسیار می‌آورد. زیرا که جدا از من هیچ نمی‌توانید کرد. اگر کسی در من نماند مثل شاخه بیرون انداخته می‌شود و می‌خشکد و آنها را جمع کرده در آتش می‌اندازند و

سوخته می شود. اگر در من بمانید و کلام من در شما بماند آنچه خواهید بطلبید که برای شما خواهد شد. جلال پدر من آشکارا می شود به اینکه میوه بسیار بیاورید و شاگرد من بشوید. همچنانکه پدر مرا محبت نمود من نیز شما را محبت نمودم. در محبت من بمانید. اگر احکام مرا نگاه دارید در محبت من خواهید ماند. چنانکه من احکام پدر خود را نگاه داشته ام و در محبت او میمانم.» ۱ تا ۱۰: ۱۵ یوحنا. می بینیم که منظور از «من در شما میمانم.» و «شما در من میمانید.» این است که «کلام من در شما می ماند.» و «شما در محبت من میمانید و احکام مرا نگاه میدارید. همانطور که من در محبت پدر مانده ام و احکام او را نگاه داشته ام.» منظور از «پدر در من است.» یعنی «محبت پدر در من است و من احکام او را نگاه می دارم.» و منظور از «من در پدر هستم.» یعنی «من در محبت خدا هستم.» و «چون احکام او را نگاه می دارم مرا محبت مینماید.» همانطور که می گوید: «خوراک من آن است که خواهش فرستنده خود را بعمل آورم و کار او را به انجام رسانم.» ۴: ۳۴ یوحنا. و «او که مرا فرستاد با من است و پدر مرا تنها نگذاشته است. زیرا که من همیشه کارهای پسندیده او را بجا می آورم.» ۸: ۲۹ یوحنا. و «اگر شما در کلام من بمانید فی الحقیقه شاگردان من خواهید شد.» ۸: ۳۱ یوحنا. «من او را (خدا را) می شناسم... و قول او را نگاه می دارم.» ۸: ۵۵ یوحنا. پولس می نویسد: «اگر مسیح در شما است جسم به سبب گناه مرده است و اما روح به سبب عدالت حیات است.» ۸: ۱۰ رومیان. «آیا نمی دانید که هیکل خدا هستید و روح خدا در شما ساکن است.» ۳: ۱۶ قرنتیان اول. «بلکه مسیح در من زندگی می کند.» ۲: ۲۰ غلاطیان. و یوحنا می گوید: «کسی که کلام او را نگاه دارد فی الواقع محبت خدا در وی کامل شده است و از این می دانیم که در وی هستیم. هر که گوید در وی میمانم به همین طریقی که او سلوک می نمود او نیز باید سلوک نماید.» ۵ و ۲: ۶ رساله اول یوحنا. «ای جوانان به شما نوشتم از



آنجهت که توانا هستید و کلام خدا در شما ساکن است و بر شریر غلبه یافته اید.»
 ۱۴:۲ رساله اول یوحنا. و «هر که احکام او را نگاه دارد در او ساکن است و او در
 وی و از این می‌شناسیم که در ما ساکن است یعنی از آن روح که بما داده است.»
 ۲۳:۳ رساله اول یوحنا. و «اگر یکدیگر را محبت نماییم خدا در ما ساکن است.»
 ۱۲:۴ رساله اول یوحنا. و «هر که در محبت ساکن است در خدا ساکن است و خدا
 در وی.» ۱۶:۴ رساله اول یوحنا. آیا از اینها نمی‌فهمید که منظور از «خدا در مسیح
 است» و «مسیح در پدر» یعنی «محبت پدر در مسیح است» و «محبت مسیح در پدر.
 چون احکام او را بجا می‌آورد.»

آیا منظور از اینها این است که مسیح خدا است یا همه مسیحیان خدا هستند یا
 مسیح جسم همه مسیحیان است یا خدا جسم مسیح و همه مسیحیان است. فریب
 نخورید. چون انبیاء کذب و معلمین کذب زیاد بوده‌اند و می‌باشند. ۱۵:۷ متی و ۱:۲
 رساله دوم پطرس. مسیح می‌گوید: «اگر شما در کلام من بمانید فی الحقیقه شاگرد
 من خواهید شد.» ۳۱:۸ یوحنا. نه در کلام دیگران و «هر نهالی که پدر آسمانی من
 نکاشته باشد کنده شود.» ۱۳:۱۵ متی. یعنی هر دستور و نظری که از کتاب مقدس
 نیست باید از بیخ کنده و دور افکنده شود.

من و پدر یک هستیم

عیسی در شماره ۳۰:۱۰ یوحنا می‌گوید: «من و پدر یک هستیم.» و «تا همه یک
 گردند چنانکه تو ای پدر در من هستی و من در تو. تا ایشان نیز در ما یک باشند تا
 جهان ایمان آرد که تو مرا فرستادی. و من جلالی را که بمن دادی به ایشان دادم تا
 یک باشند چنانکه ما یک هستیم. من در ایشان و تو در من تا در یکی کامل گردند.»
 ۲۱ تا ۲۳:۱۷ یوحنا. آیا این یکی شدن و یکی بودن به معنی خدا شدن و خدا بودن

است؟ مسلماً مسیحیان معتقد نیستند که خدا هستند. ظاهراً منظور این یکی شدن متحد شدن در راه اجرای احکام خدا و اطاعت از کلام خدا است. پولس می نویسد: «زیرا همچنانکه در یک بدن اعضای بسیار داریم و هر عضوی را یک کار نیست همچنین ما که بسیاریم یک جسد هستیم در مسیح. اما فرداً اعضای یکدیگر.» ۴ و ۵:۱۲ رومیان. «زیرا که جمیع ما به یک روح در یک بدن تعمید یافتیم، خواه یهود خواه یونانی خواه غلام خواه آزاد و همه از یک روح نوشانیده شدیم. زیرا بدن یک عضو نیست بلکه بسیار است.» ۱۳ و ۱۴:۱۲ قرنتیان اول. و «هیچ ممکن نیست که یهود باشد یا یونانی و نه غلام و نه آزاد و نه مرد و نه زن. زیرا که همه شما در مسیح عیسی یک میباشید.» ۳:۲۸ غلاطیان. می بینیم که این طرز گفتار اختصاص به یوحنا و پولس دارد و در سه انجیل دیگر چنین سخنانی نیست. عیسی مسیح می گوید: «مراگوسفندان دیگر هست که از این آغل نیستند. باید آنها را نیز بیاورم و آواز مرا خواهند شنید و یک گله و یک شبان خواهند شد.» ۱۰:۱۶ یوحنا. و قیافا رئیس کهنه گفت: «می بایست عیسی در راه آن طائفه بمیرد... تا فرزندان خدا را که متفرقند در یکی جمع کند.» ۵۱ و ۵۲:۱۱ یوحنا.

پسر یگانه

یوحنا می نویسد: «خدا جهان را اینقدر محبت نمود که پسر یگانه خود را داد تا هر که بر او ایمان آورد هلاک نگردد بلکه حیات جاودانی یابد.» ۳:۱۶ یوحنا. و «آنکه به او ایمان آورد بر او حکم نشود. اما هر که ایمان نیاورد الان بر او حکم شده است به جهت آنکه به اسم پسر یگانه خدا ایمان نیاورده.» ۳:۱۸ یوحنا. منظور از «پسر یگانه» «پسر محبوب» است همانطور که در باره اسحق خداوند به ابراهیم گفت: «اکنون پسر خود را که یگانه تست و او را دوست میداری یعنی اسحق را



بردار و به زمین موری برو و او را در آنجا بر یکی از کوه هایی که بتو نشان می‌دهم برای قربانی سوختنی بگذران.» ۱ و ۲:۲۲ پیدایش. می‌بینیم که اسحق را «پسر یگانه» می‌خواند. در صورتیکه می‌دانیم که اسحق پسر دوم ابراهیم بود. «و ابرام هشتاد و شش ساله بود چون هاجر اسمعیل را برای ابرام آورد.» ۱۶:۱۶ پیدایش. و «خدا به ابراهیم گفت: اما زوجه تو سارای نام او را سارای مخوان بلکه نام او ساره باشد. و او را برکت خواهم داد و پسری از وی بتو خواهم بخشید... ابراهیم... در دل خود گفت: آیا برای مرد صد ساله پسری متولد شود و ساره در نود سالگی بزاید.»؟ ۱۵ تا ۱۷:۱۷ پیدایش. اصطلاح «پسر یگانه» در سه انجیل دیگر وجود ندارد بلکه «پسر حبیب من» یعنی «پسر محبوب من» وجود دارد همانگونه که خداوند می‌گوید: «این است پسر حبیب من که از او خوشنودم.» ۱۷:۳ متی. و «آوازی از آسمان در رسید که تو پسر حبیب من هستی که از تو خوشنودم.» ۱۱:۱ مرقس. و «آوازی از آسمان در رسید که تو پسر حبیب من هستی که بتو خوشنودم.» ۲۲:۳ لوقا.

عبادت عیسی

«چون مردم را روانه نمود به خلوت برای عبادت بر فراز کوهی بر آمد و وقت شام در آنجا تنها بود.» ۲۳:۱۴ متی. و «چون ایشان را مرخص نمود به جهت عبادت به فراز کوهی برآمد.» ۴۵:۶ مرقس. و «چون به موضعی که جتسیمانی نام داشت رسیدند به شاگردان خود گفت در اینجا بنشینید تا دعا کنم.» ۳۲:۱۴ مرقس. و «قدری پیش رفته به روی بر زمین افتاد و دعا کرد تا اگر ممکن باشد آن ساعت از او بگذرد.» ۳۵:۱۴ مرقس. «باز رفته به همان کلام دعا نمود.» ۳۹:۱۴ مرقس. و «او به ویرانه‌ها عزلت جسته به عبادت مشغول شد.» ۱۶:۵ لوقا. و «در آن روزها بر فراز

کوه برآمد تا عبادت کند و آن شب را در عبادت خدا به صبح آورد. « ۱۲: ۶ لوقا. و «از این کلام قریب به هشت روز گذشته بود که پطرس و یوحنا و یعقوب را برداشته بر فراز کوهی بر آمد تا دعا کند. و چون دعا می کرد هیأت چهره او متبدل گشت و لباس او سفید و درخشان شد.» ۲۸ و ۲۹: ۹ لوقا. و «به ایشان گفت دعا کنید تا در امتحان نیفتید. و او از ایشان به مسافت پرتاب سنگی دور شده به زانو در آمد و دعا کرده گفت: ای پدر اگر بخواهی این پیاله را از من بگردان لیکن نه به خواهش من بلکه به اراده تو.» ۴۰ تا ۴۲: ۲۲ لوقا. و «پس به مجاهده افتاده به سعی بلیغ تر دعا کرد چنانکه عرق او مثل قطرات خون بود که بر زمین میریخت.» ۴۴: ۲۲ لوقا. و «نزدیک به ساعت نهم عیسی به آواز بلند صدا زده گفت: ایلی ایلی لَمَا سَبَقْتَنِي یعنی الهی الهی مرا چرا ترک کردی؟» ۴۶: ۲۷ متی. و «بامدادان قبل از صبح برخاسته بیرون رفت و به ویرانه ای رسیده در آنجا به دعا مشغول شد.» ۳۵: ۱ مرقس. و «در ساعت نهم عیسی به آواز بلند ندا کرده گفت: ایلوئی ایلوئی لَمَا سَبَقْتَنِي یعنی الهی الهی چرا مرا واگذاردی؟» عیسی بنده خدا بود نه خدا و خدا را عبادت (بندگی و خدمت) می کرد. آیا خدا در مقابل خود بخاک می افتد یا از او تقاضا می کند؟

عیسی مسیح پیرو تورات موسی بود

می دانیم مسیح پیرو تورات بود و قانون جدیدی نیاورد و فقط گفت احکام مشایخ جزو دین نیست و نظر افراد است. احکام دین چیزهایی است که خداوند گفته و در کتاب مقدس وجود دارد. و بعضی احکام را سخت تر کرد. و انسانی مثل انسان های دیگر بود با خصوصیات برجسته تری.

عیسی مسیح گفت: «گمان مبرید که آمده ام تا تورات یا صحف انبیاء را باطل سازم. نیامده ام تا باطل نمایم بلکه تا تمام کنم. زیرا هر آینه به شما می گویم تا آسمان



و زمین زایل نشود همزه ای یا نقطه ای از تورات هرگز زایل نخواهد شد تا همه واقع شود. پس هر کس یکی از این احکام کوچکترین را بشکند و چنین تعلیم دهد در ملکوت آسمان کمترین شمرده شود. اما هر که به عمل آورد و تعلیم نماید او در ملکوت آسمان بزرگ خوانده خواهد شد. زیرا به شما می‌گویم تا عدالت شما بر عدالت کاتبان و فریسیان افزون نشود به ملکوت آسمان هرگز داخل نخواهید شد.»

۱۷ تا ۲۰: ۵ متی. می‌بینیم که نیامده تا احکام تورات را باطل نماید. و می‌گوید: «آسان‌تر است که آسمان و زمین زایل شود از آنکه نقطه ای از تورات ساقط گردد.»

۱۶: ۱۷ لوقا. و در شماره ۲۱ تا ۴۸: ۵ متی احکام تورات را سخت‌تر می‌کند و می‌گوید: «شنیده‌اید که به اولین گفته شده است قتل مکن و هر که قتل کند سزاوار حکم شود. لیکن من به شما می‌گویم هر که به برادر خود بی سبب خشم گیرد مستوجب حکم باشد و هر که برادر خود را راقا گوید مستوجب قصاص باشد و هر که احمق گوید مستحق آتش جهنم بود... شنیده‌اید که به اولین گفته شده است زنا مکن. لیکن من به شما می‌گویم هر کس به زنی نظر شهوت اندازد هماندم در دل خود با او زنا کرده است... گفته شده است هر که از زن خود مفارقت جوید طلاق نامه ای بدو بدهد. لیکن من به شما می‌گویم هر کس به غیر علت زنا زن خود را از خود جدا کند باعث زنا کردن او می‌باشد و هر که زن مطلقه را نکاح کند زنا کرده باشد. باز شنیده‌اید که به اولین گفته شده است قسم دروغ مخور بلکه قسم‌های خود را به خداوند وفا کن. لیکن من به شما می‌گویم هرگز قسم مخورید نه به آسمان زیرا که عرش خداست و نه به زمین زیرا که پای انداز او است و نه به اورشلیم زیرا که شهر پادشاه عظیم است و نه به سر خود قسم یاد کن زیرا که مویی سفید یا سیاه نمی‌توانی کرد. بلکه سخن شما بلی بلی و نی نی باشد زیرا که بیش از این از شریر است. شنیده‌اید که گفته شده است چشمی به چشمی و دندانی به دندانی. لیکن من

بشما می‌گویم با شریر مقاومت نکنید بلکه هر که به رخساره راست تو طپانچه زند دیگری را به سوی او برگردان... شنیده‌اید که گفته شده است همسایه خود را محبت نما و با دشمن خود عداوت کن. اما من به شما می‌گویم که دشمنان خود را محبت نمایید و برای لعن کنندگان خود برکت بطلبید و به آنانی که از شما نفرت کنند احسان کنید. و به هر که به شما فحش دهد و جفا رساند دعای خیر کنید تا پدر خود را که در آسمان است پسران شوید.» ۲۱ تا ۴۵:۵ متی. می‌بینیم که احکام تورات را سخت‌تر کرده است ولی احکام مشایخ را باطل اعلام می‌کند همانطور که می‌گوید: «شما نیز با تقلید خویش چرا از حکم خدا تجاوز می‌کنید... پس با تقلید خود حکم خدا را باطل نموده‌اید. ای ریاکاران اشعیاء در باره شما نیکو نبوت نموده است که گفت: این قوم با زبانهای خود به من تقرب می‌جویند و بالبهای خویش مرا تمجید مینمایند لیکن دلشان از من دور است. پس عبادت مرا عبث می‌کنند زیرا که احکام مردم را به منزله فرایض تعلیم می‌دهند... هر نهالی که پدر آسمانی من نکاشته باشد کنده شود.» ۳ تا ۱۳:۱۵ متی. و «نیکو اخبار نمود اشعیاء در باره شما ای ریاکاران چنانکه مکتوب است. این قوم بالبهای خود مرا حرمت میدارند لیکن دلشان از من دور است. پس مرا عبث عبادت مینمایند زیرا که رسوم انسانی را بجای فرایض تعلیم می‌دهند... حکم خدا را نیکو باطل ساخته‌اید تا تقلید خود را محکم بدارید... کلام خدا را با تقلیدی که خود جاری ساخته‌اید باطل میسازید.» ۶ تا ۱۳:۷ مرقس. و «وای بر شما ای فقهاء زیرا کلید معرفت را برداشته‌اید که خود داخل نمی‌شوید و داخل شوندگان را هم مانع می‌شوید.» ۱۱:۵۲ لوقا. «وای بر شما ای کاتبان و فریسیان ریاکار که در ملکوت آسمان را به روی مردم می‌بندید زیرا خود داخل آن نمی‌شوید و داخل شوندگان را از دخول مانع می‌شوید.» ۱۳:۲۳ متی. می‌بینیم که تقلید از مشایخ را باطل می‌داند.



عیسی مسیح انسان و پسر انسان بود

دیدیم که عیسی مسیح بنده و پسر محبوب و پسر انسان بود. مسیح انسان و پسر انسان بود. چون مثل هر انسانی غذا می خورد. همانطور که نوشته شده: «چون او در خانه به غذا نشست به جمعیت از باجگیران و گناهکاران آمده با عیسی و شاگردانش بنشستند. و فریسیان چون دیدند به شاگردان او گفتند چرا استاد شما با باجگیران و گناهکاران غذا می خورد؟» ۱۰ و ۹:۱۱ متی. عیسی مسیح زهد فروشی نمی کرد و دیرنشینی نمی نمود و غذا هم می خورد و زیاد هم می خورد همانطور که خودش می گوید: «پسر انسان آمد که می خورد و می نوشد می گویند اینک مردی پرخور و میگسار و دوست باجگیران و گناهکاران است.» ۱۹:۱۱ متی. و «پسر انسان آمد که می خورد و می آشامد می گویند اینک مردی است پرخور و باده پرست و دوست باجگیران و گناهکاران.» ۷:۳۴ لوقا. مثل بسیاری از مردم متعجب هم می شد همانطور که مکتوب است. «چون عیسی وارد کفرناحوم شد یوزباشی نزد وی آمد و بدو التماس نموده گفت ای خداوند خادم من مفلوج در خانه خوابیده و بشدت متألم است. عیسی بدو گفت من آمده ام و را شفا خواهم داد. یوزباشی در جواب گفت خداوند لایق آن نیستم که زیر سقف من آیی بلکه فقط سخنی بگو و خادم من صحت خواهد یافت. زیرا من نیز مردی زیر حکم هستم و سپاهیان را زیر دست خود دارم چون به یکی گویم برو میرود و به دیگری بیا می آید و به غلام خود فلان کار را بکن می کند. عیسی چون این سخن را شنید متعجب شده به همراهان خود گفت هر آینه به شما می گویم که چنین ایمانی در اسرائیل هم نیافته ام.» ۵ تا ۱۰:۸ متی. و می گوید: «نشستن به دست راست و چپ من از آن من نیست که بدهم مگر به کسانی که از جانب پدرم برای ایشان مهیا شده است.» ۲۳:۲۰ متی.

عیسی مسیح گرسنه هم می شد همانطور که شماره ۱۸ و ۱۹:۲۱ متی می گوید:

«بامدادان چون به شهر مراجعت می‌کرد گرسنه شد و در کناره راه یک درخت انجیر دیده نزد آن آمد و جز برگ بر آن هیچ نیافت پس آن را گفت از این به بعد میوه تا ابد بر تو نشود که در ساعت درخت انجیر خشکید.» و «بامدادان چون از بیت عنیا بیرون می‌آمدند گرسنه شد. ناگاه درخت انجیری که برگ داشت از دور دیده آمد تا شاید چیزی بر آن بیابد. اما چون نزد آن رسید جز برگ بر آن هیچ نیافت.» ۱۱:۱۲ مرقس. می‌بینیم که غیر از اینکه گرسنه می‌شد نمی‌دانست که درخت انجیر، انجیر ندارد و «چون نزد آن رسید جز برگ بر آن هیچ نیافت.»

عیسی مسیح تشنه هم می‌شد. همانطور که در بالای صلیب «چون عیسی دید که همه چیز به انجام رسیده است تا کتاب تمام شود گفت تشنه ام.» ۱۹:۲۸ یوحنا. عصبانی و غضبناک هم می‌شد. همانطور که ۳:۵ مرقس می‌گوید: «چشمان خود را بر ایشان با غضب گردانیده زیرا که از سنگ دلی ایشان محزون بود به آن مرد گفت دست خود را دراز کن پس دراز کرده و دستش صحیح گشت.» و «چون عیسی این را بدید خشم نموده بدیشان گفت بگذارید که بچه‌های کوچک نزد من آیند و ایشان را مانع نشوید.» ۱۰:۱۴ مرقس. و «ناگاه زنی که مدت دوازده سال به مرض استحاضه مبتلا بود... از پشت سر وی آمده دامن ردای او را لمس نمود که در ساعت جریان خورش ایستاد. پس عیسی گفت کیست که مرا لمس نمود؟... چون آن زن دید که نمی‌تواند پنهان ماند لرزان شده آمد و نزد وی افتاده پیش همه مردم گفت که به چه سبب او را لمس نموده و چگونه فوراً شفا یافت.» ۴۳ تا ۴۷:۸ لوقا. می‌بینیم که نمی‌دانست چه کسی دامن ردای او را لمس کرده چون گفت «کیست که مرا لمس نموده؟» البته میدانست که یهودای اسخریوطی او را تسلیم خواهد کرد. «چون وقت شام رسید با آن دوازه بنشست. و وقتی که ایشان غذا می‌خوردند او گفت هر آینه به شما می‌گویم که یکی از شما مرا تسلیم می‌کند.» ۲۰ و ۲۶:۲۱ متی.



و «چون به موضعی که جتسیمانی نام داشت رسیدند به شاگردان خود گفت در اینجا بنشینید تا دعا کنم. و پطرس و یعقوب و یوحنا را همراه برداشته مضطرب و دلتنگ گردید و بدیشان گفت نفس من از حزن مشرف بر موت است اینجا بمانید و بیدار باشید.» ۳۲ تا ۳۴:۱۴ مرقس. می بینیم که صحبت از اضطراب و دلتنگی و حزن عیسی تا سر حد مرگ در میان است مثل همه انسان ها. و «مریم چون بجایی که عیسی بود رسید او را دیده بر قدم های او افتاد و بدو گفت ای آقا اگر در اینجا میبودی برادرم (ایلعازر) نمی مرد. عیسی چون او را گریان دید و یهودیانی را هم که با او آمده بودند گریان یافت در روح خود به شدت مکدر شده مضطرب گشت و گفت او را کجا گذارده اید؟ به او گفتند ای آقا بیا و بین عیسی بگریست.» ۳۲ تا ۳۵:۱۱ یوحنا. می بینیم که عیسی مثل همه انسان ها از گریه دیگران «بشدت مکدر شده مضطرب گشت.» و «گریست» و می بینم که نمی دانست او را کجا گذاشته اند چون از آنها پرسید «او را کجا گذارده اید؟» می بینیم که عیسی انسان بود و مطابق هر چهار انجیل حتی او را بدار زدند. و در مقابل خدا به خاک می افتاد و دعا می کرد.

توبه کنید

عیسی مسیح می گوید: «نیامده ام تا عادلان را بلکه گناهکاران را به توبه دعوت نمایم.» ۹:۱۳ متی. یحیی نیز «چون بسیاری از فریسیان و صدوقیان را دید که به جهت تعمیم وی می آیند بدیشان گفت: ای افعی زادگان که شما را اعلام کرد که از غضب آینده بگریزید؟ اکنون ثمره شایسته توبه بیاورید. و این سخن را بخاطر خود راه ندهید که پدر ما ابراهیم است زیرا بشما می گویم خدا قادر است که از این سنگها فرزندان برای ابراهیم برانگیزاند.» ۷ تا ۹:۳ متی. پطرس می نویسد: «لهمذا هر نوع کینه و هر مکر و ریا و حسد و هر قسم بدگویی را ترک کرده چون اطفال نوزاد،

مشتاق شیر روحانی و بیغش باشید تا از آن برای نجات نمو کنید.» ۱ و ۲:۲ رساله اول پطرس. یعقوب می نویسد: «اگر کسی گوید ایمان دارم وقتی که عمل ندارد آیا ایمان می تواند او را نجات بخشد؟... همچنین ایمان نیز اگر اعمال ندارد در خود مرده است... ایمان بدون اعمال باطل است.» ۱۴ تا ۲:۲۱ رساله یعقوب. و «عیسی شروع به موعظه کرد و گفت توبه کنید زیرا ملکوت آسمان نزدیک است.» ۴:۱۷ متی. کلمه توبه در انجیل متی لا اقل ۷ بار و در انجیل مرقس ۴ بار و در انجیل لوقا ۱۰ بار آمده است.

درست توجه کنید که عیسی می گوید: «هر نهالی که پدر آسمانی من نکاشته باشد کهنه شود.» ۱۳:۱۵ متی. و «ای ریاکاران اشعیاء در باره شما نیکو نبوت نموده است که گفت: این قوم با زبانهای خود به من تقرب میجویند و با لبهای خویش مرا تمجید مینمایند لیکن دلشان از من دور است، پس عبادت مرا عبث می کنند زیرا احکام مردم را به منزله فرایض تعلیم می دهند.» ۷ تا ۹:۱۵ متی. و «شما نیز با تقلید خویش از حکم خدا چرا تجاوز می کنید؟» ۳:۱۵ متی. متوجه باشید که عیسی گفت: «زناهار کسی شما را گمراه نکند. زانرو که بسا به نام من آمده خواهند گفت که من مسیح هستم و بسیاری را گمراه خواهند کرد.» ۴ و ۵:۲۴ متی. و «از انبیای کذب احتراز کنید که به لباس میش ها نزد شما می آیند ولی در باطن گرگان درنده می باشند.» ۱۵:۷ متی.

از راهنمایی های مسیح پیروی کنید. چون مسیح گفت: «آنکه مرا محبت ننماید کلام مرا حفظ نمی کنند و کلامی که می شنوید از من نیست بلکه از پدری است که مرا فرستاد.» ۲۴:۱۴ یوحنا. و «من از خود نگفتم. لکن پدری که مرا فرستاد به من فرمان داد که چه بگویم و بچه چیز تکلم کنم.» ۴۹:۱۲ یوحنا. «تعلیم من از من



نیست بلکه از فرستنده من.» ۷:۱۶ یوحنا.

مسیحی واقعی باشید و از تعالیم عیسی مسیح که در انجیل است پیروی کنید نه از دیگران.

«خدایی دیگر جز یکی نیست.» و «ما را یک خدا است یعنی پدر.» ۴ و ۸:۶
قرنتیان اول.



۲۰

مسیحیت واقعی

نیامده‌ام تا عادلان را بلکه گناهکاران را به توبه دعوت نمایم.

انجیل متی ۹:۱۳

اگر شما در کلام من بمانید فی الحقیقه شاگرد من خواهید شد.

انجیل یوحنا ۸:۳۱

سخنان طلایی

مسیحی واقعی احکام مسیح را حفظ می‌کند و بکار می‌بندد و می‌داند که سخنان مسیح در انجیل وجود دارد. مسیحی واقعی انجیل را می‌خواند و احکام و عقاید صحیح تعالیم مسیح را می‌شناسد و دارای آن عقاید است و مجری آن احکام. مسیحی واقعی این سخنان طلایی را همیشه در خاطر دارد و مطابق آن عمل می‌کند. سخنان طلایی عبارتند از:

«نه هر که مرا خداوند خداوند گوید داخل ملکوت آسمان گردد، بلکه آنکه اراده

پدر مرا که در آسمان است بجا آورد.» ۷:۲۱ متی .

«نیامده‌ام تا عادلان را بلکه گناهکاران را به توبه دعوت نمایم.» ۹:۱۳ متی .
 «هر نهالی که پدر آسمانی من نکاشته باشد کهنه شود.» ۱۳:۱۵ متی .
 «ای بدکاران از من دور شوید.» ۲۳:۷ متی . و ۲۷:۱۳ لوقا .
 «این قوم به زبانهای خود بمن تقرب میجویند و به لب‌های خویش مرا تمجید می‌کنند، لیکن دلشان از من دور است.» ۸:۱۵ متی .
 «(این قوم) عبادت مرا عبث می‌کنند زیرا احکام مردم را بمنزله فرایض تعلیم می‌دهند.» ۹:۱۵ متی .
 «از انبیای کذب (دروغگو) احتراز کنید که به لباس میش‌ها نزد شما می‌آیند ولی در باطن گرگان درنده می‌باشند.» ۱۵:۷ متی .
 «ایمان بدون عمل باطل است.» و «ایمان اگر عمل ندارد در خود مرده است.» ۱۷ و ۲۰:۲ رساله یعقوب .
 مسیحی واقعی می‌داند که کسانی که «احکام مردم را بمنزله فرایض تعلیم می‌دهند.» و دستور «هر نهالی که پدر آسمانی من نکاشته باشد کهنه شود.» را اجرا نمی‌کنند از انبیای کذب هستند و از سخنان و تعالیم مسیح پیروی نمی‌کنند .

مسیحی حقیقی

مسیح چه خدا باشد چه پسر خدا چه پیامبری مثل موسی می‌گوید: «نه هر که مرا خداوند خداوند گوید داخل ملکوت آسمان گردد بلکه آنکس که اراد پدر مرا که در آسمان است بجا آورد * بسا در آن روز (روز رستاخیز. روز قضاوت) مرا خواهند گفت خداوندا خداوندا آیا بنام تو نبوت نمودیم و به اسم تو دیوها را اخراج نکردیم (بیماران را شفا ندادیم) و بنام تو معجزات بسیار ظاهر نساختم؟ * آنگاه بایشان صریحاً خواهیم گفت که هرگز شما را نساختم. ای بدکاران از من دور شوید * پس

هر که این سخنان را بشنود و آنها را بجا آورد او را بمردی دانا تشبیه می‌کنم که خانه خود را بر سنگ بنا کرد * و باران باریده سیلاب‌ها روان گردید و بادهای وزیده بدانخانه زور آورد شد و خراب نگردید زیرا بر سنگ بنا شده بود. * و هر که این سخنان را شنیده به آنها عمل نکرد بمردی نادان ماند که خانه خود را بر ریگ بنا نهاد * و باران باریده سیلاب‌ها جاری شد و بادهای وزیده بدانخانه زور آورد و خراب گردید و خرابی آن عظیم بود.» ۲۷ - ۲۱:۷ متی. منظور از این سخنان که مسیح می‌گوید موعظه بر سر کوه، باب پنجم تا هفتم انجیل متی است.

می‌بینیم که عیسی مسیح کسی را که به او «خداوند خداوند» می‌گوید حتی اگر «بنام او» «نبوت کند» و به اسم او «دیوها را اخراج کند» و بنام او «معجزات بسیار ظاهر سازد» در صورتیکه آدم «بدکاری» باشد مسیحی نمی‌شناسد. عیسی مسیح کسی را مسیحی می‌شناسد که «سخنان او» (موعظه بر سر کوه: باب پنجم تا هفتم متی) را بشنود و آنها را بجا آورد.» و «اراده پدر مسیح را که در آسمان است بجا آورد.»

عیسی مسیح در شماره ۴۶ تا ۴۹ باب ۶ لوقا می‌گوید: «چون است که مرا خداوندا خداوندا می‌گویند و آنچه می‌گویم بعمل نمی‌آورید * هر که نزد من آید و سخنان مرا بشنود و آنها را بجا آورد بشما نشان می‌دهم که به چه کس مشابهت دارد * مثل شخصی است که خانه می‌ساخت و زمین را کنده گود نمود و بنیادش را بر سنگ نهاد. پس چون سیلاب آمده سیل بر آنخانه زور آورد نتوانست آن را جنبش دهد زیرا که بر سنگ بنا شده بود * لیکن هر که شنید و عمل نیاورد مانند شخصی است که خانه بر روی زمین بی بنیاد بنا کرد که چون سیل بر آن صدمه زد فوراً افتاد و خرابی آن خانه عظیم بود.»

می‌بینیم از نظر مسیح کسی که به او «خداوندا خداوندا می‌گوید ولی آنچه او



می‌گوید بعمل نمی‌آورد.» مثل کسی است که «خانه بر زمین بی بنیاد بنا کرده است.» و سیل آن را خراب می‌کند و «خرابی آن عظیم خواهد بود.» و در روز قضاوت پاداش خوبی نخواهد داشت. سخنان مسیح را در باب ۵ متی از شماره ۲۰ به بعد بخوانید.

عیسی مسیح در شماره ۴۸ تا ۵۰ باب ۱۲ متی در جواب کسی که به او می‌گوید: «مادر تو و برادرانت بیرون ایستاده می‌خواهند با تو سخن گویند.» ۱۲:۴۷ متی.

می‌گوید: «کیست مادر من * و برادرانم کیانند؟ * و دست خود را بسوی شاگردان خود دراز کرده گفت اینانند مادر من و برادرانم زیرا هر که اراده پدر مرا که در آسمان است بجا آورد همان برادر و خواهر و مادر من است.» شماره ۲۰ و ۲۱ باب ۸ لوقا

می‌گوید: «پس او را (به مسیح) خبر داده گفتند مادر و برادرانت بیرون ایستاده می‌خواهند تو را ببینند * در جواب ایشان گفت مادر و برادران من اینانند که کلام خدا را شنیده آن را بجا آورند.» می‌بینیم که مسیح کسی را مادر و برادر خود می‌داند که «کلام خدا را شنیده آن را بجا آورد.» و در شماره ۳۲ تا ۳۵ مرقس می‌گوید: «آنگاه جماعت گرد او نشسته بودند و بوی گفتند اینک مادرت و برادرانت بیرون تو را می‌طلبند * در جواب ایشان گفت: کیست مادر و برادرانم کیانند * پس بر آنانی که گرد وی نشسته بودند نظر افکنده گفت اینانند مادر و برادرانم * زیرا هر که اراده خدا را بجا آورد همان برادر و خواهر و مادر من است.» می‌بینیم که از نظر مسیح کسی برادر و خواهر او است که «اراده خدا» یعنی احکام انجیل را انجام دهد نه هر که او را زبانی خداوند خداوند بگوید.

عمل به احکام

مسیحی واقعی کسی است که احکام خدا را حفظ و اطاعت می‌کند چون در شماره ۲۷ و ۲۸ باب ۱۱ لوقا می‌گوید: «زنی از آن میان به آواز بلند وی را (به مسیح)

گفت: خوشا بحال آن رَجَمی که تو را حمل کرد و پستان هایی که مکیدی * لیکن او (مسیح) گفت: بلکه خوشا بحال آنانی که کلام خدا را می شنوند و آن را حفظ می کنند.» لذا مسیحی واقعی کلام خدا را می شنود و آن را حفظ می کند.

مسیح در شماره ۸:۳۱ یوحنا «به یهودیانی که به او ایمان آوردند گفت: اگر شما در کلام من بمانید فی الحقیقه شاگرد من خواهید شد.» لذا شاگرد مسیح در کلام او می ماند. مسیح در شماره ۸:۵۱ یوحنا می گوید: «آمین آمین بشما می گویم: اگر کسی کلام مرا حفظ کند موت را تا به ابد نخواهد دید.» و در شماره ۱۴:۱۵ یوحنا می گوید: «اگر مرا دوست دارید احکام مرا نگاه دارید.» پس دوست داشتن مسیح گفتن اینکه مسیح خداوند ما است نیست بلکه حفظ و اطاعت از احکام او است. و در شماره ۱۴:۲۱ یوحنا می گوید: «هر که احکام مرا دارد و آنها را حفظ کند آن است که مرا محبت مینماید و آنکه مرا محبت مینماید پدر من او را محبت خواهد نمود و من او را محبت خواهم نمود و خود را به او ظاهر خواهم ساخت.» می بینیم که دوست داشتن مسیح حفظ و اطاعت از احکام او است. مسیح در شماره ۲۴ و ۱۴:۲۳ یوحنا می گوید: «اگر کسی مرا محبت نماید کلام مرا نگاه خواهد داشت و پدرم او را محبت خواهد نمود و بسوی او آمده نزد وی مسکن خواهیم گرفت.» و آنکه مرا محبت ننماید کلام مرا حفظ (اطاعت) نمی کند.» پس کسی که از آنچه مسیح می گوید اطاعت نکند معلوم می شود که مسیح را دوست ندارد. مسیح در شماره ۱۵:۱۰ یوحنا می گوید: «اگر احکام مرا نگاه دارید در محبت من خواهید ماند چنانکه من احکام پدر خود را نگاه داشته ام و در محبت او میمانم.» و در شماره ۱۴:۱۵ یوحنا می گوید: «شما دوست من هستید اگر آنچه بشما حکم می کنم بجا آرید.» پس دوست مسیح کسی است که از احکام او اطاعت کند نه هر که او را خداوند خداوند گوید.



مسیحیان اولیه که سخنانشان ضمیمه اناجیل است نیز همین اعتقاد را داشتند چون پولس در شماره ۱۹:۷ رساله اول خود به قرن‌تیان می‌نویسد: «ختنه چیزی نیست و نامختونی هیچ بلکه نگاه داشتن امرهای خدا.» و در شماره ۵:۶ غلاطیان می‌نویسد: «در مسیح عیسی نه ختنه فایده دارد و نه نامختونی بلکه ایمانی که به محبت عمل می‌کند.» و در شماره ۷ و ۸ باب اول تسالوکیان می‌نویسد: «هنگامی که عیسی خداوند از آسمان با فرشتگان قوت خود در آتش مشتعل ظهور خواهد نمود و از آنانی که خدا را نمی‌شناسند و از انجیل خداوند ما عیسی مسیح اطاعت نمی‌کنند انتقام خواهد کشید.»

یعقوب در شماره ۲۲ باب اول رساله خود می‌نویسد: «کنندگان کلام باشید نه فقط شنوندگان که خود را فریب می‌دهند.» و در شماره ۱۴ تا ۲۱:۲ یعقوب می‌نویسد: «ای برادران من چه سود دارد اگر کسی گوید ایمان دارم وقتی که عمل ندارد؟ آیا ایمان می‌تواند او را نجات بخشد؟... همچنین ایمان نیز اگر عمل ندارد در خود مرده است... ای مرد باطل آیا می‌خواهی دانستی که ایمان بدون اعمال باطل است؟ آیا پدر ما ابراهیم به اعمال عادل شمرده نشد وقتی که پسر خود اسحق را به قربانگاه گذرانید؟»

پطرس در شماره ۸:۲ رساله اول خود می‌نویسد: «زیرا که اطاعت کلام نکرده لغزش می‌خورند که برای همین معین شده‌اند.»

یوحنا در شماره ۳ تا ۵:۲ رساله اول خود می‌نویسد: «از این می‌دانیم که او را (مسیح را) می‌شناسیم اگر احکام او را نگاه داریم * کسی که می‌گوید او را می‌شناسم و احکام او را نگاه ندارد دروغگو است و در وی راستی نیست. لکن کسی که کلام او را نگاه دارد فی الواقع محبت خدا در وی کامل است و از این می‌دانیم که در وی هستیم.» به شماره ۲۲:۳ رساله اول یوحنا نیز مراجعه شود.

اراده خدا

عیسی مسیح در شماره ۷:۲۱ متی می گوید: «نه هر که مرا خداوند خداوند گوید داخل ملکوت آسمان گردد، بلکه آنکه اراده پدر مرا که در آسمان است بجا آورد.» و در شماره ۱۲:۵۰ متی می گوید: «هر که اراده پدر مرا که در آسمان است بجا آورد همان برادر و خواهر و مادر من است.» شماره ۳:۳۵ مرقس را هم ببینید. و در شماره ۴:۴ متی در جواب شیطان می گوید: «انسان نه محض نان زیست می کند بلکه بهر کلمه ای که از دهان خدا صادر گردد.» شماره ۴:۴ لوقا را هم ببینید. و در شماره ۴:۳۴ یوحنا می گوید: «خوراک من آن است که خواهش فرستنده خود را بعمل آورم و کار او را بانجام رسانم.» و در شماره ۵:۲۹ یوحنا می گوید: «من از خود هیچ نمی توانم کرد بلکه چنانکه شنیده ام داوری می کنم و داوری من عادل است که اراده خود را طالب نیستم بلکه اراده پدری که مرا فرستاد.» و در شماره ۶:۳۸ یوحنا می گوید: «از آسمان نزول کردم نه تا به اراده خود عمل کنم بلکه به اراده فرستنده خود.» و در شماره ۲۶ و ۲۸ و ۸:۲۹ یوحنا می گوید: «آنکه مرا فرستاد حق است و من آنچه از او شنیده ام بجهان می گویم.» ، «به آنچه پدرم مرا تعلیم داد تکلم می کنم.» و «من همیشه کارهای پسندیده او را بجا می آورم.» و در شماره ۸:۵۵ یوحنا می گوید: «شما او را (خدا را) نمی شناسید. اما من او را می شناسم. اگر گویم او را نمی شناسم مثل شما دروغگو می باشم لیکن او را می شناسم و قول او را نگاه می دارم.» و در شماره ۵۰ و ۱۲:۴۹ یوحنا می گوید: «من از خود نگفتم. لکن پدری که مرا فرستاد بمن فرمان داد که چه بگویم و به چه چیز تکلم کنم و می دانم که فرمان او حیات جاودانی است پس آنچه من می گویم چنانکه پدر بمن گفته است تکلم می کنم.» و در شماره ۱۰ و ۱۴:۲۴ یوحنا می گوید: «سخن هایی که من بشما می گویم از خود نمی گویم، لکن پدری که در من ساکن است او



این اعمال را می‌کند.» و «آنکه مرا محبت ننماید کلام مرا حفظ نمی‌کند و کلامی که می‌شنوید از من نیست بلکه از پدری است که مرا فرستاد.» و در شماره ۱۵: ۱۵ یوحنا می‌گوید: «شما را دوست خوانده‌ام زیرا هر چه از پدر شنیده‌ام بشما بیان کردم.» و در شماره ۸: ۱۷ یوحنا می‌گوید: «اسم تو را به آن مردمانی که از جهان بمن عطا کردی ظاهر ساختم. آنها از آن تو بودند و ایشان را به من دادی و کلام تو را نگاه داشتند و الان دانستند آنچه بمن داده ای از نزد تو می‌باشد. زیرا کلامی را که بمن سپردی به ایشان سپردم و ایشان قبول کردند.»

در این سخنان می‌بینیم که عیسی مسیح می‌گوید: «کسی داخل ملکوت آسمان می‌شود که اراده پدر را که در آسمان است بجا آورد.» ۲۱: ۷ متی را ببینید. و اراده پدر در کلمات پدر ظاهر می‌شود و آنچه مسیح می‌گوید از خود او نیست بلکه آنچه پدر به او گفته می‌گوید و سخنان خدا و احکام و اراده او را بیان می‌کند. البته در انجیل یوحنا از احکام خدا چیزی نمی‌بینیم جز اینکه می‌گوید: «حکم من این است که یکدیگر را محبت نمایید.» ۱۲: ۱۵ یوحنا. اما تعالیم مسیح را که خداوند به او گفته در سه انجیل دیگر می‌بینیم.

عیسی مسیح در شماره ۱۹ و ۲۰: ۲۸ متی به شاگردان خود می‌گوید: «پس رفته همه امت‌ها را شاگرد سازید و ایشان را به اسم اب و ابن و روح القدس تعمید دهید. و ایشان را تعلیم دهید که همه اموری را که بشما حکم کرده‌ام حفظ کنید.» و در شماره ۱۵ و ۱۶: ۱۶ مرقس می‌گوید: «در تمام عالم بروید و جمیع خلائق را به انجیل موعظه کنید هر که ایمان آورده تعمید یابد نجات یابد، اما هر که ایمان نیاورد بر او حکم خواهد شد.» لذا مسیحی واقعی مردم را با انجیل موعظه می‌کند نه با چیز دیگر. چون عیسی مسیح در شماره ۳۴: ۳ یوحنا می‌گوید: «آن کسی را که خدا فرستاد به کلام خدا تکلم مینماید.» نه به چیز دیگر.

هدف احکام

هدف عیسی مسیح و فرستنده او یعنی خدا این است که مردم درستکار و عادل باشند و وظیفه خود را در قبال دیگران بخوبی انجام دهند و حقوق دیگران را رعایت کنند و بحقوق دیگران تجاوز نکنند.

مسیح در شماره ۶ و ۱۰ و ۲۰:۵ متی می گوید: «خوشا بحال گرسنگان و تشنگان عدالت زیرا ایشان سیر خواهند شد.» «خوشا بحال زحمت کشان برای عدالت زیرا ملکوت آسمان از آن ایشان است.» «به شما می گویم: تا عدالت شما بر عدالت کاتبان و فریسیان افزون نشود به ملکوت آسمان هرگز داخل نخواهید شد.» و در شماره ۱۲:۷ متی می گوید: «آنچه خواهید که مردم بشما کنند شما نیز بدیشان همچنان کنید. زیرا این است تورات و صحف انبیاء» و در شماره ۱۲ و ۱۳:۹ متی می گوید: «نه تندرستان بلکه مریضان احتیاج به طبیب دارند * لکن رفته این را دریافت کنید که رحمت می خواهم نه قربانی (۶:۱۶ هوشع) زیرا نیامده ام تا عادلان را بلکه تا گناهکاران را به توبه دعوت نمایم.» چون عادلان خودشان حکم خدا را اطاعت می کنند و بحقوق دیگران تجاوز نمی کنند. مسیح آمده است تا گناهکاران توبه کنند و از گناه و تجاوز به حقوق دیگران دست بکشند. مسیحیان واقعی نیز این وظیفه را دارند که سعی کنند گناهکاران دست از گناه و تجاوز به حقوق دیگران بکشند. و در شماره ۳۶ و ۳۷:۱۲ متی می گوید: «هر سخن باطل که مردم گویند حساب آن را در روز داوری خواهند داد زیرا که از سخنان خود عادل شمرده خواهی شد. و از سخن های تو بر تو حکم خواهد شد.» چون حساب دروغ و تهمت و ناسزاگویی دقیقاً رسیدگی خواهد شد و فریبکاران به مجازات خود خواهند رسید. عیسی مسیح در شماره ۴۳:۱۳ متی می گوید: «عادلان در ملکوت پدر خود مثل آفتاب درخشان خواهند شد.» و در شماره ۲۳:۲۳ متی می گوید: «وای بر

شما ای کاتبان و فریسیان ریاکار که نعناع و ثبت و زیره را عشر (ده یک) می دهید و اعظم احکام شریعت یعنی عدالت و رحمت و ایمان را ترک کرده اید. می بایست آنها را بجا آورده اینها را نیز ترک نکرده باشید.» و در شماره ۲۵:۴۶ متی می گوید: «عادلان در حیات جاودانی خواهند رفت.» پس کسانی داخل ملکوت آسمان و حیات جاودانی می شوند که عادل باشند و چنین افرادی مثل آفتاب درخشان خواهند شد.

در شماره ۲:۱۷ مرقس نیز می بینیم که عیسی مسیح می گوید: «تندرستان احتیاج به طبیب ندارند بلکه مریضان. و من نیامده ام تا عادلان را بلکه تا گناهکاران را به توبه دعوت نمایم.» شماره ۵:۳۲ لوقا را هم ببینید. در شماره ۳:۱۴ لوقا آمده است: «سپاهیان از او (یحیی) پرسیده گفتند ما چه کنیم؟ به ایشان گفت بر کسی ظلم نکنید و بر هیچکس افترا نزنید و به مواجب خود اکتفا کنید.»

مسیحیان اولیه که رسالات آنها ضمیمه اناجیل است نیز همین را میگفتند. پولس در شماره ۸:۱۰ رساله خود به رومیان می نویسد: «اگر مسیح در شما است جسم به سبب گناه مرده است اما روح به سبب عدالت حیات است.» و در شماره ۱۷:۱۴ به رومیان می نویسد: «ملکوت خدا اکل و شرب نیست بلکه عدالت و سلامتی و خوشی در روح القدس» و در شماره ۵:۱۱ رساله اول به قرنتیان می نویسد: «کسی که برادر نامیده می شود اگر زانی یا طماع یا بت پرست یا فحاش یا میگسار یا ستمگر باشد با چنین شخص معاشرت نکنید بلکه غذا هم نخورید.» و در شماره ۹ و ۱۰:۶ رساله اول به قرنتیان می نویسد: «آیا نمی دانید که ظالمان وارث ملکوت خدا نمی شوند. فریب نخورید زیرا فاسقان و بت پرستان و زانیان و منتعمان و لواط و دزدان و طمعکاران و میگساران و فحاشان و ستمگران وارث ملکوت خدا نخواهند شد.» و در شماره ۲۳ و ۴:۲۴ افسسیان می نویسد: «به روح ذهن خود تازه شوید و انسانیت تازه را که به صورت خدا در عدالت و قدوسیّت حقیقی آفریده شده است

بپوشید.» و در شماره ۱۴:۶ افسسیان می نویسد: «کمر خود را به راستی ببندید و جوشن عدالت را در بر کرده بایستید.» و در شماره ۱۱:۱ فیلیپیان می نویسد: «پر شوید از میوه عدالت که به وسیله عیسی مسیح برای تمجید و حمد خدا است.» و در شماره ۹ و ۱۰:۱ رساله اول به تیموتاؤس می نویسد: «شریعت به جهت عادلان موضوع (وضع) نمی شود بلکه برای سرکشان و طاغیان و بی دینان و گناهکاران و ناپاکان و حرامکاران و قاتلان پدر و قاتلان مادر و قاتلان مردم و زانیان و لواطان و مردم دزدان و دروغگویان و قسم دروغ خوران و برای هر عمل دیگری که بر خلاف تعلیم صحیح باشد.» و در شماره ۱۱:۶ آن می نویسد: «تو ای مرد خدا... از عدالت و دینداری و ایمان و محبت و صبر و تواضع پیروی نما.» و در شماره ۲۲:۲ رساله دوم خود به تیموتاؤس می نویسید: «از شهوات جوانی بگریز و با آنانی که از قلب خالص نام خدا را می خوانند عدالت و ایمان و محبت و سلامتی را تعاقب نما.» و در شماره ۱۶:۳ آن می نویسد: «تمامی کتب از الهام خدا است و به جهت تعلیم و تنبیه و اصلاح و تربیت در عدالت مفید است.» و در شماره ۱۱ و ۱۲:۲ به تیطس می نویسد: «فیض خدا که برای همه مردم نجات بخش است ظاهر شده، ما را تأدیب می کند که بی دینی و شهوات دنیوی را ترک کرده با خرد اندیشی و عدالت و دینداری در این جهان زیست کنیم.» یعقوب در شماره ۱۸:۳ رساله یعقوب می نویسد: «میوه عدالت در سلامتی کاشته می شود برای آنانی که سلامتی را بعمل می آورند.» و در شماره ۱۶:۵ آن می نویسد: «دعای مرد عادل در عمل قوت بسیار دارد.» در شماره ۱۲ و ۱۴:۳ رساله اول پطرس آمده است: «چشمان خداوند بر عادلان است و گوشهای او بسوی دعای ایشان لکن روی خداوند بر بدکاران است.» «هرگاه برای عدالت زحمت کشیدید خوشحال شما.» می بینیم که مسیحیان اولیه نیز عدالت را هدف دین میدانند و معتقدند «شریعت برای گناهکاران وضع می شود



نه برای عادلان.» و «ظالمان وارث ملکوت آسمان نمی شوند.» و «نباید با ستمگران معاشرت کرد حتی غذا خورد.» لذا مسیحی واقعی عادل است و سعی می کند تمام مردم عادل باشند.

هدف مسیح

هدف مسیح از تعالیمی که می داد توبه یعنی بازگشت گناهکاران از گناه به سوی تعالیم خدا بود. چه مسیح خدا باشد چه پسر خدا چه نبی مثل موسی چه پیامبر خدا. چون مسیح در شماره ۷: ۱۹ یوحنا می گوید: «آیا موسی تورات را بشما نداده است و حال آنکه کسی از شما نیست که به تورات عمل کند.» و در شماره ۱۷ تا ۱۹: ۵ متی می گوید: «گمان مبرید که آمده ام تا تورات یا صحف انبیاء را باطل سازم نیامده ام تا باطل نمایم بلکه تا تمام کنم * زیرا هر آینه بشما می گویم تا آسمان و زمین زایل نشود همزه یا نقطه ای از تورات هرگز زایل نخواهد شد تا همه واقع شود * پس هر که یکی از این احکام کوچکترین (کوچک ترین حکم) را بشکند و به مردم چنین تعلیم دهد در ملکوت آسمان کمترین شمرده شود. اما هر که بعمل آورد و تعلیم نماید او در ملکوت آسمان بزرگ خوانده خواهد شد.»

شماره ۱۷: ۴ متی می گوید: «از آن هنگام عیسی به موعظه شروع کرد و گفت توبه کنید زیرا ملکوت آسمان نزدیک است.» توبه «یعنی دست کشیدن از گناه و اطاعت از احکام خدا.» و در شماره ۹: ۱۳ متی و ۲: ۱۷ مرقس و ۵: ۳۲ لوقا می گوید: «نیامده ام تا عادلان را بلکه گناهکاران را به توبه دعوت نمایم.» در شماره ۱۵: ۱ مرقس عیسی می گوید: «ملکوت خدا نزدیک است پس توبه کنید و به انجیل ایمان بیاورید.» و در شماره ۶: ۱۲ مرقس می گوید: «پس (۲۱ شاگرد عیسی) روانه شده موعظه کردند که توبه کنید.» و مسیح در شماره ۳ و ۵: ۱۳ لوقا می گوید: «بشما

می‌گویم اگر توبه نکنید همگی شما همچین هلاک خواهید شد.» و پس از گفتن مثل گوسفند گمشده از صد گوسفند در شماره ۷:۱۵ لوقا می‌گوید: «به شما می‌گویم... خوشی در آسمان رخ می‌نماید به سبب توبه یک گناهکار.» و در شماره ۳۲:۱۵ لوقا پس از گفتن مثل پسر عیاش می‌گوید: پدر گفت: «این برادر تو مرده بود زنده گشت و گم شده بود یافت گردید.» عیسی مسیح در شماره ۴۶ و ۴۷:۲۴ لوقا در مورد وظیفه خود به شاگردانش می‌گوید: «بر همین منوال مکتوب است و بدینطور سزاوار بود که مسیح زحمت کشد و روز سیم (سوم) از مردگان برخیزد و از اورشلیم شروع کرده موعظه بتوبه و آمرزش گناهان در همه امت‌ها بنام او کرده شود.» می‌بینیم که هدف مسیح توبه یعنی بازگشت مردم از گناهکاری به اطاعت از احکام خدا است. یعنی نجات آنها از عذاب خدا و از عذاب آتش. چون در شماره ۴۱ و ۴۲:۱۳ متی می‌گوید: «همه لغزش دهندگان و بدکاران را جمع خواهند کرد. و ایشان را به تنور آتش خواهد انداخت.»

گناهان

دیدیم که مسیح آمده است تا مردم توبه کنند و دست از گناه بکشند چنانکه می‌گوید: «نیامده‌ام تا عادلان را بلکه گناهکاران را به توبه دعوت نمایم.» ۱۳:۹ متی. و در شماره ۲۲ و ۲۳:۷ متی می‌گوید: «بسا در آن روز (روز داوری) داوری مرا خواهند گفت: خداوندا خداوندا آیا بنام تو نبوت نمودیم و به اسم تو دیوها را اخراج نکردیم و به اسم تو معجزات بسیار ظاهر نساختم؟ * آنگاه به ایشان صریحاً خواهیم گفت: که هرگز شما را نساختم ای بدکاران از من دور شوید.» پس بدکاران مسیحی نیستند و از مسیح نمی‌باشند اگرچه نبوت کنند و دیوها را اخراج کنند و معجزات بسیار بنمایند. مسیحی واقعی کسی است که پاک باشد، همانطور که



پطرس در شماره ۱۴ تا ۱۶: ۱ رساله اول خود می نویسد: «چون ابناء اطاعت هستید مشابه مشوید بدان شهواتی که در ایام جهالت داشتید * بلکه مثل آن قدوس که شما را خوانده است خود شما نیز در هر سیرت مقدس باشید * زیرا مکتوب است مقدس باشید زیرا که من قدوسم.» ۴۴: ۱۱ لایوان. سفر سوم کتاب عهد عتیق مشهور به تورات نیز را نیز ببینید. عیسی مسیح در شماره ۱۹ و ۲۰: ۱۵ متی می گوید: «از دل بر می آید خیالات بد، قتل ها، زناها، فسق ها، دزدی ها، شهادت دروغ و کفرها * اینها است که انسان را نجس می سازد. لیکن خوردن با دستهای ناشسته انسان را نجس نمیگرداند.» و در شماره ۱۶ تا ۱۹: ۱۹ متی گفته شده: «ناگاه شخصی آمده به عیسی گفت: ای استاد نیکو چه عمل نیکو کنم تا حیات جاودانی یابم؟ * عیسی به او گفت: از چه سبب مرا نیکو گفتی و حال آنکه کسی نیکو نیست جز خدا فقط. لیکن اگر بخواهی داخل حیات شوی احکام را نگاه دار. * به او گفت: کدام احکام؟ عیسی گفت: قتل مکن. زنا مکن. دزدی مکن. شهادت دروغ مده * پدر و مادر خود را حرمت دار و همسایه خود را مثل نفس خود دوست دار.» ۱۶ تا ۲۱: ۵ تثنیه را نیز ببینید. در شماره ۱۷ تا ۱۰: ۱۹ مرقس و ۱۸ تا ۲۰: ۱۸ لوقا نیز این مطلب آمده است. در شماره ۲۵ تا ۲۸: ۱۰ لوقا آمده است: «ناگاه یکی از فقهاء برخاسته از روی امتحان به عیسی گفت: ای استاد چه کنم تا وارث حیات جاودانی گردم؟ * عیسی به وی گفت در تورات چه نوشته شده است و چگونه می خوانی؟ * او جواب داده گفت: اینکه خداوند خدای خود را به تمام دل و تمام نفس و تمام توانایی و تمام فکر خود محبت نما و همسایه خود را مثل نفس خود. * عیسی گفت: نیکو جواب گفتی چنین بکن که خواهی زیست.» ۱۰ فرمان موسی در باب ۵ تثنیه از شماره ۶ تا ۲۱ چنین است: «من هستم یهوه خدای تو که تو را از زمین مصر از خانه بندگی بیرون آوردم * تو را بحضور من خدایان دیگر نباشد * به

جهت خود صورت تراشیده یا هیچ تمثالی از آنچه بالا در آسمان یا از آنچه پایین در زمین یا از آنچه در آبهای زیر زمین است مساز* آنها را سجده و عبادت منما، زیرا که من یهوه خدای تو هستم خدای غیورم.... نام یهوه خدای خود را به باطل مبر، زیرا خداوند کسی را که نام او را به باطل برد بی گناه نخواهد شمرد* روز سبت را نگاه دار و آن را تقدیس نما چنانکه یهوه خدایت بتو امر فرموده است* شش روز مشغول باش و هر کار خود را بکن* اما روز هفتمین سبت یهوه خدای تو است در آن هیچ کاری مکن تو و پسرت و دخترت و غلامت و کنیزت و گاو و الاغت و همه بهایمت و مهمانت که در اندرون دروازه‌های تو باشد... پدر و مادر خود را حرمت دار چنانکه یهوه خدایت تو را امر فرموده است تا روزهایت دراز شود... قتل مکن. زنا مکن. دزدی مکن. بر همسایه خود شهادت دروغ مده و بر زن همسایه ات طمع مورز و بخانه همسایه ات و به مرزعه او و به غلامش و کنیزش و گاو و الاغت و به هر چه از آن همسایه تو باشد طمع مکن.» و در شماره ۱۸: ۱۹ لاویان آمده است: «کینه مورز و همسایه خود را مثل خویشتن محبت نما. من یهوه هستم.» و شماره ۵: ۶ تثنیه می گوید: «یهوه خدای خود را به تمامی جان و تمامی قوت خود محبت نما.» به شماره ۶ و ۱۰: ۳۰ تثنیه نیز مراجعه شود.

مجازات کسی که غیر خدا را عبادت و سجده نماید در شماره ۵: ۱۷ تثنیه سنگسار و مجازات کسی که گوید «برویم خدایان غیر را... عبادت کنیم.» در شماره ۱۰: ۱۳ تثنیه سنگسار است. و «هر که اسم یهوه را کفر گوید هر آینه کشته شود تمامی جماعت او را سنگسار کنند.» ۱۶: ۲۴ لاویان. مجازات پسر سرکش مطابق شماره ۲۱: ۲۱ تثنیه سنگسار است. چون «از سخن پدر و مادرش حرف شنوی نکرده است.» مجازات کسی که در روز سبت (شنبه) کار کند مطابق شماره ۳۵: ۱۵ اعداد (سفر چهارم کتاب عهد عتیق که به تورات مشهور است) این است که «او را با



سنگها سنگسار کنند.» مجازات قتل مطابق ۱۲: ۲۱ خروج و ۳۱: ۳۵ اعداد و ۱۲: ۱۹ تثنیه کشتن است «کشته شود.» مجازات زناکار مطابق شماره ۲۱ و ۲۲ و ۲۴ و ۲۵: ۲۲ تثنیه قتل است. مجازات دزد در باب ۲۲ خروج بیان شده است. در شماره ۱ تا ۴: ۲۲ خروج آمده است که «اگر کسی گاوی یا گوسفندی بدزدد و آن را بکشد یا بفروشد بعوض گاو پنج گاو و بعوض گوسفند چهار گوسفند بدهد * اگر دزدی در رخنه کردن گرفته شود و او را بزنند بطوری که بمیرد بازخواست خون برای او نباشد * اما اگر آفتاب بر او طلوع کرد بازخواست خون برای او هست البته مکافات باید داد و اگر چیزی ندارد بعوض دزدی که کرد فروخته شود * اگر چیزی دزدیده شده از گاو یا الاغ یا گوسفند زنده در دست او یافت شود دو مقابل آن را رد کند.» در مورد شهادت دروغ در شماره ۱۸ و ۱۹: ۱۹ تثنیه آمده است: «داوران نیکو تفحص نمایند و اینک اگر شاهد شاهد کاذب است و بر برادر خود شهادت دروغ داده باشد * پس بطوری که او خواست با برادر خود عمل نماید با او همانطور رفتار نمایند تا بدی را از میان خود دور نمایی.» می بینیم که در باره ۷ مورد از احکام ده فرمان حکم مجازات اعدام صادر شده است.

عیسی مسیح در شماره ۲۱ و ۲۲: ۵ متی می گوید: «شنیده اید که به اولین (تورات) گفته شده است قتل مکن و هر که قتل کند سزاوار حکم شود * لیکن من به شما می گویم هر که به برادر خود بی سبب خشم گیرد مستوجب حکم باشد و هر که برادر خود را راقا گوید مستوجب قصاص باشد و هر که احمق گوید مستحق آتش جهنم بود.» می بینیم که حکم تورات را سخت تر کرده است. و در شماره ۲۷ تا ۲۹: ۵ متی می گوید: «شنیده اید که به اولین (تورات) گفته شده است زنا مکن * لیکن من بشما می گویم هر کس به زنی نظر شهوت اندازد هماندم در دل خود با او زنا کرده است * پس اگر چشم راستت تو را بلغزاند قلعهش کن و از خود دور انداز

زیرا تو را بهتر آن است که عضوی از اعضایت تباه گردد از آنکه تمام بدنت در جهنم افکنده شود.» می‌بینیم که حکم را سخت‌تر کرده است و در شماره ۳۱ و ۳۲: ۵ متی می‌گوید: «گفته شده است (در تورات) هر که از زن خود مفارقت جوید طلاق نامه ای به او بدهد. (۱: ۲۴ تثنیه) * لیکن من بشما می‌گویم هر کس به غیر علت زنا زن خود را از خود جدا کند باعث زنا کردن او می‌باشد و هر که زن مطلقه را نکاح کند زنا کرده باشد.» می‌بینیم که حکم را سخت‌تر کرده است. و در شماره ۳۳ تا ۳۷: ۵ متی «گفته شده است که قسم دروغ مخور بلکه قسم‌های خود را به خدا وفا کن * (۱۲: ۱۹ لاویان و ۲: ۳۰ اعداد) لیکن من به شما می‌گویم هرگز قسم مخورید نه به آسمان که عرش خدا است * نه به زمین که پای انداز او است (۱: ۶۶ اشعیا) و نه به اورشلیم که شهر پادشاه عظیم است. * و نه به سر خود قسم یاد کن زیرا مویی را سفید یا سیاه نمی‌توانی کرد * بلکه سخن شما بلی بلی و نی نی باشد زیرا که زیاده بر این از شریر است.» می‌بینیم که حکم تورات را سخت‌تر کرده است. و در شماره ۳۸ تا ۴۲: ۵ متی می‌گوید: «شنیده‌اید که (در تورات) گفته شده است چشمی به چشمی و دندانی به دندانی (۲۴: ۲۱ خروج) * لیکن من بشما می‌گویم با شریر مقاومت مکنید بلکه هر که به رخساره راست تو طپانچه (سیلی) زند دیگری را نیز بسوی او بگردان * و اگر کسی خواهد با تو دعوی کند و قبای تو را بگیرد عباي خود را نیز بدو واگذار * و هرگاه کسی تو را برای یک میل مجبور سازد دو میل همراه او برو * هر کس از تو سؤال کند بدو ببخش و از کسی که قرض از تو خواهد روی خود را مگردان.» می‌بینیم که حکم را سخت‌تر کرده است. و در شماره ۴۳ تا ۴۵: ۵ متی می‌گوید: «شنیده‌اید که گفته شده است همسایه خود را محبت نما و با دشمن خود عداوت کن. (۱۳ و ۱۸: ۱۹ لاویان) * اما من بشما می‌گویم که دشمنان خود را محبت نمایند و برای لعن کنندگان خود برکت بطلبید و به آنانی که از شما نفرت کنند



احسان کنید و هر که به شما فحش دهد و جفا رساند دعای خیر کنید * تا پدر خود را که در آسمان است پسران شوید زیرا که آفتاب خود را بر بدان و نیکان طالع می‌سازد و باران بر عادلان و ظالمان باراند.» می‌بینیم که احکام تورات را سخت‌تر و انسانی‌تر ساخته است. در انجیل عیسی مسیح فقط این احکام را سخت‌تر و کامل‌تر کرده است. عیسی دیگران را به سبب اینکه از احکام خدا که در تورات است سرپیچی کرده و از احکام مشایخ پیروی می‌کنند سرزنش می‌کند. چون در شماره ۳ تا ۹:۱۵ متی در جواب کسانی که به او می‌گویند: «چرا شاگردان تو از تقلید مشایخ تجاوز می‌کنند؟ زیرا وقتی نان می‌خورند دست خود را نمی‌شویند.» (۲:۱۵ متی) می‌گوید: «شما نیز با تقلید خویش از حکم خدا چرا تجاوز می‌کنید؟ * زیرا خدا حکم داده است که پدر و مادر خود را حرمت دار. (۱۶:۵ تثنیه) و هر که پدر یا مادر را دشنام دهد البته هلاک گردد. (۱۷:۲۱ خروج و ۱۸ تا ۲۱:۲۱ تثنیه) * شما می‌گویید هر که پدر یا مادر خود را گوید: آنچه از من به تو نفع رسد هدیه ای است * و پدر و مادر خود را بعد از آن احترام نمی‌نماید. پس با تقلید خود حکم خدا را باطل نموده‌اید * ای ریاکاران اشعیاء در باره شما نیکو نبوت نموده است که گفت: * این قوم با زبان‌های خود به من تقرب می‌جویند و با لب‌های خویش مرا تمجید مینمایند لیکن دلشان از من دور است. * پس عبادت مرا عبث می‌کنند زیرا احکام مردم را به منزله فرائض (واجبات دینی) تعلیم می‌دهند.» شماره ۱۳:۲۹ اشعیاء. شماره ۵ تا ۱۴:۷ مرقس را نیز ببینید.

متأسفانه امروزه نیز همانطور که از قرن‌ها پیش عمل شده بیشتر عیسویان نیز حکم خدا را با تقلید از مشایخ (بزرگان) خود نقض کرده و باطل ساخته‌اند و «احکام مردم را به جای فرایض (واجبات دینی) که از جانب خداوند در کتاب آسمانی مقرر شده (تعلیم می‌دهند.» عیسی مسیح در شماره ۱۳:۱۵ متی می‌گوید: «هر نهالی که

پدر آسمانی من نکاشته باشد کنده شود.» یعنی هر حکمی که در کتاب مقدس نیست باید دور انداخته شود. همانطور که دیدیم آنچه مسیح می‌گوید همانطور که خودش می‌گوید تعلیم و کلام خدا است چون در شماره ۱۲:۴۹ یوحنا می‌گوید: «من از خود نگفتم لکن پدری که مرا فرستاد به من فرمان داد که چه بگویم و به چه چیز تکلم کنم.» و در شماره ۱۴:۲۴ یوحنا می‌گوید: «کلامی که می‌شنوید از من نیست بلکه از پدری است که مرا فرستاد.»

مسیحی واقعی که «کلام خدا را حفظ می‌کند.» و «اراده خدا را بجا می‌آورد.» و «آنچه مسیح می‌گوید بعمل می‌آورد.» آنچه در کتاب مقدس نیست بنام دین نمی‌گوید و می‌داند خیلی چیزهای خوب است که حکم دینی نیست همانطور که شستن دست پیش از غذا خوردن چیز خوبی است و باعث نظافت و سلامت می‌باشد ولی آن را نباید پای دین گذاشت و اگر کسی آن را انجام نداد و دستهایش را قبل از غذا نشست نباید او را عاصی و سرکش خواند و گفت از دین خدا خارج شده و دستور خدا را انجام نمیدهد. مسیحی واقعی تقلید از مشایخ را بدور می‌اندازد و از احکام خدا که در کتاب مقدس است پیروی می‌کند و عقاید صحیح دین خود را از کتاب مقدس می‌گیرد.

در اموری که در کتاب مقدس نیست از تحقیق و مشاهده و تجربه و علم و عقل استفاده می‌کند ولی آن را پای حکم خدا نمی‌گذارد.

همانطور که دیدیم مسیح آمده است تا گناهکاران توبه کنند و دست از گناه بکشند و عادل باشند و «قتل نکنند. زنا نکنند. دزدی نکنند. شهادت دروغ ندهند. احترام پدر و مادر را نگاه دارند و به همسایه خود مثل نفس خود محبت نمایند.» مسیح نیامده است که به مردم طرز کاشتن درختان یا سبزیجات و صیفی جات یا طرز ساختن هواپیما و رادار را یاد بدهد. «هر نهالی که پدر آسمانی نکاشته باید کنده



شود.» و مسیحی واقعی که «آنچه مسیح می‌گوید را عمل می‌کند.» و «اراده خدا را بجا می‌آورد.»، «هر دستوری را که از خدا و کتاب مقدس است.» بنام خدا و حکم خدا و تعالیم مسیح می‌پذیرد، و حکم خدا را دقیقاً اجرا می‌کند و سعی می‌کند «همه امت‌ها را شاگرد مسیح سازد تا همه چیزهایی را که مسیح حکم کرده است حفظ کنند.» و عادل باشند و قتل و زنا و دزدی و شهادت دروغ را در جهان از بین ببرند.

رسالات

شاگردان مسیح و مسیحیان اولیه نیز هدفشان این بود که احکام مسیح اجرا شود و مردم پاک و مقدس باشند و از شهوات بی‌جا خودداری کنند. پولس در شماره ۱۱: ۵ رساله اول خود به قرن‌تیان می‌نویسد: «اگر کسی که برادر نامیده می‌شود (خود را مسیحی می‌خواند) زانی یا طمّاع یا بت پرست یا فحاش یا میگسار یا ستمگر باشد با چنین شخص معاشرت مکنید بلکه غذا هم نخورید.» و در شماره ۹ تا ۱۱: ۶ آن می‌نویسد: «آیا نمی‌دانید که ظالمان وارث ملکوت خدا نمی‌شوند. فریب نخورید، زیرا فاسقان و بت پرستان و زانیان و متنعمان و لواط * و دزدان و طمعکاران و میگساران و فحاشان و ستمگران وارث ملکوت خدا نخواهند شد * بعضی از شما چنین می‌بودید لکن غسل یافته و مقدس گردیده و عادل کرده شدید بنام عیسی خداوند ما و به روح خدای ما.» و در شماره ۲۶ تا ۳۲: ۱ رومیان می‌نویسد: «از این سبب خدا ایشان را به هوس‌های خبیثت تسلیم نمود به نوعی که زنانشان نیز عمل طبیعی زنان را ترک کرده از شهوات خود با یکدیگر سوختند * (متأسفانه امروزه در بین ملل مسیحی نیز این عمل وجود دارد و مسیحیان که اکثریت جامعه را تشکیل می‌دهند در مقابل آن ساکت نشسته‌اند) و همچنین مردان هم استعمال طبیعی زنان را ترک کرده از شهوات با یکدیگر سوختند. (امروزه نیز

متأسفانه این عمل در بین ملل مسیحی وجود دارد و مسیحیان سکوت کرده‌اند. مرد با مرد مرتکب اعمال زشت شده عقوبت سزاوار تقصیر خود را در خود یافتند * و چون روانداشتند که خدا را در دانش خود نگاه دارند خدا ایشان را به ذهن مردود و آگذاشت تا کارهای ناشایسته بجا آورند. * مملو از هر نوع ناراستی و شرارت و طمع و خباثت، پر از حسد و قتل و جدایی و مکر و بدخویی * غمازان و غیبت کنندگان و دشمنان خدا و اهانت کنندگان و متکبران و لاف زنان و مبدعان شرّ و نامطیعان والدین * بیفهم و بی وفا و بی الفت و بیرحم * زیرا هرچند انصاف خدا را میدانند که کنندگان چنین کارها مستوجب موت هستند نه فقط آنها را می‌کنند بلکه کنندگان را نیز خوش میدارند. «می‌بینیم که متأسفانه بیشتر اینکارها در بین ملل مسیحی وجود دارد. و در شماره ۶:۶ رومیان می‌نویسد: «این را می‌دانیم که انسانیت کهنه ما با او مصلوب شد تا جسد گناه معدوم گشته و دیگر گناه را بندگی نکنیم.» و در شماره ۶:۱۶ رومیان می‌نویسد: «آیا نمی‌دانید که اگر خویشتن را به بندگی کسی تسلیم کرده او را اطاعت نمایید شما آنکس را که او را اطاعت می‌کنید بنده هستید خواه گناه را برای مرگ خواه اطاعت را برای عدالت.» و در شماره ۶:۱۲ رومیان می‌نویسد: «پس گناه در جسم فانی شما حکمرانی نکند تا هوسهای آن را اطاعت نمایید.» و در شماره ۱۳:۱۳ رومیان می‌نویسد: «با شایستگی رفتار کنیم چنانکه در روز، نه در بزم‌ها و سکرها و فسق و فجور و نزاع و حسد.» و در شماره ۱۶ و ۳:۱۷ رساله اول خود به قرن‌تیان می‌نویسد: «آیا نمی‌دانید که هیکل خدا هستید و روح خدا در شما ساکن است * اگر کسی هیکل خدا را خراب کند خدا او را هلاک سازد.» و در شماره ۱۹ تا ۵:۲۴ به غلاطیان می‌نویسد: «اعمال جسم آشکار است یعنی زنا و فسق و ناپاکی و فجور * و بت پرستی و جادوگری و دشمنی و نزاع و کینه و خشم و تعصب و شقاق و بدعت‌ها * و حسد و قتل و مستی



و لهب و لعب و امثال اینها که شما را خبر می‌دهم چنانکه قبل از این دادم که کنندگان چنین کارها وارث ملکوت خدا نمی‌شوند * لیکن ثمره روح محبت و خوشی و سلامتی و حلم و مهربانی و نیکویی و ایمان و تواضع و پرهیزکاری است * که هیچ شریعت مانع چنین کارها نیست * و آنانی که از آن مسیح می‌باشند جسم را با هوس‌ها و شهواتش مصلوب ساخته‌اند.» و در شماره ۲۴ تا ۳۲:۴ افسسیان می‌نویسد: «انسانیت تازه را که به صورت خدا در عدالت و قدوسیّت حقیقی آفریده شده است بپوشید * لهذا دروغ را ترک کرده هر کس با همسایه خود راست بگوید زیرا ما اعضای یکدیگریم * خشم مگیرید و گناه مورزید. خورشید بر غیظ شما غروب نکند * ابلیس را مجال ندهید * دزد دیگر دزدی نکند. بلکه با دستهای خود کار نیکو کرده زحمت بکشد تا بتواند نیازمندی را چیزی دهد * هیچ سخن بد از دهان شما بیرون نیاید. بلکه آنچه به حسب حاجت و برای بنا نیکو باشد، تا شنوندگان را فیض رساند * و روح قدوس خدا را که به او تا روز رستگاری مختوم شده‌اید محزون مسازید * و هر قسم تلخی و غیظ و خشم و فریاد و بدگویی و خباثت را از خود دور کنید * و با یکدیگر مهربان باشید و رحیم و همدیگر را عفو نمایید چنانکه خدا در مسیح شما را هم آمرزیده است.» و در شماره ۳ تا ۱۱:۵ به افسسیان می‌نویسد: «زنا و هر ناپاکی و طمع در میان شما هرگز مذکور هم نشود چنانکه مقدسین را می‌شاید * و نه قباحت و بیهوده‌گویی و چرب‌زبانی که اینها شایسته نیست بلکه شکرگزاری * زیرا این را یقین بدانید که هیچ زانی یا ناپاک یا طماع که بت پرست باشد میراثی در ملکوت مسیح و خدا ندارد * هیچکس شما را به سخنان باطل فریب ندهد زیرا به سبب اینها غضب خدا بر ابنای معصیت نازل می‌شود * پس با ایشان شریک مباشید * زیرا که پیشتر ظلمت بودید لیکن الحال در خداوند نور می‌باشید. پس چون فرزندان نور رفتار کنید * زیرا که میوه نور در کمال

نیکویی و عدالت و راستی است * و تحقیق نمایید که پسندیده خدا چیست؟ * و در اعمال بی ثمر ظلمت شریک مباشید بلکه آنها را مذمت کنید. « و در شماره ۱۸: ۵ به افسسیان می نویسد: «مست شراب نشوید که در آن فجور است بلکه از روح پر شوید.» و در شماره ۱۴ و ۲: ۱۵ به فیلیپیان می نویسد: «هر کاری را بدون همهمه و مجادله بکنید * تا بی عیب و ساده دل و فرزندان خدا بی ملامت باشید در میان قومی کجرو و گردنکش که در آن میان چون نیرها در جهان میدرخشید.» و در شماره ۴: ۸ فیلیپیان می نویسد: «خلاصه ای برادران هر چه راست باشد و هر چه مجید و هر چه عادل و هر چه پاک و هر چه جمیل و هر چه نیک نام است و هر فضیلت و هر مدحی که باشد در آنها تفکر کنید.»

پولس در شماره ۵ تا ۱۴: ۳ کولسیان می نویسد: «پس اعضای خود را که بر زمین است مقتول سازید. زنا و ناپاکی و هوی و هوس و شهوت قبیح و طمع که بت پرستی است * که به سبب اینها غضب خدا بر اینای معصیت وارد می آید * که شما نیز سابقاً در اینها رفتار می کردید هنگامی که در آنها زیست می کردید * لیکن الحال شما همه را ترک کنید یعنی خشم و غیظ و بدخویی و بدگویی و فحش را از زبان خود * به یکدیگر دروغ نگوئید، چون که انسانیت کهنه را با اعمالش از خود بیرون کرده اید * ... پس مانند برگزیدگان مقدس و محبوب خدا احشای رحمت و مهربانی و تواضع و تحمل و حلم را بیوشید و متحمل یکدیگر شده همدیگر را عفو کنید هرگاه بر دیگری ادعایی داشته باشید. چنانکه مسیح شما را آمرزید شما نیز چنین کنید. * و بر این همه محبت را که کمربند کمال است بیوشید.» و در شماره ۵: ۲۲ رساله اول به تسالونیکیان می نویسد: «از هر نوع بدی احتراز نمایید.» و در شماره ۹ و ۱: ۱۰ رساله اول به تیموتاؤس می نویسد: «شریعت به جهت عادل موضوع (وضع) نمی شود بلکه برای سرکشان و طاغیان و بی دینان و گناهکاران و



ناپاکان و حرامکاران و قاتلان پدر و قاتلان مادر و قاتلان مردم * و زانیان و لواطان و مردم دزدان و دروغگویان و قسم دروغ خوران و برای هر عمل دیگری که بر خلاف تعلیم صحیح باشد.» و در شماره ۱ تا ۵:۳ رساله دوم به تیموتاؤس می‌نویسد: «این را بدان که ایام آخر زمانهای سخت پدید خواهد آمد * زیرا مردمان خودپرست خواهند بود طمّاع و لاف زن و متکبر و بدگو و نامطیع والدین و ناسپاس و ناپاک و بی الفت و کینه دل و غیبت گو و ناپرهیز و بی مروت و متنفر از نیکویی * و خیانتکار و تندمزاج و مغرور که عشرت را بیشتر از خدا دوست دارند * که صورت دینداری دارند لیکن قوّت آن را انکار می‌کنند. از ایشان اعراض نما.»

یعقوب در شماره ۱۴ تا ۲۲ رساله یعقوب می‌نویسد: «ای برادران من چه سود دارد اگر کسی گوید: ایمان دارم وقتی که عمل ندارد آیا ایمان می‌تواند او را نجات دهد؟ * پس اگر برادری یا خواهری برهنه و محتاج خوراک روزانه باشد * و کسی از شما بدیشان گوید: بسلامتی بروید و گرم و سیر شوید، لیکن مایحتاج بدن را بدیشان ندهد چه نفع دارد * همچنین اگر ایمان نیز اعمال ندارد در خود مرده است * بلکه کسی خواهد گفت: تو ایمان داری و من اعمال دارم. ایمان خود را بدون اعمال بمن بنما و من ایمان خود را از اعمال خود بتو خواهم نمود * تو ایمان داری که خداوند واحد است نیکو می‌کنی شیاطین نیز ایمان دارند و میلرزند * ولیکن ای مرد باطل آیا می‌خواهی دانستی که ایمان بدون اعمال باطل است * آیا پدر ما ابراهیم به اعمال عادل شمرده نشد وقتی که پسر خود اسحق را به قربانگاه گذرانید. می‌بینی که ایمان با اعمال او عمل کرد و ایمان از اعمال کامل گردید.»

پطرس در شماره ۱ و ۲:۲ رساله اول خود می‌نویسد: «لهذا هر نوع کینه و هر مکر و یا حسد و هر قسم بدگویی را ترک کرده * چون اطفال نوزاد مشتاق شیر روحانی و بیغش باشید تا از آن برای نجات نمو کنید.» و در شماره ۳:۴ آن

می نویسد: «عمر گذشته کافی است برای عمل نمودن بخواهش امتهای و در فجور و شهوات و میگساری و عیاشی و بزمها و بت پرستی های حرام رفتار نمودن.»
و یوحنا در شماره ۱۸: ۵ رساله اول خود می نویسد: «می دانیم که هر که از خدا مولود شده است گناه نمی کند بلکه کسی که از خدا تولد یافت خود رانگاه می دارد و آن شریر او را لمس نمی کند.»

مسیحی واقعی

می بینیم که مسیحیان اولیه نیز مثل مسیح افراد را از انجام کارهای ناشایسته و فساد و گناه منع می کردند. لذا مسیحی واقعی قتل نمی کند، زنا نمی کند، دزدی نمی کند، شهادت دروغ نمیدهد، حسادت نمی کند، طمع نمی ورزد، بیهوده گو و چرب زبان نیست، از هر قسم تلخی و غیظ و خشم و فریاد و بدگویی خودداری می کند، خیانت نمی کند، همجنس باز نیست و فحاش و ظالم و میگسار نمی باشد. مسیحی واقعی از تعالیم مسیح و احکام خدا اطاعت می کند و اراده خدا را که عدالت و پاکی است به جا می آورد و سعی می کند دنیایی بسازد که در آن حکم خدا اجرا شود و از خبائث و ناپاکی ها در آن اثری نباشد. مسیحی واقعی تمام عادلان جهان را برادر خود و مسیحی واقعی می داند و وظیفه خود می داند که گناهکاران را بتوبه دعوت نماید چون همانطور که دیدیم مسیح در شماره ۱۳: ۹ متی می گوید: «نیامده ام تا عادلان را بلکه تا گناهکاران را بتوبه دعوت نمایم.» و یوحنا در شماره ۲۹: ۲ رساله اول خود می نویسد: «اگر فهمیده اید که او (مسیح) عادل است پس می دانید که هر که عدالت را بجا آورد از وی تولد یافته است.» و پل در شماره ۱۴: ۲ رومیان می نویسد: «هرگاه امتهایی که شریعت ندارند کارهای شریعت را به طبیعت بجا آرند اینان هر چند شریعت ندارند برای خود شریعت هستند.» مسیح در شماره



۲۸ تا ۳۲: ۲۱ متی مثلی می‌زند و می‌گوید: «لیکن شما چه گمان دارید شخصی را دو پسر بود. نزد نخستین آمده گفت: ای فرزند امروز به تاکستان من رفته مشغول کار شو * در جواب گفت نخواهم رفت اما بعد پشیمان گشته برفت * و به دومین نیز همچنین گفت. او در جواب گفت ای آقا من می‌روم ولی نرفت * کدام یک از این دو خواهش پدر را بجا آورد؟ گفتند اولی. عیسی بدیشان گفت هر آینه بشما می‌گویم که باجگیران و فاحشه‌ها قبل از شما داخل ملکوت خدا میگردند * از آن رو که یحیی از راه عدالت نزد شما آمد و بدو ایمان نیاوردید اما باجگیران و فاحشه‌ها بدو ایمان آوردند و شما چون دیدید آخر هم پشیمان نشدید تا بدو ایمان آورید.»

می‌بینیم که ادعای ایمان شرط نیست بلکه ایمان با عمل ثابت می‌شود همانطور که مسیح در شماره ۷: ۲۱ متی گفت: «نه هر که مرا خداوند خداوند گوید داخل ملکوت آسمان گردد بلکه آنکه اراده پدر مرا که در آسمان است بجا آورد.» مسیحی واقعی پاک و عادل است و از تعالیم مسیح اطاعت می‌کند و اراده خدا را بجا می‌آورد. وگرنه بدکاران، مسیحی نیستند اگرچه بنام مسیح نبوت کنند و دیوها را اخراج کنند (بیماران را شفا دهند) و معجزات بسیار ظاهر سازند. (۷: ۲۲ متی)

مسیح در شماره ۱۲: ۳۶ متی می‌گوید: «بشما می‌گویم که هر سخن باطل که مردم گویند حساب آن را در روز داوری خواهند داد.»

حساب اعمال

در مثال کرکاس‌ها وقتی به مسیح می‌گویند: «مثل کرکاس مزرعه را به جهت ما شرح فرما.» (۱۳: ۳۶ متی) مسیح در شماره ۳۷ تا ۴۳: ۱۳ متی می‌گوید: «آنکه بذر نیکو می‌کارد پسرانسان است * و مزرعه این جهان است و تخم نیکو ابنای ملکوت و کرکاس‌ها پسران شریرند * و دشمنی که آنها را کاشت ابلیس است و موسم حصاد

(درو) عاقبت این عالم و دروندگان فرشتگان هستند * پس همچنان که کرکاس ها را جمع کرده در آتش میسوزانند همانطور در عاقبت این عالم خواهد شد * که پسر انسان ملائکه خود را فرستاده همه لغزش دهندگان و بدکاران را جمع خواهند کرد * و ایشان را به تنور آتش خواهند انداخت. جایی که گریه و فشار دندان بُود * آنگاه عادلان در ملکوت پدر خود مثل آفتاب درخشان خواهند شد هر که گوش شنوا دارد بشنود. «و در شماره ۴۷ تا ۱۳:۵۱ متی می گوید: «ایضاً ملکوت آسمان مثل دامی است که به دریا افکنده شود و از هر جنسی با آن درآید * و چون پر شود به کناره اش کشند و نشسته خوب ها را در ظرف جمع کنند و بدها را دور اندازند * بدینطور در آخر این عالم خواهد شد. فرشتگان بیرون آمده طالحین (بدکاران) را از میان صالحین جدا کرده * ایشان را در تنور آتش خواهند انداخت جایی که گریه و فشار دندان می باشد. عیسی ایشان را گفت: آیا همه این امور را فهمیده اید. گفتندش بلی خداوندا.» می بینیم که بدکاران در تنور آتش افکنده خواهند شد. اسم ها مهم نیست عمل ها مهم است. بدکاران اگر بنام مسیح نبوت کنند و دیوها را بیرون کنند و معجزات بسیار ظاهر سازند از مسیح و مسیحی واقعی نیستند. جایشان در تنور آتش است.

مسیح در شماره ۲۷:۱۶ متی می گوید: «زیرا پسر انسان خواهد آمد در جلال پدر خویش به اتفاق ملائکه خود و در آنوقت هر کسی را موافق اعمالش جزا خواهد داد.» * مسیح در مورد اصحاب دست چپ در شماره ۴۱ تا ۴۶ متی گوید: «ای ملعونان از من دور شوید، در آتش جاودانی که برای ابلیس و فرشتگان او مهیا شده است * زیرا گرسنه بودم مرا خوراک ندادید. تشنه بودم مرا آب ندادید * غریب بودم مرا جا ندادید. عریان بودم مرا نپوشانیدید. مریض و محبوس بودم عیادت نمی نمودید * پس ایشان نیز به پاسخ گویند ای خداوند کی تو را گرسنه یا تشنه



یا غریب یا برهنه یا محبوس دیده خدمت نکرديم * آنگاه در جواب ایشان گوید: هر آینه بشما می‌گویم آنچه به یکی از این کوچکان نکرديد بمن نکرده‌اید * و ایشان در عذاب جاودانی خواهند رفت اما عادلان در حیات جاودانی. « مسیح در شماره ۲۷ و ۲۸:۵ یوحنا می‌گوید: «ساعتی می‌آید که در آن جمیع کسانی که در قبور می‌باشند آواز او را خواهند شنید * و بیرون خواهند آمد. هر که اعمال نیکو کرد برای قیامت حیات و هر که اعمال بد کرد به جهت قیامت داوری.» پس کارهای بد و خوب است که جای انسان را در روز قضاوت و حساب تعیین می‌کند نه اسم‌ها و ادعاها. عیسی در شماره ۲۱:۸ یوحنا می‌گوید: «در گناهان خود خواهید مرد.»

جزای اعمال

پولس در شماره ۳۲:۱ رومیان می‌نویسد: «هر چند انصاف خدا را میدانند که کنندگان چنین کارها (کارهای زشت و گناهان) مستوجب موت هستند نه فقط آنها را می‌کنند بلکه کنندگان را نیز خوش میدارند.» و در شماره ۱۲:۱۴ به رومیان می‌نویسد: «پس هر یکی از ما حساب خود را به خدا خواهد داد.» و در شماره ۹ و ۱۰:۶ قرنتیان اول می‌نویسد: «فریب نخورید زیرا فاسقان و بت پرستان و زانیان و متنعمان و لواط * و دزدان و طمعکاران و میگساران و فحاشان و ستمگران وارث ملکوت خدا نخواهند شد.» و در شماره ۵۶:۱۵ قرنتیان اول می‌نویسد: «نیش موت گناه است.» و در شماره ۱۰:۵ قرنتیان دوم می‌نویسد: «لازم است که همه ما پیش مسند مسیح حاضر شویم تا هر کس اعمال بدنی خود را بیابد بحسب آنچه کرده باشد چه نیک چه بد.» و در شماره ۲۱:۵ غلاطیان می‌نویسد: «کنندگان چنین کارها (کارهای زشت و گناهان) وارث ملکوت خدا نمی‌شوند.» و در شماره ۵ و ۷:۶ غلاطیان می‌نویسد: «هر کس حامل بار خود خواهد شد.» و «خود را فریب ندهید

خدا را استهزاء نمی‌توان کرد زیرا آنچه آدمی بکارد همان را درو خواهد کرد.» و در شماره ۵:۵ افسسیان نویسد: «این را یقیناً می‌دانید که هیچ زانی یا ناپاک یا طمّاع که بت پرست باشد میراثی در ملکوت مسیح و خدا ندارد.» و در شماره ۲۵:۳ کولسیان می‌نویسد: «هر که ظلم کند آن ظلمی را که کرد خواهد یافت و ظاهر بینی نیست.» پطرس در شماره ۱۷:۱ رساله اول خود می‌نویسد: «چون او را پدر می‌خوانید که بدون ظاهر بینی بر حسب اعمال هر کس داوری مینماید.»

فراموش نباید کرد که مسیح در شماره ۲۰:۵ متی می‌گوید: «تا عدالت شما بر عدالت کاتبان و فریسیان افزون نشود به ملکوت آسمان هرگز داخل نخواهید شد.» و پولس در شماره ۹ و ۱۰:۶ قرنتیان اول می‌گوید: «فریب نخورید، زیرا فاسقان و بت پرستان و زانیان و متنعمان و لواط و دزدان و طمعکاران و میگساران و فحاشان و ستمگران وارث ملکوت خدا نخواهند شد.» مسیحی واقعی فریب نمی‌خورد و کسی را فریب نمیدهد ولی فریب دهندگان و فریب خوردگان زیادند.

دروغ‌گویان

مسیحی واقعی می‌داند که همانطور که مسیح می‌گوید: «هر نهالی که پدر آسمانی من نکاشته باشد کنده شود.» ۱۳:۱۵ متی. و می‌گوید: «چون است که مرا خداوندا خداوندا می‌گویید و آنچه می‌گویم بعمل نمی‌آورید.» ۴۶:۶ لوقا. باید از احکام خدا که توسط مسیح بیان شده پیروی کرد ولی دروغ‌گویانی که باعث فریب و لغزش مردم می‌شوند زیادند.

مسیح در شماره ۱۵ و ۱۶:۷ متی می‌گوید: «از انبیای کذبه احتراز کنید که بالباس میش‌ها نزد شما می‌آیند ولی در باطن گرگان درنده می‌باشند * ایشان را از میوه‌های ایشان خواهید شناخت. آیا انگور را از خار و انجیر را از خس می‌چینند؟» و در



شماره ۶ و ۷:۱۸ متی می‌گوید: «هر که یکی از این صغار را که بمن ایمان دارند لغزش دهد او را بهتر میبود که سنگ آسیایی بر گردنش آویخته در قعر دریا غرق می‌شد» (۹:۴۲ مرقس را نیز ببینید). وای بر این جهان به سبب لغزش‌ها زیرا لابد است از وقوع لغزش‌ها لیکن وای بر کسی که سبب لغزش باشد. و در شماره ۱۳ تا ۱۵:۲۳ متی می‌گوید: «وای بر شما ای کاتبان و فریسیان ریاکار که در ملکوت آسمان را بروی مردم می‌بندید زیرا خود داخل آن نمی‌شوید و داخل شوندگان را از دخول مانع می‌شوید» وای بر شما ای کاتبان و فریسیان ریاکار زیرا خانه‌های بیوه زنان را می‌بلعید و از روی ریا نماز را طویل می‌کنید از آنرو عذاب شدیدتر خواهید یافت» وای بر شما ای کاتبان و فریسیان ریاکار زیرا که برّ و بحر را می‌گردید تا مریدی پیدا کنید و چون پیدا شد او را دو مرتبه پست‌تر از خود پسر جهنم می‌سازید.» این فریبکاران ریاکار همیشه بوده‌اند و خواهند بود و مردم را با دروغ‌های خود فریب خواهند داد و ساخته‌های مغزهای معیوب خود را به مردم بجای فرایض و احکام خدا تعلیم خواهند داد و مردم را از دخول در ملکوت خدا مانع خواهند شد. و در شماره ۴ و ۵ و ۱۱ و ۲۴:۲۴ متی می‌گوید: «زنهار کسی شما را گمراه نکند» از آنرو که بسا بنام من آمده خواهند گفت من مسیح هستم و بسیاری را گمراه خواهند کرد.» (۶ و ۷:۱۳ مرقس را نیز ببینید.) «و بسا انبیاء کذبه ظاهر شده بسیاری را گمراه کنند.» و «مسیحیان کاذب و انبیاء کذبه ظاهر شده علامات و معجزات عظیمه چنان خواهند نمود که اگر ممکن بودی برگزیدگان را نیز گمراه کردند.» (۲۲:۱۳ مرقس را نیز ببینید.) لذا باید دید «احکام مردم را به منزله فرایض تعلیم می‌دهند.» یا نه؟

مسیحیان اولیه نیز مردم را از فریبکاری فریبکاران که باعث فریب و گمراهی مردم می‌شود بر حذر داشته‌اند. پولس در شماره ۱۹:۱۱ قرنتیان اوّل می‌نویسد:

«لازم است در میان شما بدعت‌ها نیز باشد تا که مقبولان از شما ظاهر گردند.» و در شماره ۱۳: ۱۱ قرن‌تیان دوّم می‌نویسد: «زیرا چنین اشخاص رسولان کذبه و عمله مکار هستند که خویشان را به رسولان مسیح مشابه می‌سازند.» می‌بینیم که پولس از وجود چنین افرادی سخن می‌گوید. و در شماره ۶ و ۷: ۱ غلاطیان می‌نویسد: «تعجب می‌کنم که بدین زودی از آن کس که شما را به فیض مسیح خوانده است بر می‌گردید بسوی انجیلی دیگر * که (انجیل) دیگر نیست لکن بعضی هستند که شما را مضطرب می‌سازند و می‌خواهند انجیل مسیح را تبدیل نمایند.» می‌بینیم که از همان دهه‌های اولیه فریبکاران در صدد فریب مردم بوده‌اند. و در شماره ۴: ۲ کولسیان می‌نویسد: «اما این را می‌گویم تا هیچکس شما را با سخنان دلاویز اغوا نکند.» می‌بینیم که از اغواکنندگانی که با سخنان دلاویز مردم را فریب دهند سخن می‌گوید. و در شماره ۳ و ۶ و ۱: ۲۰ رساله اوّل به تیموتاؤس می‌نویسد: «به شما التماس نمودم که در افسس بمانی تا بعضی را امر کنی که تعلیمی دیگر ندهند.» و «از این امور بعضی منحرف گشته به بیهوده گویی توجه نموده‌اند.» «از آن جمله هیمینائوس و اسکندر می‌باشند که ایشان را به شیطان سپردم تا تأدیب شده دیگر کفر نگویند.» و در شماره ۱ تا ۳ و ۷: ۴ آن می‌نویسد: «لیکن روح صریحاً می‌گوید که در زمان آخر بعضی از ایمان برگشته به ارواح مضل و تعالیم شیطان اصغا خواهند نمود * به ریاکاری دروغگویان که ضمائر خود را داغ کرده‌اند * که از مزاجت منع می‌کنند و حکم مینمایند به احتراز از خوراک‌هایی که خدا آفرید برای مؤمنین و عارفین حق تا آنها را به شکرگزاری بخورند.» و «از افسانه‌های حرام عجزها احتراز نما.» معلوم می‌شود چنین افرادی و چنین افسانه‌گوئی‌هایی وجود داشته و بوجود خواهد آمد که آمده است. و در شماره ۹ و ۱۰: ۳ تیطس می‌نویسد: «از مباحثات نامعقول و نسب‌نامه‌ها و نزاع‌ها و جنگ‌های شرعی اعراض نما زیرا بی‌ثمر



و باطل است * و از کسی که اهل بدعت باشد بعد از یکی دو نصیحت اجتناب نما. «
که از وجود بدعت و بدعتگزاران خبر می‌دهد.

پطرس کسی است که مسیح در باره او به او می‌گوید: «من تو را می‌گویم که تویی
پطرس (یعنی صخره) و بر این صخره کلیسای خود را بنا می‌کنم.» ۱۸: ۱۶ متی. و
«من برای تو دعا کردم تا ایمانت تلف نشود و هنگامی که تو بازگشت کنی برادران
خود را استوار نما.» ۲۲: ۳۲ لوقا. و «بره‌های مرا خوراک بده.» و «گوسفندان مرا
شبانگی کن.» و «گوسفندان مرا خوراک بده.» ۱۵ و ۱۶ و ۲۱: ۱۷ یوحنا. این پطرس
در شماره ۱ تا ۳: ۲ رساله دوم خود می‌نویسد: «لکن در میان قوم انبیای کذب نیز
بودند چنانکه در میان شما هم معلمان کذب خواهند بود که بدعت‌های مهلک را
خُفِیَّتاً خواهند آورد و آن آقای را که ایشان را خرید انکار خواهند نمود و هلاکت
سریع را بر خود خواهند کشید * و بسیاری فجور ایشان را متابعت خواهند نمود که
به سبب ایشان طریق حق مورد ملامت خواهد شد * و از راه طمع به سخنان جعلی
شما را خرید و فروش خواهند کرد.»

مسیحی واقعی می‌داند فریبکاران در تمام قرون و اعصار بوده‌اند و خواهند بود
و مردم را با سخنان دل‌آویز و بدعت‌های مهلک فریب خواهند داد و در ملکوت خدا را
به روی مردم می‌بندند. لذا به سخن مسیح عمل می‌کند که می‌گوید: «هر نهالی که
پدر آسمانی من نکاشته باید کنده شود.» ۱۳: ۱۵ متی. و «اگر مرا دوست دارید
احکام مرا نگاه دارید.» ۱۴: ۱۵ یوحنا. مسیحی واقعی به تعالیم مسیح که از خدا
گرفته است عمل می‌کند نه به هر سخنی که بنام مسیح زده شد. مسیح در شماره
۲۸: ۱۰ متی می‌گوید: «از قاتلان جسم که قادر به کشتن روح نیستند بیم نکنید. بلکه
از او بترسید که قادر است بر هلاک کردن روح و جسم را نیز در جهنم.» یعنی از خدا
بترسید نه از مردم و از دلخواه گمراهان پیروی نکنید.

شمشیر

مسیح در شماره ۳۴ تا ۱۰:۴۲ متی می گوید: «گمان مبرید که آمده‌ام تا سلامتی بر زمین بگذارم نیامده‌ام تا سلامتی بگذارم بلکه شمشیر را * زیرا آمده‌ام تا مرد را از پدر خود و دختر را از مادر خویش و عروس را از مادر شوهرش جدا سازم * و دشمنان شخص اهل خانه او خواهند بود * و هر که پدر یا مادر را بیش از من دوست دارد لایق من نباشد و هر که پسر یا دختر را از من زیاده دوست دارد لایق من نباشد * و هر که صلیب خود را بر نداشته از عقب من نیاید لایق من نباشد * هر که جان خود را دریابد آن را هلاک سازد و هر که جان خود را به خاطر من هلاک کرد آن را خواهد دریافت * هر که شما را قبول کند مرا قبول کرده و کسی که مرا قبول کرده فرستنده مرا (خدا را) قبول کرده باشد * و آنکه نبی را به اسم نبی پذیرد اجرت نبی یابد و هر که عادل را با اسم عادل پذیرفت مزد عادل را خواهد یافت * و هر که یکی از این صغار را کاسه ای از آب سرد را محض نام شاگرد نوشاند هر آینه بشما می گویم اجر خود را ضایع نخواهد ساخت.» و در شماره ۱۶ تا ۱۰:۲۲ متی به شاگردانش می گوید: «هان من شما را مانند گوسفندان در میان گرگان میفرستم پس مثل مارها هوشیار و چون کبوتران ساده باشید * اما از مردم برحذر باشید زیرا شما را به مجلس ها تسلیم خواهند کرد و در کنایس شما را تازیانه خواهند زد * و در حضور حکام و سلاطین شما را به خاطر من خواهند برد تا برایشان و برامتها شهادتی شود * اما چون شما را تسلیم کنند اندیشه مکنید که چگونه یا چه باید بگویید زیرا در همان ساعت به شما عطا خواهد شد که چه باید گفت * زیرا گوینده شما نیستید بلکه روح پدر شما در شما گوینده است * و برادر برادر را و پدر فرزند را به موت تسلیم خواهند کرد و فرزندان بر والدین خود برخاسته ایشان را به قتل خواهند رسانید * و به جهت اسم من جمیع مردم از شما



نفرت خواهند کرد لیکن هر که تا آخر صبر کند نجات یابد.» بشماره ۲۴ تا ۲۷:۱۶ متی نیز مراجعه شود. شماره ۹ تا ۱۳:۱۳ مرقس را نیز بخوانید. شماره ۲۳ تا ۲۶:۹ لوقا را هم بخوانید. عیسی مسیح در شماره ۵۱ تا ۵۳:۱۲ لوقا می گوید: «آیا گمان می برید که من آمده ام تا سلامتی بر زمین بخشم؟ نی بلکه به شما می گویم تفریق را (جدا ساختن نیکوکاران از بدکاران در جنگ آنان با یکدیگر) * زیرا بعد از این پنج نفر که در یکخانه باشند دو از سه و سه از دو جدا خواهند شد * پدر از پسر و پسر از پدر و مادر از دختر و دختر از مادر و خارسو (مادر شوهر) از عروس و عروس از خارسو مفارقت خواهند نمود.»

شماره ۱۲ و ۱۳:۲۱ متی می گوید: «عیسی داخل هیکل خدا گشته جمیع کسانی را که در هیکل خرید و فروش می کردند بیرون نمود و تخت های صرافان و کرسی های کبوترفروشان را واژگون ساخت * و ایشان را گفت مکتوب است که خانه من خانه دعا نامیده می شود لیکن شما مغاره دزدانش ساخته اید.» به شماره ۱۵ تا ۱۷:۱۱ مرقس و شماره ۴۵ و ۴۶:۱۹ لوقا نیز مراجعه شود. شماره ۱۳ تا ۱۷:۲ یوحنا می گوید: «چون عید فصح یهود نزدیک بود عیسی به اورشلیم رفت * و در هیکل فروشندگان گاو و گوسفند و کبوتر و صرافان را نشسته یافت * پس تازیانه ای از ریسمان ساخته همه را از هیکل بیرون نمود هم گوسفندان و گاووان را. و نقود صرافان را ریخت و تخت های ایشان را واژگون ساخت * و به کبوترفروشان گفت اینها را از اینجا بیرون برید و خانه پدر مرا خانه تجارت نسازید * آنگاه شاگردان او را یاد آمد که مکتوب است غیرت خانه تو مرا خورده است.» مسیحیان واقعی وقتی این عمل عیسی مسیح را می بینند میدانند در مقابل کسانی که احکام خدا را زیر پا میگذارند چه وظیفه ای دارند. در مقابل همان کسانی که با وسائل ارتباط جمعی و با تحریک شهوات و شهوترانی مردم را به قتل و زنا و دزدی و لواط

و ستمگری تشویق می‌کنند و جامعه را بسوی فساد سوق می‌دهند. به مجلات و روزنامه‌ها و فیلمهای سینمایی و تلویزیونی و داستانها و شعرها و آوازهای شهوی توجهی نکنید تا ببینید اجتماع را بسوی چه لجنزاری سوق می‌دهند. لجنزاری که همه را کم و بیش آلوده می‌کند و بوی تعفن آن همه را ناراحت می‌کند. در جوامعی که اکثریت آن را مسیحیان تشکیل می‌دهند چگونه مخالفین تعالیم مسیح یگانه تازی می‌کنند و زندگی را بر پاکان سخت می‌سازند. اینکار به علت تفرقه مسیحیان است و گرنه اگر مسیحیان همانطور که مسیح خواسته متحد و «یک تن» شوند می‌توانند قوانین را تغییر دهند و تعالیم مسیح را بصورت قانونی حاکم بر اجتماع سازند و جلوی قتل و دزدی و زنا و لواط و فسق و شهادت دروغ را بگیرند و فرزندان را موظف به احترام به والدین بکنند و فساد و ظلم را به نسبت زیادی ریشه کن سازند. مسیحیان واقعی اینکار را کاملاً عاقلانه انجام می‌دهند و قدم اولشان در این راه متحد ساختن مسیحیان توسط زنده ساختن تعالیم مسیح است.

محبت

عیسی مسیح در شماره ۱۲: ۱۵ یوحنا می‌گوید: «این است حکم من که یکدیگر را محبت نمایید همچنان که شما را محبت نمودم.» و در شماره ۳۴ و ۳۵: ۱۳ یوحنا می‌گوید: «به شما حکمی تازه می‌دهم که یکدیگر را محبت نمایید چنانکه من شما را محبت نمودم تا شما نیز یکدیگر را محبت نمایید * به همین همه خواهند فهمید که شاگرد من هستید اگر محبت یکدیگر را داشته باشید.» و در شماره ۲۳: ۱۴ یوحنا می‌گوید: «اگر کسی مرا محبت نماید کلام مرا نگاه می‌دارد.» لذا مسیحی واقعی در مرحله اول نسبت به تمام مسیحیان محبت دارد و همه مسیحیان را یک تن می‌داند همانطور که مسیح در شماره ۱۱: ۱۷ یوحنا می‌گوید: «ای پدر قدوس اینها را که به



من داده‌ای باسم خود نگاه دار تا یکی باشند چنانکه ما هستیم» و در شماره ۲۰ تا ۲۳: ۱۷ یوحنا می‌گوید: «نه برای اینها فقط سؤال می‌کنم بلکه برای آنها نیز که بوسیله کلام ایشان بمن ایمان می‌آورند * تا همه یک گردند چنانکه ای پدر تو در من هستی و من در تو. تا ایشان نیز در ما یک باشند تا جهان ایمان آورد که تو مرا فرستادی * و من جلالی را که بمن دادی بایشان دادم تا یک باشند چنانکه ما یک هستیم * من در ایشان و تو در من تا در یکی کامل گردند و تا جهان بدانند که تو مرا فرستادی و ایشان را محبت نمودی چنانکه مرا محبت نمودی.» مسیحیان واقعی که خود را موظف میدانند احکام خدا را که به وسیله مسیح به مردم گفته شده در جهان اجرا کنند و دنیایی بسازند که در آن عدالت حکومت کند و از ظلم و فساد اثری نباشد باید با هم متحد و یک تن باشند بر خلاف آنچه امروزه در جهان مسیحیت می‌بینیم.

مسیح در شماره ۱۵ تا ۱۷: ۱۸ متی می‌فرماید: «اگر برادرت بتو گناه کرده باشد برو و او را در میان خود و او در خلوت الزام کن. هرگاه سخن تو را گوش گرفت برادر خود را دریافتی * و اگر نشنود یک یا دو نفر دیگر با خود بردار تا از زبان دو یا سه شاهد هر سخنی ثابت شود * و اگر سخن ایشان را رد کند به کلیسا بگو و اگر کلیسا را قبول نکند در نزد تو مثل خارجی یا باجگیر باشد.» در شماره ۲۱ و ۲۲: ۱۸ متی آمده است که «آنگاه پطرس نزد او آمده گفت خداوندا چند مرتبه برادرم بمن خطا ورزد میباید او را آمرزید؟ آیا تا هفت مرتبه؟ * عیسی بدو گفت تو را نمیگویم تا هفت مرتبه بلکه تا هفتاد و هفت مرتبه.» و در شماره ۲۵ و ۲۶: ۱۱ مرقس می‌گوید: «وقتی که به دعا بایستید هرگاه کسی به شما خطا کرده باشد او را ببخشید تا آنکه پدر شما نیز که در آسمان است تقصیرهای شما را معاف دارد * اما اگر شما نبخشید پدر شما نیز که در آسمان است تقصیرهای شما را نخواهد بخشید.»

وقتی مسیحی واقعی خود را موظف می‌داند که دنیای پاکی را که مسیح می‌خواهد، باید بسازد می‌داند که باید با کسانی که خواستار چنین دنیایی هستند همکاری کند. لذا اگر برادرش اشتباهی کرد و مرتکب خطایی شد باید او را ببخشد و بخاطر اشتباهات و خطاهای کوچک این و آن هدف واقعی مسیح را از بین نبرد. چون مسیحی واقعی می‌داند که باید دنیایی بسازد که در آن «قتل و زنا و دزدی و شهادت دروغ» وجود نداشته باشد و «فرزندان احترام پدر و مادر را نگاه دارند و همه همسایه خود را مثل نفس خود محبت نمایند.» رفتار ۱۲ شاگرد اولیه مسیح این وظیفه را نشان می‌دهد. می‌دانیم که یهودای اسخریوطی از جمع ۱۲ نفری خارج شد و به مسیح خیانت کرد ولی شاگردان مطابق شماره ۲۳ و ۲۶: ۱ اعمال رسولان: «دو نفر یعنی یوسف مسمی به برسبا که به یوستس ملقب بود و متیاس را برپا داشتند.» «پس قرعه به نام ایشان افکندند و قرعه بنام متیاس برآمد و او با یازده رسول محسوب گشت.» و در شماره ۴۴ تا ۴۶: ۲ اعمال رسولان آمده است: «همه ایمانداران با هم می‌زیستند و در همه چیز شریک بودند * و املاک و اموال خود را فروخته آنها را به هر کس بقدر احتیاجش تقسیم می‌کردند * و هر روزه در هیکل به یک دل پیوسته میبودند و در خانه‌ها نان را پاره می‌کردند و خوراک را بخوشی و ساده دلی می‌خوردند.» و پولس در شماره ۵: ۱۲ رومیان می‌نویسد: «همچنین ما که بسیاریم یک جسد هستیم در مسیح اما فرداً اعضای یکدیگر.»

با این اتحاد بود که توانستند تعالیم مسیح را در اروپا و آسیا گسترش دهند و «انجیل را در میان امت‌ها موعظه کنند.» و با این اتحاد است که مسیحیان می‌توانند ظلم و فساد را در جهان ریشه کن کنند و حکم «قتل مکن. زنا مکن. دزدی مکن. شهادت دروغ مده.» را در جهان عملی کنند و ملکوت خدا را نزدیک کنند. مسیحیان واقعی همگی مثل یک تن می‌باشند. همانطور که مسیح در شماره ۱۱ و



۲۱ و ۲۲:۱۷ یوحنا می‌گوید: «تا یکی باشند.» و «تا همه یک گردند.» و «تا یک باشند چنانکه ما (مسیح و پدر) یک هستیم.»

مال قیصر

یکی از چیزهایی که فریبکاران دست‌آویز قرار داده‌اند که مسیحیان را از انجام وظیفه خود دورکنند داستان جزیه دادن به قیصر است. که در شماره ۱۵ تا ۲۲:۲۲ متی آمده است که می‌گوید: «پس فریسیان رفته شوری نمودند که چگونه او را در گفتگو گرفتار سازند * و شاگردان خود را با هیرودیان نزد وی فرستاده گفتند: استاد! ما می‌دانیم که صادق هستی و طریق خدا را برستی تعلیم مینمایی و از کسی باک نداری زیرا که به ظاهر خلق نمینگری * پس بما بگو رأی تو چیست آیا جزیه دادن به قیصر روا است یا نه؟ * عیسی شرارت ایشان را درک کرده گفت: ای ریاکاران چرا مرا تجربه می‌کنید؟ * سکه جزیه را بمن بنمایید دیناری نزد وی آوردند * بدیشان گفت این صورت و رقم از آن کیست * بدو گفتند از آن قیصر. بدیشان گفت: مال قیصر را به قیصر ادا کنید و مال خدا را به خدا * چون ایشان شنیدند متعجب شدند و او را گذارده برفتند.» می‌دانیم که در آن زمان سرزمین یهودیه تحت تسلط قیصر قرار داشت و همانطور که در همین داستان می‌بینیم پول رایج کشور پول رومی بود و روی سکه نقش صورت قیصر را داشت و فرماندار رومی پنطیوس پیلاطس بر یهودیه حکومت می‌کرد. ولی هیرودیس نیز در اورشلیم بود. همانطور که در شماره ۶ و ۷:۲۳ لوقا که وقایع را به ترتیب نوشته است می‌گوید: «چون پیلاطس نام جلیل را شنید پرسید که آیا این مرد جلیلی است؟ * و چون مطلع شد که از ولایت هیرودیس است او را نزد وی فرستاد چون که هیرودیس در آن ایام در اورشلیم بود.» در داستان سکه و صورت قیصر که روی آن نقش شده بود می‌بینیم که

می‌خواستند او را به این تهمت که مخالف قیصر است «گرفتار سازند.» در شماره ۱۳: ۱۲ مرقس نیز می‌گوید: «چند نفر از فریسیان و هیرودیان را نزد وی فرستادند تا او را بسخنی گرفتار سازند.» و در شماره ۲۰: ۲۰ لوقا می‌گوید: «مراقب او بوده جاسوسان فرستادند که خود را صالح می‌نمودند تا سخنی از او گرفته او را به حکم و قدرت والی بسپارند.»

در مورد جزیه دادن عیسی در شماره ۲۴ تا ۱۷: ۲۷ متی آمده است: «چون ایشان وارد کفرناحوم شدند محصلان دو درهم نزد پطرس آمده گفتند آیا استاد شما دو درهم را نمیدهد؟ * گفت بلی و چون بخانه در آمده عیسی بر او سبقت نموده گفت ای شمعون چه گمان داری پادشاهان جهان از چه کسان عشر و جزیه می‌گیرند از فرزندان خویش یا از بیگانگان؟ * پطرس بوی گفت از بیگانگان. عیسی بدو گفت پس یقیناً پسران آزادند * لیکن مبادا که ایشان را برنجانیم بکناره دریا رفته قلابی بینداز و اول ماهی که بیرون می‌آید گرفته و دهانش را باز کرده مبلغ چهار درهم خواهی یافت آن را برداشته برای من و خود بدیشان بده.» می‌بینیم که او را به منع جزیه دادن متهم کردند چون در شماره ۱ و ۲۳: ۲ لوقا می‌گوید: «پس تمام جماعت ایشان برخاسته او را نزد پیلاطس بردند * و شکایت بر او آغاز نموده گفتند این شخص را یافته‌ایم که قوم را گمراه می‌کند و از جزیه دادن به قیصر منع مینماید و می‌گوید که خود مسیح و پادشاه است.» و در شماره ۱۲ و ۱۵ و ۱۹: ۱۹ یوحنا آمده است: «از آنوقت پیلاطس خواست او را آزاد نماید لیکن یهودیان فریاد برآورده میگفتند که اگر این شخص را رها کنی دوست قیصر نیستی. هر که خود را پادشاه سازد بر خلاف قیصر سخن گوید.» و «ایشان فریاد زدند او را بردار بردار صلیبش کن. پیلاطس بایشان گفت آیا پادشاه شما را مصلوب کنم؟ رؤسای کهنه جواب دادند که غیر از قیصر پادشاهی نداریم.» و «پیلاطس تقصیر نامه ای نوشته بر صلیب



گذارد و نوشته این بود: عیسی ناصری پادشاه یهود.»

می بینیم که پطرس برای حفظ جان خود ۳ بار مسیح را انکار نمود. (۷۰ و ۷۲ و ۷۴:۲۶ متی و ۶۸ و ۷۰ و ۱۴:۷۱ مرقس و ۵۷ و ۵۸ و ۶۰:۲۲ لوقا و ۱۷ و ۲۵ و ۲۷:۱۸ یوحنا)

می بینیم یوسف که از هل شوری و شاگرد عیسی بود (لیکن اظهار نمی‌کرد) و اجازه برداشتن جسد عیسی را از پیلاطس گرفت ایمان خود را اظهار نمی‌کرد. (۱۹:۳۸ یوحنا) و (۵۷ و ۵۸:۲۷ متی)

نیقودیموس نیز که به مسیح گفت: «ای استاد می‌دانیم که تو معلم هستی که از جانب خدا آمده‌ای.» ایمان خود را پنهان می‌کرد و شب به نزد عیسی رفت. (۱ و ۲:۳ یوحنا) در چنان زمانی و چنان شرایطی مسیح سخن می‌گفت ولی امروزه که مسیحیان اکثریت کشورهای مسیحی را تشکیل می‌دهند باید متحد و «یک تن» گردند و تعالیم مسیح را بصورت قانونی در آورند و از گسترش فساد و ظلم در جهان جلوگیری کنند و تا حد توانایی خود در نابودی ظلم و فساد بکوشند. در چنان شرایطی مسیح در شماره ۳۹ تا ۵:۴۹ متی می‌گوید: «بشما می‌گویم با شریر مقاومت کنید بلکه هر که به رخساره راست تو طپانچه زند دیگری را به سوی او بگردان * و اگر کسی خواهد با تو دعوی کند و قبای تو را بگیرد عبای خود را نیز بدو واگذار * و هر گاه کسی تو را برای یک میل مجبور سازد دو میل همراه او برو.» وگرنه دیدیم که پس از اینکه با استقبال مردم وارد اورشلیم شد صرافان و کبوترفروشان را از هیكل بیرون کرد و تخت صرافان را بهم ریخت و واژگون ساخت. مسیحیان واقعی نیز در حفظ و اجرای احکام خدا غیرتمند می‌باشند همانطور که در شماره ۲:۱۷ یوحنا گفته شده است «غیرت خانه تو مرا خورده است.» چه رسد غیرت احکام خدا که باعث سعادت و آرامش فکری و روحی تمام

افراد بشر می شود، چون وقتی قتل و زنا و دزدی و شهادت دروغ و حسد و طمع از بین برود خیال همه راحت خواهد بود و دلهره و اضطرابی نخواهند داشت. مسیحی واقعی می داند که مسیح آمده است «تا گناهکاران توبه کنند» و گناه نکنند.

یک تن

مسیح در شماره ۱۰:۳۰ یوحنا می گوید: «من و پدر یک هستیم.» و در شماره ۱۷:۱۱ یوحنا می گوید: «ای پدر قدوس اینها را که بمن داده ای به اسم خود نگاه دار تا یکی باشند چنانکه ما هستیم» و در شماره ۲۰ تا ۱۷:۲۲ یوحنا می گوید: «نه برای اینها فقط سؤال می کنم بلکه برای آنها نیز که بوسیله کلام ایشان به من ایمان خواهند آورد * تا همه یک گردند چنانکه تو ای پدر در من هستی و من در تو تا ایشان نیز در ما یک باشند تا جهان ایمان آورد که تو مرا فرستادی * و من جلالی را که به من دادی به ایشان دادم تا یک باشند چنانکه ما یک هستیم.» پولس در شماره ۵:۱۲ رومیان می نویسد: «ما که بسیاریم یک جسد هستیم در مسیح. اما فرداً اعضای یکدیگر.» مثل اعضای یک بدن. و در شماره ۳:۲۸ غلاطیان می نویسد: «شما در مسیح عیسی یک میباشید.» و در شماره ۱۵ و ۳:۱۶ کولسیان می نویسد: «سلامتی خدا در دل های شما مسلط باشد که به آن هم در یک بدن خوانده شده اید و شاکر باشید * کلام مسیح در شما به دولتمندی و به کمال حکمت ساکن بشود و یکدیگر را تعلیم و نصیحت کنید به مزامیر و تسبیحات و سرودهای روحانی و با فیض در دل های خود خدا را بسرایید.» و در شماره ۱۲ تا ۱۲:۲۷ قرنتیان یک می نویسد: «چنانکه بدن یک است و اعضای متعدد دارد و تمامی اعضای بدن اگرچه بسیار است یک تن می باشد همچنین مسیح نیز می باشد * زیرا که همه ما به یک روح در یک بدن تعمید یافتیم خواه یهود خواه یونانی خواه غلام خواه آزاد * همه از یک



روح نوشانیده شدیم * زیرا بدن یک عضو نیست بلکه بسیار است * اگر پا گوید چونکه دست نیستم از بدن نمی باشم آیا بدین سبب از بدن نیست * و اگر گوش گوید چونکه چشم نیستم از بدن نیستم آیا بدین سبب از بدن نیست * اگر تمام بدن چشم بودی کجا میبود شنیدن و اگر همه شنیدن بودی کجا میبود بوییدن * لکن الحال خدا هر یک از اعضاء را در بدن نهاد بر حسب اراده خود * و اگر همه یک عضو بودی بدن کجا میبود * اما الآن اعضا بسیار است لیکن بدن یک * و چشم دست را نمی تواند گفت که محتاج تو نیستم، یا سر پای ها را نیز که احتیاج به شما ندارم * بلکه علاوه بر این آن اعضای بدن که ضعیف تر مینمایند لازم تر می باشند * و آنها را که پست اجزای بدن پنداریم عزیزتر میداریم و اجزای قبیح ما جمال افضل دارد * لکن اعضای جمیله ما را احتیاجی نیست بلکه خدا بدن را مرتب ساخت به قسمی که ناقص را بیشتر حرمت داد * تا که جدایی در بدن نیفتد بلکه اعضاء به برابری در فکر یکدیگر باشند * و اگر یک عضو دردمند گردد سایر اعضاء با آن همدرد باشند و اگر عضوی عزت یابد باقی اعضاء با او بخوشی آیند * اما شما بدن مسیح هستید و فرداً اعضاء آن میباشید. « مسیح در شماره ۴ و ۵: ۱۹ متی می گوید: «مگر نخوانده اید که خالق در ابتدا ایشان را مرد و زن آفرید * و گفت از این جهت مرد پدر و مادر خود را رها کرده به زن خویش پیوندد و هر دو یک تن خواهند شد.» منظور از این یک تن بودن داشتن خواست و هدف مشترک می باشد که افراد برای آن کوشش می کنند.

پدر و فرزند

مسیح در شماره ۴۳ تا ۴۸: ۵ متی می گوید: «شنیده اید که گفته شده است: همسایه خود را محبت نما و با دشمن خود عداوت کن * اما من به شما می گویم که

دشمنان خود را محبت نمایید و برای لعن کنندگان خود برکت بطلبید و به آنانی که از شما نفرت کنند احسان کنید و به هر که به شما فحش دهد و جفا رساند دعای خیر کنید * تا پدر خود را که در آسمان است پسران شوید زیرا آفتاب خود را بر بدان و نیکان طالع می سازد و باران بر عادلان و ظالمان می باراند * زیرا هرگاه آنانی را محبت نمایید که شما را محبت مینمایند چه اجر دارید آیا باجگیران چنین نمی کنند؟ * و هرگاه برادران خود را فقط سلام گوید چه فضیلت دارد آیا باجگیران چنین نمی کنند؟ پس شما کامل باشید چنانکه پدر شما که در آسمان است کامل است.»

می بینیم از نظر مسیح و انجیل کسی فرزند خدا می شود که به دشمنان خود محبت نماید و برای لعن کنندگان خود برکت بطلبد و به آنانی که از او نفرت دارند احسان کند و به کسانی که به او فحش می دهند دعای خیر کند. فرزند خدا مطیع پدر خود می باشد.

در باب ۶ متی ۱۱ بار کلمه پدر شما آمده است نه پدر من (پدر مسیح) و تمام مسیحیان مطابق شماره ۹ تا ۱۳: ۶ متی در دعای خود می گویند: «ای پدر ما که در آسمانی. نام تو مقدس باد. ملکوت تو بیاید. اراده تو چنانکه در آسمان است بر زمین نیز کرده شود * نان کفاف ما را امروز بما بده * و قرض های ما را ببخش چنانکه ما نیز قرضداران خود را می بخشیم * و ما را در آزمایش میاور بلکه از شریر ما را رهایی ده زیرا ملکوت و قوت و جلال تا ابد الابد از آن تو است آمین.» و نمی گویند ای پدر مسیح چون هر کس که دستورهای خداوند (پدر آسمانی) خود را انجام دهد فرزند او می باشد. مسیح در شماره ۹: ۲۳ متی می گوید: «هیچکس را بر زمین پدر خود مخوانید زیرا پدر شما یکی است که در آسمان است.» پولس در شماره ۸: ۱۴ رومیان می نویسد: «همه کسانی که از روح خدا هدایت می شوند، ایشان پسران خدا هستند.»



مسیح در شماره ۳۲ تا ۸:۴۴ یوحنا می گوید: «اگر شما در کلام من بمانید فی الحقیقه شاگرد من خواهید شد * و حق را خواهید شناخت و حق شما را آزاد خواهد کرد * بدو جواب دادند که اولاد ابراهیم می باشیم و هرگز هیچکس را غلام نبوده ایم پس چگونه تو می گویی که آزاد خواهید شد؟ * عیسی در جواب ایشان گفت آمین آمین به شما می گویم هر که گناه می کند غلام گناه است * و غلام همیشه در خانه نمی ماند اما پسر همیشه می ماند * پس اگر پسر شما را آزاد کند در حقیقت آزاد خواهید بود * می دانم که اولاد ابراهیم هستید لیکن می خواهید مرا بکشید زیرا کلام من در شما جای ندارد * من آنچه نزد پدر خود دیده ام می گویم و شما آنچه نزد پدر خود دیده اید می کنید * در جواب او گفتند که پدر ما ابراهیم است. عیسی بدیشان گفت: اگر اولاد ابراهیم می بودید اعمال ابراهیم را بجا می آوردید * ولیکن الآن می خواهید مرا بکشید و من شخصی هستم که با شما برآستی ای که از خدا شنیده ام تکلم می کنم ابراهیم چنین نکرد * شما اعمال پدر خود را بجا می آورید. بدو گفتند که ما از زنا زاییده نشدیم. یک پدر داریم که خدا باشد. عیسی به ایشان گفت: اگر خدا پدر شما میبود مرا دوست میداشتید زیرا من از جانب خدا صادر شده و آمده ام زیرا از پیش خود نیامده ام بلکه او مرا فرستاده است * برای چه سخن مرا نمی فهمید از آن جهت که کلام مرا نمی توانید بشنوید * شما از پدر خود ابلیس میباشید و خواهش های پدر خود را می خواهید بعمل آرید. او از اول قاتل بوده و در راستی ثابت نمی باشد از آن جهت که در او راستی نیست. هرگاه به دروغ سخن می گوید از ذات خود می گوید، زیرا دروغگو و پدر دروغگویان است.» می بینیم که فرزند ابراهیم کسی است که «اعمال ابراهیم را بجا آورد.» و کسی که خواهش ابلیس را انجام دهد «فرزند ابلیس است» و «ابلیس پدر او است» لذا کسی که «دستور خدا را انجام دهد فرزند خدا است.»

پولس در شماره ۲۶:۳ غلاطیان می نویسد: «همگی شما بوسیله ایمان در مسیح عیسی پسران خدا میباشید.» فراموش نکنید که «ایمان بدون اعمال باطل است.» ۲:۲۱ رساله یعقوب. یوحنا در شماره ۱۸:۵ رساله اول خود می نویسد: «هر که از خدا مولود شده است گناه نمی کند. بلکه کسی که از خدا تولد یافت خود را نگاه می دارد و آن شریر او را لمس نمی کند.» پطرس در شماره ۱۴:۱ رساله اول خود می نویسد: «چون ابنای اطاعت هستید مشابه مشوید بدان شهواتی که در ایام جاهلیت میداشتید.»

غلام گناه

مسیح در شماره ۳۴:۸ یوحنا گفت: «هر که گناه می کند غلام گناه است.» پولس در شماره ۱ و ۶ و ۱۲ و ۱۶ تا ۲۳:۶ رومیان می نویسد: «آیا در گناه بمانیم؟» این را می دانیم که انسانیت کهنه ما با او مصلوب شد تا جسد گناه معدوم گشته دیگر گناه را بندگی نکنیم.» «پس گناه در جسم فانی شما حکمرانی نکند تا هوس های آن را اطاعت کنید.» «آیا نمی دانید که اگر خویشان را به بندگی کسی تسلیم کرده او را اطاعت نمایید شما آنکس را که او را اطاعت می کنید بنده هستید. خواه گناه را برای مرگ خواه اطاعت را برای عدالت * اما شکر خدا را که هر چند غلامان گناه بودید لکن الآن از دل مطیع آنصورت تعلیم گردیده اید که به آن سپرده شده اید * و از گناه آزاد شده غلامان عدالت گشته اید * بطور انسان به سبب ضعف جسم شما سخن می گویم زیرا همچنانکه اعضای خود را به بندگی نجاست و گناه برای گناه سپردید همچنین الآن نیز اعضای خود را به بندگی عدالت برای قدوسیّت بسپارید * زیرا هنگامی که غلامان گناه بودید از عدالت آزاد بودید * پس آنوقت چه ثمر داشتید از آن کارهایی که الآن از آن شرمنده اید که انجام آنها موت است * اما الحال چون از



گناه آزاد شده و غلامان خداگشته‌اید ثمر خود را برای قدوسیّت می‌آورید که عاقبت آن حیات جاودانی است * زیرا مزد گناه موت است اما نعمت خدا حیات جاودانی در خداوند ما عیسی مسیح. « پطرس در شماره ۱۹: ۲ رساله دوم خود می‌نویسد: «ایشان را وعده آزادی می‌دهند و حال آنکه خود غلام فساد هستند، زیرا هر چیزی که بر کسی غلبه یافته باشد او نیز غلام آن است.»

حیات جاودانی

مسیح در شماره ۱۳ و ۱۴: ۷ متی می‌گوید: «از در تنگ داخل شوید، زیرا فراخ است آن در و وسیع است آن طریقی که مؤدی به هلاکت است، و آنانی که بدان داخل می‌شوند بسیارند * زیرا تنگ است آن در و دشوار است آن طریقی که مؤدی به حیات است و یابندگان آن کم هستند.» و در شماره ۱۶ تا ۱۹: ۱۹ متی و با کمی اختلاف در ۱۷ تا ۱۹: ۱۰ مرقس و ۱۹ تا ۲۰ لوقا می‌گوید: «ناگاه شخصی آمده وی را گفت: ای استاد نیکو چکنم (چه عمل نیکو کنم) تا حیات جاودانی یابم؟ * وی را گفت: از چه سبب مرا نیکوگفتی و حال آنکه کسی نیکو نیست جز خدا فقط. لیکن اگر بخواهی داخل حیات شوی احکام را نگاه دار * بدو گفت: کدام احکام؟ عیسی گفت: قتل مکن. زنا مکن. دزدی مکن. شهادت دروغ مده * پدر و مادر خود را حرمت دار و همسایه خود را مثل نفس خود دوست دار.» و در شماره ۲۹: ۱۹ می‌گوید: «هر که بخاطر اسم من خانه‌ها یا برادران یا خواهران یا پدر یا مادر یا زن یا فرزندان یا زمین‌ها را ترک کرد صد چندان خواهد یافت و وارث حیات جاودانی خواهد گشت.» همین مطلب با کمی اختلاف در شماره ۲۹ و ۳۰: ۱۰ مرقس و ۲۹ و ۳۰: ۱۸ لوقا آمده است.

مسیح در شماره ۴۶: ۲۵ متی می‌گوید: «ایشان (اصحاب طرف چپ) در عذاب

جاودانی خواهند رفت اما عادلان در حیات جاودانی.» و در شماره ۱۵ و ۱۶ و ۳:۳۶ یوحنا می‌گوید: «تا هر که به او ایمان آورد هلاک نگردد بلکه حیات جاودانی یابد * زیرا خدا جهان را اینقدر محبت نمود که پسر یگانه خود را داد تا هر که به او ایمان آورد هلاک نگردد بلکه حیات جاودانی یابد.» و «آنکه به پسر ایمان آورده باشد حیات جاودانی دارد و آنکه به پسر ایمان نیاورد حیات را نخواهد دید بلکه غضب خدا بر او می‌ماند.» و در شماره ۳۵ و ۴۰ و ۴۸ و ۵۴ و ۶۳ و ۶۸:۶ یوحنا می‌گوید: «من نان حیات هستم، کسی که نزد من آید هرگز گرسنه نشود و هر که به من ایمان آورد هرگز تشنه نگردد.» و «اراده فرستنده من این است که هر که پسر را دید و بدو ایمان آورد حیات جاودانی داشته باشد و من در روز بازپسین او را خواهم برخیزاند.» و «هر که به من ایمان آورد حیات جاودانی دارد. من نان حیات هستم.» «هر که جسد مرا خورد و خون مرا نوشید حیات جاودانی دارد.» «کلامی را که من به شما می‌گویم روح و حیات است.» «پطرس به او گفت: خداوندا نزد که برویم؟ کلمات حیات جاودانی نزد تو است.» و در شماره ۵:۲۳ یوحنا می‌گوید: «هر که کلام مرا بشنود و به فرستنده من ایمان آورد حیات جاودانی دارد و در داوری نمی‌آید بلکه از موت به حیات منتقل می‌شود.» و در شماره ۴۹ و ۵۰:۱۲ یوحنا می‌گوید: «از آنرو که من از خود نگفتم لکن پدری که مرا فرستاد به من فرمان داد که چه بگویم و به چه چیز تکلم کنم * و می‌دانم که فرمان او حیات جاودانی است. پس آنچه من می‌گویم چنانکه پدر به من گفته است تکلم می‌کنم.»

و در شماره ۳:۱۷ یوحنا می‌گوید: «حیات جاودانی این است که تو را خدای واحد حقیقی و عیسی مسیح را که فرستادی بشناسند.»

پس مسیحی واقعی به مسیح و فرستنده او که خدای واحد است ایمان دارد و فرمان خدا را که حیات جاودانی است و به مسیح گفته اجرا می‌کند و اراده خدا را



انجام میدهد. چون می‌داند آنچه مسیح گفته: «پدر به او گفته است که بگوید.» و می‌داند باید حقوق دیگران را رعایت کند تا حیات جاودانی یابد و وارد ملکوت آسمان شود و قتل و دزدی و زنا و طمع نکند.

ملکوت خدا

مسیح در شماره ۱۰ و ۵:۲۰ متی می‌گوید: «خوشا بحال زحمتکشان برای عدالت زیرا ملکوت آسمان از آن ایشان است.» «تا عدالت شما بر عدالت کاتبان و فریسیان افزون نشود به ملکوت آسمان هرگز داخل نخواهید شد.» و در شماره ۷:۲۱ متی می‌گوید: «نه هر که مرا خداوند خداوند گوید داخل ملکوت آسمان گردد بلکه آنکه اراده پدر مرا که در آسمان است بجا آورد.» و در شماره ۱۳:۴۳ متی می‌گوید: «آنگاه (در عاقبت این عالم) عادلان در ملکوت پدر خود مثل آفتاب، درخشان خواهند شد. هر که گوش شنوا دارد بشنود.» مسیحی واقعی می‌داند فقط با عدالت است که می‌تواند به ملکوت خدا داخل شود. عدالت یعنی رعایت حقوق دیگران یعنی به جان و مال و ناموس و آرامش فکری و روحی دیگران حمله نکردن و قتل و زنا و دزدی نکردن و شهادت دروغ ندادن و تهمت نزدن و مسخره نکردن و اذیت نکردن دیگران و فحش ندادن و کلاه برداری نکردن.

مسیح در شماره ۳ و ۱۸:۴ متی در جواب کسانی که می‌پرسند: «چه کسی در ملکوت آسمان بزرگتر است؟» طفلی طلب می‌کند و در میان ایشان بر پا می‌دارد و می‌گوید: «بشما می‌گویم تا بازگشت نکنید و مثل طفل کوچک نشوید هرگز داخل ملکوت آسمان نخواهید شد * هر کس مثل این بچه کوچک خود را فروتن سازد همان در ملکوت آسمان بزرگتر است.» و در شماره ۲۳ و ۱۹:۲۴ متی می‌گوید: «شخص دولتمند به ملکوت آسمان بدشواری داخل می‌شود * و باز شما را

می‌گویم که گذشتن شتر از سوراخ سوزن آسان‌تر است از دخول شخص دولتمند در ملکوت خدا.» در شماره ۲۳:۲۰ متی در جواب مادر دو پسر زبیدی که درخواست کرد «بفرما تا این دو پسر من در ملکوت تو یکی بر دست راست و دیگری بر دست چپ تو بنشینند.» (۲۱:۲۰ متی) می‌گوید: «نشستن بدست راست و چپ من از آن من نیست که بدهم مگر به کسانی که از جانب پدرم برای ایشان مهیا شده است.» و در شماره ۴۳:۲۱ متی می‌گوید: «شما را می‌گویم که ملکوت خدا از شما گرفته شده به امتی که میوه‌اش را بیاورند عطا خواهد شد.» و در داستان پادشاه و عروسی پسرش و مدعوین این مطلب را بطور مثل بیان می‌کند. (باب ۲۲ متی) و در شماره ۱۳:۲۳ متی می‌گوید: «وای بر شما ای کاتبان و فریسیان ریاکار که در ملکوت آسمان را بر روی مردم می‌بندید زیرا خود داخل آن نمی‌شوید و داخل شوندگان را از دخول مانع می‌شوید.» و در شماره ۳:۳ یوحنا می‌گوید: «اگر کسی از سر نو مولود نشود ملکوت خدا را نمی‌تواند دید.» و در شماره ۶ و ۵:۳ یوحنا می‌گوید: «اگر کسی از آب و روح مولود نگردد ممکن نیست که داخل ملکوت خدا شود * آنچه از جسم مولود شد جسم است و آنچه از روح مولود گشت روح است.»

پولس در شماره ۱۷:۱۴ رومیان می‌نویسد: «ملکوت خدا اکل و شرب نیست بلکه عدالت و سلامتی و خوشی در روح القدس است.» و در شماره ۹ و ۱۰:۶ قرنتیان اول می‌نویسد: «فریب مخورید زیرا فاسقان و بت پرستان و زانیان و متنعمان و لواط * و دزدان و طمعکاران و میگساران و فحاشان و ستمگران وارث ملکوت خدا نخواهند شد.» و در شماره ۱۹ تا ۲۱:۵ غلاطیان می‌نویسد: «اعمال جسم آشکار است یعنی زنا و فسق و ناپاکی و فجور * و بت پرستی و جادوگری و دشمنی و نزاع و کینه و خشم و تعصب و شقاق و بدعتها * و حسد و قتل و مستی و



لهو و لعب و امثال اینها که شما را خبر می‌دهم چنانکه قبل از این دادم که کنندگان چنین کارها وارث ملکوت خدا نمی‌شوند.» و در شماره ۵ و ۶: ۵ رساله به افسیسان می‌نویسد: «یقین می‌دانید که هیچ زانی یا ناپاک یا طمّاع که بت پرست باشد میراثی در ملکوت مسیح و خدا ندارد * هیچکس شما را به سخنان باطل فریب ندهد زیرا به سبب اینها غضب خدا بر ابنای معصیت نازل می‌شود.» مسیحی واقعی کسی است که از این کارها بیزار است و چنین کارهایی نمی‌کند و فریب سخنان باطل فریبکاران را خورد.

جهنم

مسیح در شماره ۲۷ تا ۵: ۳۰ متی می‌گوید: «شنیده‌اید که به اولین (تورات) گفته شده است: زنا مکن * لیکن من بشما می‌گویم هر کس به زنی نظر شهوت اندازد هماندم در دل خود با او زنا کرده است * پس اگر چشم راستت تو را بلغزاند قلعش کن و از خود دور انداز. زیرا تو را بهتر آن است که عضوی از اعضایت تباه گردد از آنکه تمام بدنت در جهنم افکنده شود * و اگر دست راستت تو را بلغزاند قطعش کن و از خود دور انداز. زیرا تو را مفیدتر آن است که عضوی از اعضای تو نابود شود از آنکه کل جسدت در دوزخ افکنده شود.» و در شماره ۲۲ تا ۷: ۲۳ متی می‌گوید: «بسا در آن روز مرا خواهند گفت: خداوندا خداوندا آیا بنام تو نبوت ننمودیم و باسم تو دیوها را اخراج نکردیم و بنام تو معجزات ظاهر نساختمیم * آنگاه به ایشان صریحاً خواهیم گفت: که هرگز شما را نساختم. ای بدکاران از من دور شوید.» پس بدکاران مسیحی نیستند و مسیحیان واقعی نیکوکار هستند و مرتکب گناه نمی‌شوند و به جهنم نمی‌روند.

مسیح در شماره ۲۸: ۱۰ متی می‌گوید: «از قاتلان جسم که قادر به کشتن روح

نیستند بیم مکنید بلکه از او بترسید که قادر است بر هلاک کردن روح و جسم را نیز در جهنم.» و در شماره ۳۷ تا ۴۳:۱۳ متی در جواب مثل کرکاس در بذر نیکو می‌گوید: «آنکه بذر نیکو می‌کارد پسر انسان (عیسی مسیح) است * و مزرعه اینجهان است و تخم نیکو ابنای ملکوت و کرکاسها پسران شریرند * و دشمنی که آنها را کاشت ابلیس است و موسم حصاد (درو) عاقبت این عالم و دروندگان فرشتگانند * پس همچنانکه کرکاس‌ها را جمع کرده در آتش میسوزانند همانطور در عاقبت این عالم خواهد شد * که پسر انسان ملائکه خود را فرستاده همه لغزش دهندگان و بدکاران را جمع خواهند کرد * و ایشان را به تنور آتش خواهند افکند جایی که گریه و فشار دندان بُود * آنگاه عادلان در ملکوت پدر خود مثل آفتاب، درخشان خواهند شد. هر که گوش شنوا دارد بشنود.» و در شماره ۴۷ تا ۵۰:۱۳ متی می‌گوید: «ملکوت آسمان مثل دامی است که به دریا افکنده شود و از هر جنسی به آن در آید * و چون پر شود بکناره‌اش کشند و نشسته خوب‌ها را در ظروف جمع کنند و بدها را دور اندازند * بدینطور در آخر این عالم خواهد شد. فرشتگان بیرون آمده طالحین را از میان صالحین جدا کرده ایشان را در تنور آتش خواهند انداخت جایی که گریه و فشار دندان می‌باشد.» و در شماره ۸ و ۹:۱۸ متی می‌گوید: «اگر دستت یا پایت تو را بلغزاند آن را قطع کرده از خود دور انداز زیرا تو را بهتر است که لنگ یا شل داخل حیات شوی از آنکه با دو دست یا دو پا در نار جاودانی افکنده شوی * و اگر چشمت تو را لغزش دهد آن را قلع کرده از خود دور انداز زیرا تو را بهتر است با یک چشم وارد حیات شوی از اینکه با دو چشم در آتش جهنم افکنده شوی.» و در شماره ۱۲ و ۱۳:۲۲ متی در باره کسی که به عروسی پسر پادشاه دعوت شده بود اما لباس عروسی نپوشیده بود می‌گوید: «شاه به او گفت: ای عزیز چطور در اینجا آمدی و حال آنکه لباس عروسی در بر نداری؟ او خاموش شد



* آنگاه پادشاه خادمان خود را فرمود این شخص را دست و پا بسته بردارید و در ظلمت خارجی اندازید جایی که گریه و فشار دندان باشد.»

در شماره ۲۳ تا ۲۲:۳۰ متی گفته شده است: «در همان روز صدوقیان که منکر قیامت هستند نزد او آمده سوال نموده * گفتند: ای استاد موسی گفت: اگر کسی بی اولاد بمیرد میباید برادرش زن او را نکاح کند تا نسلی برای برادر خود پیدا نماید * باری در میان ما هفت برادر بودند که اولی زنی گرفته بمرد و چون اولادی نداشت زن را به برادر خود ترک کرد * همچنین دومین و سومین تا هفتمین * و آخر از همه آن زن نیز مرد * پس او در قیامت زن کدام یک از آن هفت خواهد بود زیرا که همه او را داشتند * عیسی در جواب گفت: گمراه هستید از این رو که کتاب و قوت خدا را در نیافته اید * زیرا در قیامت نه نکاح می کنند و نه نکاح کرده می شوند بلکه مثل ملائکه خدا در آسمان می باشند.» ۱۲:۲۵ مرقس و ۳۴ تا ۳۶: ۲۰ لوقا را نیز ببینید. و در شماره ۱۴ و ۲۳: ۱۵ متی می گوید: «وای بر شما ای کاتبان و فریسیان ریاکار زیرا خانه های بیوه زنان را می بلعید و از روی ریا نماز را طویل می کنید از آنرو عذاب شدیدتر خواهید یافت. وای بر شما ای کاتبان و فریسیان ریاکار زیرا برّ و بحر را میگردید تا مریدی پیدا کنید و چون پیدا شد او را دو مرتبه پست تر از خود پسر جهنم میسازید.» و در شماره ۲۵: ۴۱ متی می گوید: «اصحاب طرف چپ را گوید: ای ملعونان از من دور شوید در آتش جاودانی که برای ابلیس و فرشتگان او مهیا شده است.» و در شماره ۴۲ تا ۹: ۴۸ مرقس می گوید: «هر که یکی از این کودکان را که به من ایمان آورند لغزش دهد او را بهتر است که سنگ آسیایی بر گردنش آویخته در دریا افکنده شود * پس هرگاه دستت تو را بلغزند آن را ببر. زیرا تو را بهتر است که شل داخل حیات شوی از اینکه با دو دست وارد جهنم گردی در آتشی که خاموشی نپذیرد * جایی که کِرم ایشان نمیرد و آتش خاموشی نپذیرد * و هرگاه

پایت تو را بلغزانند قطعش کن زیرا تو را مفیدتر است که لنگ داخل حیات شوی از آنکه با دو پا به جهنم افکنده شوی در آتش که خاموشی نپذیرد * آنجایی که کرم ایشان نمیرد و آتش خاموش نشود * و هرگاه چشم تو، تو را لغزش دهد قلعهش کن زیرا تو را بهتر است که با یک چشم داخل ملکوت خدا شوی از آنکه با دو چشم در آتش جهنم انداخته شوی * جایی که کرم ایشان نمیرد و آتش خاموشی نیابد.» و در شماره ۴ و ۵: ۱۲ لوقا می گوید: «ای دوستان من بشما می گویم از قاتلان جسم که قدرت ندارند بیشتر از این بکنند ترسان باشید * بلکه بشما نشان می دهم که از که باید ترسید. از او بترسید. از او بترسید که بعد از کشتن قدرت دارد که به جهنم بیفکند. بلی بشما می گویم از او بترسید.» در داستان شخص دولتمند و ایلعازر فقیر پس از اینکه هر دو مردند در شماره ۲۳ تا ۲۶: ۱۶ لوقا آمده است: «مرد دولتمند چشمان خود را گشوده خود را در عالم اموات در عذاب یافت و ابراهیم را از دور و ایلعازر را در آغوش او دید * آنگاه به آواز بلند گفت ای پدر من ابراهیم بر من ترحم فرما و ایلعازر را بفرست تا سرانگشت خود را به آب تر ساخته زبان مرا خنک سازد زیرا در این نار معذبم * ابراهیم گفت ای فرزند بخاطر آور که تو در ایام زندگی چیزهای نیکوی خود را یافتی و همچنین ایلعازر چیزهای بد را لیکن او الحال در تسلی است و تو در عذاب * علاوه بر این در میان ما و شما ورطه عظیمی است چنانچه آنانی که می خواهند از اینجا بنزد شما عبور کنند نمی توانند و نه نشینندگان آنجا نزد ما توانند گذشت.»

پولس در شماره ۵ تا ۱۱: ۲ رومیان می نویسد: «به سبب قساوت و دل ناتوبه کار خود غضب را ذخیره می کنی برای خود در روز غضب و ظهور داوری عادل خدا * که بهر کس بر حسب اعمالش جزا خواهد داد * اما به آنانی که با صبر در اعمال نیکو طالب جلال و اکرام و بقایند حیات جاودانی را * و اما به اهل تعصب که اطاعت



راستی نمی‌کنند بلکه مطیع ناراستی می‌باشند خشم و غضب * و عذاب و ضیق بر هر نفس بشری که مرتکب بدی می‌شود اول بر یهود و پس بر یونانی * لکن جلال و اکرام و سلامتی بر هر نیکوکار نخست بر یهود و بر یونانی نیز * زیرا نزد خدا طرفداری نیست.» و در شماره ۱۲ تا ۱۸ و ۳۵ تا ۴۴:۱۵ قرن‌تیان اول می‌نویسد: «اگر به مسیح و عظمی می‌شود که از مردگان برخاست چون است که بعضی از شما می‌گویند که قیامت مردگان نیست * اما اگر مردگان را قیامت نیست مسیح نیز برنخاسته است * و اگر مسیح برنخاست باطل است و عظمی ما و باطل است نیز ایمان شما * و شهود کذب نیز برای خدا شدیم زیرا در باره خدا شهادت دادیم که مسیح را برخیزانید و حال آنکه او را برنخیزانید در صورتیکه مردگان بر نمی‌خیزند * زیرا هرگاه مردگان بر نمی‌خیزند مسیح نیز برنخاسته است * اما هرگاه مسیح برنخاسته است ایمان شما باطل است و شما تاکنون در گناهان خود هستید * بلکه آنانی هم که در مسیح خوابیده‌اند هلاک شدند.» و «اما اگر کسی گوید مردگان چگونه برمی‌خیزند و با کدام بدن آیند؟ * ای احمق آنچه تو می‌کاری زنده نمی‌گردد جز آنکه بمیرد * و آنچه می‌کاری نه آن جسمی را که خواهد شد می‌کاری بلکه دانه مجرد خواه از گندم یا از دانه‌های دیگر * لیکن خدا بر حسب اراده خود آن را جسمی می‌دهد و بهر یک از تخم‌ها جسم خودش را * هر گوشت از یک نوع گوشت نیست بلکه گوشت انسان دیگر است و گوشت بهائم دیگر و گوشت مرغان دیگر و گوشت ماهیان دیگر * و جسم‌های آسمانی هست و جسم‌های زمینی نیز، لیکن شأن آسمانی‌ها دیگر و شأن زمینی‌ها دیگر است * و شأن آفتاب دیگر و شأن ماه دیگر و شأن ستارگان دیگر زیرا که ستاره از ستاره در شأن فرق دارد * به همین نهج است نیز قیامت مردگان. در فساد کاشته می‌شود و در بی‌فسادی برمی‌خیزد * در ذلت کاشته می‌شود و در جلال برمی‌خیزد. در ضعف کاشته می‌شود و در قوت برمی‌خیزد * جسم نفسانی کاشته

می شود و جسم روحانی برمی خیزد * اگر جسم نفسانی هست هر آینه روحانی نیز هست.»

مسیحی واقعی معتقد به عالم دیگر و برخاستن مردگان و عذاب بدکاران و حیات جاودانی نیکوکاران هست و سعی می کند با کارهای نیک خود حیات جاودانی یابد.

خادم

در شماره ۴ تا ۱۷: ۱۳ یوحنا آمده است: «از شام برخاست و جامه خود را بیرون کرد و دستمالی گرفته به کمر بست * پس آب در لگن ریخته شروع کرد به شستن پاهای شاگردان و خشکانیدن آنها با دستمالی که بر کمر داشت * پس چون به شمعون پطرس رسید او بوی گفت ای آقا تو پاهای مرا می شویی * عیسی در جواب وی گفت آنچه من می کنم الان تو نمیدانی لکن بعد خواهی فهمید * پطرس به او گفت پاهای مرا هرگز نخواهی شست. عیسی او را جواب داد اگر تو را نشویم تو را با من نصیبی نیست * شمعون پطرس بدو گفت ای آقا نه تنها پاهای مرا و بس بلکه دستها و سر مرا نیز * عیسی بدو گفت کسی که غسل یافت محتاج نیست مگر به شستن پاها بلکه تمام او پاک است و شما پاک هستید لکن نه همه * زیرا تسلیم کننده خود را میدانست و از این جهت گفت همگی شما پاک نیستید * و چون پاهای ایشان را شست رخت خود را گرفته باز بنشست و بدیشان گفت آیا فهمیدید آنچه بشما کردم * شما مرا استاد و آقا می خوانید و خوب می گوئید زیرا چنین هستم * پس اگر من که آقا و معلم هستم پاهای شما را شستم بر شما نیز واجب است که پاهای یکدیگر را بشوید * زیرا به شما نمونه دادم تا چنانکه من با شما کردم شما نیز بکنید * آمین آمین بشما می گویم غلام بزرگتر از آقای خود نیست و نه رسول از



فرستنده خود * هرگاه این را دانستید خوشا بحال شما. اگر آن را بعمل آورید.»

عیسی مسیح در شماره ۱ تا ۴:۱۸ متی می‌گوید: «در همان ساعت شاگردان نزد عیسی آمده گفتند چه کس در ملکوت آسمان بزرگتر است * آنگاه عیسی طفلی طلب نموده در میان ایشان بر پا داشت * گفت هر آینه بشما می‌گویم تا بازگشت نکنید و مثل طفل کوچک نشوید هرگز داخل ملکوت آسمان نخواهید شد * پس هر که مثل این طفل خود را فروتن سازد همان در ملکوت آسمان بزرگتر است.» و در شماره ۲۵ تا ۲۸:۲۰ متی می‌گوید: «عیسی ایشان را پیش طلبیده گفت آنگاه هستید که حکام امت‌ها بر ایشان سروری می‌کنند و رؤسا بر ایشان مسلط هستند * لیکن در میان شما چنین نخواهد بود بلکه هر که در میان شما می‌خواهد بزرگ شود خادم شما بود * و هر که می‌خواهد در میان شما مقدم بود غلام شما باشد * چنانکه پسر انسان نیامد تا مخدوم شود بلکه تا خدمت کند و جان خود را در راه بسیاری فدا سازد.» و در شماره ۱ تا ۱۲:۲۳ متی می‌گوید: «آنگاه عیسی آن جماعت و شاگردان خود را خطاب کرده گفت * کاتبان و فریسیان بر کرسی موسی نشسته‌اند * پس آنچه به شما گویند نگاه دارید و بجا آورید لیکن مثل اعمال ایشان نکنید ؛ زیرا می‌گویند و نمی‌کنند * زیرا بارهای گران و دشوار را می‌بندند و بر دوش مردم می‌نهند و خود نمی‌خواهند آنها را با یک انگشت حرکت دهند * و همه کارهای خود را می‌کنند تا مردم ایشان را ببینند. حمایل‌های خود را عریض و دامن‌های قبای خود را پهن می‌سازند * و بالا نشستن در ضیافت‌ها و کرسی‌های صدر در کنایس را دوست دارند * و تعظیم در کوچه‌ها را و اینکه ایشان را آقا آقا بخوانند * لیکن شما آقا خوانده مشوید زیرا استاد شما یکی است یعنی مسیح و جمیع شما برادرانید * و هیچکس را بر زمین پدر خود مخوانید زیرا پدر شما یکی است که در آسمان است * و پیشوا خوانده مشوید زیرا پیشوای شما یکی است یعنی مسیح * و هر که از شما

بزرگتر باشد خادم شما باشد * و هر که خود را بلند کند پست گردد و هر که خود را فروتن سازد سرافراز گردد. « در شماره ۳۳ تا ۳۵:۹ مرقس آمده است: «وارد کفرناحوم شده چون بخانه در آمد از ایشان پرسید که در بین راه با یکدیگر چه مباحثه می کردید * اما ایشان خاموش ماندند از آنجا که در راه با یکدیگر گفتگو می کردند در اینکه کیست بزرگتر * پس نشسته آن دوازده را طلبیده بدیشان گفت هر که می خواهد مقدم باشد مؤخر و غلام همه بود. « و در شماره ۴۲ تا ۴۵:۱۰ مرقس آمده است: «عیسی ایشان را خوانده به ایشان گفت می دانید آنانی که حکام امت‌ها شمرده می شوند بر ایشان ریاست می کنند و بزرگانشان بر ایشان مسلط هستند * لیکن در میان شما چنین نخواهد بود بلکه هر که خواهد در میان شما بزرگ شود خادم شما باشد * و هر که خواهد مقدم بر شما شود غلام همه باشد * زیرا که پسر انسان نیز نیامده تا مخدوم شود بلکه تا خدمت کند و تا جان خود را فدای بسیاری کند.»

در شماره ۴۶ تا ۴۸:۹ لوقا آمده است: «در میان ایشان (شاگردان مسیح) مباحثه شد که کدام یک از ما بزرگتر است * عیسی خیال دل ایشان را ملتفت شده طفلی بگرفت و او را نزد خود برپا داشت * و بایشان گفت هر که این طفل را بنام من قبول کند مرا پذیرفته است و هر که مرا پذیرد فرستنده مرا پذیرفته باشد زیرا هر که از جمیع شما کوچکتر باشد همان بزرگ خواهد بود. « عیسی مسیح در شماره ۱۴:۱۸ لوقا می گوید: «هر که خود را بر افرازد پست گردد و هر کس خویشتن را فروتن سازد سرافرازی یابد. « در شماره ۲۴ تا ۲۷:۲۲ لوقا آمده است: «در میان ایشان (شاگردان مسیح) نزاعی نیز افتاد که کدام یک از ایشان بزرگتر می باشد * آنگاه بایشان گفت سلاطین امت‌ها بر ایشان سروری می کنند و حکام خود را ولی نعمت می خوانند * لیکن شما چنین مباشید بلکه بزرگتر از شما کوچکتر باشد و پیشوا



چون خادم * زیرا کد امیک بزرگتر است آنکه بغذا نشیند یا آنکه خدمت کند آیا نیست آنکه نشسته است لیکن من در میان شما چون خادم هستم.» مسیحی واقعی خادم دیگران است نه آقای آنان.

با قدرت

مسیح با قدرت کامل سخن می‌گفت و تعلیم می‌داد. مسیحی واقعی نیز باید چون مسیح باشد و تعالیم مسیح و کلام خدا را با قدرت تعلیم دهد و اجرا کند.

مسیح در شماره ۳۴ تا ۱۲:۳۹ متی می‌گوید: «ای افعی زادگان چگونه می‌توانید سخن نیکو گفت و حال آنکه بد هستید. زیرا که زبان از زیادتى دل سخن می‌گوید * مرد نیکو از خزانه نیکوی دل خویش چیزهای خوب بر می‌آورد و مرد بد از خزانه بد چیزهای بد بیرون می‌آورد * لیکن بشما می‌گوییم که هر سخن باطل که مردم گویند حساب آنرا در روز داوری خواهند داد * زیرا که از سخنان خود عادل شمرده خواهی شد و از سخن‌های تو بر تو حکم خواهد شد * آنگاه بعضی از کاتبان و فریسیان در جواب او گفتند ای استاد می‌خواهیم از تو آیتی ببینیم * او در جواب ایشان گفت فرقه شریر و زناکار آیتی می‌طلبند و بدیشان جز آیت یونس نبی داده نخواهد شد.» و در شماره ۳ و ۱۶:۴ متی می‌گوید: «ای ریاکاران می‌دانید صورت آسمان را تمیز دهید اما علامات زمان‌ها را نمی‌توانید * فرقه شریر زناکار آیتی می‌طلبند و آیتی بدیشان عطا نخواهد شد جز آیت یونس نبی.» و در شماره ۱۷:۱۷ متی بشاگردان خود می‌گوید: «ای فرقه بی‌ایمان کج رفتار تا به کی با شما باشم و تا چند متحمل شما گردم؟» و در شماره ۱۳ تا ۲۳:۱۹ متی می‌گوید: «وای بر شما ای کاتبان و فریسیان ریاکار که در ملکوت آسمان را بروی مردم می‌بندید زیرا خود داخل نمی‌شوید و داخل شوندگان را از دخول مانع می‌شوید * وای بر شما ای

کاتبان و فریسیان ریاکار زیرا خانه‌های بیوه زنان را می‌بلعید و از روی ریا نماز را
 طول می‌کنید از آنرو عذاب شدیدتر خواهید یافت * وای بر شما ای کاتبان و
 فریسیان ریاکار زیرا بزّ و بحر را میگردید تا مریدی پیدا کنید و چون پیدا کردید او را
 دو مرتبه پست‌تر از خود پسر جهنم میسازید * وای بر شما ای راهنمایان کور که
 می‌گویید هر که به هیكل قسم خورد باکی نیست لیکن هر که بطلای هیكل قسم
 خورد باید وفا کند * ای نادانان و نابینایان آیا کدام افضل است طلا یا هیکلی که طلا
 را مقدس می‌سازد * و هر که به مذبح قسم خورد باکی نیست لیکن هر که به هدیه
 ای که بر آن است قسم خورد باید ادا کند * ای جهال و کوران کدام افضل است هدیه
 یا مذبح که هدیه را تقدیس مینماید.» در این شماره‌ها می‌بینیم که آنها را با صفت
 افعی زادگان، فرقه شریر و زناکار، ریاکاران، بی‌ایمان کج رفتار، نادان و کور مخاطب
 قرار میدهد و در شماره ۲۴ تا ۳۳:۲۳ متی می‌گوید: «ای رهنمایان کور که پیشه را
 صافی می‌کنید و شتر را فرو می‌برید * وای بر شما ای کاتبان و فریسیان ریاکار از
 آنرو که بیرون پیاله و بشقاب را پاک می‌نمایید و درون آنها مملو از جبر و ظلم است
 * ای فریسی کور اول درون پیاله و بشقاب را ظاهر ساز تا بیرونش نیز ظاهر شود *
 وای بر شما ای کاتبان و فریسیان ریاکار که چون قبور سفید شده میباشید که از بیرون
 نیکو مینمایید لیکن درون آنها از استخوانهای مردگان و سایر نجاسات پر است *
 همچنین شما نیز ظاهراً به مردم عادل می‌نمایید لیکن باطناً از ریاکاری و شرارت
 مملو هستید * وای بر شما ای کاتبان و فریسیان ریاکار که قبرهای انبیاء را بنا می‌کنید
 و مدفن صادقان را زینت می‌دهید * و می‌گویید اگر در ایام پدران خود میبودیم در
 ریختن خون انبیاء با ایشان شریک نمی‌شدیم * پس بر خود شهادت می‌دهید که
 فرزندان قاتلان انبیاء هستید * پس شما پیمانان پدران خود را لبریز کنید * ای ماران و
 افعی زادگان چگونه از عذاب جهنم فرار خواهید کرد؟» می‌بینیم که صفت کور و



ریاکار و شرارت و مار و افعی زاده به آنها میدهد. دیدیم که صرافان و کبوترفروشان را از هیکل بیرون کرد.

زن

عیسی مسیح در شماره ۲۷ تا ۳۲:۵ متی می‌گوید: «شنیده‌اید که به اولین گفته شده است زنا مکن * لیکن من بشما می‌گویم هر کس به زنی نظر شهوت اندازد هماندم در دل خود با او زنا کرده است * پس اگر چشم راستت تو را بلغزاند قلعهش کن و از خود دور انداز زیرا تو را بهتر آنست که عضوی از اعضایت تباه گردد از آنکه تمام بدنت در جهنم افکنده شود و اگر دست راستت تو را بلغزاند قطعش کن و از خود دور انداز زیرا تو را مفیدتر آن است که عضوی از اعضای تو نابود شود از آنکه کل جسدت در دوزخ افکنده شود * و گفته شده است هر که از زن خود مفارقت جوید طلاق نامه ای بدو بدهد * لیکن من بشما می‌گویم هر کس به غیر علت زنا زن خود را از خود جدا کند باعث زنا کردن او می‌باشد و هر که زن مطلقه را نکاح کند زنا کرده باشد.» و در جواب فریسانی که «آمدند تا او را امتحان کنند و گفتند آیا جایز است مرد زن خود را به هر علتی طلاق دهد؟» (۳:۱۹ متی) در شماره ۴ تا ۱۲:۱۹ متی می‌گوید: «مگر نخوانده‌اید که خالق در ابتدا ایشان را مرد و زن آفرید * و گفت از این جهت مرد پدر خود را رها کرده بزنی خویش بیوندد و هر دو یک تن خواهند شد * بنابراین بعد از آن دو نیستند بلکه یک تن هستند پس آنچه را خدا پیوسته انسان جدا نسازد * به وی گفتند پس از بهر چه موسی امر فرموده که زن را طلاق نامه دهند و جدا کنند؟ * (شماره ۱:۲۴ تثنیه) ایشان را گفت موسی به سبب سنگدلی شما، شما را اجازت داد که زنان خود را طلاق دهید لیکن از ابتدا چنین نبود * و بشما می‌گویم هر که زن خود را بغير علت زنا طلاق دهد و دیگری را نکاح

کند زانی است و هر که زن مطلقه را نکاح کند زنا کند * شاگردانش بدو گفتند اگر حکم شوهر با زن چنین باشد نکاح نکردن بهتر است * ایشان را گفت تمامی خلق این کلام را نمی‌پذیرند مگر بکسانی که عطا شده است * زیرا که خصی‌های می‌باشند که از شکم مادر چنین متولد شدند و خصی‌ها هستند که از مردم خصی شده‌اند و خصی‌های می‌باشند که به جهت ملکوت خدا خود را خصی نموده‌اند. آنکه توانایی قبول دارد بپذیرد.» در شماره ۲ تا ۱۲: ۱۰ مرقس آمده است: «آنگاه فریسیان پیش آمده از روی امتحان از او سؤال نمودند که آیا مرد را طلاق دادن زن خویش جایز است؟ * در جواب ایشان گفت موسی شما را چه فرموده است؟ * گفتند موسی اجازه داد که طلاق نامه بنویسند و رها کنند * عیسی در جواب ایشان گفت به سبب سنگدلی شما این حکم را برای شما نوشت * لیکن از ابتدای خلقت ایشان را مرد و زن آفرید * از آن جهت باید مرد پدر و مادر خود را ترک کرده با زن خویش بپیوند * و این دو یک تن خواهند بود. (۲۴: ۲ پیدایش) چنانکه از آن پس دو نیستند بلکه یک جسد * پس آنچه خدا پیوست انسان آن را جدا نکند * و در خانه باز شاگردانش از این مقدمه از وی سؤال نمودند * بدیشان گفت هر که زن خود را طلاق دهد و دیگری را نکاح کند بر حق وی زنا کرده باشد * و اگر زن از شوهر خود جدا شود و منکوحه دیگری شود مرتکب زنا شود.»

عیسی مسیح در شماره ۱۸: ۱۶ لوقا می‌گوید: «هر که زن خود را طلاق دهد و دیگری را نکاح کند زانی بود و هر که زن مطلقه مردی را بنکاح خویش در آورد زنا کرده باشد.»

پولس در شماره ۱۰ تا ۱۷: ۷ قرنتیان اول می‌نویسد: «اما منکوحان را حکم می‌کنم و نه من بلکه خداوند که زن از شوهر خود جدا نشود * و اگر جدا شود مجرد بماند یا با شوهر خود صلح کند و مرد نیز زن خود را جدا نسازد * و دیگران را من



می‌گویم نه خداوند که اگر کسی از برادران زن بی ایمان داشته باشد و آن زن راضی باشد که با وی بماند او را جدا نسازد * و زنی که شوهر بی ایمان داشته باشد و او راضی باشد که با وی بماند از شوهر خود جدا نشود * زیرا که شوهر بی ایمان از زن خود مقدس می‌شود و زن بی ایمان از برادر مقدس می‌گردد و اگر نه اولاد شما ناپاک می‌بودند لکن الحال مقدسند * اما اگر بی ایمان جدایی نماید بگذارش که بشود زیرا برادر یا خواهر در این صورت مقید نیست و خدا ما را به سلامتی خوانده است * زیرا تو چه دانی ای زن که شوهرت را نجات خواهی داد یا چه دانی ای مرد که زن خود را نجات خواهی داد * مگر اینکه بهر طور که خداوند به هر کس قسمت فرموده و به همان حالت که خدا هر کس را خوانده باشد بدین‌طور رفتار بکند.»

زن و شوهر

عیسی مسیح در شماره ۳۲:۵ می‌گوید: «هر کس زن خود را به غیر علت زنا از خود جدا کند باعث زنا کردن او می‌باشد.»

پولس در شماره ۱ تا ۳:۴ تیموتاؤس اول می‌نویسد: «ولیکن روح صریحاً می‌گوید که در زمان آخر بعضی از ایمان برگشته به ارواح مضل از تعالیم شیاطین اصغا خواهند نمود * به ریاکاری دروغ‌گویان که ضمائر خود را داغ کرده‌اند * که از مزاجت منع می‌کنند و حکم مینمایند به احتراز از خوراک‌هایی که خدا آفرید برای مؤمنین و عارفین حق تا آنها را بشکرگزاری بخورند.» و در شماره ۲ تا ۴:۳ رساله اول به تیموتاؤس می‌نویسد: «أسقف باید بی ملامت و صاحب یک زن و هوشیار و خردمند و صاحب نظام و مهمان نواز و راغب به تعلیم باشد * نه میگسار یا زننده یا طماع سود قبیح بلکه حلیم و نه جنگ جوونه زیرپرست * مدبر اهل خانه خود به نیکویی و فرزندان خویش را در کمال وقار مطیع گرداند.» و در شماره ۸ تا ۱۲:۳ آن

می نویسد: «همچنین شماسان (پائین تر از رتبه کشیش ها) با وقار باشند نه دوزبان و نه راغب بشراب زیاده و نه طماع سود قبیح، دارندگان سرایمان در ضمیر پاک * اما باید اول ایشان آزموده شوند و چون بی عیب یافت شدند کار شماسی را بکنند * و به همین طور زنان نیز باید با وقار باشند و نه غیبت گو بلکه هوشیار و در هر امری امین * و شماسان صاحب یک زن باشند و فرزندان و اهل خانه خویش را نیکو تدبیر نمایند.»

پولس در شماره ۲۲ تا ۳۳: ۵ رساله به افسسیان می نویسد: «ای زنان شوهران خود را اطاعت کنید چنانکه خداوند را * زیرا که شوهر سر زن است چنانکه مسیح نیز سر کلیسا و او نجات دهنده بدن است * لیکن همچنانکه کلیسا مطیع مسیح است همچنین زنان شوهران خود را در هر امری باشند * ای شوهران زنان خود را محبت نمایید چنانکه مسیح هم کلیسا را محبت نمود و خویشتن را برای آن داد * تا آن را به غسل آب بوسیله کلام طاهر ساخته تقدیس نماید * تا کلیسای مجید را بنزد خود حاضر سازد که لکه و چین و یا هیچ چیز مثل آن نداشته باشد بلکه تا مقدس و بی عیب باشد * به همین طور باید مردان زنان خویش را مثل بدن خود محبت نمایند. زیرا هر که زوجه خود را محبت نماید خویشتن را محبت مینماید * زیرا هیچکس هرگز جسم خود را دشمن نداشته است بلکه آن را تربیت و نوازش می کند چنانکه خداوند نیز کلیسا را * آنروز که اعضای بدن وی میباشیم از جسم و از استخوانهای او * از اینجا است که مرد پدر و مادر را رها کرده با زوجه خویش خواهد پیوست و آن دو یک تن خواهند بود * این سر عظیم است لیکن من در باره مسیح و کلیسا سخن می گویم * خلاصه هر یکی از شما نیز زن خود را مثل نفس خود محبت بنماید و زن شوهر خود را باید احترام نمود.» و در شماره ۱۱ تا ۱۵: ۲ رساله اول به تیموتاؤس می نویسد: «زن با سکوت به کمال اطاعت تعلیم گیرد * و زن را اجازت



نمی‌دهم که تعلیم دهد یا بر شوهر مسلط شود بلکه در سکوت بماند * زیرا آدم اول ساخته شد و بعد حوا * و آدم فریب نخورد بلکه زن فریب خورده در تقصیر گرفتار شد * اما بزاییدن رستگار خواهد شد اگر در ایمان و محبت و قدوسیّت و تقوی ثابت بمانند.»

پولس در شماره ۱ تا ۸:۲ تیطس می‌نویسد: «سخنان شایسته تعلیم صحیح را بگو * که مردان پیر هوشیار و با وقار و خرد اندیش و در ایمان و محبت و صبر صحیح باشند * همچنین زنان پیر در سیرت متقی باشند نه غیبت گو و نه بنده شراب زیاده بلکه معلمات تعلیم نیکو * تا زنان جوان را خود بیاموزند که شوهر دوست و فرزند دوست باشند * و خرد اندیش عفیفه و خانه نشین و نیکو و مطیع شوهران خود مبادا کلام خدا متهم شود * و به همین نسق جوانان را نصیحت فرما تا خرداندیش باشند * و خود را در همه چیز نمونه اعمال نیکو بساز و در تعلیم خود صفا و وقار و اخلاص را بکار بر * و کلام صحیح بی عیب را تا دشمن چونکه فرصت بد گفتن در حق ما نیابد خجل گردد *» و در شماره ۴:۱۳ عبرانیان می‌نویسد: «نکاح بهر وجه محترم باشد و بسترش غیر نجس. زیرا فاسقان و زانیان را خدا داوری خواهد فرمود.»

پطرس در شماره ۱ تا ۸:۳ رساله اول خود می‌نویسد: «ای زنان شوهران خود را اطاعت نمایید تا اگر بعضی نیز مطیع کلام نشوند سیرت زنان ایشان را بدون کلام دریابد * چونکه سیرت ظاهر و خداترس شما را ببینند * و شما را زینت ظاهری نباشد از بافتن موی و متحلی شدن بطلا و پوشیدن لباس * بلکه انسانیت باطنی قلبی در لباس غیر فاسد روح حلیم و آرام که نزد خدا گرانهاست * زیرا بدینگونه زنان مقدسه در سابق نیز که متوکل بخدا بودند خویشتن را زینت می‌نمودند و شوهران خود را اطاعت می‌کردند * مانند ساره که ابراهیم را مطیع میبود و او را آقا

می خواند و شما دختران او شده‌اید اگر نیکویی کنید و از هیچ خوف ترسان نشوید * و همچنین ای شوهران با فطانت با ایشان زیست کنید چون با ظروف ضعیف‌تر زنانه و ایشان را محترم دارید چون با شما وارث فیض حیات نیز هستند تا دعاهای شما باز داشته نشود * خلاصه همه شما یک رأی و همدرد و برادر دوست و مشفق و فروتن باشید.»

پولس در شماره ۱ تا ۵ و ۹ و ۳۲ تا ۳۴:۷ قرن‌تیان اول می نویسد: «در باره آنچه بمن نوشته بودید مرد را نیکو آن است که زن را لمس نکند * لکن به سبب زنا هر مرد زوجه خود را بدارد و هر زن شوهر خود را بدارد * و شوهر حق زن را ادا نماید همچنین زن حق شوهر را * زن بر بدن خود مختار نیست بلکه شوهرش و همچنین مرد نیز اختیار بدن خود را ندارد بلکه زنش * از یکدیگر جدایی مگزینید مگر مدتی برضای طرفین تا برای روزه و عبادت فارغ باشید و باز با هم بیوندید مبادا شیطان شما را به سبب ناپرهیزی شما در تجربه اندازد.» و «اگر پرهیز ندارند نکاح بکنند زیرا نکاح از آتش هوس بهتر است.» و «خواهش این را دارم که شما بی اندیشه باشید. شخص مجرّد در امور خداوند می اندیشد که چگونه رضامندی خداوند را بجوید * و صاحب زن در امور دنیا می اندیشد که چگونه زن خود را خوش بسازد * در میان زن منکوحه و باکره نیز تفاوتی است زیرا باکره در امور خداوند می اندیشد تا هم در تن و هم در روح مقدّس باشد اما منکوحه در امور دنیا می اندیشد تا شوهر خود را خوش سازد.»

وظیفه زنان

دیدیم که پطرس در شماره ۳ و ۳:۴ رساله اول خود می نویسد: «شما را زینت ظاهری نباشد از بافتن موی و متحلی شدن به طلا و پوشش لباس * بلکه انسانیت



باطنی قلبی در لباس غیر فاسد روح حلیم و آرام که نزد خدا گرانبها است * زیرا بدینگونه زنان مقدسه در سابق که متوکل بخدا بودند خویشان را زینت می نمودند و شوهران خود را اطاعت می کردند.» و پولس در شماره ۹ تا ۱۲:۲ رساله اول به تیموتاؤس می نویسد: «زنان خویشان را بیارایند به لباس مزین به حیا و پرهیز نه به زلفها و طلا و مروارید و رخت گرانبها * ... زن با سکوت به کمال اطاعت تعلیم گیرد * زن را اجازت نمی دهم که تعلیم دهد یا بر شوهر مسلط شود بلکه در سکوت بماند.» و در شماره ۳۴ و ۱۴:۳۵ قرنتیان اول می نویسد: «زنان شما در کلیساها خاموش باشند زیرا ایشان را حرف زدن جایز نیست بلکه اطاعت نمودن چنانکه تورات نیز می گوید. (۱۶:۳ پیدایش) * اما اگر می خواهید چیزی بیاموزند در خانه از شوهران خود بپرسند چون زنان را در کلیسا حرف زدن قبیح است.» و در شماره ۳ تا ۱۶:۱۱ قرنتیان اول می نویسد: «اما می خواهم شما بدانید که سر هر مرد مسیح است و سر زن مرد و سر مسیح خدا * هر مردی که سر پوشیده دعا یا نبوت کند سر خود را رسوا می سازد * اما هر زنی که سر برهنه دعا یا نبوت کند سر خود را رسوا می سازد زیرا این چنان است که تراشیده شود * زیرا اگر زن نمی پوشاند موی را نیز ببرد و اگر زن را موی بر بدن یا تراشیدن قبیح است باید بپوشاند * زیرا مرد را نباید سر خود را بپوشاند چونکه او صورت و جلال خدا است اما زن جلال مرد است * زیرا مرد از زن نیست بلکه زن از مرد است (۲۰ تا ۲۴:۲ پیدایش) * و نیز مرد به جهت زن آفریده نشد بلکه زن برای مرد * از این جهت زن میباید عزتی بر سر داشته باشد به سبب فرشتگان * لیکن زن از مرد جدا نیست و مرد هم از زن جدا نیست در خداوند * زیرا چنانکه زن از مرد است همچنین مرد نیز بوسیله زن لیکن همه چیز از خدا * در دل خود انصاف دهید آیا شایسته است که زن ناپوشیده نزد خدا دعا کند * آیا خود طبیعت شما را نمی آموزد که اگر مرد موی دراز دارد او را عار

می‌باشد * و اگر زن موی دراز دارد او را فخر است زیرا موی به جهت پرده بدو داده شد * و اگر کسی ستیزه گر باشد ما و کلیساهای خدا را چنین عادت نیست.»

پولس در شماره ۱۱ تا ۱۵:۵ تیموتاؤس اول می‌نویسد: «بیوه‌های جوان‌تر از این را قبول مکن زیرا چون از مسیح سرکش شوند خواهش نکاح دارند * و ملزم می‌شوند از اینکه ایمان نخست را برطرف کرده‌اند * و علاوه بر این خانه به خانه گردش کرده آموخته می‌شوند که بیکار باشند و نه فقط بیکار بلکه بیهوده گو و فضول هم که حرفهای ناشایسته می‌زنند * پس رأی من این است که زنان جوان نکاح شوند و اولاد بزنند و کدبانو شوند و خصم را مجال مذمت ندهند * زیرا بعضی برگشتند به عقب شیطان.»

یک خدا

مسیحی واقعی معتقد به یک خدا است. خدایی که جهان را خلق کرده و مسیح را فرستاده است تا مردم گناهکار را به توبه دعوت نماید و آنها را از عذاب ابدی جهنم نجات دهد، چون مسیح در شماره ۱ تا ۴:۱۷ یوحنا: «چشمان خود را بطرف آسمان بلند کرده گفت: ای پدر ساعت رسیده است. پسر خود را جلال بده تا پسرت نیز تو را جلال دهد * همچنانکه او را بر هر بشری قدرت داده ای تا هر چه بدو داده ای به آنها حیات جاودانی بخشد * و حیات جاودانی این است که تو را خدای واحد حقیقی و عیسی مسیح را که فرستادی بشناسند * من بر روی زمین تو را جلال دادم و کاری را که بمن سپردی تا بکنم بکمال رساندم.» می‌بینیم که مسیح حیات جاودانی را این می‌داند که خالق جهان را خدای حقیقی بشناسد و عیسی مسیح را فرستاده او بشناسند. عیسی مسیح در شماره ۴۳:۵ یوحنا می‌گوید: «شما چگونه می‌توانید ایمان آرید و حال آنکه جلال از یکدیگر می‌طلبید و جلالی را که



از خدای واحد است طالب نیستید.» و در شماره ۱۷: ۲۰ یوحنا به مریم می‌گوید: «نزد برادران من رفته به ایشان بگو که نزد پدر خود و پدر شما و خدای خود و خدای شما میروم.» شماره ۲۸ تا ۳۱: ۱۲ مرقس می‌گوید: «یکی از کاتبان چون مباحثه ایشان را شنید دید که ایشان را جواب نیکو داد پیش آمده از او پرسید که اول همه احکام کدام است؟ * عیسی او را جواب داد که اول همه احکام این است که بشنو ای اسرائیل خداوند خدای ما خداوند واحد است * و خداوند خدای خود را به تمامی دل و تمامی جان و تمامی قوت خود محبت نما (۴ و ۵: ۶ تثنیه) که اول از همه احکام این است * و دوم مثل اول است که همسایه خود را چون نفس خود محبت نما. بزرگتر از این دو حکمی نیست.» به شماره ۳۵ تا ۳۹: ۲۲ متی و ۲۵ تا ۲۷ لوقا نیز نگاه کنید.

شماره ۸ تا ۱۰: ۴ متی می‌گوید: «ابلیس او را به کوهی بسیار بلند برد و همه ممالک جهان و جلال آنها را بدو نشان داده * بوی گفت اگر افتاده مرا سجده کنی همانا این همه را به تو بخشم * آنگاه عیسی وی را گفت دور شو ای شیطان زیرا مکتوب است که خداوند خدای خود را سجده کن و او را فقط عبادت نما (اطاعت و خدمت نما).» به شماره ۸ و ۹: ۵ و ۱۳: ۶ تثنیه و ۴ و ۵: ۲۰ خروج و شماره ۵ تا ۸: ۴ لوقا نیز نگاه کنید.

پولس در شماره ۲۵: ۱ رومیان می‌نویسد: «ایشان حق خدا را به دروغ مبدل کردند و عبادت و خدمت نمودند مخلوق را به عوض خالق که تا ابد الابد متبارک است.» و در شماره ۲۹ تا ۳۱: ۳ رومیان می‌نویسد: «آیا او خدای یهود است فقط. مگر خدای امت‌ها هم نیست؟ * البته خدای امتهای نیز هست * زیرا واحد است خدایی که اهل ختنه را از ایمان و نامختومان را به ایمان عادل خواهد شمرد * پس آیا شریعت را به ایمان باطل میسازیم؟ حاشا. بلکه شریعت را استوار میداریم.» و در

شماره ۲۶: ۱۶ رومیان می نویسد: «خدای حکیم وحید را به وسیله عیسی مسیح تا ابدالآباد جلال باد. آمین.» و در شماره ۴ و ۸: ۶ قرنتیان اول می نویسد: «خدایی دیگر جز یکی نیست.» و «ما را یک خدا است یعنی پدر که همه چیز از او است و ما برای او هستیم.» و در شماره ۵: ۲ تیموتاؤس اول می نویسد: «خدا واحد است و در میان خدا و انسان یک متوسطی است یعنی انسانی که مسیح عیسی باشد.» و یعقوب در شماره ۱۹ و ۲: ۲۰ یعقوب می نویسد: «تو ایمان داری که خدا واحد است، نیکو می کنی، شیاطین نیز ایمان دارند و میلرزند * ولیکن ای مرد باطل آیا می خواهی دانست که ایمان بدون اعمال باطل است.» و شماره ۲۴ و ۲۵ رساله یهودا می گوید: «الآن او را که قادراست که شما را از لغزش محفوظ دارد و در حضور جلال خود شما را بی عیب بفرحی عظیم قایم فرماید * یعنی خدای واحد و نجات دهنده ما را جلال و عظمت و توانایی و قدرت باد الآن و تا ابدالآباد آمین.»

در تمام انجیل ها و رسالات صحبت از خدای واحد است و نه عیسی و نه رسولان صحبت از خدای دیگری نمی کنند و نمی گویند مسیح یا چیز دیگری خدا است. شماره ۱۶ و ۱۷: ۱۹ متی می گوید: «ناگاه شخصی آمده گفت ای استاد نیکو چه عمل نیکو کنم تا حیات جاودانی یابم. وی را گفت از چه سبب مرا نیکو گفتی و حال آنکه کسی نیکو نیست جز خدا فقط لیکن اگر بخواهی داخل حیات شوی احکام را نگاه دار.» در ترجمه The Living Bible آمده است: «وقتی مرا خوب (نیکو) می خوانی مرا خدا می خوانی.» به ۱۷ و ۱۸: ۱۰ مرقس و ۱۸ و ۱۸: ۱۹ لوقا نیز نگاه کنید. عیسی مسیحی که یک صفت نیکو را برای خود نمی پذیرد چگونه ممکن است خود را خدا بخواند؟

مسیحی واقعی می داند که انبیاء و معلمان کذب (دروغگو) وجود دارد که «بدعت های مهلک را خُفِیَّةً خواهند آورد.» و «از راه طمع با سخنان جعلی شما را



خرید و فروش خواهند کرد.» و می‌داند که فریب خوردگان «احکام مردم را به منزلهٔ فرایض تعلیم می‌دهند.» ۱ و ۲:۳ رساله دوم پطرس و ۹:۱۵ متی. مسیحی واقعی می‌داند که مطابق گفته عیسی مسیح «هر نهالی که پدر آسمانی من نکاشته باشد باید کنده شود.» ۱۳:۱۵ متی. یعنی هر عقیده و دستوری که در کتاب مقدس وجود ندارد و دستور خدا نیست باید دور انداخته شود. مسیحی واقعی به انجیل ایمان دارد نه به هر حرفی که بنام انجیل و مسیح زده‌اند.

پدر در من

بعضی‌ها برای فریب مردم از بعضی از گفته‌های انجیل یوحنا سوء استفاده می‌کنند. اینها را باید از سخنانشان شناخت چون عیسی مسیح در شماره ۱۵ تا ۲۳:۷ متی می‌گوید: «از انبیای کذب احتراز کنید که به لباس میش‌ها نزد شما می‌آیند ولی در باطن گرگان درنده می‌باشند * ایشان را از میوه‌های ایشان خواهید شناخت. (از تعالیم آنها که بر خلاف انجیل است) آیا انگور را از خار و انجیر را از خس می‌چینند؟ * همچنین هر درخت نیکو میوه نیکو می‌آورد و درخت بد میوه بد می‌آورد * نمی‌تواند درخت خوب میوه بد آورد و نه درخت بد میوه نیکو آورد * هر درختی که میوه نیکو نیاورد بریده و در آتش افکنده شود * لهذا از میوه‌های ایشان، ایشان را خواهید شناخت * نه هر که مرا خداوند خداوند گوید داخل ملکوت آسمان گردد بلکه آنکه اراده پدر مرا که در آسمان است بجا آورد * بسا در آن روز (روز داروی) مرا خواهند گفت خداوند خداوند آیا بنام تو نبوت نمودیم و به اسم تو دیوها را اخراج نکردیم و بنام تو معجزات بسیار ظاهر نساختمیم؟ * آنگاه به ایشان صریحاً خواهم گفت که هرگز شما را نشناختم. ای بدکاران از من دور شوید.» و در شماره ۳۳ تا ۱۲:۳۶ متی می‌گوید: «یا درخت را نیکو گردانید و میوه

اش را نیکو یا درخت را فاسد سازید و میوه‌اش را فاسد. زیرا درخت از میوه‌اش شناخته می‌شود * ای افعی زادگان چگونه می‌توانید سخن نیکو گفت و حال آنکه بد هستید زیرا زبان از زیادتی دل سخن می‌گوید: مرد نیکو از خزانه نیکوی دل خود چیزهای خوب بر می‌آورد و مرد بد از خزانه بد چیزهای بد بیرون‌آورد * لیکن بشما می‌گویم که هر سخن باطل که مردم گویند حساب آن را در روز داوری خواهند داد.»

آنچه باعث فریبکاری می‌شود این است که: مسیح می‌گوید «پدر در من است.» لذا باید دید انجیل چه می‌گوید.

مسیح در شماره ۵۴ تا ۵۸: ۶ یوحنا می‌گوید: «هر که جسد مرا خورد و خون مرا نوشید حیات جاودانی دارد و من در روز آخر او را خواهم برخیزانید * زیرا جسد من خوردنی حقیقی و خون من آشامیدنی حقیقی است * پس هر که جسد مرا می‌خورد و خون مرا می‌نوشد در من می‌ماند و من در او * چنانکه پدر زنده مرا فرستاد و من به پدر، زنده هستم همچنین کسی که مرا بخورد او نیز بمن زنده می‌شود * این است نانی که از آسمان نازل شد نه همچنانکه پدران شما من را خوردند و مردند بلکه هر که این نان را می‌خورد تا ابد زنده می‌ماند.»

و در شماره ۶۳: ۶ یوحنا به بعضی به شاگردانش که گفتند «این کلام سخت است» (۶: ۶۰ یوحنا) گفت: «روح است که زنده می‌کند و اما از جسد فایده نیست. کلماتی را که من بشما می‌گویم روح و حیات است.» و شمعون پطرس در شماره ۶: ۶۸ یوحنا به او جواب داد: «خداوندا نزد که برویم؟ کلمات حیات جاودانی نزد تو است.» عیسی مسیح در شماره ۸: ۳۱ یوحنا می‌گوید: «اگر شما در کلام من بمانید فی الحقیقه شاگرد من خواهید شد.» و در شماره ۱۰: ۳۸ یوحنا می‌گوید: «یقین کنید که پدر در من است و من در او.» و در شماره ۱۰: ۱۱ و ۱۴ یوحنا



می‌گوید: «آیا باور نمی‌کنی که من در پدر هستم و پدر در من است. سخن‌هایی که من بشما می‌گویم از خود نمی‌گویم لکن پدری که در من ساکن است او این اعمال را می‌کند * مرا تصدیق کنید که من در پدر هستم و پدر در من است و الاً مرا به سبب آن اعمال تصدیق کنید.» و در شماره ۱۸ تا ۱۴:۲۱ یوحنا می‌گوید: «شما را یتیم نمی‌گذارم نزد شما می‌آیم * بعد از اندک زمانی جهان دیگر مرا نمی‌بیند، اما شما مرا می‌بینید و از این جهت که من زنده‌ام شما هم خواهید زیست * و در آن روز شما خواهید دانست که من در پدر هستم و شما در من و من در شما * هر که احکام مرا دارد و آنها را حفظ کند آن است که مرا محبت مینماید و آنکه مرا محبت مینماید پدر من او را محبت خواهد نمود و من او را محبت خواهم نمود و خود را به او ظاهر خواهم ساخت.» و در شماره ۲۳ و ۱۴:۲۴ یوحنا می‌گوید: «اگر کسی مرا محبت نماید کلام مرا نگاه خواهد داشت و پدرم او را محبت خواهد نمود و بسوی او آمده نزد وی مسکن خواهیم گرفت * و آنکه مرا محبت ننماید کلام مرا حفظ نمی‌کند و کلامی که می‌شنوید از من نیست بلکه از پدری است که مرا فرستاد.» و در شماره ۱ تا ۱۷:۱۵ یوحنا می‌گوید: «من تاک حقیقی هستم و پدر من باغبان است * هر شاخه در من که میوه نیاورد آن را دور می‌سازد و هر چه میوه آرد آن را پاک می‌کند تا بیشتر میوه آورد * الحال شما به سبب کلامی که بشما گفته‌ام پاک هستید * در من بمانید و من در شما. همچنانکه شاخه از خود نمی‌تواند میوه آورد اگر در تاک نماند، همچنین شما نیز اگر در من نمانید * من تاک هستم و شما شاخه‌ها. آنکه در من می‌ماند و من در او میوه بسیار می‌آورد زیرا که جدا از من هیچ نمی‌تواند کرد * اگر کسی در من نماند مثل شاخه بیرون انداخته می‌شود و می‌خشکد و آنها را جمع کرده در آتش می‌اندازند و سوخته می‌شود * اگر در من بمانید و کلام من در شما بماند آنچه خواهید بطلبید که برای شما خواهد شد * جلال پدر من آشکارا می‌شود

به اینکه میوه بسیار بیاورید و شاگرد من بشوید * همچنانکه پدر مرا محبت نمود من نیز شما را محبت نمودم. در محبت من بمانید * اگر احکام مرا نگاه دارید در محبت من خواهید ماند چنانکه من احکام پدر خود را نگاه داشته‌ام و در محبت او میمانم * این را به شما گفتم تا خوشی من در شما باشد و شادی شما کامل گردد * این است حکم من که یکدیگر را محبت نمایید همچنانکه شما را محبت نمودم * کسی محبت بزرگتر از این ندارد که جان خود را به جهت دوستان خود بدهد * شما دوست من هستید اگر آنچه به شما حکم می‌کنم بجا آرید * دیگر شما را بنده نمی‌خوانم زیرا که بنده آنچه آقا می‌کند نمیداند لکن شما را دوست خوانده‌ام زیرا هر چه از پدر شنیده بشما بیان کردم * شما مرا برنگزیدید بلکه من شما را برگزیدم و شما را مقرر کردم تا شما بروید و میوه آورید و میوه شما بماند تا هر چه از پدر به اسم من طلب کنید به شما عطا کند * به این چیزها شما را حکم می‌کنم تا یکدیگر را محبت نمایید.» عیسی مسیح در باره شاگردانش دعا کرده و در شماره ۱۹ تا ۲۳ و شماره ۲۶: ۱۷ یوحنا بخدا می‌گوید: «به جهت ایشان من خود را تقدیس می‌کنم تا ایشان نیز در راستی تقدیس کرده شوند * و نه برای اینها فقط سؤال می‌کنم بلکه برای آنها نیز که بوسیله کلام ایشان به من ایمان خواهند آورد * تا همه یک گردند چنانکه تو ای پدر در من هستی و من در تو. تا ایشان نیز در ما یک باشند تا جهان ایمان آورد که تو مرا فرستادی * و من جلالی را که به من دادی به ایشان دادم تا یک باشند چنانکه ما یک هستیم * من در ایشان و تو در من تا در یکی کامل گردند تا جهان بداند که تو مرا فرستادی و ایشان را محبت نمودی چنانکه مرا محبت نمودی.» «و اسم تو را به ایشان شناسانیدم و خواهم شناسانید تا آن محبتی که بمن نموده ای در ایشان باشد و من نیز در ایشان باشم.»

پولس در شماره ۹ تا ۱۱: ۸ رومیان می‌نویسد: «لکن شما در جسم نیستید بلکه



در روح، هرگاه روح خدا در شما ساکن باشد و هرگاه کسی روح مسیح را ندارد وی از آن او نیست * و اگر مسیح در شما است جسم به سبب گناه مرده است و اما روح به سبب عدالت حیات است * و اگر روح او که عیسی را از مردگان برخیزاند (یعنی روح خدا) در شما ساکن باشد او که مسیح را از مردگان برخیزانید بدنهای فانی شما را نیز زنده خواهد ساخت بروح خود که در شما ساکن است.» و در شماره ۱۴: ۸ رومیان می نویسد: «زیرا همه کسانی که از روح خدا هدایت می شوند ایشان پسران خدایند.» و در شماره ۲: ۲۰ غلاطیان می نویسد: «با مسیح مصلوب شده ام ولی زندگی می کنم لیکن نه من بعد از این، بلکه مسیح در من زندگی می کند و زندگانی ای که الحال در جسم می کنم به ایمان بر پسر خدا می کنم که مرا محبت نمود و خود را برای من داد.» و در شماره ۲۶ و ۳: ۲۷ غلاطیان می نویسد: «همگی شما بوسیله ایمان به مسیح پسران خدا میباشید * زیرا همه شما که در مسیح تعمید یافتید مسیح را در بر گرفتید.» و در شماره ۲: ۲۲ افسسیان می نویسد: «دروی (مسیح) شما نیز با هم بنا کرده می شوید تا در روح مسکن خدا شوید.» و در شماره ۵ و ۴: ۶ افسسیان می نویسد: «یک خداوند یک ایمان یک تعمید * یک خدا و پدر همه که فوق همه و در میان همه و در همه شما هست.»

یوحنا در شماره ۱ تا ۲: ۶ رساله اول خود می نویسد: «ای فرزندان من، این را به شما می نویسم تا گناه نکنید و اگر کسی گناهی کند شفיעی داریم نزد پدر یعنی عیسی مسیح عادل * و او است کفاره به جهت گناهان ما و نه گناهان ما فقط بلکه به جهت تمام جهان نیز و از این می دانیم که او را می شناسیم اگر احکام او را نگاه داریم * کسی که گوید او را می شناسم و احکام او را نگاه ندارد دروغگو است و در وی راستی نیست * لکن کسی که کلام او را نگاه دارد فی الواقع محبت خدا در وی کامل شده است. و از این می دانیم که در وی هستیم * هر که گوید در وی میمانم بطریقی

که او سلوک می نمود او نیز باید سلوک کند.» و در شماره ۳ و ۶ و ۸ تا ۱۰: ۳ رساله اول خود می نویسد: «هر که این امید را بر وی دارد خود را پاک می سازد چنانکه او پاک است.» و «هر که در وی ثابت است گناه نمی کند و هر که گناه می کند او را ندیده است و نمی شناسد.» و «کسی که گناه می کند از ابلیس است زیرا ابلیس از ابتدا گناهکار بوده است و از این جهت پسر خدا ظاهر شد تا اعمال ابلیس را باطل سازد * هر که از خدا مولود شده است گناه نمی کند زیرا تخم او در وی می ماند و او نمی تواند گناهکار باشد زیرا از خدا تولد یافته است * فرزندان خدا و فرزندان ابلیس از این ظاهر میگردند * هر که عدالت را بجا نمی آورد از خدا نیست و همچنین هر که برادر خود را محبت نمی نماید.» و در شماره ۲۳: ۳ رساله اول خود می نویسد: «هر که احکام او را نگاه دارد در او ساکن است و او در وی و از این می شناسیم که در ما ساکن است یعنی از آن روح که بما داده است.» و در شماره ۱۲ و ۱۳: ۴ رساله اول خود می نویسد: «کسی هرگز خدا را ندیده است. اگر یکدیگر را محبت نماییم خدا در ما ساکن است و محبت او در ما کامل شده است * از این می دانیم که در وی ساکنیم و او در ما زیرا که از روح خود بما داده است.» و در شماره ۱۵ و ۱۶: ۴ رساله اول خود می نویسد: «هر که اقرار می کند که عیسی پسر خدا است در وی ساکن است و او در خدا * و ما دانسته ایم و باور کرده ایم آن محبتی را که خدا با ما نموده است. خدا محبت است و هر که در محبت ساکن است در خدا ساکن است و خدا در وی.»

می بینیم در خدا و در مسیح بودن عبارتست از روح و محبت و کلام. کسی که در محبت و کلام خدا که توسط مسیح گفته می شود زیست می کند در مسیح و خدا زندگی می کند و خدا و مسیح در او زندگی می کنند و ساکن هستند وگرنه این در خدا بودن جسمی نیست و هیچکس مسیح یا خدا نیست و مسیح هیچکس دیگری جز



مسیح نیست. مسیح نه من است نه تو نه هیچکس دیگر. این محبت خدا و کلام خدا است که در مسیح است و این محبت خدا و مسیح و کلام خدا و مسیح است که در پیروان مسیح یعنی مسیحیان واقعی وجود دارد.

کلمه

دو جمله دیگر نیز وسیله سوءاستفاده قرار گرفته است که از سخنان مسیح نیست. آن دو جمله شماره ۱ و ۱۴: ۱ انجیل یوحنا می باشد. یوحنا می نویسد: «در ابتدا کلمه بود و کلمه نزد خدا بود و کلمه خدا بود.» «و کلمه جسم گردید و میان ما ساکن شد پر از فیض و راستی و جلال او را دیدیم جلالی شایسته پسر یگانه پدر.» مسیحی واقعی می داند این سخنی است که یوحنا می گوید نه عیسی مسیح. در هیچ یک از انجیل نگفته است «من خدا هستم» بلکه انجیل صحبت از خدای یگانه می کند. دیدیم که مسیح در شماره ۱۷ تا ۱۹: ۵ متی می گوید: «گمان مبرید که آمده ام تا تورات یا صحف انبیاء را باطل سازم. نیامده ام تا باطل نمایم بلکه تا تمام کنم * زیرا هر آینه به شما می گویم تا آسمان و زمین زایل نشود همزه ای یا نقطه ای از تورات هرگز زایل نخواهد شد تا همه واقع شود * پس هر که یکی از این احکام کوچکترین را بشکند و به مردم چنین تعلیم دهد در ملکوت آسمان کمترین شمرده شود اما هر که بعمل آورد و تعلیم نماید او در ملکوت آسمان بزرگ خوانده خواهد شد.» و یکی از بزرگترین (نه کوچکترین) احکام تورات یگانگی خدا است. چون خداوند در شماره ۶ تا ۱۱: ۵ تثنیه می گوید: «من هستم یهوه خدای تو که تو را از زمین مصر از خانه بندگی بیرون آوردم * تو را بحضور من خدایان دیگر نباشد * به جهت خود صورت تراشیده یا هیچ تمثالی از آنچه بالا در آسمان یا از آنچه پایین در زمین یا از آنچه در آبهای زیر زمین است مساز * آنها را سجده و عبادت (اطاعت و

خدمت) منما! زیرا من که یهوه خدای تو هستم خدای غیورم و گناه پدران را بر پسران تا پشت سیم و چهارم از آنانی که مرا دشمن دارند میرسانم* و رحمت می‌کنم تا هزار پشت بر آنانی که مرا دوست دارند و احکام مرا نگاه دارند* نام یهوه خدای خود را به باطل مبر زیرا خداوند کسی را که نام او را به باطل برد بی‌گناه نخواهد شمرد.» به شماره ۱ تا ۷:۲۰ خروج نیز مراجعه کنید. این اول و افضل تمام احکام است.

در شماره ۴ و ۵:۶ تثنیه آمده است: «ای اسرائیل بشنو. یهوه خدای ما یهوه واحد است* پس یهوه خدای خود را به تمامی جان و تمامی قوت خود محبت نما.» به شماره ۱۲:۱۰ و شماره ۶ و ۱۰:۳۰ تثنیه نیز مراجعه شود. در شماره ۲۸ تا ۳۰:۱۲ مرقس آمده است: «یکی از کاتبان چون مباحثه ایشان را شنیده دید که ایشان را جواب نیکو داد پیش آمده از او پرسید که اول همه احکام کدام است؟ عیسی او را جواب داد که اول همه احکام این است که بشنو ای اسرائیل خداوند خدای ما خدای واحد است* و خداوند خدای خود را به تمامی دل و تمامی خاطر و تمامی قوت خود محبت نما. که اول از احکام این است.» به شماره ۳۵ تا ۳۸:۲۲ متی و ۲۵ تا ۲۷:۱۰ لوقا نیز مراجعه کنید.

همانطور که دیدیم عیسی مسیح در شماره ۱۳:۱۵ متی می‌گوید: «هر نهالی که پدر آسمانی من نکاشته باید کنده شود.» یعنی هر عقیده و حکمی که از طرف خدا نیست باید قطع شود؛ اگر چه دستور شستن دستها قبل از خوردن غذا باشد که دستور خوبی است، ولی نباید آن را بنام دین و فرمان خدا گفت و هر کس آن را اجرا نکرد نباید از لحاظ دینی بر او ایراد گرفت.

عیسی مسیح در شماره ۸ و ۹:۱۵ متی سخن اشعیاء را بازگو نموده می‌گوید: «این قوم... عبادت مرا عبث می‌کنند؛ زیرا احکام مردم را بجای فرایض (واجبات



دینی الهی) تعلیم می دهند. « مسیحی واقعی چنین کاری نمی کند. مسیحی واقعی می داند که آئین مسیح در روم نشو و نما یافت و روم وارث فلسفه یونان بود. امکان دارد یوحنا متناسب با فلسفه یونان و هدایت یونانیان انجیل خود را نوشته باشد. وگرنه در انجیل های دیگر اثری از این نظر یوحنا وجود ندارد. مسیحی واقعی می داند که فلسفه یونان یعنی فلسفه افلاطون و ارسطو بنام فلسفه مسیحیت مورد بحث قرار گرفت. مسیحی واقعی می داند که پولس در شماره ۱:۲۲ قرنتیان اول می نویسد: «یهود آیتی می خواهند و یونانیان طالب حکمت هستند.» حکمت یعنی فلسفه و در شماره ۳:۲۰ قرنتیان اول می نویسد: «خداوند افکار حکما را می داند که باطل است.» و در شماره ۲:۸ کولسیان می نویسد: «با خبر باشید که کسی شما را نریاید به فلسفه و مکر باطل بر حسب تقلید مردم و بر حسب اصول دنیوی نه بر حسب مسیح.»

پولس در شماره ۳ و ۴:۱ رساله اول تیموتاؤس می نویسد: «بشما التماس نمودم که در افسس بمانی تا بعضی را امر کنی که تعلیمی دیگر ندهند * و افسانه ها و نسب نامه های نامتناهی را اصغاء نمایند.» و در شماره ۴:۷ تیموتاؤس اول می نویسد: «از افسانه های حرام عجوزها احتراز نما.» و در شماره ۱:۱۴ تیطس می نویسد: «گوش نگیرید به افسانه های یهود و احکام مردمانی که از راستی انحراف میجویند.» و در شماره ۹ و ۱۰:۳ تیطس می نویسد: «از مباحثات نامعقول و نسب نامه ها و نزاع ها و جنگ های شرعی اعراض نما زیرا بی ثمر و باطل است. و از کسی که از اهل بدعت باشد بعد از یکی دو نصیحت اجتناب نما.» بدعت چیزی است که مردم بنام دین درست می کنند و در تعالیم خدا وجود نداشته است. و در شماره ۹:۱۳ عبرانیان می نویسد: «از تعلیم های مختلف و غریب از جا برده مشوید زیرا بهتر آن است که دل شما بفیض استوار شود.»

پطرس در شماره ۱۶: ۱ رساله دوم خود می‌نویسد: «در پی افسانه‌های جعلی نرفتیم چون از قوت و آمدن خداوند ما عیسی مسیح شما را اعلام دادیم بلکه کبریایی او را دیده بودیم.» و در شماره ۱۳ تا ۱۸: ۳ رساله دوم خود می‌نویسد: «ما بحسب وعده او منتظر آسمان‌های جدید و زمین جدید هستیم که در آنها عدالت ساکن خواهد بود * لذا ای حبیبان چون انتظار این چیزها را می‌کشید جد و جهد نمایید تا نزد او بی داغ و بی عیب در سلامتی یافت شوید * و تحمل خداوند ما را نجات بدانید چنانکه برادر حبیب ما پولس نیز بر حسب حکمتی که به وی داده شد بشما نوشت * و همچنین در سایر رساله‌های خود این چیزها را بیان مینماید که در آنها بعضی چیزها است که فهمیدن آنها مشکل است و مردمان بی علم و ناپایدار آنها را مثل سایر کتب تحریف می‌کنند تا بهلاکت خود برسند * پس شما ای حبیبان چون این امور را از پیش می‌دانید با حذر باشید مبادا به گمراهی بی دینان رבוته شده از پایداری خود بیفتید * بلکه در فیض و معرفت خداوند و نجات دهنده ما عیسی مسیح ترقی کنید که او را از اکنون تا ابدالآباد جلال باد آمین.»

لذا مسیحی واقعی تنها به سخنان و تعلیم مسیح توجه دارد نه تعلیمی که بنام مسیح داده می‌شود و با فلسفه افلاطون و ارسطو آمیخته‌اند چون می‌داند که انبیاء و معلمان دروغگو وجود دارند که بدعت‌ها را خفیهً وارد دین می‌کنند و مردم را به سخنان جعلی خرید و فروش می‌کنند. مسیحی واقعی می‌داند که «هر نهالی که پدر آسمانی نکاشته باید کنده شود.» و تعلیم و احکام مردم را نباید به جای فرایض پذیرفت و تعلیم داد. برای مسیحی واقعی آنچه مقدس است کلام خدا است که توسط فرستاده خود - عیسی مسیح - به مردم گفته شده است.



نبی مثل من

پطرس (که عیسی مسیح کلیسای خود را بر او بنا نهاده است) در شماره ۲۲:۳ اعمال رسولان می گوید: «موسی به اجداد گفت که خداوند خدای شما نبی مثل من از میان برادران شما برای شما برخواهد انگیخت. کلام او را در هر چه به شما تکلم کند بشنوید.» ۱۵ و ۱۸:۱۸ تثنیه را نیز ببینید. و در شماره ۳۷:۱۷ اعمال رسولان نیز می گوید: «این همان موسی است که به بنی اسرائیل گفت خدا نبی را مثل من از میان برادران شما برای شما مبعوث خواهد کرد سخن او را بشنوید.» و در شماره ۳۰:۴ اعمال رسولان می گوید: «به دراز کردن دست خود به جهت شفا دادن و جاری کردن آیات و معجزات بنام بنده قدوس خود عیسی.» البته بعضی از مترجمین «بنده قدوس خود عیسی» را «پسر قدوس خود عیسی» ترجمه کرده اند که معلوم می شود لغت اصلی هم معنی «پسر» می داده هم معنی «بنده». لذا ممکن است پسری که در انجیل گفته می شود به معنی بنده بکار رفته باشد. بنده کسی است که به ارباب خود خدمت می کند و از او اطاعت مینماید. عیسی مسیح در شماره ۳۴:۴ یوحنا می گوید: «خوراک من آن است که خواهش فرستنده خود را به عمل آورم و کار او را به انجام رسانم.» و در شماره ۲۳:۵ یوحنا می گوید: «هر که کلام مرا بشنود و به فرستنده من ایمان آورد حیات جاودانی دارد و در داوری نمی آید بلکه از موت تا به حیات منتقل گشته است.» و در شماره ۲۹:۵ یوحنا می گوید: «اراده خود را طالب نیستم بلکه اراده پدری که مرا فرستاده است.» و در شماره ۴۵:۵ یوحنا می گوید: «اگر موسی را تصدیق می کردید مرا نیز تصدیق می کردید چونکه او در باره من نوشته است.» در شماره ۱۵ و ۱۸:۱۸ تثنیه که از قول موسی می گوید: «نبی... مثل من» و «نبی... مثل تو.» به این موضوع اشاره شده است.

عیسی مسیح خود را فرستاده خدا می داند که آمده است «تا گناهکاران را به توبه

دعوت کند.» ۱۳:۹ متی. عیسی مسیح در شماره ۷:۱۶ یوحنا می‌گوید: «تعلیم من از من نیست بلکه از فرستنده من (خدا) است.» و در شماره ۲۸ و ۷:۲۹ یوحنا می‌گوید: «مرا می‌شناسید و نیز می‌دانید از کجا هستم و از خود نیامده‌ام بلکه فرستنده من حق است که شما او را نمی‌شناسید. اما من او را می‌شناسم زیرا از او هستم و او مرا فرستاده است.» و در شماره ۸:۲۶ یوحنا می‌گوید: «لکن آنکه مرا فرستاد حق است و من آنچه از او شنیده‌ام به جهان می‌گویم.» و در شماره ۱۲:۴۹ یوحنا می‌گوید: «من از خود نگفتم لکن پدری که مرا فرستاد به من فرمان داد که چه بگویم و به چه چیز تکلم کنم.» و در شماره ۱۴:۲۴ یوحنا می‌گوید: «آنکه مرا محبت ننماید کلام مرا حفظ نمی‌کند و کلامی که می‌شنوید از من نیست بلکه از پدری است که مرا فرستاد.»

همانطور که در اناجیل می‌بینیم عیسی خود را فرستاده خدا و نبی مثل موسی معرفی می‌کند. فرستاده (رسول) خدا نه خدا. عیسی مسیح حتی از پذیرفتن صفت نیکو که به او می‌دهند و می‌گویند: «ای استاد نیکو» (۱۹:۱۶ متی و ۱۰:۱۷ مرقس و ۱۸:۱۸ لوقا) خودداری می‌کند و می‌گوید: «از چه سبب مرا نیکو گفتمی و حال آنکه کسی نیکو نیست جز خدا فقط.» (۱۹:۱۷ متی و ۱۰:۱۸ مرقس و ۱۸:۱۹ لوقا).

نتیجه

با اینهمه باید از مباحثات بی‌جا خودداری کرد همانطور که پولس در شماره ۱۷ و ۱۴:۲۰ رومیان می‌نویسد: «ملکوت خدا اکل و شرب نیست بلکه عدالت و سلامتی و خوشی در روح القدس است.» و «به جهت خوراک کار خدا را خراب مساز.» و در شماره ۲۲ و ۲:۲۳ رساله دوم تیموتاؤس می‌نویسد: «از شهوات جوانی بگریز و با آنانی که از قلب خالص نام خداوند را می‌خوانند عدالت و ایمان و

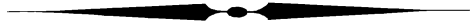


محبت و سلامتی را تعاقب نما. * لیکن از مسائل بیهوده و بی تأدیب اعراض نما چون میدانی که نزاع‌ها پدید می‌آورد.» و در شماره ۹ و ۱۰: ۳ تیطس می‌نویسد: «از مباحث نامعقول و نسب‌نامه‌ها و نزاع‌ها و جنگهای شرعی اعراض نما زیرا بی ثمر و باطل است * و از کسی که اهل بدعت باشد بعد از یکی دو نصیحت اجتناب نما.» پس عیسی مسیح چه خدا باشد چه پسر خدا چه پیغمبر مخصوص و نبی مثل موسی و چه پیغمبری مثل پیغمبران دیگر باید دید چه می‌خواهد و چه هدفی دارد. آنچه مهم است این است که مسیح می‌خواهد «گناهکاران توبه کنند و دست از گناه بکشند و دیگر گناه نکنند.» توبه یعنی بازگشت از گناه بسوی احکام خدا و گناه نکردن.

عیسی می‌خواهد احکام تورات اجرا شود و مردم کسی را جز خدا عبادت (اطاعت و خدمت) نکنند و آدم نکشند، دزدی نکنند، زنا ننمایند، شهادت دروغ ندهند، به مال دیگران طمع نورزند، به پدر و مادر خود احترام بگذارند و همسایه خود را مثل نفس خود محبت نمایند. در صورتیکه تمام اینکارهایی که نباید بشود می‌شود و کارهایی که باید بشود نمی‌شود و بسیاری از روزنامه‌ها و مجلات و فیلم‌ها و تئاترها و شعرها و آوازاها و موسیقی‌ها و رادیوها و تلویزیون‌ها و کتاب‌ها به آن دامن می‌زنند و فساد را گسترش می‌دهند.

مسیحی واقعی که می‌بیند احکام خدا زیر پا گذاشته می‌شود و تعالیم مسیح در هیچ کشوری اجرا نمی‌شود وظیفه خود می‌داند که برای اجرای تعالیم مسیح و ریشه کن کردن گناهان یعنی از بین بردن قتل‌ها و زناها و دزدی‌ها و شهادت دروغ تمام مسیحیان و دینداران واقعی و اصلاح طلبان و عدالت خواهان حقیقی را متحد کند و مردم را با حقایق تعالیم مسیح و همه پیامبران الهی آشنا سازد و آنها را به اتحاد برای ریشه کن ساختن گناه و بدکاری دعوت کند. مسیحی واقعی چنین اعتقادی دارد و

چنین کاری را وظیفه خود می‌داند و در راه آن عاقلانه تلاش می‌کند. مسیحی واقعی می‌داند «نه هر که گفت مسیح خداوند است وارد ملکوت آسمان می‌شود بلکه آنکس که اراده خدا را بجا آورد.» و اراده خدا که توسط پیامبرانش به مردم ابلاغ شده این است که ظلم و فساد از بین برود و در دنیا اثری از قتل و زنا و دزدی و شهادت دروغ وجود نداشته باشد. مسیحی واقعی می‌داند «تا عدالت کسی بر عدالت کاتبان و فریسیان افزون نشود هرگز داخل ملکوت آسمان نخواهد شد.» اگرچه «بنام مسیح نبوت کند و شفا دهد و معجزه نماید.» مسیحی واقعی می‌داند «مسیح آمده است تا گناهکاران توبه کنند.» و از جهنم و تنور آتش نجات یابند و می‌داند «کسی که گفت (نه) ولی دستور خدا را انجام داد مسیحی واقعی است نه کسی که گفت (آری) ولی دستور خدا را انجام نداد.»





یادداشت

A series of horizontal dotted lines for writing, spanning the width of the page below the header.